
دعاهای صادره از امام زمان
در عصر غیبت صغری


بسم الله الرحمن الرحیم

دعاهای صادره از امام مهدی (علیه السلام) در عصر غیبت صغری

نویسنده:

محمد تقی اکبر نژاد

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دعاهای صادره از امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغری

مشخصات کتاب

عنوان و نـام پدیـدآور : دعاهـای صـادره از امام مهـدی عجل الله تعالی و فرجه الشـریف در عصـر غیبت صـغری/ گردآورنـده محمدتقی اکبر نژاد.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۴۸ص.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۹۸-۸ :

موضوع : دعاها

موضوع : دعاهای امام زمان(عج).

شناسه افزوده : اکبرنژاد ، محمدتقی، گردآورنده

رده بندی کنگره : BP۲۷۰/د۷ ۱۳۸۸

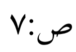
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۴۴۵۵۳

ص:۱

اشاره




ص:٧

سخن ناشر

بسمه تعالی

السلام علی القآئم المنتظر والعدل المشتهر

در جهان امروز که با تبلیغ بی دینی و افکار انحرافی توسط مـدّعیان جهان تک قطبی و حقوق بشـر دروغین، جوانان مسـلمان و دیگر ادیان را به بیراهه می کشاننـد، امید به منجی موعود ومهدی منتظَر، چراغ هدایت پویندگان راه حقّ و حقیقت خواهد بود. لذا برآن شدیم کتاب مجموعه کامل نامه ها و فرمایشات امام زمان علیه السلام در عصر غیبت صغری، که توسط مؤلف محترم جناب آقای محمّـد تقی اکبر نژاد ترجمه گردیده است، را به زیور طبع بیاراییم. امید است در عصـر کنونی که انقلاب اسـلامی نـدای رسای منادیان دین و اسـلام ناب محمّدی - صـلّی اللَّه علیه وآله - را به گوش جهانیان رسانده و می رساند، انجام وظیفه ای کرده باشیم.

از همه عزیزانی که ما را در رسیدن به این هدف پشتیبانی

می نمایند؛ خصوصاً حضرت حضرت آیت اللّه وافی تولیت محترم و مدیران مسجد مقدّس جمکران و همکاران کمال تشکّر را داریم و امید است در پناه حضرت مهدی – عجل اللّه تعالی فرجه الشریف – اهداف مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای را در عصر کنونی به منصه ظهور رسانیم.

مدیریت انتشارات

مسجد مقدّس جمکران

حسین احمدی

مقدمه

سلام و درود خدا بر مجاهدان راه خدا

سلام و درود خدا بر سربازان سبز پوشی که حتی در عصر غیبت دست از جانبازی بر نداشتند و قدم در راه مبارزه گذاشتند.

سلام و درود خدا بر آنان که مصداق بارز «أُولئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(۱) هستند. زیرا در میان حزب های متشتّت و آلوده، خدا را صدا زدند و به رستگاری رسیدند.

آنان که بعد از رستگاری و استقامت به غلبه کامله الهیه دست یافتند «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ»(۲) آنان که با عده کم خود بر عده زیاد دشمنان تا دندان مسلح غلبه کردند «کَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثیرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرینَ»(۳) و به دنبال طالوت زمانشان بر جالوت اسرائیل تاختند و لشکریان کفر را که با تکبّر بر خود می بالیدند، خوار و ذلیل کرده و از هم پاشیدند «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ»(۴)

۱- ۱. مجادله / ۲۲.

۲- ۲. مائده / ۵۶.

۳- ۳. بقره / ۲۴۹.

۴- ۴. بقره / ۲۵۱.

و همچون داود جالوت زمان خویش را به هلاکت رساندند «وَقَتَلَ داوُدُ جالُوتَ»(۱) و به عزّت و ملک دست یافتند. «وَ آتاهُ اللَّهُ الْمُلْکَ»(۲) که اگر خدا چنین بندگانی نداشت، جالوتیان زمین را به فساد کامل می کشیدند و تمام روزنه های امید را به روی مردمان مستضعف می بستند. «وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلکِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْعالَمینَ»(۳)

آری سلام و درود بی پایان خدا و ملائکه و انبیای الهی و اوصیای اخیار و تمام بندگان صالح و مستضعفان عالم بر آنان باد.

سلام و درود خدا بر رزمندگان غیور حزب اللّه لبنان و رهبر عربی آنان سیّد حسن نصراللّه که بعد از سال ها مبارزه با ظلم، قدرت قاهره الهی را به رخ تمام جالوتیان کشیدند و تجلی گاه عزّت و افتخار اسلامی شدند.

از آن جهت که اتمام این اثر مصادف با غلبه حزب خدا بر حزب شیطان و رسوایی اسرائیل و تجلی عزّت اسلامی مردم لبنان بود، این اثر را به تمام رزمندگان غیور آن دیار و به خصوص رهبر آزاده و غیرتمندشان سیّد حسن نصراللّه تقدیم می داریم.

محمّد تقی اکبرنژاد

۱- ۵. بقره / ۲۵۱.

۲- ۶. بقره / ۲۵۱.

۳- ۷. بقره / ۲۵۱.

سه نوع استخاره از حضرت بقیه اللَّه (ارواحنا له الفداء)

دعای اوّل

استخاره در لغت به معنای درخواست خیر و برکت است. و در اصطلاح به دعا و یا هر عملی گفته می شود که شخص متحیّر می کوشد تا به واسطه آنها از خداوند متعال راه صحیح را درخواست نماید و از انحراف مصون بماند.

به همین جهت استخاره محدود به قرآن و تسبیح نخواهد شد. بلکه بهترین استخارات شامل دعاهایی خواهند بود که شخص با آنها از خداوند خیر و صلاح را درخواست می کند. به عنوان نمونه می توان به نماز استخاره و دعای استخاره که در مجموعه های مربوطه ذکر شده اند اشاره نمود.

استخاره در منابع دینی:

اصل استخاره کردن، جزء متواترات و یقینیات دین ما است و کسی که اندک تأملی در منابع روایی داشته باشد، تواتر معنوی استخاره را درخواهد یافت.

اقسام استخاره:

در منابع روایی پنج نوع استخاره معرفی شده است که عبارتند از:

۱ - استخاره با دعا

۲ - استخاره با نماز

۳ - استخاره با قرآن

۴ - استخاره با تسبیح

۵ – استخاره با تکه های کاغذ

و از آنجا که دو نوع اوّلی در مجموعه های مربوطه آورده شده است، در مجموعه حاضر تنها به معرفی سه نوع باقی مانده خواهیم پرداخت و از هر کدام به دو روش اشاره خواهیم کرد.

جهت دسترسی به انواع استخارات به کتاب نور الجنان از همین مؤلف و یا حواشی مفاتیح الجنان مراجعه نمایید.(۱)۹. فتح الابواب، ص ۲۰۵، استخاره(۲)

این اسماء الهی بعد از نماز حاجت یا در هر حال دیگر جهت درخواست خیر از خدا خوانده می شود. ابودلف گفته است که این دعا آخرین توقیع صادره از حضرت بقیه اللّه می باشد.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی عَزَمْتَ بِهِ عَلَی السَّمَاوَاتِ خدایا از تو می خواهم به حرمت اسمی که با آن، آسمان ها و زمین را اراده کردی و به آسمان وَالْأَرْضِ فَقُلْتَ لَهُمَا ائْتِیا طَوْعاً أَوْ کَرْهاً قالَتا أَتَیْنا طائِعِینَ و زمین امر کردی که خواه، ناخواه به وجود آیند و آنها گفتند که ما با فرمانبرداری و طیب نفس خلق وَبِاسْمِکَ الَّذِی عَزَمْتَ بِهِ عَلَی عَصَا مُوسَی فَإِذا هِیَ تَلْقَفُ می شویم. و به حرمت اسمی که با آن، بر عصای موسی اراده کردی در نتیجه عصای او حیله های ما یَأْفِکُونَ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَهِ ساحران را بلعید از تو درخواست می کنم به حرمت آن اسمت، که با آن، دل های ساحران را به سوی

۱– به اسماء در نماز حاجت

۲– ۸. حقیقت استخاره:دعاء مولانا الامام المهدی.

إِلَیْکَ حَتَّی قالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعالَمِینَ رَبِّ مُوسی وَهارُونَ أَنْتَ خود متمایل کردی تا جایی که آنها گفتند: «ما به پروردگار جهان هستی یعنی پروردگار موسی و هارون اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ وَ أَسْأَلُکَ بِالْقُدْرَهِ الَّتِی تُبْلِی بِهَا کُلَّ جَدِیدٍ ایمان آوردیم.»(۱) تو خدا و پروردگار عالمیان هستی. و از تو می خواهم به حرمت قدرتی که هر چیز وَتُجَدِّدُ بِهَا کُلَّ بَالٍ وَأَسْأَلُکَ بِکُلِّ حَقٍّ هُوَ لَکَ وَبِکُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ جدیـدی را کهنه و هر چیز کهنه ای را تازه می کنـد. از تو می خواهم به خاطر تمام حقوقی که داری و تمام عَلَیْکَ. إِنْ کَانَ هَـٰذَا الْأَمْرُ خَیْراً لِی فِی دِینِی وَدُنْیَایَ وَآخِرَتِی حقوقی که بر عهـده گرفته ای.(۲) اگر این کـاری که می خواهم انجـام دهم، برای دین و دنیا و آخرت أَنْ تُصَـلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَـلِّمَ عَلَیْهِمْ تَسْلِیماً وَتُهَیِّئَهُ من مفید است، در این صورت بر محمّد و خاندان او سـلام و درودت را بفرست و آن را وَتُسَـهِّلَهُ عَلَیَّ وَتَلْطُفَ لِی فِیهِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. بر من سهل و آسان گردان و مرا درباره آن مورد لطف خود قرار بده، ای مهربانترین مهربانان. وَإِنْ کَانَ شَرّاً لِی فِی دِینِی وَدُنْیَایَ وَآخِرَتِی أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی اما اگر شرّ دین و دنیا و آخرت من در آن باشد، در این صورت بر محمّد و خاندانش

۱- ۱۰. اعراف /۱۲۱.

۲- ۱۱.ماننـد حقوقی که خداونـد متعال طبق حکمت خود در قبال بندگان خویش بر عهده گرفته است؛ مانند هدایت و روزی دادن و امثال آنها

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيماً وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّی بِمَا سلام و صلوات بفرست و مرا از آن به گونه ای که خود می خواهی بازدار و مرا به قضای خودت شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ وَتُرْضِيَنِی بِقَضَائِكَ وَتُبَارِكَ لِی فِی قَدَرِكَ حَتَّى راضی کن و در تقدیراتت برای من وسعت عنایت کن تا جایی که اگر چیزی را جلو انداختی، لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ شَیْ ءٍ أَخَّرْتَهُ وَلَا تَأْخِيرَ شَیْ ءٍ عَجَّلْتَهُ. فَإِنَّهُ تأخیرش را دوست نداشته باشم و اگر عقب انداختی، تعجیلش را دوست نداشته باشم. قطعاً لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ يَا عَلِیُّ يَا عَظِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. هیچ مانع و نیرویی غیر از خدا نیست. ای بالاتر و عظیم تر از هر چیزی ای صاحب جلالت و اکرام.

ص:۱۸

دعای دوم

استخاره با تسبیح از حضرت قائم علیه السلام(۱)

علامه حلی رحمه الله با چند واسطه از حضرت قائم علیه السلام استخاره ای را نقل می کند که از این قرار است:

ابتدا: ده بار سوره حمد، حداقل سه بار و لااقل یکبار قرائت شود.

بعد: ده بار سوره قدر قرائت شود.

سپس این دعا سه بار خوانده شود:

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَخِیرُکَ لِعِلْمِکَ بِعَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَأَسْتَشِیرُکَ لِحُسْنِ خدایا بی تردید از تو خیرخواهی می کنم، به خاطر اینکه تو از نتیجه کارها خبر داری و با تو مشورت ظَنِّی بِکَ فِی الْمَأْمُولِ وَالْمحْذُورِ. اَللَّهُمَّ إِنْ کَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِیُّ می کنم؛ زیرا در خوب و بد امور حُسن ظن و اطمینان کاملی به تو دارم. خدایا اگر فلان قَدْ نِیطَتْ بِالْبَرَکِهِ أَعْجَازُهُ وَبِوَادِیهِ وَحُفَّتْ بِالْکَرَامَهِ أَیَّامُهُ کار اوّل و آخرش با برکت به هم برسد و شب و روز آن را با کرامت و برکت، احاطه کند، وَلَیَالِیهِ فَخِرْ لِی فِیهِ خِیَرَهً تَرُدُّ شَمُوسَهُ ذَلُولاً وَتَقْعَصُ أَیَّامَهُ در این صورت آن را برای من اختیار کن تا خورشیدش مطیع من باشد و روزهایش با شادی

ص:۱۹

۱- ۱۲. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۳، باب ۶ - استحباب الاستخاره بالدعاء.

سُرُوراً. اَللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَأْتَمِرُ وَإِمَّا نَهْىٌ فَأَنْتَهِى سپری گردد. خـدایا اگر امر آن کار می کنی، عمل می کنم. اگر نهی کنی، اقـدام نمی کنم. اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَخِیرُکَ بِرَحْمَتِکَ خِیَرَةً فِی عَافِیَهٍ.

خدایا خیر خواهی می کنم با رحمت تو، انتخابی که در عافیت باشد.

بعـد از آن نیت کرده و مقـداری از تسبیـح را می گیرد. آن را دو تا دو تا کم می کنـد. اگر در پایان دو تا مانـد، خوب است و اگر فقط یکی ماند، بد است.

ص:۲۰

دعای سوم

استخاره با تکه های کاغذ

حمیری ضمن سؤالی از حضرت بقیه اللّه سؤال می کند:

سؤال: برای کسی مشکلی پیش می آید که نمی داند چه کار بکند. دو انگشتر بر می دارد و در یکی می نویسد: بله انجام بده و در دیگری می نویسد: نه انجام نده. آنگاه مدام از خدا می خواهد که او را به راه پر خیر و برکت راهنمایی کند و سپس یکی از آنها را انتخاب می کند. هر کدام که آمد، طبق آن عمل می کند. آیا این نوع استخاره کردن جایز است؟

جواب: آنچه که سنت معصوم علیه السلام است، نماز و استخاره با تکه هاست.(۱)

---

۱ – ۱۳. روش استخاره با تکه های کاغذ: هرگاه قصد استخاره داشتی شش تکه کاغذ بردار و بر روی سه تای آنها بنویس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ خِیَرَهً مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ افْعَلْهُ» و بر روی سه تای دیگر بنویس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ خِیَرَهً مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ لَا تَفْعَلْ» سپس آنها را با هم مخلوط کن و در زیر چیزی که بر روی آن نماز می خوانی قرار بده و دو رکعت در همان جا نماز استخاره بخوان. بعد از نماز به سجده برو و صد بار بگو: «أَسْتَخِیرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خِیَرَهً فِی عَافِیَهٍ» و سپس از سجده بلند شو و بنشین و بگو «اللَّهُمَّ خِرْ لِی وَاخْتَرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی فِی یُسْرٍ مِنْکَ وَعَافِیَهٍ» در نهایت دستت را به زیر لحاف و یا هر چیزی که بر روی آن نماز می خواندی ببر و تکه های کاغذ را به هم بزن و یکی یکی خارج کن. اگر سه تا پشت سر هم اِفعَل ؛ یعنی کلمه آخر دعا: اِفعَلْهُ آمد خیر است و اگر سه تا پشت سر هم لا تفعل آمد شرّ است و اگر یکی افعل و دیگری لا تَفْعَل آمد، تا پنج تکه را یکی یکی خارج کن، هر کدام بیشتر بود به آن اقدام کن. – کافی / ج ۳ / ص ۴۷۰ / باب صلاه الاستخاره.

دعاهای صادره برای دفع شر دشمنان و نیازهای بزرگ و استثنایی

دعای چهارم

قسمت اول

دعای فرج و گشایش مخصوص انبیاء از زبان امام زمان علیه السلام(۱)

محمّد بن علی علوی مصری نقل می کند که میان من و یکی از بزرگان شهرمان کدورتی پیش آمد که باعث شد من دچار گرفتاری بزرگی شوم و در مخمصه عجیبی گرفتار شوم. به گونه ای که هیچ راه فراری برای خودم ندیدم. از این رو به حرم اجداد شریفم یعنی حرم امام حسین علیه السلام پناه بردم. پانزده روز در آنجا ماندم. شب و روز تضرّع کردم و دعاخواندم تا اینکه حضرت قائم علیه السلام را در خواب مشاهده کردم. خدا بر او و پدرانش بهترین تحیّات و سلام ها را بفرستد.

در حالتی میان خواب و بیداری بودم، که ایشان به من فرمودند: عزیزم از فلانی ترسیدی؟

عرض کردم: بله اگر مرا پیدا کند، قصد دارد فلان جنایات را در حقّ من انجام بدهد. لذا برای شکایت، به سروران خودم پناه آورده ام. تا مرا از دست او خلاص کنند.

فرمود: تا به حال دعایی را که انبیا صلی الله علیه وآله برای گشایش گرفتاری ها می خواندند، خوانده ای؟

۱- ۱۴. مهج الدعوات، ص ۲۸۰.

عرض کردم: چگونه دعا می کردند تا من هم دعا کنم.

فرمود: وقتی که شب جمعه شد، بلند شو و غسل کن و نمازت را بخوان. زمانی که از سجده شکر فارغ شدی. در حالی که دو زانو نشسته ای این دعا را با تمام خشیت و تضرّع بخوان. ایشان پنج شب پشت سر هم آمد و حرف های قبلی و دعا را برایم تکرار کرد. تا اینکه دعا را حفظ کردم و دیگر ایشان به خوابم نیامدند.

از خواب بلند شدم، غسل کردم، لباس هایم را عوض نمودم، خودم را معطر ساخته و نماز شب را خواندم. و بر روی زانوانم نشستم و دعا را آن طور که فرموده بود، خواندم.

ایشان شب شنبه به خواب من آمد و فرمود: ای محمّد دعایت مستجاب شد و دشمنت کشته شد. خداوند او را در همان لحظه که دعا را تمام کردی، هلاک کرد.

زمانی که صبح شد، بلافاصله به حرم امام حسین علیه السلام رفته و با ایشان وداع کردم و به سوی منزلم راه افتادم. مقداری از راه را رفته بودم پیکی را که فرزندانم به دنبال من فرستاده بودند، دیدم. آنها نوشته بودند مردی که از دست او فراری بودی. عدّه ای را جمع کرده بود. آنها شب را به عیش و نوش پرداختند. وقتی که همه رفتند. او به همراه نوکرانش خوابید. وقتی که صبح شد و همه از خواب بیدار شدند. متوجّه شدند که او کوچکترین حرکتی هم ندارد. لحاف را از روی او کشیده و دیده اند که او از پشت گردن بریده شده و خونش جاریست. این اتفاق در شب جمعه افتاده است. آنها هم نمی دانند که

چه کسی این کار را انجام داده است. زمانی که به منزل رسیدم و از زمان دقیق هلاکتش پرسیدم. متوجّه شدم که دقیقاً همزمان با پایان دعای من بوده است.

اما دعا:

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِی دَعَاکَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِی سَأَلَکَ فَلَمْ تُعْطِهِ پروردگارا! کیست که تو را صدا بزند اما جوابش را نداده باشی. کیست که از تو و نداده باشی. وَمَنْ ذَا الَّذِی نَاجَاکَ فَخَیَّبْتَهُ أَوْ تَقَرَّبَ إِلَیْکَ فَأَبْعَدْتَهُ رَبِّ هَذَا درخواستی کند کیست که تو را بخواند و مأیوسش کنی. کیست که خود را به تو نزدیک کند فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ مَعَ عِنَادِهِ وَکُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَادِّعَائِهِ الرُّبُوبِیَّهَ و تو دورش کنی. پروردگارا! فرعون مقتدر را با وجود تمام لجاجت و کفر و سرکشی لِنَفْسِهِ وَعِلْمِکَ بِأَنَّهُ لَایَتُوبُ وَلَایَرْجِعُ وَلَایَئُوبُ وَلَایُؤْمِنُ و ادّعای خدایی اش و با وجود اینکه تو می دانستی او توبه نمی کند و بر نمی گردد و ایمان وَلَا یَخْشَعُ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَأَعْطَیْتَهُ سُؤْلَهُ کَرَماً مِنْکَ وَجُوداً نمی آورد و بنده خاشعی نمی شود. با وجود همه اینها دعایش را مستجاب کردی و خواسته اش وَقِلَّهَ مِقْدَارِ لِمَا سَأَلَکَ عِنْدَکَ مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ أَخْذاً بِحُجَّتِکَ را دادی؛ زیرا تو بزرگواری و آنچه که او می خواست برای تو کوچک بود، اگر چه برای او

عَلَيْهِ وَتَأْكِيداً لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ وَاسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ بزرگ بوده باشد. این کار را کردی تا اتمام حجّت کرده باشی و آن را تأکید کنی. آن هم در وَبِكُفْرِهِ عَلَيْهِمُ افْتَخَرَ وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ هنگامی که او گناه می کرد و کفر می ورزید و بر قوم خود بزرگی می کرد. او تکبر می ورزید و با فَكَتَبَ وَحَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ أَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُغْرَقَ کفرش بر قوم خود افتخار می کرد و با ظلم به خود کبر می وزید و با حلم تو ادعاهای بزرگ فِي الْبَحْرِ فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ داشت. به همین خاطر تو بر خود واجب کردی که او را به خاطر جسارتش عذاب کنی و عذاب ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ مثل او، آن بود که او را در میان دریای نیل غرق کردی. خدایا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز خَالِقِي لَا إِلَهَ لِي غَيْرُكَ وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ مُقِرٌّ بِأَنَّكَ رَبِّي وَإِلَيْكَ تو هستم. به عبودیّت تو اعتراف می کنم. اقرار می کنم که تو خدا و خالق منی و خدایی جز تو إِيَابِي عَالِمٌ بِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ نیست. پروردگاری غیر از تو ندارم. اقرار می کنم که تو پروردگار منی و به سوی تو خواهم آمد. مَا تُرِيدُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِكَ وَلَا رَادَّ لِقَضَائِكَ وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ می دانم که تو بر هرکاری توانایی و هر کاری که اراده کنی و هر حکمی که بخواهی می کنی.

ص:۲۵

وَالظَّاهِرُ وَالْباطِنُ لَمْ تَکُنْ مِنْ شَیْ ءٍ وَلَمْ تَبِنْ عَنْ شَیْ ءٍ کُنْتَ قَبْلَ کسی حکمت را عقب نمی اندازد و قضایت را برنمی گرداند و تو اوّل و آخر و ظاهر و باطن همه کُلِّ شَیْ ءٍ وَأَنْتَ الْکَائِنُ بَعْدَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَالْمُکَوِّنُ لِکُلِّ شَیْ ءٍ خَلَقْتَ چیز هستی. از هیچ چیز نیستی و از چیزی ساخته نشده ای. قبل از همه بودی و بعد از همه نیز کُلَّ شَیْ ءٍ بِتَقْدِیرٍ وَأَنْتَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ وَأَشْهَدُ أَنَّکَ کَذَلِکَ کُنْتَ خواهی بود و هستی بخش همه چیز نیز هستی. هر چیز را به اندازه آفریدی و شنوا و بینایی. وَتَکُونُ وَأَنْتَ حَیٌّ قَیُّومٌ لَا تَأْخُذُکَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ وَلَا تُوصَفُ شهادت می دهم که تو همان طور بودی و خواهی بود. تو زنده و قوام بخشی و زمان و خواب بِالْأَوْهَامِ وَلَا تُدْرَکُ بِالْحَوَاسِّ وَلَا تُقَاسُ بِالْمِقْیَاسِ وَلَا تُشْبِهُ و افکار و حواس و مقایسات، هیچکدام گنجایش تو را ندارند. شبیه انسان ها نیستی و تمام بِالنَّاسِ وَإِنَّ الْخَلْقَ کُلَّهُمْ عَبِیدُکَ وَإِمَاؤُکَ وَأَنْتَ الرَّبُّ وَنَحْنُ مخلوقات، بندگان و کنیزان تو هستند. تو پروردگار و ما مورد تحت تربیت هستیم. تو خالق الْمَرْبُوبُونَ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَ نَحْنُ الْمخْلُوقُونَ وَأَنْتَ الرَّازِقُ و ما مخلوق، تو روزی دهنده و ما روزی خوار تو هستیم. با این حساب، همه ستایش ها وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ فَلَکَ الْحَمْدُ یَاإِلَهِی إِذْ خَلَقْتَنِی بَشَراً سَوِیّاً متعلق به توست. ای خدای من، زمانی که مرا به صورت انسانی متعادل آفریدی و بی نیاز

ص:۲۶

وَجَعَلْتَنِی غَنِیّاً مَکْفِیّاً بَعْدَ مَا کُنْتُ طِفْلًا صَبِیّاً تُقَوِّتُنِی مِنَ الثَّدْیِ از دیگران ساختی در حالی که من در آغاز طفلی ضعیف بودم که از پستان، شیر گوارا لَبَناً مَرِیئاً وَغَذَّیْتَنِی غِذَاءً طَیِّباً هَنِیئاً وَجَعَلْتَنِی ذَکَراً مِثَالاً سَوِیّاً می خوردم، تو غذای پاک و گوارایی دادی و مرا مردی متعادل و سالم آفریدی. پس حمد فَلَکَ الْحَمْدُ حَمْداً إِنْ عُدَّ لَمْ یُحْصَ وَإِنْ وُضِعَ لَمْ یَتَّسِعْ لَهُ شَیْ ءٌ و ثنا مخصوص توست. ثنایی که اگر شمارش شود، به شمارش نیاید و اگر قرار داده شود، حَمْداً یَفُوقُ عَلَی جَمِیعِ حَمْدِ الْحَامِدِینَ وَیَعْلُو عَلَی حَمْدِ کُلِّ جایی وسعت آن را نداشته باشد. ثنایی مافوق ثنای همه ثناگویان که از حمد هر چیزی شَیْ ءٍ وَیُفَخِّمُ وَیُعَظِّمُ عَلَی ذَلِکَ کُلِّهِ وَکُلَّمَا حَمِدَ اللَّهَ شَیْ ءٌ بالاتر باشد و بر همه آنها و تمام کسانی که خدا را حمد و ثنا گفته اند، غلبه یابد. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ کَمَا یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُحْمَدَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ وَزِنَةَ خدا را ثنا می گویم. آن طور که دوست دارد ثنا شود. او را به تعداد مخلوقاتش و وزن مَا خَلَقَ وَزِنَةَ أَجَلِّ مَا خَلَقَ وَبِوَزْنِهِ [بِوَزْنِ أَخَفِّ مَا خَلَقَ وَبِعَدَدِ آنها و وزن بزرگ ترین آنها و کوچک ترینشان و به تعداد کوچکترین مخلوقاتش حمد أَصْغَرِ مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّی یَرْضَی رَبُّنَا وَبَعْدَ الرِّضَا وَأَسْأَلُهُ و ستایش می کنم. او را ثنا می گویم تا جایی که راضی شود و از او می خواهم

أَنْ يُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ یَغْفِرَ لِی رَبِّی وَأَنْ یَحْمَدَ تا بر محمّد و خانـدانش درود بفرستد و مرا ببخشد و کار مرا نیکو گردانـد لِی أَمْرِی وَیَتُوبَ عَلَیَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ. إِلَهِی وَإِنِّی أَنَا و توبه ام را بپـذیرد؛ زیرا او توبه پـذیر و مهربان است. خـدایا و ایـن منـم کـه أَدْعُوکَ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ صَفْوَتُکَ أَبُونَا آدَمُ علیه السلام تـو را می خـوانم و از تو درخواست می کنم. بـا همـان نامی که برگزیـده تو پـدرمان آدم علیه السـلام وَهُوَ مُسِیءٌ ظَالِمٌ حِینَ أَصَابَ الْخَطِیئَهَ فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِیئَتَهُ وَتُبْتَ که به خـودش ظلم کرد و مرتکب خطـا شـد. پس خطـایش را پوشانـدی و تـوبه اش را پـذیرفتی عَلَیْهِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ و دعایش را مستجاب کردی و به او نزدیک بودی. ای نزدیک، از تو می خواهم تا عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی وَتَرْضَی عَنِّی بر محمّد و خاندانش درود و سـلام فرستی و خطایم را ببخشـی و از من راضی باشی. اگر از فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّی فَاعْفُ عَنِّی فَإِنِّی مُسِیءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ عَاصٍ من راضی نشدی اقلاً مرا ببخش؛ زیرا من گنهکاری هستم که به خودم ظلم کردم. که آقا، وَقَدْ یَعْفُو السَّیِّدُ عَنْ عَبْدِهِ وَلَیْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ وَأَنْ تُرْضِیَ عَنِّی حتی اگر از بنده اش راضی نباشد، از او بگذرد. خلقت را از من راضی کن خطاکاری معصیت کارم

خَلْقَكَ وَتُمِيطَ عَنِّى حَقَّكَ. إِلَهِى وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ و این طبیعی است و از حقی که به گردنم داری، بگذر. الهی همین طور درخواست می کنم با اسمائی إِدْرِيسُ علیه السلام فَجَعَلْتَهُ صِدِّيقاً نَبِيّاً وَرَفَعْتَهُ مَكَاناً عَلِيّاً وَاسْتَجَبْتَ که ادریس با آنها تو را خواند تو نیز او را صدیق و نبی قرار دادی و به او جایگاه بلندی دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عنایت کردی و دعایش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی، بر محمّد و خاندانش وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ مآبِى إِلَى جَنَّتِكَ وَمَحَلِّى فِى رَحْمَتِكَ درود بفرست و بازگشتم را به بهشت و جایگاهم را در رحمتت قرار بده و مرا با عفو وَتُسْكِنَنِى فِيهَا بِعَفْوِكَ وَتُزَوِّجَنِى مِنْ حُورِهَا بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرُ. خودت در آن ساکن کن و از حور بهشت، همسری برایم عنایت کن، با قدرت بی پایانت، ای توانا. إِلَهِى وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ علیه السلام إِذْ نَادَى رَبَّهُ الهی، همین طور درخواست می کنم با اسمائی که نوح با آنها تو را خواند. زمانی که صدا وَهُوَ أَنِّى مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ کرد. «پروردگارا من مغلوب شده ام، مرا یاری کن. درهای آسمان را با آبی ریزان، به رویش وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْماءُ عَلى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَحَمَلْناهُ گشودیم و چشمه های زمین را شکافتیم. آب برای کاری که مقدّر شده بود، فرو ریخت.

وَنَجَّیْنَاهُ عَلی ذاتِ أَلْواحٍ وَدُسُرٍ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً او را بر روی چوب ها و میخ ها نجات دادیم.»(۱) دعایش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی. یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِیَنِی مِنْ ظُلْم ای نزدیک. پس بر محمّد و خاندانش درود بفرست و مرا از ظلم کسی که قصد ظلم کردن مَنْ یُرِیدُ ظُلْمِی وَتَکُفَّ عَنِّی شَرَّ کُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَعَدُوٍّ قَاهِرٍ به من را دارد، نجات بده و شرّ هر سلطان ظالم و دشمن بی رحم و تحقیر کننده توانا وَمُسْتَخِفٍّ قَادِرٍ وَجَبَّارٍ عَنِیدٍ وَکُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ وَإِنْسِیٍّ شَدِیدٍ و متکبّر لجوج و هر شیطان انسی، که مرا قصد کرده است و مکر هر حیله گر را وَکَیْدِ کُلِّ مَکِیدٍ یَا حَلِیمُ یَا وَدُودُ. إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی از من دور کن. ای بردبار و ای دلسوز الهی و درخواست می کنم بـا اسـمها، دَعَاکَ بِهِ عَبْدُکَ وَنَبِیُّکَ صَالِحٌ علیه السلام فَنَجَّیْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ وَأَعْلَیْتَهُ که با آن آنها بنده و فرستاده ات صالح علیه السلام تو را خواند تو نیز او را از خفّت و ذلّت عَلَی عَدُوِّهِ وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ نجات دادی و او را بر دشمنانش مسلط کردی و دعایش را مستجاب نمودی و نزدیک او بودی. عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخَلِّصَنِی مِنْ شَرِّ مَا یُرِیدُ بِی أَعْدَائِی بر محمّد و خاندانش درود و سلام فرست و مرا از شرّ نیّات بد دشمنانم

ص:۳۰

۱- ۱۵. اشاره به آیات ده تا سیزده سوره قمر دارد.

بِهِ وَيَبْغِي لِي حُسَّادِي وَتَكْفِيَنِيهِمْ بِكِفَايَتِكَ وَتَتَوَلَّانِي بِوَلَايَتِكَ و حسادت کنندگانم، نجات بده و جلوی شرّشان را بگیر و مرا ولایت پذیر ولایت خویش کن. وَتَهْدِيَ قَلْبِي بِهُدَاكَ وَتُؤَيِّدَنِي بِتَقْوَاكَ وَتُبَصِّرَنِي بِمَا فِيهِ رِضَاكَ دلم را به نورت هدایت کن و مرا با تقوا کمک کن و به اموری که رضای تو در آن است، وَتُغْنِيَنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آگاهم نما و با غنای خودت، مرا بی نیاز کن ای بردبار. الهی و در خواست می کنم عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَخَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمُ علیه السلام حِينَ أَرَادَ نُمْرُودُ إِلْقَاءَهُ فِي النَّارِ فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلَاماً وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً و تو آن را خنک و خوشایند کردی و دعایش را مستجاب کردی و به او نزدیک بودی. يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَرِّدَ عَنِّي حَرَّ بر محمّد و خاندانش درود فرست و حرارت آتشت را بر من خنک گردان و زبانه هایش نَارِكَ وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهِيبَهَا وَتَكْفِيَنِي حَرَّهَا وَتَجْعَلَ نَائِرَةَ أَعْدَائِي فِي را خاموش کن. آتشی را که دشمنانم برافروخته اند، در موها و لباس های خودشان قرار بده. شِعَارِهِمْ وَدِثَارِهِمْ وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ فِي نَحْرِهِمْ وَتُبَارِكَ لِي فِيما أَعْطَيْتَنِيهِ حیله هایشان را به خودشان برگردان و در آنچه که به من عنایت کرده ای، وسعت بخش.

کَمـا بَارَکْتَ عَلَیْهِ وَعَلی آلِهِ إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِیـدُ المجِیـدُ. همان طور که بر محمّـد و خانـدانش برکت دادی. بی شک تو بخشـنده و سـتوده و اهل بخشـش هستی. إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ بِالْإِسْمِ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ إِسْـمَاعِیلُ علیه السلام فَجَعَلْتَهُ الهی و درخواست می کنم با نامی که اسـماعیل با آن تو را خواند و او را نَبِیّاً وَرَسُولاً وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَکَ مَنْسَـکاً وَمَسْـکَناً وَمَأْوًی وَاسْـتَجَبْتَ نبی و رسول کردی و حَرَمت را عبادتگـاه و منزل او قرار دادی. دعـایش را لَهُ دُعَـاءَهُ رَحْمَهً مِنْـکَ وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَـلِّیَ عَلَی از سـر رحمتت پـذیرفتی و به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمّد مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْسَحَ لِی فِی قَبْرِی وَتَحُطَّ عَنِّی وِزْرِی و خانـدانش درود فرست و قـبرم را وسـعت بخش و گناهـانم را بسـوزان وَتَشُـدَّ لِی أَزْرِی وَتَغْفِرَ لِی ذَنْبِی وَتَرْزُقَنِی التَّوْبَهَ بِحَطِّ السَّیِّئَاتِ و پایه هایم را محکم کن و گناهانم را ببخش و توبه و افزایش نعمات وَتَضَاعُفِ الْحَسَـنَاتِ وَکَشْفِ الْبَلِیَّاتِ وَرِبْحِ التِّجَارَاتِ وَدَفْعِ مَعَرَّهِ و از میان رفتن بلایا و سود آور شـدن تجارات و دفع شـرّ خبرچین ها را روزیم کن. السِّعَایَاتِ إِنَّکَ مُجِیبُ الدَّعَوَاتِ وَمُنْزِلُ الْبَرَکَاتِ وَقَاضِی الْحَاجَاتِ چرا که تو دعاها را مستجاب و برکات را نازل و حوائج را برطرف کننده و خیرات

ص:۳۲

وَمُعْطِی الْخَیْرَاتِ وَجَبَّارُ السَّمَاوَاتِ. إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ بِمَا سَأَلَکَ بِهِ را عنایت کننده و آسمان ها را اداره کننده هستی. الهی و درخواست می کنم با نام هایی ابْنُ خَلِیلِکَ الَّذِی نَجَّیْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ وَفَدَیْتَهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ وَقَلَبْتَ لَهُ که فرزند ابراهیم، که او را از قربانی شدن نجات

قسمت دوم

دادی و او را با ذبحی عظیم نجات دادی. الْمِشْقَصَ حَتَّی نَاجَاکَ مُوقِناً بِذَبْحِهِ رَاضِیاً بِأَمْرِ وَالِدِهِ وَاسْتَجَبْتَ او را در قربانگاه غلطاندی تا اینکه با یقین به ذبح شدن تو را خواند. در حالی که لَهُ دُعَاءَهُ وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ راضی به دستور پدرش بود و تو دعایش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی ای نزدیک. وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِیَنِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ وَبَلِیَّةٍ وَتَصْرِفَ عَنِّی بر محمّد و آل او درود فرست و مرا از گرفتار و بلا نجات بده و هر نوع ظلمت کُلَّ ظُلْمَةٍ وَخِیمَةٍ وَتَکْفِیَنِی مَا أَهَمَّنِی مِنْ أُمُورِ دُنْیَایَ وَآخِرَتِی ترسناک را از من بازگردان و تمام مسائل مهم دنیوی و اُخرویم را برآورده ساز وَمَا أُحَاذِرُهُ وَأَخْشَاهُ وَمِنْ شَرِّ خَلْقِکَ أَجْمَعِینَ بِحَقِّ آلِ یس. و از تمام آنچه که می ترسم از شر مخلوقاتت حفظ کن. به حقّ آل یاسین. إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّیْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْخَسْفِ الهی و درخواست می کنم با نامی که لوط با آن تو را خواند و به همراه نزدیکانش

وَالْهَدْمِ وَالْمَثْلِ وَالشِّدَّهِ وَالْجَهْدِ وَأَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ از ذلّت و بدبختی نجات یافتند. تو نیز آنها را از گرفتاری بزرگ خارج کردی وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ و دعایش را مستجاب ساختی و همراه او بودی ای نزدیک. بر محمّد و آلش درود وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ بِجَمْعِ مَا شُتِّتَ مِنْ شَمْلِي وَتُقِرَّ عَيْنَيَّ بِوَلَدِي فرست و اراده کن تا شاخ و برگ پراکنده ام جمع شوند. فرزندان و نزدیکان و مال وَأَهْلِي وَمَالِي وَتُصْلِحَ لِي أُمُورِي وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي و هر چیزی که باعث روبه راهی زندگی ام می شود، و در تمام احوال به زندگی ام وسعت بخش. وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ وَتَكْفِيَنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ به آروزهایم برسان و از آتش نجات بده و از شرّ اشرار حفظم کن. به برکت بِالْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ الْأَئِمَّهِ الْأَبْرَارِ وَنُورِ الْأَنْوَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ برگزیدگان بندگانت، ائمه خوبان و نورهای درخشان، محمّد و خاندان الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَئِمَّهِ الْمَهْدِيِّينَ وَالصَّفْوَهِ الْمُنْتَجَبِينَ پاکش که برگزیدگان و امامان و پاکان و انتخاب شدگان و نجیبان هستند. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ وَتَمُنَّ عَلَيَّ

ص:۳۴

بِمُرَافَقَتِهِمْ وَتُوَفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ را بر من عنايت كن و مرا به همراهيشان موفق بدار، در كنار انبياى مرسل و ملائكه الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ مقرب و بندگان صالح و اهل اطاعت و حمل كنندگان عرش و بزرگان ملائكه الهى. وَالْكَرُوبِيِّينَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ يَعْقُوبُ عليه السلام الهى و درخواست مى كنم با آن نامى كه يعقوب با آن تو را خواند و دعايش را بعد وَقَدْ كُفَّ بَصَرُهُ وَشُتِّتَ جَمْعُهُ وَفَقَدَ قُرَّةَ عَيْنِهِ ابْنَهُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ از كور شدن چشمان و پراكنده شدن قوا و گم شدن عزيزش يوسف، مستجاب كردى دُعَاءَهُ وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ وَأَقْرَرْتَ عَيْنَهُ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً و قوايش را جمع كردى و چشمش را بينا و گرفتاريش را برطرف ساختى. آرى تو يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمْعِ مَا به او نزديك بودى اى نزديك. بر محمّد و آل او درود بفرست و اراده كن تا از تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي وَتُقِرَّ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَتُصْلِحَ لِي شَأْنِي دست رفته هايم جمع شوند، فرزندان و خانواده و ثروتم مايه سعادتم بوده و تمام كُلَّهُ وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَتُصْلِحَ اموراتم را سر و سامان دهى و همه احوالم را بابركت كنى و مرا به آروزهايم برسانى و اعمالم

لِی أَفْعَالِی وَتَمُنَّ عَلَیَّ یَا کَرِیمُ یَا ذَا الْمَعَالِی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ را اصلاح کنی و بر من عنایت کنی ای بزرگوار ای بلند مرتبه با رحمت وسیعت ای الرَّاحِمِینَ. إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ عَبْدُکَ وَنَبِیُّکَ مهربانترین مهربانان. الهی و درخواست می کنم با نامی که بنده و پیامبرت یوسف یُوسُفُ علیه السلام فَنَجَّیْتَهُ مِنْ غَیَابَتِ الْجُبِّ وَکَشَفْتَ ضُرَّهُ وَکَفَیْتَهُ کَیْدَ إِخْوَتِهِ وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِیَّهِ مَلِکاً وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَکُنْتَ مِنْهُ و حیله برادرانش را بی اثر ساختی و او را از غلامی به پادشاهی رساندی و پیوسته قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَدْفَعَ همراه او بودی، ای نزدیک. بر محمّد و آل او درود فرست و مکر تمام حیله گران عَنِّی کَیْدَ کُلِّ کَائِدٍ وَشَرَّ کُلِّ حَاسِدٍ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ. و شرّ تمام حسودان را از من دور کن. چرا که تو بر هر چیزی توانا هستی. إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ عَبْدُکَ وَنَبِیُّکَ مُوسَی بْنُ الهی و درخواست می کنم با نامی که بنده و پیامبرت موسی بن عمران با آن تو را خواند. عِمْرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ وَنادَیْناهُ مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَیْمَنِ آنجا که فرموده ای: او را از جانب طور صدا زدیم و او را برای مناجات خود مقرب

ص:۳۶

وَقَرَّبْناهُ نَجِيّاً وَضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقاً فِی الْبَحْرِ يَبَساً وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ تَبِعَهُ مِنْ ساختیم.(1) برای او راهی خشک و هموار در میان دریا درست کردی و او را به همراه بَنِی إِسْرَائِيلَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَهامانَ وَجُنُودَهُما وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ بنی اسرائیل نجات دادی و فرعون و هامان را به همراه لشکریانشان غرق کردی و دعایش وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ را مستجاب نمودی. آری تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. بر محمّد و خاندانش درود وَأَنْ تُعِيذَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ وَتُقَرِّبَنِی مِنْ عَفْوِكَ وَتَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فرست و مرا در پناه خود از شرّ خَلقت حفظ کن و به عفو خود نزدیک کن و نعمت هایت فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَيَكُونُ لِی بَلَاغاً أَنَالُ بِهِ را به اندازه ای عنایت کن که از همه خلقت بی نیاز شوم و با آن به مغفرت و رضایتت مَغْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ يَا وَلِيِّي وَوَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. إِلَهِی وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ دست یابم. ای ولیّ من و هر بنده مؤمنی. الهی و درخواست می کنم با اسمی که بنده الَّذِی دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ دَاوُدُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَسَخَّرْتَ لَهُ و پیامبرت داود با آن تو را خواند و دعایش را مستجاب کردی و کوه ها و پرنده ها الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ را مطیع او ساختی تا صبح و شام، با او تسبیح گویند و همگی به سوی او بر گردند.

ص:37

1- 16. مریم / 52.

وَشَدَّدْتَ مُلْکَهُ وَآتَیْتَهُ الْحِکْمَهَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ وَأَلَنْتَ لَهُ الْحَدِیدَ حکومتش را مستحکم کردی و حکمت و قضاوت دادی و آهن را در دستش نرم ساختی وَعَلَّمْتَهُ صَنْعَهَ لَبُوسٍ لَهُمْ وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ و روش ساختن زره را به او آموختی و از خطایش گذشتی و همیشه با او بودی، ای نزدیک. تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُسَخِّرَ لِی جَمِیعَ أُمُورِی وَتُسَهِّلَ بر محمّد و خاندانش درود بفرست و تمام اموراتم را مطیع اراده ام کن و تقدیراتم لِی تَقْدِیرِی وَتَرْزُقَنِی مَغْفِرَتَکَ وَعِبَادَتَکَ وَتَدْفَعَ عَنِّی ظُلْمَ الظَّالِمِینَ را آسان گردان و مغفرت و عبادتت را روزیم کن و ظلم ظالمان و حیله دشمنان وَکَیْدَ الْمُعَانِدِینَ وَمَکْرَ الْمَاکِرِینَ وَسَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَهِ الْجَبَّارِینَ وَحَسَدَ و مکّاران و قهر و غلبه فرعون ها و حسد حسودان را از من برطرف کن. الْحَاسِدِینَ یَا أَمَانَ الْخَائِفِینَ وَجَارَ الْمُسْتَجِیرِینَ وَثِقَهَ الْوَاثِقِینَ وَذَرِیعَهَ ای امان ترسیدگان و پناه پناهندگان و تکیه گاه تکیه کنندگان و وسیله الْمُؤْمِنِینَ وَرَجَاءَ الْمُتَوَکِّلِینَ وَمُعْتَمَدَ الصَّالِحِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. مؤمنان و امید توکّل کنندگان و تکیه گاه صالحان ای مهربانترین مهربانان. إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِالاِْسْمِ الَّذِی سَأَلَکَ بِهِ عَبْدُکَ وَنَبِیُّکَ سُلَیمانُ الهی و درخواست می کنم. خدایا با اسمی که بنده و پیامبر تو سلیمان با آن تو را خواند.

بْنُ دَاوُدَعلیهما السلام إِذْ قَالَ رَبِّ هَبْ لِی مُلْکاً لَا یَنْبَغِی لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِی إِنَّکَ زمانی که گفت: «پروردگارا مُلکی را به من بده که غیر از من به کسی نخواهی داد. أَنْتَ الْوَهَّابُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَأَطَعْتَ لَهُ الْخَلْقَ وَحَمَلْتَهُ عَلَی الرِّیحِ بی شک تو بخشنده ای»[(۱)] تو نیز دعایش را مستجاب کردی و مخلوقات را مطیعش کردی و مرکبش وَعَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّیْرِ وَسَخَّرْتَ لَهُ الشَّیَاطِینَ مِنْ کُلِّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ را باد قرار دادی و زبان پرندگان را به او آموختی و شیاطین و اجنّه را فرمانبرادرش کردی، تا کار وَآخَرِینَ مُقَرَّنِینَ فِی الْأَصْفادِ هَذَا عَطَاؤُکَ عَطَاءُ غَیْرِکَ وَکُنْتَ مِنْهُ بنّایی و غوّاصی را انجام دهند برخی نیز در زنجیرها زندانی شدند. این همه، عطایای تو بود. قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهْدِیَ لِی قَلْبِی نه عطایای غیر تو. آری تو همیشه با او بودی ای نزدیک. بر محمّد و خاندانش درود بفرست و قلبم را وَتَجْمَعَ لِی لُبِّی وَتَکْفِیَنِی هَمِّی وَتُؤْمِنَ خَوْفِی وَتَفُکَّ أَسْرِی وَتَشُدَّ هدایت کن و پراکندگی های عقلم را جمع کن و غم و اندوهم را برطرف کن و ترسم را به امنیّت، بدل أَزْرِی وَتُمْهِلَنِی وَتُنَفِّسَنِی وَتَسْتَجِیبَ دُعَائِی وَتَسْمَعَ نِدَائِی وَلَا تَجْعَلَ کن و اسارتم را پایان بخش و کمرم را محکم نما و به من مهلت بده و دعایم را مستجاب کن و به فِی النَّارِ مَأْوَایَ وَلَا الدُّنْیَا أَکْبَرَ هَمِّی وَأَنْ تُوَسِّعَ عَلَیَّ رِزْقِی حرف هایم گوش بده و بازگشتم را در آتش قرار نده. همتم را صرف دنیا نکن و بر روزیم وسعت بخش

ص:۳۹

۱- ۱۷. ص / ۳۵.

وَتُحَسِّنَ خَلْقِی وَتُعْتِقَ رَقَبَتِی فَإِنَّکَ سَیِّدِی وَمَوْلَایَ وَمُؤَمَّلِی. و خلقم را نیکو گردان و گردنم را از آتش رها کن ؛ زیرا تو سیّد و سرور و آرزوی من هستی. إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ أَیُّوبُ لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ الهی و درخواست می کنم خدایا با اسمی که ایوب تو را خواند. زمانی که بلا بعد از بَعْدَ الصِّحَّهِ وَنَزَلَ السُّقْمُ مِنْهُ مَنْزِلَ الْعَافِیَهِ وَالضِّیقُ بَعْدَ السَّعَهِ صحت و بیماری بعد از عافیت و فقر بعد از ثروت به او روی آورد. تو نیز فَکَشَفْتَ ضُرَّهُ وَرَدَدْتَ عَلَیْهِ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ حِینَ نَادَاکَ دَاعِیاً گرفتاریش را برطرف کردی و تو دو برابر آنچه را که از او گرفته بودی - فرزندان - به او لَکَ رَاغِباً إِلَیْکَ رَاجِیاً لِفَضْلِکَ شَاکِیاً إِلَیْکَ رَبِّ إِنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ برگرداندی. آنگاه که تو را با شوق و امید به احسانت صدا زد و گلایه کرد و گفت: «پروردگارا، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَکَشَفْتَ ضُرَّهُ وَکُنْتَ گرفتاری مرا مبتلا کرده است در حالی که تو مهربان ترین مهربانان هستی.»(1) دعایش را مستجاب مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَکْشِفَ کردی و گرفتاریش را برطرف ساختی و همیشه به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمّد و خاندانش ضُرِّی وَتُعَافِیَنِی فِی نَفْسِی وَأَهْلِی وَمَالِی وَوُلْدِی وَإِخْوَانِی فِیکَ درود بفرست و گرفتاری را برطرف کن و در جان و اهل و مال و فرزندان و برادران

۱- ۱۸. انبیاء / ۸۳.

عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً وَافِرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً مُسْتَغْنِيَةً عَنِ الْأَطِبَّاءِ ایمانی ام عافیت بده. عافیتی همیشگی فراگیر و کافی و فزاینده و بی نیاز کننده از پزشکان وَالْأَدْوِيَهِ وَتَجْعَلَهَا شِعَارِی وَدِثَارِی وَتُمَتِّعَنِی بِسَمْعِي وَبَصَرِی و دواها، عافیت را لباس و لحاف من بکن. مرا از گوش و چشمم بهره مند ساز و آن وَتَجْعَلَهُمَا الْوَارِثَیْنِ مِنِّی إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ. إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ دو را جانشین من قرار ده. تو بر هر چیزی توانایی. الهی و درخواست می کنم بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ یُونُسُ بْنُ مَتَّی علیه السلام فِی بَطْنِ الْحُوتِ حِینَ نَادَاکَ با اسمی که یونس بن مَتی در شکم نهنگ تو را در ظلمت های سه گانه خواند و گفت: فِی ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ «خدایی جز تو نیست و تو منزّهی من مقصّرم و تو مهربان ترین مهربانان هستی.»(۱) وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَأَنْبَتَّ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ دعایش را مستجاب کردی و درختی از کدو برایش رویاندی و به سوی صد هزار نفر یَقْطِینٍ وَأَرْسَلْتَهُ إِلی مِائَهِ أَلْفٍ أَوْ یَزِیدُونَ وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ و بلکه بیشتر فرستادی و پیوسته به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمّد و خاندانش أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْتَجِیبَ دُعَائِی وَتُدَارِکَنِی درود بفرست و دعایم را مستجاب کن و مرا با عفو خودت نجات بده؛ زیرا من در دریای ظلم

۱– ۱۹. انبیاء / ۸۷.

بِعَفْوِ كَ فَقَدْ غَرِقْتُ فِی بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِی وَرَكِبَتْنِی مَظَالِمُ كَثِيرَةٌ لِخَلْقِكَ به خودم، غرق شده ام و ظلم های فراوانی به گردن دارم. بر محمّد و خاندانش درود بفرست عَلَيَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتُرْنِی مِنْهُمْ وَأَعْتِقْنِی مِنَ النَّارِ و آبروی مرا نزد ایشان نبر و مرا از آتش نجات بده و مرا در همین شرایطی که هستم، و اجْعَلْنِی مِنْ عُتَقَائِكَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ فِی مَقَامِی هَذَا بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ. از آزاد شدگان و رهایی یافتگان از دوزخ قرار بده. با فضل عنایتت، ای منّان. إِلَهِی وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ عِيسَى ابْنُ الهی و درخواست می کنم با اسمی که بنده و پیامبرت عیسی بن مریم تو را با آن خواند. مَرْيَمَ علیه السلام إِذْ أَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَأَنْطَقْتَهُ فِی الْمَهْدِ فَأَحْيَا بِهِ الْمَوْتَى زمانی که او را با روح القدس یاری کردی و در گهواره به سخن آوردی. او مرده ها وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ وَخَلَقَ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ را زنده کرد و کورهای مادرزاد و پیسی ها را شفا داد و از گل مجسمه پرنده ای طَائِراً بِإِذْنِكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ را ساخت و با اذن تو تبدیل به پرنده شد. تو به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمّد وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفْرِغَنِی لِمَا خَلَقْتَ لَهُ وَلَا تَشْغَلَنِی بِمَا تَكَفَّلْتَهُ لِی و خاندانش درود بفرست و مرا به کاری که برای آن آفریدی، مشغول کن و به آنچه که خود

وَتَجْعَلَنِی مِنْ عُبَّادِکَ وَزُهَّادِکَ فِی الـدُّنْیَا وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِیَهِ به عهـده گرفته ای مشـغولم نکن و مرا در دنیا از بنـدگان عابـد و زاهـد و کسـانی که برای وَهَنَّأْتَهُ بِهَـا مَـعَ کَرَامَتِـکَ یَـا کَرِیمُ یَـا عَلِیُّ یَـا عَظِیمُ. إِلَهِی وَأَسْأَلُـکَ عـافیت خلق کردی قرار بـده. ای بزرگوار ای والاـ مرتبه و بـا عظمت. الهی و درخواست می کنم بِاسْـمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ آصَفُ بْنُ بَرْخِیَا عَلَی عَرْشِ مَلِکَهِ سَـبَإٍ فَکَانَ با نامی که عاصف بن برخیا، با آن تو را خواند و تخت پادشاهی ملکه سـبا را در کمتر از أَقَلَّ مِنْ لَحْظَهِ الطَّرْفِ حَتَّی کَانَ مُصَوَّراً بَیْنَ یَـدَیْهِ فَلَمَّا رَأَتْهُ یک چشم به هم زدن حاضـر کرد. ملکه سـبا آن را در مقابل خود دیـد. به او گفته شد. قِیلَ أَ هَکَذَا عَرْشُـکِ قَـالَتْ کَـأَنَّهُ هُوَ فَاسْـتَجَبْتَ دُعَـاءَهُ وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیبـاً «آیا تخت تو این طور بود؟ گفت: گویا همان است.»(۱) دعایش را مسـتجاب کردی یَـا قَرِیبُ أَنْ تُصَـلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُکَفِّرَ عَنِّی سَـیِّئَاتِی و همیشه نزدیـک او بـودی ای نزدیـک. بر محمّد و آل او درود بفرست و گناهانم را بیامرز وَتَقَبَّلَ مِنِّی حَسَـنَاتِی وَتَقَبَّلَ تَوْبَتِی وَتَتُوبَ عَلَیَّ وَتُغْنِیَ فَقْرِی وَتَجْبُرَ و حسناتم را بپـذیر و توبه ام را قبول کن و فقرم را با بی نیازی و شکسـتگیم را با التیام برطرف کن کَسْـرِی وَتُحْیِیَ فُؤَادِی بِذِکْرِکَ وَتُحْیِیَنِی فِی عَافِیَهٍ وَتُمِیتَنِی فِی عَافِیَهٍ. و قلبم را با ذکرت زنده نما و زندگی ام را در عافیت قرار بده و با عافیت بمیران.

ص:۴۳

۱- ۲۰. نمل / ۴۲

إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ بِالِاسْمِ الَّذِی دَعَاکَ بِهِ عَبْدُکَ وَنَبِیُّکَ زَکَرِیَّاعلیه السلام حِینَ الهی و درخواست می کنم با نامی که بنده و پیامبرت زکریا با آن تو را خواند. آنگاه که سَأَلَکَ دَاعِیاً رَاجِیاً لِفَضْلِکَ فَقَامَ فِی الْمِحْرَابِ یُنَادِی نِدَاءً خَفِیّاً فَقَالَ با امید به احسانت دعا کرد و در محراب ایستاد و به آرامی نجوا کرد: «پروردگارا، فرزندی رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیّاً یَرِثُنِی وَیَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ برایم عنایت کن تا از من و آل یعقوب ارث ببرد و او را فرزندی شایسته قرار بده»[(۱)] رَبِّ رَضِیّاً فَوَهَبْتَ لَهُ یَحْیَی وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً تو نیز یحیی را به او دادی و دعایش را مستجاب کردی و به او نزدیک بودی ای نزدیک. یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبْقِیَ لِی أَوْلَادِی بر محمّد و خاندانش درود فرست و فرزندانم را برایم نگه دار و مرا از آنها بهره مند ساز. وَأَنْ تُمَتِّعَنِی بِهِمْ وَتَجْعَلَنِی وَإِیَّاهُمْ مُؤْمِنِینَ لَکَ رَاغِبِینَ فِی ثَوَابِکَ من و آنها را از مؤمنینی که با علاقه به دنبال ثواب تو هستند و از دوزخت ترسانند. امید خَائِفِینَ مِنْ عِقَابِکَ رَاجِینَ لِمَا عِنْدَکَ آیِسِینَ مِمَّا عِنْدَ غَیْرِکَ حَتَّی به احسانت دوخته اند و از آنچه که در دست غیر توست، چشم طمع بسته اند، قرار بده و ما را تُحْیِیَنَا حَیَاةً طَیِّبَةً وَتُمِیتَنَا مَیِّتَةً طَیِّبَةً إِنَّکَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِیدُ. به زندگی پاک و مرگ پاکیزه برسان. بی شک تو هر کاری را که اراده کنی، انجام می دهی.

ص:۴۴

۱- ۲۱. مریم / ۵ - ۶.

إِلَهِی وَأَسْأَلُکَ بِالِاسْمِ الَّذِی سَأَلَتْکَ بِهِ امْرَأَهُ فِرْعَوْنَ س إِذْ قالَتْ رَبِّ الهی و درخواست می کنم با نامی که زن فرعون با آن تو را خواند. آنگاه که گفت: «پروردگارا ابْنِ لِی عِنْدَکَ

قسمت سوم

بَیْتاً فِی الْجَنَّهِ وَنَجِّنِی مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِی مِنَ مرا از دست فرعون و عاملان او و قوم ظالم، نجات بده و خانه ای در جوار رحمت خود و در الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا وَکُنْتَ مِنْهَا قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ بهشت برایم درست کن»(۱) تو نیز دعایش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی ای نزدیک. تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقِرَّ عَیْنِی بِالنَّظَرِ إِلَی جَنَّتِکَ بر محمّد وآل او درود بفرست و چشمانم را به دیدار بهشت و دوستانت روشن کن. وَأَوْلِیائِکَ وَتُفَرِّحَنِی بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُؤْنِسَنِی بِهِ وَبِآلِهِ وَبِمُصَاحَبَتِهِمْ مرا با محمّد و خاندانش شاد و با آنها و به همراهی و رفاقت با ایشان مأنوس گردان. وَمُرَافَقَتِهِمْ وَتُمَکِّنَ لِی فِیهَا وَتُنْجِیَنِی مِنَ النَّارِ وَمَا أُعِدَّ لِأَهْلِهَا مِنَ مرا در بهشت جا بده و به واسطه مغفرتت مرا، از آتش و هر آنچه که برای اهل آن آماده السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ وَالشَّدَائِدِ وَالْأَنْکَالِ وَأَنْوَاعِ الْعَذَابِ بِعَفْوِکَ. کرده ای از قبیل زنجیرها و گرفتاری ها و لجام های آهنی و انواع عذاب نجات بخش. اِلَهِی وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعَتْکَ عَبْدَتُکَ وَصِدِّیقَتُکَ مَرْیَمُ الْبَتُولُ الهی و درخواست می کنم با نامی که کنیز و صدّیقه ات مریم، برگزیده و مادر مسیح

۱- ۲۲. تحریم / ۱۱

وَأَمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ علیه السلام إِذْ قُلْتَ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ علیهما السلام الَّتِی أَحْصَنَتْ رسول علیه السلام تو را با آن خواند. آنجا که گفته ای: «مریم دختر عمران، خداوند فرجش فَرْجَها فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِماتِ رَبِّها وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ را مصون کرده، ما از روح متعلق به خودمان در آن دمیدیم و او کلمات و کتب الهی را مِنَ الْقَانِتِينَ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهَا وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ تصدیق کرد و از بندگان پرهیزکار ما بود.»(۱) تو نیز دعایش را مستجاب کردی و به او عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُحْصِنَنِی بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ وَتَحْجُبَنِی نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمّد و خاندانش درود بفرست و مرا در قلعه های محکمت بِحِجَابِكَ الْمَنِيعِ وَتُحْرِزَنِی بِحِرْزِكَ الْوَثِيقِ وَتَكْفِيَنِی بِكِفَايَتِكَ مصونیّت بده و با پوشش خاصّت، بپوشان و با موانع محکمت نگه دار و با کفایت الْكَافِيَةِ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَظُلْمِ كُلِّ بَاغٍ وَمَكْرِ كُلِّ مَاكِرٍ وَغَدْرِ كُلِّ خودت مرا با منع خود از شر تمام طغیانگران و ظلم ظالمان و مکر مکاران و حیله غَادِرٍ وَسِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ وَجَوْرِ كُلِّ سُلْطَانٍ فَاجِرٍ بِمَنْعِكَ يَا مَنِيعُ. حیله گران و سحر ساحران و ظلم سلاطین ظالم، کفایت کن. ای منع کننده و نگهدارنده. إِلَهِی وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِی دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَصَفِيُّكَ وَخِيَرَتُكَ الهی و درخواست می کنم با نامی که بنده و نبی و برگزیده و بهترین خلقت و امین بر وحی

ص:۴۶

۱- ۲۳. تحریم / ۱۲.

مِنْ خَلْقِکَ وَأَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ وَبَعِیثُکَ إِلَی بَرِیَّتِکَ وَرَسُولُکَ إِلَی و رسالت بندگانت، محمّدصلی الله علیه وآله که خاصّ به تو و خالص برای توست، با آن تو را خواند خَلْقِکَ مُحَمَّدٌ خَاصَّتُکَ وَخَالِصَتُکَ صَلَّی اللَّه عَلَیْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجَبْتَ و تو نیز دعایش را مستجاب کردی و با سربازانی که دیده نمی شدند او را یاری کردی و دین دُعَاءَهُ وَأَیَّدْتَهُ بِجُنُودٍ لَمْ یَرَوْهَا وَجَعَلْتَ کَلِمَتَکَ الْعُلْیَا وَکَلِمَهَ الَّذِینَ خود را بالا بردی و اعتقادات کافران را خوار نمودی و پیوسته به او نزدیک بودی ای نزدیک. کَفَرُوا السُّفْلی وَکُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَا قَرِیبُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ بر محمّد و خاندانش درود بفرست. درودی که افزایش یابد و پاک باشد و رشد کند و باقی وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاهً زَاکِیَهً طَیِّبَهً نَامِیَهً بَاقِیَهً مُبَارَکَهً کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی بماند و وسیع باشد. همان طور که بر پدرانشان ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی أَبِیهِمْ إِبْرَاهِیمَ وَآلِ إِبْرَاهِیمَ وَبَارِکْ عَلَیْهِمْ کَمَا بَارَکْتَ عَلَیْهِمْ وَسَلِّمْ و بر آنها برکت و وسعت بده همان طور که بر ابراهیم و خاندانش برکت دادی و بر آنها عَلَیْهِمْ کَمَا سَلَّمْتَ عَلَیْهِمْ وَزِدْهُمْ فَوْقَ ذَلِکَ کُلِّهِ زِیَادَهً مِنْ عِنْدِکَ سلام فرست همان طور که بر ایشان فرستادی. بلکه سلام و درود و برکت ایشان را از وَاخْلُطْنِی بِهِمْ وَاجْعَلْنِی مِنْهُمْ وَاحْشُرْنِی مَعَهُمْ وَفِی زُمْرَتِهِمْ حَتَّی جانب خودت بیشتر نیز بکن. خدایا مرا نیز در این خاندان وارد کن و با آنها محشور گردان

تَسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ وَتُدْخِلَنِي فِي جُمْلَتِهِمْ وَتَجْمَعَنِي وَإِيَّاهُمْ وَتَقَرَّ و در کنارشان قرار بده تا از حوض کوثر بنوشانی و در میانشان داخل کنی و چشمانم را عَيْنِي بِهِمْ وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي وَتُبَلِّغَنِي آمَالِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ به وجود ایشان روشن کنی و خواسته ام را بدهی و به آروزهای دنیوی و اخروی و زنده وَآخِرَتِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَتُبْلِغَهُمْ سَلَامِي وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلَامَ و مرده ام برسانی و سلام مرا به ایشان برسانی و سلام آنها را نیز به من بازگردانی و سلام وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُنَادِي خدا و رحمت و برکاتش بر آنها باد. الهی، تو همان کسی هستی که در نصفه های هر شب فِي أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيَهُ أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ صدا می زنی آیا درخواست کننده ای هست تا بدهم؟ آیا دعا کننده ای هست تا اجابت کنم؟ فَأُجِيبَهُ أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأُبْلِغَهُ رَجَاءَهُ آیا استغفار کننده ای هست تا ببخشم؟ آیا امیدواری هست تا امیدش را محقق سازم؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأُبْلِغَهُ أَمَلَهُ هَا أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ وَمِسْكِينُكَ بِبَابِكَ آیا آرزوکننده ای هست تا به آرزویش برسانم. خدایا من همان گدا و درمانده و ضعیف و فقیر وَضَعِيفُكَ بِبَابِكَ وَفَقِيرُكَ بِبَابِكَ وَمُؤَمِّلُكَ بِفِنَائِكَ أَسْأَلُكَ نَائِلَكَ و آرزومندی هستم که در کنار درت نشسته است. عطایایت را می خواهم و امیدوار

وَأَرْجُو رَحْمَتَکَ وَأُؤَمِّلُ عَفْوَکَ وَأَلْتِمِسُ غُفْرَانَکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ رحمتت هستم و آرزوی عفوت را دارم و بخشایشت را التماس می کنم. پس بر محمّد وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِی سُؤْلِی وَبَلِّغْنِی أَمَلِی وَاجْبُرْ فَقْرِی وَارْحَمْ و خاندانش درود بفرست و خواسته ام را بده و به آرزویم برسان و فقرم را جبران کن عِصْیَانِی وَاعْفُ عَنْ ذُنُوبِی وَفُکَّ رَقَبَتِی مِنْ مَظَالِمَ لِعِبَادِکَ رَکِبَتْنِی و بر معصیتم رحم کن و از گناهانم در گذر و گردنم را از مظالم بندگانت آزاد و ضعفم را وَقَوِّ ضَعْفِی وَأَعِزَّ مَسْکَنَتِی وَثَبِّتْ وَطْأَتِی وَاغْفِرْ جُرْمِی وَأَنْعِمْ تقویت و مسکنت و خواریم را به عزّت تبدیل کن و پاهایم را ثابت کن و جرمم را ببخش بَالِی وَأَکْثِرْ مِنَ الْحَلَالِ مَالِی وَخِرْ لِی فِی جَمِیعِ أُمُورِی وَأَفْعَالِی و خاطرم را آسوده و روزی حلالم را بیشتر و در همه امور و اعمالم اراده خیر کن و مرا وَرَضِّنِی بِهَا وَارْحَمْنِی وَوَالِدَیَّ وَمَا وَلَدَا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ با آن راضی نما و به من و والدین و آنچه که از مؤمنین و مومنات و مسلمین و مسلمات وَالْمُسْلِمِینَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّکَ سَمِیعُ از زنده ها و مرده ها که زاده اند، ببخش و بیامرز. تو دعاهایمان را می شنوی. خدایا مرا به الدَّعَوَاتِ وَأَلْهِمْنِی مِنْ بِرِّهِمَا مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ ثَوَابَکَ وَالْجَنَّهَ وَتَقَبَّلْ نیکی آنها راهنمایی کن تا به ثواب و بهشت برسم و حسناتم را قبول کن و سیئاتم را

حَسَنَاتِهِمَا وَاغْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِی ثَوَابَکَ وَالْجَنَّهَ. ببخش و آنها را بر اساس بهترین کارهایی که برای من انجام داده اند، به بهشت ببر. إِلَهِی وَقَدْ عَلِمْتُ یَقِیناً أَنَّکَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ وَلَا تَمِیلُ إِلَیْهِ الهی به یقین فهمیدم که تو به ظلم امر نمی کنی و آن را نمی پسندی و تمایل و علاقه وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تُحِبُّهُ وَلَا تَغْشَاهُ وَتَعْلَمُ مَا فِیهِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ مِنْ و محبّتی به انجام آن نداری. از سوی دیگر خوب می دانی که این مردم چگونه دست به ظُلْمِ عِبَادِکَ وَبَغْیِهِمْ عَلَیْنَا وَتَعَدِّیهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ وَلَا مَعْرُوفٍ بَلْ ظلم ما دراز کرده اند و تجاوزگرانه بر ما ظلم می کنند. پروردگارا اگر برای آنها مدتی ظُلْماً وَعُدْوَاناً وَزُوراً وَبُهْتَاناً فَإِنْ کُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّهً لَا بُدَّ مِنْ تعیین کرده ای که حتماً باید تا آن مدت زنده بمانند، در قرآن فرموده ای و گفتار تو بُلُوغِهَا أَوْ کَتَبْتَ لَهُمْ آجَالاً یَنَالُونَهَا فَقَدْ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ حقّ است: «خداوند هر چه را که بخواهد محو و یا تثبیت می کند و ام الکتاب نزد اوست»(۱) وَوَعْدُکَ الصِّدْقُ یَمْحُوا اللَّهُ ما یَشاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ خدایا من از تو درخواست می کنم با همه نام هایی که انبیا و پیامبران و بندگان صالح فَأَنَا أَسْأَلُکَ بِکُلِّ مَا سَأَلَکَ بِهِ أَنْبِیَاؤُکَ وَرُسُلُکَ وَأَسْأَلُکَ بِمَا سَأَلَکَ و ملائکه مقرّبت با آن تو را خوانده اند، که تقدیر خود را مبنی بر نگه داشتن ظالمان از

۱- ۲۴. رعد / ۳۹.

بِهِ عِبَادُکَ الصَّالِحُونَ وَمَلَائِکَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ أَنْ تَمْحُوَ مِنْ أَمِّ الْکِتَابِ ام الکتاب محو کنی و برایشان هلاکت و برچیده شدن را بنویسی تا اجلشان نزدیک شود ذَلِکَ وَتَکْتُبَ لَهُمُ الْاِضمِحْلَالَ وَالْمحْقَ حَتَّی تُقَرِّبَ آجَالَهُمْ وَتَقْضِیَ و مدتشان تمام گردد و عمرشان قطع شود. ستمکاران را هلاک کن و برخی را بر برخی مُدَّتَهُمْ وَتُذْهِبَ أَیَّامَهُمْ وَتَبْتُرَ أَعْمَارَهُمْ وَتُهْلِکَ فُجَّارَهُمْ وَتُسَلِّطَ دیگر مسلط کن تا در این جنگ هیچ یک از آنها زنده نماند و اجتماعشان را به هم بَعْضَهُمْ عَلَی بَعْضٍ حَتَّی لَا تُبْقِیَ مِنْهُمْ أَحَداً وَلَا تُنْجِیَ مِنْهُمْ أَحَداً بزن و سلاح هایشان کند کن، شاخ و برگشان را بشکن، عمرهایشان را تمام و پایه های وَتُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ وَتُکِلَّ سِلَاحَهُمْ وَتُبَدِّدَ شَمْلَهُمْ وَتَقْطَعَ آجَالَهُمْ حکومتشان را به لرزش بینداز و شهرهایت را از وجودشان پاک گردان؛ زیرا آنها سنّت وَتُقْصِرَ أَعْمَارَهُمْ وَتُزَلْزِلَ أَقْدَامَهُمْ وَتُطَهِّرَ بِلَادَکَ مِنْهُمْ وَتُظْهِرَ عِبَادَکَ تو را برگرداندند و عهدت را نقض کردند و حرمتت را شکستند. آنها اوامرت را زیر پا عَلَیْهِمْ فَقَدْ غَیَّرُوا سُنَّتَکَ وَنَقَضُوا عَهْدَکَ وَهَتَکُوا حَرِیمَکَ وَأَتَوْا مَا گذاشتند و به شدّت عصیانگری کردند و به گمراهی عجیبی مبتلا شدند. بنابراین بر نَهَیْتَهُمْ عَنْهُ وَعَتَوْا عُتُوّاً کَبِیراً وَضَلُّوا ضَلالاً بَعِیداً فَصَلِّ عَلَی محمّد و خاندانش درود فرست و دست ظالمان را از تکبّر کردن بگیر و زمین را از

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآذِنْ لِجَمْعِهِمْ بِالشَّتَاتِ وَلِحَيِّهِمْ بِالْمَمَاتِ لوس وجودشان پاک گردان و اراده کن تا کاشته هایشان درو و ریشه شان قطع و شاخ وَلِأَزْوَاجِهِمْ بِالنَّهَبَاتِ نَبَاتِهِمْ وَاسْتِئْصَالِ شَأْفَتِهِمْ وَشَتَاتِ شَمْلِهِمْ و برگشان بریده و بنیادشان منهدم شود. ای صاحب جلالت و بزرگواری وَهَدْمِ بُنْيَانِهِمْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَام. وَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَإِلَهَ كُلِّ و درخواست می کنم ای خدای من و خدای هر چیزی و پروردگار من و هر چیز شَيْ ءٍ وَرَبِّي وَرَبَّ كُلِّ شَيْ ءٍ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدَاكَ دیگری، تو را با آن نامی می خوانم که دو بنده و پیامبر و نبی و برگزیده هایت وَرَسُولَاكَ وَنَبِيَّاكَ وَصَفِيَّاكَ مُوسَى وَهَارُونُ علیهما السلام حِينَ قَالَا دَاعِيَيْنِ موسی و هارون علیهما السلام تو را با آن خواندند. آن هنگام که با امید به احسانت گفتند: لَكَ رَاجِيَيْنِ لِفَضْلِكَ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوالاً «خدایا اموالشان را از بین ببر و دل هایشان را قبض کن؛ زیرا آنها تا عذاب دردناکت فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوالِهِمْ را نبینند، ایمان نمی آورند.»(۱) تو نیز به آنها لطف کردی و از نعمت اجابت بهره مندشان وَاشْدُدْ عَلى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذابَ الْأَلِيمَ فَمَنَنْتَ ساختی تا اینکه به آنها امر کردی که «دعایتان مستجاب شد. پس استقامت نشان دهید

ص:۵۲

۱- ۲۵. یونس / ۸۸.

وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَهِ لَهُمَا إِلَى أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ و از راه و روش جاهلان پیروی نکنید»(۱) خدایا بر محمّد و خاندانش درود فرست اللَّهُمَّ رَبِّ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما فَاسْتَقِيما وَلا تَتَّبِعانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ و اموال این ظالمان را از بین ببر و دل هایشان را قبض کن و نیکیت را از آنها لَا يَعْلَمُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَطْمِسَ عَلَى دریغ دار و در دریای خود آنها را غرق کن؛ زیرا همه آسمان ها و زمین و آنچه که در أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّلَمَهِ وَأَنْ تُشَدِّدَ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ میان آنهاست، متعلق به توست. قدرت و انتقام خودت را به خَلقت نشان بده. بَرَّكَ وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي بَحْرِكَ فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِمَا خدایا این کار را با آنها بکن و عجله کن. ای بهترین درخواست شده و بهترین لَکَ وَأَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَکَ فِيهِمْ وَبَطْشَكَ عَلَيْهِمْ فَافْعَلْ ذَلِکَ بِهِمْ خوانده شده و بهترین کسی که در برابرش، چهره ها به ذلت افتاده و دست ها وَعَجِّلْ ذَلِكَ لَهُمْ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَخَيْرَ مَنْ تَذَلَّلَتْ لَهُ در برابرش بالا رفته است و با زبان ها خوانده شده و با چشم های منتظر الْوُجُوهُ وَرُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي وَدُعِيَ بِالْأَلْسُنِ وَشَخَصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ نگاه شده و قلب ها او را قصد کرده و قدم ها به سویش برداشته شده و در اعمال

ص:۵۳

۱– ۲۶. یونس / ۸۹.

وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ وَنُقِلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ وَتُحُوكِمَ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ. به حكميّت طلبيده شده است. الهی من بنده توام که از تو درخواست می کنم. إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُکَ أَسْأَلُکَ مِنْ أَسْمَائِکَ بِأَبْهَاهَا وَکُلُّ أَسْمَائِکَ بَهِيٌّ بَلْ با پربهاترین نام هایت. اگر چه همه آنها پربها هستند. بلکه درخواست می کنم با أَسْأَلُکَ بِأَسْمَائِکَ کُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرْکِسَهُمْ همه نام هایت. تا بر محمّد و آل او درود فرستی و ظالمان را در دام های خودشان عَلَى أُمِّ رُءُوسِهِمْ فِي زُبْيَتِهِمْ وَتُرْدِيَهُمْ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ وَارْمِهِمْ سرنگون ساز و در گودال هایی که برای بندگانت کنده اند، بیندازی و آنها را نشانه بِحَجَرِهِمْ وَذَکِّهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ وَاکْبُبْهُمْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ وَاخْنُقْهُمْ بِوَتَرِهِمْ تیرهای خودشان قرار دهی و با خنجرهایی که برای دیگران تیز کرده اند، خودشان را وَارْدُدْ کَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ وَأَوْبِقْهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ حَتَّى يُسْتَخْذَلُوا سر ببری. آنها را با بینی بر زمین بزن و گلویشان را فشار بده و حیله هایشان را در وَيَتَضَاءَلُوا بَعْدَ نَخْوَتِهِمْ وَيَنْقَمِعُوا وَيَخْشَعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ أَذِلَّاءَ گلویشان فرو ببر و آنها را با ندامتشان عذاب کن تا بعد از تکبر و بزرگی، ذلیل و خوار مَأْسُورِينَ فِي رِبَقِ حَبَائِلِهِمُ الَّتِي کَانُوا يُؤَمِّلُونَ أَنْ يَرَوْنَا فِيهَا وَتُرِينَا شوند و بعد از حکمرانی شکسته و درمانده گردند و ذلیلانه در دام هایی که دوست داشتند

ص:۵۴

قُدْرَتَکَ فِیهِمْ وَسُلْطَانَکَ عَلَیْهِمْ وَتَأْخُذَهُمْ أَخْذَ الْقُرَی وَهِیَ ظالِمَهٌ ما را در آنها ببینند، اسیر شوند. خدایا قدرت و تسلطت را در مورد آنها به ما نشان بده إِنَّ أَخْذَکَ الْأَلِیمُ الشَّدِیدُ أَخْذَ عَزِیزٍ مُقْتَدِرٍ فَإِنَّکَ عَزِیزٌ مُقْتَدِرٌ و همان طور که امّت های گذشته را عذاب کردی، آنها را نیز عذاب کن. خدایا گرفت شَدِیدُ الْعِقابِ شَدِیدُ الْمِحَالِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دردناک و شدید تو، گرفتن قدرتی شکست ناپذیر و مقتدر است. بی شک تو شکست ناپذیر وَعَجِّلْ إِیرَادَهُمْ عَذَابَکَ الَّذِی أَعْدَدْتَهُ لِلظَّالِمِینَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ وَالطَّاغِینَ و مقتدر و شدید العذاب هستی. خدایا بر محمّد و خاندانش درود بفرست و در عقوبت مِنْ نُظَرَائِهِمْ وَارْفَعْ حِلْمَکَ عَنْهُمْ وَاحْلُلْ عَلَیْهِمْ غَضَبَکَ الَّذِی لَا یَقُومُ کردن ظالمان با عذابی که برای آنها مهیا کرده ای، تعجیل کن و بردباری ات را از آنها لَهُ شَیْ ءٌ وَأْمُرْ فِی تَعْجِیلِ ذَلِکَ بِأَمْرِکَ الَّذِی لَا یُرَدُّ وَلَا یُؤَخَّرُ فَإِنَّکَ بردار و آن غضبی را که هیچ چیز توان تحمّل آن را ندارد، بر آنها مسلط کن و در تعجیل شَاهِدُ کُلِّ نَجْوَی وَعَالِمُ کُلِّ فَحْوَی وَلَا تَخْفَی عَلَیْکَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ آن به ملائکه موکل عذاب، امر کن. امری که نه برمی گردد و نه به تأخیر می افتد. خَافِیَهٌ وَلَا یَذْهَبُ عَنْکَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَائِنَهٌ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ عَالِمٌ تو شاهد هر نجوا هستی و عالم به تمام مطالب هستی و هیچ عمل آنها از تو مخفی نمی ماند.

ص:۵۵

مَا فِی الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ اَللَّهُمَّ وَأَسْأَلُکَ وَأُنَادِیکَ بِمَا نَادَاکَ بِهِ تو بر تمام غیب ها آگاهی و از آنچه که در دلها می گذرد، خبرداری. خدایا درخواست سَیِّدِی وَسَأَلَکَ بِهِ نُوحٌ إِذْ قُلْتَ تَبَارَکْتَ وَتَعَالَیْتَ وَلَقَدْ نَادَانَا می کنم و صدایت می زنم با آن اسمی که سرورم صدا زد و نوح با آن درخواست کرد. آنجا که نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِیبُونَ أَجَلْ. اَللَّهُمَّ یَا رَبِّ أَنْتَ نِعْمَ الْمُجِیبُ وَنِعْمَ فرموده ای: «نوح ما را صدا زد و تو بهترین اجابت کنندگانی»(۱) خدایا، پروردگارا، تو الْمَدْعُوُّ وَنِعْمَ الْمَسْئُولُ وَنِعْمَ الْمُعْطِی أَنْتَ الَّذِی لَا تُخَیِّبُ سَائِلَکَ اجابت کننده و خوانده شده و درخواست شده و عطا کننده، خوبی هستی. تو همانی که وَلَا تُمِلُّ دُعَاءَ مَنْ أَمَّلَکَ وَلَا تَتَبَرَّمُ بِکَثْرَهِ حَوَائِجِهِمْ إِلَیْکَ وَلَا بِقَضَائِهَا درخواست کنندگانت را دست خالی بر نمی گردانی و آرزومندان را خسته نمی کنی و از لَهُمْ فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِیعِ خَلْقِکَ إِلَیْکَ فِی أَسْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَمْحِ زیادی نیازهایی که نزد تو آورده اند، به ستوه نمی آیی. از برآورده کردن نیازهایشان الطَّرْفِ وَأَخَفُّ عَلَیْکَ وَأَهْوَنُ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَهٍ وَحَاجَتِی یَا سَیِّدِی خسته نمی شوی؛ زیرا برای تو، برآورده کردن حوایج تمام بندگانت در کمتر از یک چشم بر وَمَوْلَایَ وَمُعْتَمَدِی وَرَجَائِی أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ هم زدن ممکن و

قسمت چهارم

سبک تر از بال مگس است. از سوی دیگر سرور و مولا و تکیه گاه و امید من

۱- ۲۷. صافات / ۷۵.

وَأَنْ تَغْفِرَ لِی ذَنْبِی فَقَدْ جِئْتُکَ ثَقِیلَ الظَّهْرِ بِعَظِیمِ مَا بَارَزْتُکَ بِهِ مِنْ این است که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و گناهانم را بیامرزی؛ زیرا با پشتی سنگین سَیِّئَاتِی وَرَکِبَنِی مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِکَ مَالَا یَکْفِینِی وَلَا یُخَلِّصُنِی مِنْهُ از گناهان آمده ام و مظالم بندگانت چنان مرا احاطه کرده اند که تنها تو می توانی مرا از غَیْرُکَ وَلَا یَقْدِرُ عَلَیْهِ وَلَا یَمْلِکُهُ سِوَاکَ فَامْحُ یَا سَیِّدِی کَثْرَهَ سَیِّئَاتِی آنها برهانی. ای سرور من؛ گناهان زیادم را با قطرات بی رمق اشکم؛ بلکه با قساوت قلب بِیَسِیرِ عَبَرَاتِی بَلْ بِقَسَاوَهِ قَلْبِی وَجُمُودِ عَیْنِی لَا بَلْ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی و چشمان خشکیده ام، نه بلکه با رحمت واسعه ای که شامل هر چیز می شود، محو کن. وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ وَأَنَا شَیْ ءٌ فَلْتَسَعْنِی رَحْمَتُکَ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ خدایا من هم یکی از همان چیزها هستم. بنابراین با رحمت خود مرا دریاب، یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ لَا تَمْتَحِنِّی فِی هَذِهِ الدُّنْیَا بِشَیْ ءٍ مِنَ الْمِحَنِ ای رحمان و رحیم، ای مهربان ترین مهربانان مرا با گرفتاری های دنیا امتحان نکن وَلَا تُسَلِّطْ عَلَیَّ مَنْ لَا یَرْحَمُنِی وَلَا تُهْلِکْنِی بِذُنُوبِی وَعَجِّلْ خَلَاصِی و کسی را که بر من رحم نمی کند، بر من مسلط ننما. با گناهانم مرا هلاک نکن و در مِنْ کُلِّ مَکْرُوهٍ وَادْفَعْ عَنِّی کُلَّ ظُلْمٍ وَلَا تَهْتِکْ سِتْرِی وَلَا تَفْضَحْنِی رهایی من از تمام گرفتاری ها و امور ناخوشایند، عجله نما. خدایا پرده خود را کنار

يَوْمَ جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ وَالثَّوَابِ. أَسْأَلُكَ أَنْ نزن و در روز رستاخیر بی آبرویم نساز. ای کسی که ثواب و عطایت بسیار است. درخواست تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُحْيِيَنِي حَيَاةَ السُّعَدَاءِ وَتُمِيتَنِي می کنم که بر محمّد و آل او درود بفرستی و از زندگی سعادتمندان و مرگ شهیدان مِيتَهَ الشُّهَدَاءِ وَتَقْبَلَنِي قَبُولَ الْأَوِدَّاءِ وَتَحْفَظَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّهِ بهره مندم کنی و مرا مانند دوستانت بپذیری و در این دنیای پست از شر سلاطین مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا وَفُجَّارِهَا وَشِرَارِهَا وَمُحِبِّيهَا وَالْعَامِلِينَ لَهَا فِيهَا و ستمکاران و افراد شرور و علاقه مندان به دنیا و دنیاپرستان، حفظم کنی و مرا وَقِنِي شَرَّ طُغَاتِهَا وَحُسَّادِهَا وَبَاغِي الشِّرْكِ فِيهَا حَتَّى تَكْفِيَنِي مَكْرَ از شر سرکشان و حسودان نگه داری. تا آنجا که مرا از مکر مکاران امنیت دهی. الْمَكَرَهِ وَتَفْقَأَ عَنِّي أَعْيُنَ الْكَفَرَهِ وَتُفْحِمَ عَنِّي أَلْسُنَ الْفَجَرَهِ وَتَقْبِضَ چشمها و زبانهایشان را بازداری و مرا بالاتر از دست ظالمان نگه داری مرا از لِي عَلَى أَيْدِي الظَّلَمَهِ وَتُؤْمِنَ لِي كَيْدَهُمْ وَتُمِيتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ وَتَشْغَلَهُمْ حیله هایشان امان دهی و آنها را با عصبانیتشان بکشی و آنها را به چشم و گوش بِأَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأَفْئِدَتِهِمْ وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي أَمْنِكَ و دلشان مشغول کنی و مرا از همه آنها در حصن و قلعه خود، حفظ کنی. همانا

ص:۵۸

وَأَمَانِکَ وَحِرْزِکَ وَسُلْطَانِکَ وَحِجَابِکَ وَکَنَفِکَ وَعِیَاذِکَ وَجَارِکَ إِنَّ ولیّ من خـدایی است که کتاب را نازل کرد و او خود متولی امور صالحین است. وَلِیِّیَ اللَّهُ الَّذِی نَزَّلَ الْکِتابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحِینَ. اَللَّهُمَّ بِکَ أَعُوذُ خدایا به تو پناه می برم و تو را می پرستم و به تو امید بسته ام و از تو کمک می خواهم وَبِکَ أَلُوذُ وَلَکَ أَعْبُدُ وَإِیَّاکَ أَرْجُو وَبِکَ أَسْتَعِینُ وَبِکَ أَسْتَکْفِی و از تو یاری می جویم و تو را صدا می زنم و از تو قدرت می خواهم و از تو درخواست وَبِکَ أَسْتَغِیثُ وَبِکَ أَسْتَقْدِرُ وَمِنْکَ أَسْأَلُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و مرا برنگردانی مگر با گناهانی بخشیده شده وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَرُدَّنِی إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَسَعْیٍ مَشْکُورٍ وَتِجَارَهٍ و تلاشی مأجور و تجارتی ماندگار و بدون زیان و با من رفتاری کنی که شایسته توست لَنْ تَبُورَ وَأَنْ تَفْعَلَ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلَ بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّکَ و رفتاری نکنی که من شایستگی آن را دارم؛ زیرا تو شایسته حفظ و نگهداری بندگان أَهْلُ التَّقْوی وَأَهْلُ الْمَغْفِرَهِ وَأَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَهِ. إِلَهِی وَقَدْ أَطَلْتُ و آمرزش آنها و فضل و عنایت هستی. خدایا دعایم را طول دادم و خیلی حرف زدم. دُعَائِی وَأَکْثَرْتُ خِطَابِی وَضِیقُ صَدْرِی حَدَانِی عَلَی ذَلِکَ کُلِّهِ وَحَمَلَنِی فشار گرفتاری ها مرا وادار کرد تا چنین سخن بگویم. با اینکه می دانم اگر دعای من

عَلَیْهِ عِلْماً مِنِّی بِأَنَّهُ یُجْزِیکَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحِ فِی الْعَجِینِ بَلْ یَکْفِیکَ به اندازه نمک در خمیر حتی اگر به اندازه قصد و نیت باشد، برای تو کـافی است. عَزْمُ إِرَادَهٍ وَأَنْ یَقُولَ الْعَبْدُ بِنِیَّهٍ صَادِقَهٍ وَلِسَانٍ صَادِقٍ یَا رَبِّ فَتَکُونُ آری اگر بنـده با نیت صادقانه و زبانی راستگو صدا بزند و بگوید: پروردگارا، تو عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِکَ بِکَ وَقَدْ نَاجَاکَ بِعَزْمِ الْإِرَادَهِ قَلْبِی فَأَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ نزد او حاضر خـواهی شـد. پس از تـو درخـواست می کنم که بر محمّـد و خانـدانش درود فرسـتی عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْرِنَ دُعَائِی بِالْإِجَابَهِ مِنْکَ وَتُبْلِغَنِی مَا و دعایم را مقرون به اجابت کنی و تمام چیزهایی که آنها را از تو خواسـتم، از لطف أَمَّلْتُهُ فِیکَ مِنَّهً مِنْکَ وَطَوْلاً وَقُوَّهً وَحَوْلاً وَلَا تُقِیمَنِی مِنْ مَقَامِی هَذَا و عنایت و احسانت برآورده سازی مرا از جایم بلنـد نکن، مگر اینکه تمام خواسـته هـایم إِلَّا بِقَضَائِکَ جَمِیعَ مَا سَأَلْتُکَ فَإِنَّهُ عَلَیْکَ یَسِیرٌ وَخَطَرُهُ عِنْدِی جَلِیلٌ را مسـتجاب کرده باشـی؛ زیرا آنها برای تو آسان هسـتند اما برای من بسـیار بزرگند و تو کَثِیرٌ وَأَنْتَ عَلَیْهِ قَدِیرٌ یَا سَمِیعُ یَا بَصِیرُ. إِلَهِی وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ بر خواسته هایم توانایی داری. ای شـنونده و بیننده. خدایا، اینجا محل ایستادن بنده ای مِنَ النَّارِ وَالْهَارِبِ مِنْکَ إِلَیْکَ مِنْ ذُنُوبٍ تَهَجَّمَتْهُ وَعُیُوبٍ فَضَحَتْهُ است که از آتش دوزخ به تو پناه آورده و از گناهانی که به او هجوم آورده و عیب هایی که

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَهَ رَحْمَهٍ أَفُوزُ بِهَا إِلَى آبرویش را برده اند، به تو پناه آورده است. با نظر رحمتت به من نگاه کن تا با آن وارد بهشت جَنَّتِکَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَهً أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِکَ فَإِنَّ الْجَنَّهَ وَالنَّارَ شوم و عطوفتی نشان بده تا با آن از آتش دوزخت نجات یابم؛ زیرا بهشت و دوزخ به دست لَکَ وَبِيَدِکَ وَمَفَاتِيحَهُمَا وَمَغَالِيقَهُمَا إِلَيْکَ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِکَ قَادِرٌ تو است و کلیدهای باز کردن و قفل های بستن آنها همه از تو است و تو بر همه آنها توانایی وَهُوَ عَلَيْکَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ وَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُکَ يَا قَدِيرُ وَلَا حَوْلَ داری و بر تو بسیار آسان و کوچک هستند. بنابراین آنچه را که خواستم عنایت فرما. مانع و نیرویی وَلَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَکِيلُ. غیر از خدای والا مرتبه و با عظمت وجود ندارد و خدا ما را کفایت می کند و وکیل خوبی است.

ص:۶۱

دعای پنجم

نماز حاجت صادر شده از امام زمان علیه السلام و دعای آن(۱)

در نامه ای که از حضرت صادر شده، فرموده اند:

کسی که حاجتمند باشد، شب جمعه بعد از نصف شب، غسل کند و در محل نماز قرار بگیرد.

دو رکعت نماز بخواند به این ترتیب که:

در رکعت اوّل سوره حمد را می خواند و وقتی که به آیه: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسید، آن را صد بار تکرار می کند و حمد را تمام و سوره توحید را تنها یکبار می خواند.

بعد از آن رکوع و سجده می کند و در هر کدام تسبیحات آن را هفت بار انجام می دهد. و رکعت دوم را مانند اولی بجا می آورد. بعد از نماز این دعا را می خواند و خداوند به قطع، حاجت او را هر چه که باشد، برآورده می کند. مگر اینکه مربوط به قطع رحم باشد:

اَللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُکَ فَالْمحْمَدَهُ لَکَ وَإِنْ عَصَیْتُکَ فَالْحُجَّهُ لَکَ مِنْکَ خدایا اگر تو را اطاعت کردیم، حمد و ثنا برای توست.(۲) و اگر معصیت کردیم، تو علیه ما الرَّوْحُ وَمِنْکَ الْفَرَجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَکَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ. دلیل داری. راحتی و گشایش از توست. پاک و منزّه است کسی که نعمت می دهد و تشکّر می کند.(۳)

---

۱ - ۲۸. تفسیرالقمی / ج ۲ / ص ۱۲۹ / إحضار عرش بلقیس ؛مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۷۵ / باب ۳۷- باب استحباب الصلاه المرغبه.

۲- ۲۹. یعنی ما از لطف تو توفیق عبادت یافتیم.

۳- ۳۰. مقصود آن است که خداوند متعال انسان را از نعمت عبادت و صحبت و اطاعت خودش بهره مند می کند. اما به جای اینکه انسان از او به خاطر این نعمت شکر کند، خداوند دوباره از انسان تشکّر می کند و برای عبادتی که نعمت خودش بوده است، دوباره تشکّر کرده و پاداش می دهد. این مطلب با تفصیل بیشتر در دعای روز عرفه امام حسین علیه السلام آمده است.

اَللَّهُمَّ إِنْ کُنْتُ قَدْ عَصَیْتُکَ فَإِنِّی قَدْ أَطَعْتُکَ فِی أَحَبِّ الْأَشْیَاءِ پاک و منزّه است کسی که مقدّر می کند و می بخشد.(۱) خدایا اگر چه عصیان کرده ام، امّا إِلَیْکَ وَهُوَ الْإِیمَانُ بِکَ لَمْ أَتَّخِذْ لَکَ وَلَداً وَلَمْ أَدْعُ لَکَ شَرِیکاً در محبوب ترین امور نزد تو، که ایمان باشد، تو را اطاعت کرده ام. من برای تو فرزند مَنّاً مِنْکَ بِهِ عَلَیّ لَا مَنّاً مِنِّی بِهِ عَلَیْکَ وَقَدْ عَصَیْتُکَ یَا إِلَهِی عَلَی و شریکی نمی دانم. البته این ایمان، توفیقی از توست، نه منّتی از من بر تو. خدایا از سر غَیْرَ وَجْهِ الْمُکَابَرَهِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِیَّتِکَ وَلَا الْجُحُودِ بِرُبُوبِیَّتِکَ لجبازی و با قصد خروج از عبودیّت و انکار به ربوبیّت، گناه نکرده ام. بلکه فریب هوای وَلَکِنْ أَطَعْتُ هَوَایَ وَأَزَلَّنِی الشَّیْطَانُ فَلَکَ الْحُجَّهُ عَلَیَّ وَالْبَیَانُ فَإِنْ نفسم را خوردم و شیطان مرا به لغزش انداخت. با این حال تو می توانی مرا محکوم کنی. اگر تُعَذِّبْنِی فَبِذُنُوبِی غَیْرِ ظَالِمٍ وَإِنْ تَغْفِرْ لِی وَتَرْحَمْنِی فَإِنَّکَ جَوَادٌ مرا عذاب کنی، به خاطر گناهانم خواهد بود. اما اگر ببخشی به خاطر آقایی و کرم و جود توست.

ص:۶۳

۱- ۳۱. به این معنا که خداوند متعال خود حدودی را برای انسان تعیین می کند. اما زمانی که انسان این حدود را می شکند، می بخشد.

کَرِیمُ یَا کَرِیمُ (یا کریم را آن قدر تکرار می کند تا نفسش تمام شود.) و ادامه می دهد:

یَا آمِناً مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ وَکُلُّ شَیْ ءٍ مِنْکَ خَائِفٌ حَذِرٌ أَسْأَلُکَ بِأَمْنِکَ ای خدایی که از هیچ چیزی هراس ندارد و همه چیز در هراس از اوست. درخواست مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ وَخَوْفِ کُلِّ شَیْ ءٍ مِنْکَ أَنْ صَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ می کنم به خاطر اینکه تو از همه در امانی و همه از تو هراسان هستند، بر محمّد وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِیَنِی أَمَاناً لِنَفْسِی وَأَهْلِی وَوُلْدِی وَسَائِرِ و خاندانش درود فرست و برای من و خانواده و فرزندانم امان و پناه بده. تا از کسی مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ حَتَّی لَا أَخَافَ أَحَداً وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَیْ ءٍ أَبَداً نترسم و هراسی به خود راه ندهم. همانا تو بر هر چیزی توانایی داری و خدا إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ یَا کَافِیَ ما را کفایت می کند و او بهترین وکیل است. ای کفایت کننده ابراهیم از شرّ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام نُمْرُودَ وَیَا کَافِیَ مُوسَی علیه السلام فِرْعَوْنَ وَیَا کَافِیَ مُحَمَّدٍ نمرود و ای کفایت کننده موسی از شر فرعون و ای کفایت کننده محمّدصلی الله علیه وآله از شر صَلَّی اللَّه عَلَیْهِ وَآلِهِ الْأَحْزَابَ. أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ قبایل عرب. از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و مرا از

عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَکْفِیَنِی شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ شر فلانی حفظ کنی. تو از شر کسی که از شرش می ترسم، کفایت خواهی کرد. (در این بخش نام شخصی را که از شر او در هراس است، ذکر می کند.) فَیَسْتَکْفِی شَرَّ مَنْ یَخَافُ شَرَّهُ. ان شاء اللّٰه حاجتش برآورده می شود. سپس به سجده رفته و با تضرّع حوائجش را درخواست می کند. فَإِنَّهُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَهٍ صَلَّی هَذِهِ الصَّلَاهَ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِلْإِجَابَهِ وَیُجَابُ فِی وَقْتِهِ وَلَیْلَتِهِ کَائِناً مَا کَانَ وَذَلِکَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَیْنَا وَعَلَی النَّاسِ؛ هیچ زن و مرد مؤمن و مؤمنه ای نیست که این نماز را با این دعا بخواند مگر اینکه خداوند درهای رحمتش را برای اجابت باز می کند و دعایش را در همان لحظه و همان شب مستجاب می کند.(۱) هر چه که باشد. این

۱- ۳۲. اجابت دعا غیر از آن است که در همان موقعی که ما می خواهیم کار مورد نظر صورت گیرد. به عبارتی ممکن است که کسی از خداوند شفای مریض و یا خانه دار شدن و امثال آن را بخواهد. اما بعد از چند سال محقق گردد. به عبارتی اجابت دعا به آن معناست که در تقدیرات انسان ثبت می شود که فلان کار در موقع مناسب انجام گیرد. زیرا کل عالم بر اساس نظامی حرکت می کند و در اغلب موارد، دعای ما با مصالح اجتماعی و یا شخصی افراد دیگر در تعارض است. از این رو خداوند به سبب دعا نظام عالم را به گونه ای تنظیم می کند که در موقعیت مناسب، شخص را به خواسته خودش برساند. به عنوان مثال اگر شما درخواست وام بکنید و با این درخواست موافقت شود، این موافقت بدان معنا نیست که الزاماً وام در همان زمان دلخواه شما، پرداخت شود؛ زیرا بانک باید توانایی خود و درخواست های دیگر را بررسی کند و طبق آن مهلتی را برای وصول وام شما تعیین کند. شاید یکی از موارد روشن این مطلب دعای حضرت موسی و هارون علیه السلام در نابودی حکومت فرعون باشد. که خداوند به آنها فرمود: «قالَ قَدْ أُجِیبَت دَعْوَتُکُما فاسْتَقِیما وَلَا تَتَّبِعَآنِ سَبِیلَ الَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ» یونس /۸۹ دعایتان مستجاب شد، بنابراین استقامت کنید و به راه گمراهان نروید. شاید برای ما باور نکردنی باشد که؛ اگر چه اجابت دعا در همان لحظه صورت گرفته است. اما تحقق خارجی آن بعد از چهل سال رخ داده است؛ یعنی بعد از چهل سال که خداوند به آنها فرمود: دعایتان مستجاب شد، فرعون سرنگون گردید. این مطلب در روایاتی آمده است که از جمله می توان به روایت ذیل اشاره کرد. ابن ابی عمیر عن هشام بن سالم عن ابی عبداللّٰه علیه السلام قال «کان بین قول اللّٰه عزوجل قداجیبت دعوتکما وبین اخذ فرعون اربعین عاماً»الکافی ج ۲،ص ۴۸۹،باب من أبطات علیه الاجابه.

اجابت از فضل خدا به ما و مردم است.

دعای ششم

دعای عبرات یا اشک های روان(۱)

علّامه حلّی رحمه الله در آخر کتاب منهاج الصلاح در دعای عبرات معروف، گفته است که این روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. اما از جهت سیّد بزرگوار رضی الدین محمّد بن محمّد آوی رحمه الله حکایت معروفی است که برخی از فضلا آن را در حاشیه همان دعا ذکر کرده اند.

جناب فخر الدّین محمّد بن شیخ جمال الدّین از پدرش و او از جدش، فقیه بزرگوار یوسف، از سیّد رضی که حکایت آن می آید نقل کرده است که:

او در زندان یکی از امرای سلطان جرماغون(۲) مدت زیادی در حبس بوده و گرفتاری ها و فشارهای زیادی را متحمّل شده است. تا این که روزی حضرت قائم علیه السلام را در خواب دید و با دیدن ایشان گریه کرد و گفت: مولای من مرا از این ظلمت نجات بده.

امام علیه السلام فرمود: دعای عبرات را بخوان.

گفت: دعای عبرات چیست؟

فرمود: در مصباح

عرض کردم: سرورم این دعا در مصباح من نیست.

۱- ۳۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۱، الحکایه الربعه.

۲- ۳۴. از پادشاهان مغول بوده است که معاصر با خوارزم شاه بود و در قرن هفتم هجری می زیست.

فرمود: نگاه کن پیدا می کنی!

از خواب بیدار شدم، بعد از خواندن نماز صبح، کتاب مصباح را باز کردم و با صفحه ای مواجه شدم که دعای عبرات در آن آمده بود. من آن را چهل بار خواندم.

این سلطان دو زن داشت. یکی از آنها زنی عاقل و خوش فکر بود. از این رو مورد اعتماد امیر بود. وقتی که امیر در نوبت این زن، پیشش آمد، به او گفت: آیا تو کسی از فرزندان حضرت امیرعلیه السلام را گرفته ای؟

گفت: برای چه این سؤال را می پرسی؟

گفت: برای این که مردی را دیدم که نور خورشید از صورتش می تابید. نزدیک آمد و حلقم را گرفت و گفت: شوهرت جرأت کرده و یکی از فرزندان مرا گرفته و او را در خورد و خوراک، تحت فشار قرار داده است! عرض کردم، سرورم، شما کیستید؟ فرمود: من علی بن ابیطالب هستم. به او بگو: اگر او را آزاد نکند، خانه اش را به سرش خراب می کنم.

این خبر به سلطان رسید او گفت:من در این باره چیزی نمی دانم. از معاونانش پرسید که آیا شما چنین کسی را گرفته اید؟

گفتند: بله شیخی علوی است که خود شما دستور زندانی کردنش را صادر کردید.

گفت: او را آزاد کنید و اسب و مشکی به او بدهید تا راه بیفتد.

در نهایت سیّد به خانه خود رفت.

ص:۶۸

همین طور سیّد جلیل القدر علی بن طاووس رحمه الله در آخر کتاب مهج الدعوات نقل می کند که از جمله دعاها، دعایی است که دوست و برادر من محمّد بن محمّد قاضی آوی، درباره این دعا سخن و اثر عجیبی ذکر کرده است. به این صورت که برای ایشان حادثه ای رخ داده و این دعا را در میان اوراقی که آنها را در میان کتابهایش قرار نداده بود، پیدا می کند. از روی آنها نسخه برداری می کند. وقتی که نسخه برداری تمام می شود، دعای اصلی مفقود می گردد. شیخ آن را نقل می کند. حتی بعد از آن، نسخه دیگری را نقل می کند که مقداری از تعبیرات آن تفاوت می کند.

ما در اینجا نسخه اوّلی را به جهت تبرک به خط سیّد بن طاووس رحمه الله می آوریم. حتّی میان نقل ایشان و علامه حلّی رحمه الله تفاوت زیادی وجود دارد.

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ وَیَا کَاشِفَ الْکُرُبَاتِ خدایا به جدّ از تو درخواست می کنم، ای رحم کننده بر اشک ها و ای برطرف أَنْتَ الَّذِی تَقْشَعُ سَحَائِبَ الِمحَنِ وَقَدْ أَمْسَتْ ثِقَالاً وَتَجْلُو سازنده گرفتاری ها. تویی که ابرهای سنگین را پراکنده می کنی. تویی که مه های ضَبَابَ الْإِحَنِ وَقَدْ سَحَبَتْ أَذْیَالاً وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِیماً غلیظ را از بین می بری و روشن می کنی. تویی که زراعت را خشک و استخوان ها

وَعِظَامَهَا رَمِيماً وَتَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِباً وَالْمَطْلُوبَ طَالِباً را خاک و شکست خورده را پیروز و فراری را فراری دهنده می کنی. إِلَهِی فَكَمْ مِنْ عَبْدٍ نَادَاكَ أَنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَفَتَحْتَ خدایا چه بسیارند بندگانی که تو را صدا زدند که من مغلوب شده ام، لَهُ مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْتَ یاری ام کن و تو نیز از سر نصرت به او، درهای آسمان را بر آب گشودی لَهُ مِنْ عَوْنِكَ عُيُوناً فَالْتَقَى مَاءُ فَرَجِهِ عَلَى أَمْرٍ قَدْ و چشمه هایی را از زمین جوشاندی. آبی که موجب گشایش کارش قُدِرَ وَحَمَلْتَهُ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ بود، به اندازه معینی رسید و او را بر روی تخته ها سوار کردی. يَا رَبِّ إِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ يَا رَبِّ إِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ پروردگارا، من مغلوب شده ام، یاری ام کن. پروردگارا، من مغلوب شده ام، یاری ام کن. يَا رَبِّ إِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پروردگارا، من مغلوب شده ام، یاری ام کن. بر محمّد و خاندانش درود فرست وَافْتَحْ لِی مِنْ نَصْرِكَ أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجِّرْ لِی و درهای آسمان را برای نصرت من باز کن و آب فراوان بریز و چشمه های آن را از

مِنْ عَوْنِکَ عُیُوناً لِیَلْتَقِیَ مَاءُ فَرَجِی عَلی أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ زمین بجوشان تا جایی که آب گشایش من، به اندازه معینی برسد و مرا با کفایت وَاحْمِلْنِی. یَا رَبِّ مِنْ کِفَایَتِکَ عَلی ذاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ یَا مَنْ خودت، بر کشتی سوار کن. ای کسی که وقتی بنده اش در تاریکی شب فرو می رود إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِی لَیْلٍ مِنْ حَیْرَتِهِ یَهِیمُ فَلَمْ یَجِدْ لَهُ صَرِیخاً و از تحیر دچار توهّمات و ترس می شود و سرپرست و دوست صمیمی، برای خود یُصْرِخُهُ مِنْ وَلِیٍّ وَلَا حَمِیمٍ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ نمی بیند تا به فریادش برسد، بر محمّد و خاندانش درود فرست و از فضل خود، یَا رَبِّ مِنْ مَعُونَتِکَ صَرِیخاً مُعِیناً وَوَلِیّاً یَطْلُبُهُ حَثِیثاً یُنَجِّیهِ فریادرس و یاورم باش و مانند سرپرستی که دنبال عبد خود است تا او را از مِنْ ضَیْقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ وَیُظْهِرُ لَهُ الْمُهِمَّ مِنْ أَعْلَامِ فَرَجِهِ گرفتاری نجات بدهد و در مشکلاتش گشایش ایجاد کند، تو نیزبا من چنین کن. اللَّهُمَّ فَیَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَهٌ وَآیَاتُهُ بَاهِرَهٌ وَنَقِمَاتُهُ قَاصِمَهٌ لِکُلِّ خدایا، ای کسی که قدرتش غالب و نشانه هایش روشن و غذابش شکننده هر پادشاه جَبَّارٍ دَامِغَهٌ لِکُلِّ کَفُورٍ خَتَّارٍ صَلِّ یَا رَبِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و در هم کوبنده هر کافر حیله گر است، بر محمّد و خاندانش درود فرست و از

وَانْظُرْ إِلَيَّ يَا رَبِّ نَظْرَةً مِنْ نَظَرَاتِکَ رَحِيمَةً تَجْلُو بِهَا عَنِّی آن نگاه های دلسوزانه ات به من نگاه کن تا ظلمت پایدار ما، روشن شود. ظلمتی ظُلْمَةً وَاقِفَةً مُقِيمَةً مِنْ عَاهَةٍ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ وَقَلَفَتْ مِنْهَا از جنس آفتی که پستان های حیواناتمان را خشک و زراعت هایمان را از بین برده الزُّرُوعُ وَاشْتَمَلَ بِهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ وَجَرَتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ. است و بر قلب هایمان سایه یأس انداخته و نفس هایمان را کند کرده است. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحِفْظاً لِغَرَائِسَ غَرَسْتَهَا خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و درختانی را که با دست رحمانیت کاشته و با آب يَدُ الرَّحْمَنِ وَشَرَّبَهَا مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُجَزُّ حیاتت سیراب کرده ای، حفظ کن تا شیطان با دستش در نیاورد و با تیشه اش، قطع نکند. وَبِفَأْسِهِ تُقْطَعُ وَتُحَزُّ. إِلَهِي مَنْ أَوْلَى مِنْکَ أَنْ يَكُونَ عَنْ خدایا، همه اینها متعلق به توست، کیست ک...برای حفظ ملکت از خود تو شایسته تر حَمَاکَ حَارِساً وَمَانِعاً إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوِّنْهُ وَخَشُنَ باشد. خدایا، گرفتاری سنگین شده است، آن را آسان کن. خشن شده است، نرم کن. قلب ها فَأَلِنْهُ وَإِنَّ الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَنِّهَا وَالنُّفُوسُ ارْتَاعَتْ فَسَكِّنْهَا. ترسیده اند، آنها را به حرکت در آور. جان ها به اضطراب افتاده اند، آنها را آرام کن.

ص:۷۲

إِلَهِی تَدَارَکْ أَقْدَاماً قَدْ زَلَّتْ وَأَفْهَاماً فِی مَهَامِهِ الْحَیْرَهِ ضَلَّتْ خدایا، قدم هایی را که لغزیده و عقل هایی را که در گرداب حیرت به اشتباه افتاده بودند، أَجْحَفَ الضُّرُّ بِالْمَضْرُورِ فِی دَاعِیَهِ الْوَیْلِ وَالثُّبُورِ فَهَلْ یَحْسُنُ جبران کن. ضرر، صدای مردم را به واویلا درآورده است. آیا شایسته فضل توست که آنها را مِنْ فَضْلِکَ أَنْ تَجْعَلَهُ فَرِیسَهً لِلْبَلَاءِ وَهُوَ لَکَ رَاجٍ أَمْ هَلْ یُحْمَلُ در معرض بلا قرار دهی، با اینکه امیدشان به توست ؟ آیا در عدل تو می گنجد که او در مِنْ عَدْلِکَ أَنْ یَخُوضَ لُجَّهَ الْغَمَّاءِ وَهُوَ إِلَیْکَ لَاجٍ مَوْلَایَ لَئِنْ بدبختی و غم فرو رود، در حالی که تو را صدا می زند؟ سرورم، اگر در تقوای تو، خودم را کُنْتُ لَاأَشُقُّ عَلَی نَفْسِی فِی التُّقَی وَلَا أَبْلُغُ فِی حَمْلِ أَعْبَاءِ به مشقت نمی اندازم، اگر تا درجه رضای تو، عهده دار اطاعت نیستم. اگر در زمره بندگانی الطَّاعَهِ مَبْلَغَ الرِّضَا وَلَا أَنْتَظِمُ فِی سِلْکِ قَوْمٍ رَفَضُوا الدُّنْیَا فَهُمْ در نمی آیم که از دنیا روی برگردانده اند. شکم هایشان نازک و چشمانشان از شدّت گریه خُمُصُ الْبُطُونِ عُمْشُ الْعُیُونِ مِنَ الْبُکَاءِ بَلْ أَتَیْتُکَ یَا رَبِّ بِضَعْفٍ باد کرده است. خدایا، من با عملی ضعیف و پشتی سنگین از گناهان و لغزش ها با روحی مِنَ الْعَمَلِ وَظَهْرٍ ثَقِیلٍ بِالْخَطَاءِ وَالزَّلَلِ وَنَفْسٍ لِلرَّاحَهِ مُعْتَادَهٍ که به راحتی عادت کرده و به امروز و فردا کردن نفسم مطیع شده است. [به سویت آمده ام]

ص:۷۳

وَلِدَوَاعِی التَّسْوِیفِ مُنْقَادَهٍ أَ مَا یَکْفِیکَ یَا رَبِّ وَسِیلَهً إِلَیْکَ وَذَرِیعَهً آیا برای تو کفایت نمی کند که اولیایت را دوست دارم و در محبّت به تو حدّ و حصری لَدَیْکَ أَنِّی لِأَوْلِیَائِکَ مُوَالٍ وَفِی مَحَبَّتِکَ مُغَالٍ أَ مَا یَکْفِینِی أَنْ نمی شناسم؟ آیا کفایت نمی کند که به خاطر آنها با مظلومیت، شب می کنم و با فرو بردن أَرُوحَ فِیهِمْ مَظْلُوماً وَأَغْدُوَمَکْظُوماً وَأَقْضِیَ بَعْدَ هُمُوم هُمُوماً غیظ، صبح می نمایم. گرفتاری های فراوان را متحمّل می شوم و در تیررس آنها قرار وَبَعْدَ رُجُوم رُجُوماً أَمَا عِنْدَکَ یَا رَبِّ بِهَذِهِ حُرْمَهٌ لَاتُضَیَّعُ وَذِمَّهٌ می گیرم؟(۱) آیا اینها نزد تو حرمتی ندارد و کمترین تعهدی را برای تو ایجاد نمی کند؟ اگر بِأَدْنَاهَا یُقْتَنَعُ فَلِمَ لَا یَمْنَعُنِی یَا رَبِّ وَهَا أَنَا ذَا غَرِیقٌ وَتَدَعُنِی اینها ارزش و حرمت دارند، چرا جلوی غرق شدن مرا نمی گیری و اجازه می دهی که در آتش بِنَارِ عَدُوِّکَ حَرِیقٌ أَتَجْعَلُ أَوْلِیَاءَکَ لِأَعْدَائِکَ مَصَائِدَ وَتُقَلِّدُهُمْ دشمنانت بسوزم؟! آیا دوستانت را صید دشمنانت قرار می دهی و به زنجیر ذلتشان می کشی؟

ص:۷۴

---

۱ – ۳۵. سخن درباره گناهان شیعیانی است که تشیّع آنها از روی بصیرت است. کسانی که تاوان آن را شب و روز می پردازند، مورد ظلم قرار می گیرند. بدبختی ها از هر سو آنها را احاطه می کند. اما دست از اعتقاد و حمایت از اهل بیت علیهم السلام بر نمی دارند. نه کسانی که به تن پروری و ظلم به بندگان خدا عادت کرده اند و از تشیّع تنها نام علی را یدک می کشند. راستی اگر علی زنده می شد با این همه آلودگی ما چه می کرد؟ آیا آنان را که شب و روز خون بندگان خدا را به شیشه می کشند و در مجالس او پول خرج می کنند، می پذیرفت و آنها را شیعه خود می دانست؟!

مِنْ خَشْيَتِهِمْ قَلَائِدَ وَأَنْتَ مَالِكُ نُفُوسِهِمْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمَدُوا وَفِي آن هم در حالی که تو مالک جان هایشان هستی! اگر تو جان هایشان را بگیری، خشک می شوند. قَبْضَتِکَ مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ قَطَعْتَهَا خَمَدُوا وَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكُفَّ آری ارواحشان در قبضه توست که اگر بگیری، بی جان می افتند. خدایا چه چیزی باعث بَأْسَهُمْ وَتَنْزِعَ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِبَاسَهُمْ وَتُعْرِيَهُمْ مِنْ سَلَامَةٍ بِهَا شده است که آزار و اذیتشان را از ما برنگردانی و لباس مصونیت را از تنشان درآوری و آنها را فِي أَرْضِكَ يَسْرَحُونَ وَفِي مَيْدَانِ الْبَغْيِ عَلَى عِبَادِكَ يَمْرَحُونَ. از سلامت عریان کنی. سلامتی که با آن می چرند و در میدان ظلم بر بندگانت تکبّر می ورزند. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَدْرِكْنِي وَلَمَّا يُدْرِكْنِي خدایا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و قبل از اینکه غرق شوم الْغَرَقُ وَتَدَارَكْنِي وَلَمَّا غُيِّبَ شَمْسِي لِلشَّفَقِ إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفٍ و خورشید هدایتم در شفق ناپدید شود، مرا دریاب. خدایا، چه بسیارند الْتَجَأَ إِلَى سُلْطَانٍ فَآبَ عَنْهُ مَحْفُوفاً بِأَمْنٍ وَأَمَانٍ أَفَأَقْصِدُ يَا رَبِّ کسانی که به سلاطین پناه برده اند و در پناه او در امان مانده اند. آیا به سلطنتی بِأَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَاناً أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَاناً غیر از سطلنت تو پناه ببرم؟ یا به سفره ای وسیع تر از احسان

أَمْ أَكْثَرَ مِنِ اقْتِدَارِكَ اقْتِدَاراً أَمْ أَكْرَمَ مِنِ انْتِصَارِكَ انْتِصَاراً. تو یا مقتـدرتر از اقتدار تو یا فراتر از یاری تو یاوری بجویم؟ اَللَّهُمَّ أَيْنَ كِفَايَتُكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَغِيثِينَ مِنَ الْأَنَامِ وَأَيْنَ خـدایا، کجاست کفایتی که یاری گر بنـدگان مستضـعفت می باشـد. کجاست توجهی که سپر تیر کسانی عِنَايَتُكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ لِجَوْرِ الْأَيَّامِ إِلَيَّ إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِّ باشد که مرا آماج هدف ظلم خود قرار داده انـد؟ خـدایا آن کفایت و عنایت را بر من سـرازیر کن نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. و مرا از شـر ظالمـان نجـات بخش. که ضـررها مرا فرا گرفته انـد در حـالی که تو مهربـان ترین مهربانانی مَوْلَايَ تَرَى تَحَيُّرِي فِي أَمْرِي وَتَقَلُّبِي فِي ضُرِّي وَانْطِوَايَ عَلَى حُرْقَةِ خـدایا، آیا تحیّرم را از یکسو و سـر گردانی در بـدبختی هایم را از سوی دیگر و به خود قَلْبِي وَحَرَارَةِ صَدْرِي فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ لِي پیچیـدن هایم را که از سوز دل و سینه ام است، می بینی؟ بر محمّـد و خانـدانش درود فرست يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَيَسِّرْ لِي يَا رَبِّ نَحْوَ الْيُسْرَى و به خاطر هر آنچه که شایسـته آنی، برای من گشایشـی فراهم کن و راهی آسان به مَنْهَجاً وَاجْعَلْ لِي يَا رَبِّ مَنْ نَصَبَ حِبَالاً لِي لِيَصْرَعَنِي بِهَا صَرِيعَ سوی مشکلاتم باز کن. خدایا، اگر کسی طنابی گذاشته تا مرا به زمین بزند، با همان او

مَا مَکَرَهُ وَمَنْ حَفَرَ لِیَ الْبِئْرَ لِیُوقِعَنِی فِیهَا وَاقِعاً فِیما حَفَرَهُ وَاصْرِفِ را به زمین بزن. اگر چاهی کنده تا مرا در آن بیندازد، خودش را در آن سرنگون ساز. اَللَّهُمَّ عَنِّی شَرَّهُ وَمَکْرَهُ وَفَسَادَهُ وَضَرَّهُ مَا تَصْرِفُهُ عَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِدِینِ خدایا، شرّ و نیرنگ و فساد و ضرر او را از من برگردان. همان طور که از کسی که خود را مطیع دین الدَّیَّانِ وَمُنَادٍ یُنَادِی لِلْإِیمَانِ إِلَهِی عَبْدُکَ عَبْدُکَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ وَضَعِیفُکَ و منادی ایمان قرار داده است، برمی گردانی. خدایا، بنده، بنده توست. دعای بنده ات را اجابت کن. ضَعِیفُکَ فَرِّجْ غُمَّتَهُ فَقَدِ انْقَطَعَ کُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلُکَ وَتَقَلَّصَ کُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلُّکَ و ضعیف، ضعیف توست، گرفتاریش را آسان گردان. تمام دستاویزها غیر از دستاویز تو بریده است مَوْلَایَ دَعْوَتِی هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا أَیْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ الْإِجَابَهِ وَیَجْعَلُنِی و تمام سایه ها جمع شده غیر از سایه تو. مولای من، اگر تو دعای مرا برگردانی، چگونه مستجاب مَخِیلَتِی إِنْ کَذَّبْتَهَا أَیْنَ تُلَاقِی مَوْضِعَ الْإِجَابَهِ فَلَا تَرُدَّ عَنْ بَابِکَ مَنْ خواهد شد. اگر آرزوهای مرا قبول نکنی، کجا قبول خواهد شد. کسی را که غیر از در لَا یَعْرِفُ غَیْرَهُ بَاباً وَلَا یَمْتَنِعُ دُونَ جِنَابِکَ مَنْ لَا یَعْرِفُ سِوَاهُ جِنَاباً تو، دری نمی شناسد، نران و کسی را که غیر از جوار رحمت تو، پناهی ندارد، محروم نکن. سجده کرده و می گوید:

إِلَهِی إِنَّ وَجْهاً إِلَیْکَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ فَالرَّاغِبُ خَلِیقٌ بِأَنْ تُجِیبَهُ خدایا، اگر بنده ای صورتش را با امید به سوی تو متوجّه کند، شایسته اجابت خواهد بود

ص:۷۷

وَإِنَّ جَبِيناً لَکَ بِابْتِهَالِهِ سَجَدَ حَقِیقٌ أَنْ یَبْلُغَ مَا قَصَدَ وَإِنَّ خَدّاً و وَإِنَّ خَدّاً و پیشانی که با تضرّع بر خاک بنشیند، شایسته است که به آروزیش برسانی و گونه ای إِلَیْکَ بِمَسْأَلَتِهِ یُعَفِّرُ جَدِیرٌ بِأَنْ یَفُوزَ بِمُرَادِهِ وَیَظْفَرَ وَ هَا أَنَا که بر خاک گذاشته شده است، لیاقت آن را دارد که به خواسته اش برسد. خدایا، این منم، ذَا یَا إِلَهِی قَدْ تَرَی تَعْفِیرَ خَدِّی وَابْتِهَالِی وَاجْتِهَادِی فِی بنده تو که در برابر دیدگانت، گونه هایم را بر خاک مذلت می مالم و ناله می کنم و با اصرار، مَسْأَلَتِکَ وَجِدِّی فَتَلَقَّ یَا رَبِّ رَغَبَاتِی بِرَأْفَتِکَ قَبُولاً وَسَهِّلْ إِلَیَّ گدایی می کنم. پروردگارا، آمال و آرزوهایم را مستجاب کن و به سوی خواسته هایم، طَلِبَاتِی بِرَأْفَتِکَ وُصُولاً وَذَلِّلْ لِی قُطُوفَ ثَمَرَاتِ إِجَابَتِکَ تَذْلِیلاً. راه وصلی باز کن و شاخه های میوه های اجابت خود، را برایم پایین بیاور. إِلَهِی لَا رُکْنَ أَشَدُّ مِنْکَ فَآوِی إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ وَقَدْ أَوَیْتُ إِلَیْکَ خدایا، پایه ای محکمتر از تو نیست تا به آن پناه ببرم. من به تو پناه آورده ام و در برآورده وَعَوَّلْتُ فِی قَضَاءِ حَوَائِجِی عَلَیْکَ وَلَا قَوْلَ أَسَدُّ مِنْ دُعَائِکَ فَأَسْتَظْهِرَ شدن نیازهایم به تو تکیه نموده ام. سخنی محکمتر از حرف تو نیست، آن را با قبولی بِقَوْلٍ سَدِیدٍ وَقَدْ دَعَوْتُکَ کَمَا أَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِی بِفَضْلِکَ کَمَا وَعَدْتَ محکم برایم نشان بده. همان طور که خودت امر به دعا کردی، خود نیز با فضل خود

فَهَلْ بَقِیَ یَا رَبِّ إِلَّا أَنْ تُجِیبَ وَتَرْحَمَ مِنِّی الْبُکَاءَ وَالنَّحِیبَ یَا اجابت کن. آیا برای اجابت دعا بهانه ای غیر از گریه و فریاد بود، تا نکرده باشم؟ مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ وَیَا مَنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ رَبِّ انْصُرْنِی ای آنکه خدایی جز او نیست. ای کسی که دعای مضطرین را به هنگامی که دعا می کنند، عَلَی الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ وَافْتَحْ لِی وَأَنْتَ خَیْرُ الْفاتِحِینَ وَالْطُفْ بِی مستجاب می کنی. پروردگارا، مرا در برابر ظالمان یاری کن و پیروز نما که تو بهترین پیروز یَا رَبِّ وَبِجَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ کنندگانی و بر من و تمام مردان مؤمن و زنان مؤمنه لطف کن. با رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

ص:۷۹

دعای هفتم

دعای امام زمان علیه السلام برای رفع گرفتاری و دفع شر دشمنان(۱)

مرحوم شیخ صالح متّقی و زاهد، نقل می کند که گرفتار مشکلات و دشمنی های فراوانی شدم. تا جایی که کشته شدن را در یک قدمی خودم دیدم. در این اوضاع بود که دعایی را در جیب خودم پیدا کردم. آنچه باعث تعجب من شد، این بود که کسی آن را به من نداده بود. از این رو متحیّر شده بودم. تا اینکه در خواب شنیدم که شخصی در قیافه صالحان و زاهدان به من گفت: آن دعا را ما به تو عنایت کردیم. بخوان تا از این گرفتاری نجات پیدا کنی!

گوینده را نشناختم و تعجبم بیشتر شد. یک بار دیگر هم حضرت حجّت علیه السلام را در خواب دیدم. ایشان فرمودند: با دعایی که داده ایم، دعا کن.

شیخ صالح نقل می کند که من بارها آن دعا را امتحان کردم و خیلی زود از گرفتاری ها رهایی یافتم. تا اینکه بعد از مدتی دعا را گم کردم. از این مسأله خیلی متاسف شدم و از گناهانی که ممکن بود، باعث سلب توفیق شده باشند، استغفار کردم. شخصی به خوابم آمد و گفت:

این دعایی که به دنبال آن هستی، در فلان جا افتاده است. آنچه که به خاطر دارم، آن است که به همان آدرس رفتم و دعا را برداشتم و سجده شکر به جای آوردم.

ص:۸۰

۱- ۳۶. بحارالانوار، ج ۵۳ / ص ۲۲۵ - الحکایه الخامسه.

اما متن دعا:

رَبِّ أَسْأَلُکَ مَدَداً رُوحَانِیّاً تُقَوِّی بِهِ قُوَی الْکُلِّیَّهِ وَالْجُزْئِیَّهِ حَتَّی خدایا، از تو امدادهای روحانی را درخواست می کنم. تا تمام قوای کلی و جزئی را تقویت نماید. أَقْهِرَ عِبَادِی نَفْسِی کُلُّ نَفْسٍ قَاهِرَهٌ فَتَنْقَبِضَ لِی إِشَارَهُ رَقَائِقِهَا تا جایی که روح من بر تمام ارواح قوی، غالب شود و یک اشاره کوچک من او را به شدّت انْقِبَاضاً تَسْقُطُ بِهِ قُوَاهَا حَتَّی یَبْقَی فِی الْکَوْنِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارُ فشار دهد، به گونه ای که تمام قوایش از بین برود. تا آنجا که آتش غضب من، تمام موجودات قَهْرِی قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ یَا شَدِیدُ یَا شَدِیدُ یَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِیدِ صاحب روح عالم را بسوزاند. ای شدید، ای شدید، ای حمله کننده بسیار نیرومند و تند، یَا قَهَّارُ أَسْأَلُکَ بِمَا أَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِیلَ مِنْ أَسْمَائِکَ الْقَهْرِیَّهِ فَانْفَعَلَتْ ای غلبه کننده، از تو می خواهم به حرمت آن نامی که به عزرائیل آموختی تا تمام لَهُ النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ أَنْ تُودِعَنِی هَذَا السِّرَّ فِی هَذِهِ السَّاعَهِ حَتَّی نفوس عالم در برابر او تسلیم شوند، آن سرّ را در همین لحظه به من بسپاری تا هر سختی أُلَیِّنَ بِهِ کُلَّ صَعْبٍ وَأُذَلِّلَ بِهِ کُلَّ مَنِیعٍ بِقُوَّتِکَ یَا ذَا الْقُوَّهِ الْمَتِینَ در برابرم، نرم و هر غیر ممکنی برایم آسان گردد. با نیرویت، ای صاحب قدرت مستحکم. این دعا را در صورت امکان سه بار به هنگام سحر، سه بار در

صبح و سه بار در شب بخوان.

در صورتی که مشکل خواننده دعا خیلی شدّت بیابد، بعد از اینکه آن را خواند، سی بار این دعا را بخواند:

یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ أَسْأَلُکَ اللُّطْفَ ای رحمان و ای رحیم، ای مهربان ترین مهربانان. از تو می خواهم که به هر چیزی که اندازه گیری ها بِمَا جَرَتْ بِهِ الْمَقَادِیرُ.

در آن جاری می شود، اشراف پیدا کنی.

ص:۸۲

دعای هشتم

دعای حضرت برای بیماری های سخت(۱)

محمّد بن علی بن بابویه صدوق رحمه الله از اساتید قمی خودش نقل می کند که یکی از ایشان تعریف می کرد که به بیماری خاصّی مبتلا شدم که راه های چاره را بر رویم بست. برایم خیلی سخت بود که خانواده و دوستان و برادرانم را در جریان آن بگذارم.

شب هنگام در حالی که از بیماریم غمگین بودم، خوابیدم. در خواب مردی خوش سیما با پوششی جالب و بوی خوش دیدم. خیال کردم که او یکی از استادان قمی من هست که خدمت ایشان روایت می خواندم. با خودم گفتم: تا کی باید این بیماری و غم و اندوه را از همه پنهان کنم. این آقا هم از اساتید بزگوار ما است. بنابراین بهتر است که مشکلم را به او بگویم. شاید گشایشی حاصل شود.

قبل از اینکه من زبان به سخن باز کنم، او گفت: همان عملی را که همیشه انجام می دادی، انجام بده و به امام زمانت متوسل شو؛ زیرا او پناهگاه تو و بهترین کمک برای دوستان مؤمن خویش است. بعد دستم را گرفت و آن را با کف دست راستش مسح کرد و گفت: او را زیارت کن و بخواه که برای حاجت تو نزد خدا شفاعت کند.

عرض کردم: هر زیارت و عملی که مورد نظرتان است، یاد بدهید؛ زیرا این بیماری همه چیز را از یادم برده است.

۱- ۳۷. البلد الامین، ص ۱۵۸.

نفس بلندی کشید و گفت: لا حَوْلَ وَلْا قُوَّهَ اِلّا بِاللَّه و سینه مرا با دستش مسح کرد و گفت: خدا تو را کفایت می کند، نگران نباش.

وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان، به این ترتیب که:

در رکعت اول بعد از حمد، سوره اِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحاً مُبِیناً «فتح»

در رکعت دوم بعد از حمد، سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتح «نصر»

بلند شو و در زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْکَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَهُ وَبَرَکَاتُهُ سلام کامل فراگیر عمومی و صلوات دائمی و برکات پایدار خدا، بر حجّت الْقَائِمَهُ عَلَی حُجَّهِ اللَّهِ وَوَلِیِّهِ فِی أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ وَخَلِیفَتِهِ عَلَی خَلْقِهِ خدا و ولیّ او بر روی زمین و در شهرها و جانشین او در میان خلق وَعِبَادِهِ سُلَالَهِ النُّبُوَّهِ وَبَقِیَّهِ الْعِتْرَهِ وَالصَّفْوَهِ صَاحِبِ الزَّمَانِ و بندگانش. او که از نسل نبوّت و باقی مانده عترت و صاحب زمان و مظهر وَمُظْهِرِ الْإِیمَانِ وَمُعْلِنِ أَحْکَامِ الْقُرْآنِ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَنَاشِرِ ایمان و آشکار کننده احکام قرآن و پاک کننده زمین و گسترش دهنده عدالت الْعَدْلِ فِی الطُّولِ وَالْعَرْضِ الْحُجَّهِ الْقَائِمِ الْمَهْدِیِّ وَالْإِمَامِ در طول و عرض زمین است. او که حجّت قیام کننده و امام مورد انتظار

ص:۸۴

الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ الطَّاهِرِ ابْنِ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرِينَ الْوَصِيِّ أَوْلَادِ و مورد رضایت و پاک، فرزند ائمه طاهرین، جانشین اولاد جانشینان خدا الْأَوْصِیاءِ الْمَرْضِیِّینَ الْهَادِی الْمَعْصُوم ابْنِ الْهُدَاهِ الْمَعْصُومِینَ. که مورد رضای خدا، هدایتگر معصوم و فرزند هدایتگران معصوم است. اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا إِمَامَ الْمُسْلِمِینَ وَالْمُؤْمِنِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ سلام بر تو ای امام مسلمانان و مؤمنان سلام بر تو ای وارث علم پیامبران و امانتدار یَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِیِّینَ وَمُسْتَوْدَعِ حِکْمَهِ الْوَصِیِّینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حکمت جانشینان انبیاء. سلام بر تو ای مصونیّت دین خدا. سلام بر تو ای یَا عِصْمَهَ الدِّینِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِینَ الْمُسْتَضْعَفِینَ عزّت بخش مؤمنین مستضعف. سلام بر تو ای ذلیل کننده کافرین متکبّر و ظالم. اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مُذِلَّ الْکَافِرِینَ الْمُتَکَبِّرِینَ الظَّالِمِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ سلام بر تو ای مولای من، ای صاحب زمان، ای فرزند امیرمؤمنان و فاطمه! یَا مَوْلَایَ یَا صَاحِبَ الزَّمَانِ یَا ابْنَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ وَابْنَ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ سرور زنان عالم. سلام بر تو ای فرزند امامانی که حجّت های خدا در میان بندگان سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا ابْنَ الْأَئِمَّهِ الْحُجَجِ عَلَی بودند. سلام بر تو ای مولای من، سلام کسی که در ولایت شما خالص شده است.

ص:۸۵

الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ سَلَامَ مُخْلِصٍ لَکَ فِی الْوَلَاءِ. شهادت زبانی و عملی می دهم که تو امام هدایت شده ای و تو همـان کسـی هستی که أَشْـهَدُ أَنَّکَ الْإِمَـامُ الْمَهْـدِیُّ قَوْلاً وَفِعْلاً وَأَنَّکَ الَّذِی تَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْـطاً زمین را پر از عـدل و داد می کنی. خداونـد در فرجـت تعجیـل کنـد و قیـامت را آسـان وَعَـدْلاً فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَـکَ وَسَـهَّلَ مَخْرَجَـکَ وَقَرَّبَ زَمَانَـکَ وَأَکْثَرَ أَنْصَارَکَ گرداند و زمان ظهور را نزدیک و یارانت را فراوان و وعده خدایت را محقق گرداند؛ وَأَعْوَانَکَ وَأَنْجَزَ لَکَ مَوْعِدَکَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِینَ وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ زیرا او راستگوترین صادقان است و فرموده است: (اراده کرده ایم بر کسانی که بر روی عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ. زمین تضعیف شده اند، عنایت کنیم و آنها را امامان روی زمین و وارثان آن قرار دهیم.) یَامَوْلَایَ حَاجَتِی کَذَا وَکَذَا – حاجت هایش رامی گوید فَاشْفَعْ لِی فِی نَجَاحِهَا. ای مولای من حاجت من فلان و فلان است، – حاجت هایش را می گوید –.(1) در نجات از آنها مرا شفاعت کن. در ادامه هر چه که بخواهی، بخواه.

نقل می کند که از خواب بیدار شدم. یقین به راحتی و گشایش وجودم را فرا گرفته بود. هنوز وقت زیادی تا صبح باقی بود. با سرعت بلند شدم و هر آنچه را که یاد گرفته بودم، نوشتم تا نکند که

۱– ۳۸. در این موارد، شخص خواسته های خود را به هر زبانی که باشد، به زبان می آورد و دعا را ادامه می دهد.

از یادم برود. وضو گرفتم و زیر آسمان رفتم. دو رکعت نماز را، همان طور که دستور داده بود، با حضور قلب و حوصله کامل خواندم. وقتی که نماز را خواندم بلند شدم و رو به قبله ایستادم و امام علیه السلام را زیارت کردم و در آخر حاجتم را عرضه کردم و از ایشان یاری طلبیدم. بعد سجده شکر کردم و آن را با دعا طول دادم. آن قدر طول دادم که کم مانده بود نماز شب را قضا بکنم. بعد از آن بلند شدم و نماز شب و بعد نماز صبح را خواندم و در محراب نماز نشستم و دعا خواندم. به خدا قسم که هنوز خورشید در نیامده بود که بیماریم درست شد و هیچ وقت عود نکرد و هیچ کس تا امروز نفهمید که من به چه بیماری دردناکی مبتلا شده بودم. نعمت از خداست و ثنای فراوان شایسته خداست.

دعای نهم

دعای امام زمان جهت گشایش و برطرف شدن خطرها(۱)

از ابو الحسین بن ابی البغل کاتب نقل شده است که مدتی در خدمت ابی منصور بن صالحان بودم و برای او کار می کردم. تا اینکه اتفاقی افتاد و باعث ایجاد کدورت میان ما شد. من از ترس جانم، خود را از او پنهان کردم. او افرادی را نزد من فرستاد و مرا ترسانید.

با وجودی پر از ترس به حرم ائمه کاظمین پناهنده شدم.شب جمعه بود. تصمیم گرفتم که شب را در آنجا بمانم و مناجات کنم. شب بارانی و طوفانی بود. از ابوجعفر که خادم حرم بود، در خواست کردم تا درها را ببندد و مرا در خلوت رها کند. تا با خیال آسوده مناجات کنم و ترس کسی را نداشته باشم. درها را بست. شب از نصف گذشت و باد و باران مردم را از آمدن به حرم منصرف کرد. در آنجا ماندم و به دعا و نماز و زیارت مشغول شدم.

ناگهان صدای پایی را شنیدم. مردی در حال زیارت امام موسی کاظم علیه السلام بود. به آدم و انبیای اولوالعزم سلام کرد. بعد از آن به تک تک ائمه علیهم السلام سلام کرد. تا اینکه به صاحب الزمان رسید و آن را ذکر نکرد. با خودم گفتم شاید از یادش رفته و یا اعتقادی به ایشان ندارد.

---

۱ - ۳۹. بحارالأنوار / ج ۵۱ / ص ۳۰۴ / باب ۱۵ - ما ظهر من معجزاته؛ مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۱۹ / ۳۰۸ - باب استحباب الصلاه؛ فرج المهموم / ص ۲۴۵.

وقتی که زیارت را تمام کرد، دو رکعت نماز خوانـد و به طرف من آمد و امام محمّد تقی علیه السـلام را مانند امام کاظم علیه السـلام، زیارت کرد. من از او می ترسـیدم؛ زیرا او را نمی شـناختم. او جوانی خوش اندام بود. لباس سفید و عمامه ای با تحت الحنک و عبا به تن داشت.

بعد از اینکه زیارت را تمام کرد، به من گفت: ای ابوالحسین چرا دعای گشایش را نمی خوانی؟

عرض کردم: آن دعا کدام است؟!

فرمود: دو رکعت نماز بخوان و بگو:

یَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِیلَ وَسَتَرَ الْقَبِیحَ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَهِ وَلَمْ یَهْتِکِ ای کسـی که زیبایی را آشـکار و بدی را می پوشانی. ای کسـی که به خـاطر گناهان نمی گیری السِّتْرَ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ و آبرویمان را نمی بری. ای صـاحب نعمت عظیم و گـذشت بزرگوارانه، ای صـاحب یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ یَا مُنْتَهَی کُلِّ نَجْوَی وَیَا غَایَهَ کُلِّ شَکْوَی مغفرت وسیع و ای دستان بـاز رحمت، ای منتهـای هر مناجـات و ای نهایت هر شـکایت یَا عَوْنَ کُلِّ مُسْتَعِینٍ یَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا و ای یاور هر یاری خواه و ای آغازگر نعمت ها قبل از استحاق آنها.

ص:۸۹

ده بار: يَا رَبَّاهْ

ده بار: يَا سَيِّدَاهْ

ده بار: يَا مَوْلَيَاهْ

ده بار: يَا غَايَتَاهْ

ده بار: يَا مُنْتَهَى غَايَهِ رَغْبَتَاهْ

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ علیهم السلام إِلَّا از تو می خواهم به حقّ این نـام های مقـدّس و به حقّ محمّد و خاندان پاکش علیهم السلام تا گرفتاریم مَا کَشَفْتَ کَرْبِی وَنَفَّسْتَ هَمِّی وَفَرَّجْتَ غَمِّی وَأَصْلَحْتَ حَالِی را برطرف کنی و اندوه و غمم را از میان برداری و حال و روزم را اصلاح کنی. وَتَدْعُو بَعْدَ ذَلِکَ مَا شِئْتَ وَتَسْأَلُ حَاجَتَکَ

بعد نیازهای خودت را به زبان می آوری.

بعد از آن، گونه راستت را روی زمین می گذاری و صد بار می گویی:

«يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِی فَإِنَّكُمَا كَافِيَایَ وَانْصُرَانِی فَإِنَّكُمَا نَاصِرَایَ»

سپس گونه چپت را روی زمین می گذاری و صد بار می گویی: «أَدْرِكْنِی» حتی سعی کن آن را بیشتر از صدبار بگویی.

یک نفس تمام هم «الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ» می گویی و سرت را برمی داری. خداوند با لطف خود مشکلت را برطرف می کند.

ص:۹۰

وقتی که به نماز و دعا مشغول شدم، رفته بود. بعد از نماز و دعایی که یادم داده بود، پیش ابو جعفر خادم حرم رفتم تا درباره او سؤال کنم که او چگونه وارد شده است. اما دیدم که همه درها قفل هستند. تعجب کردم. با خودم گفتم شاید او هم مثل من قبل از قفل شدن درها آمده و در اینجا مانده است. وقتی که به ابوجعفر رسیدم، او از اتاق بیرون آمد. درباره آن مرد و چگونگی وارد شدنش سؤال کردم. گفت: همان طور که می بینی همه درها بسته است و من در را برای کسی باز نکرده ام! همه ماجرا را برایش نقل کردم. گفت: این آقا، امام زمانمان است. من بارها ایشان را دیده ام که در همچو شب های خلوتی برای زیارت تشریف آورده است. من از اینکه ایشان را به موقع نشناخته بودم، خیلی متأسف شدم. نزدیک فجر بود به طرف کرخ به راه افتادم. به همان جایی که خود را پنهان می کردم، رفتم. هنوز خورشید کامل درنیامده بود که اصحاب ابن صالحان دنبال من می گشتند و مرا از دوستانم می پرسیدند. آنها امان نامه ای از وزیر به همراه داشتند. که در آن کلی مطالب دلنشین نوشته شده بود. با چند نفر از دوستان مورد اعتمادم پیش او رفتیم. مرا احترام کرد و طوری تحویل گرفت که تا به آن روز بی سابقه بود.

بعد از آن گفت: کارت به جایی رسیده است که از دست من خدمت امام زمان علیه السلام شکایت می کنی. گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو، امشب آن حضرت را در خواب دیدم. یعنی

شب جمعه، او به من دستور داد که در مورد تو هر کار خوبی که بتوانم انجام دهم و مرا در این مورد تهدید کرد. گفتم: لااِلَهَ اِلَّا اللَّه شهادت می دهم که آنها برحقّ هستند و نهایت آن می باشند. من هم امشب در بیداری مولایمان را دیدم. فلان چیزها را به من گفت. همه تعجب کردند. وزیر از آن به بعد کارهای خوبی انجام داد و به واسطه او، خیراتی به من رسید که هیچگاه به فکرم نمی رسید. همه از برکت امام زمان علیه السلام بود.

ص:۹۲

دعاهای صادر شده جهت ارتباط با امام زمان علیه السلام

دعای اول

نامه امام زمان علیه السلام درباره چگونگی زیارت آل یاسین(۱)

حمیری رحمه الله نقل می کند که بعد از مسائل فقهی که از حضرت سؤال می کردم، نامه ای صادر شد:

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

نه درباره اراده خدا اندیشه می کنید و نه مطیع اولیای او هستید! «حکمتی که ابلاغ شده است. اما انذارها و ترساندن ها - برای کسانی که اهل ایمان آوردن نیستند - سودی ندارد.»(۲) سلام خدا بر ما و تمام بندگان صالح خدا هر وقت که خواستید با توسل به ما به خدا و ما توجّه کنید، همان طور که خدا فرموده است، شما نیز بگویید:

۱- ۴۰. الاحتجاج، ج ۲ / ص ۴۹۲.

۲- ۴۱. قمر / ۵.

سَلَامٌ عَلَی آلِ یَاسِینَ

سلام بر خاندان یاسین(۱)

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا دَاعِیَ اللَّهِ وَرَبَّانِیَّ آیَاتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَابَ اللَّهِ سلام بر تو ای جانشین و فرستاده خدا و مفسّر آیات او. سلام بر تو ای دروازه علم الهی وَدَیَّانَ دِینِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خَلِیفَهَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ و اقامه کننـده دینش. سـلام بر تو ای جانشین خـدا و یاریگر حقش. سـلام بر تو یَا حُجَّهَ اللَّهِ وَدَلِیلَ إِرَادَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا تَالِیَ کِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ ای حجّت خدا و راهنمای مقاصد او. سـلام بر تو ای امتداد کتاب خدا و مفسّر آن. اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ فِی آنَاءِ لَیْلِکَ وَأَطْرَافِ نَهَارِکَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّهَ اللَّهِ سلام بر تو در ساعات شب و روز. سلام بر تو ای باقی مانده اولیای خدا بر روی زمین. فِی أَرْضِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مِیثَاقَ اللَّهِ الَّذِی أَخَذَهُ وَوَکَّدَهُ اَلسَّلَامُ سـلام بر تو ای عهد و پیمان الهی که گرفته و محکم کرده است. سـلام بر تو ای وعده عَلَیْکَ یَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِی ضَمِنَهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ تضـمینی خدا. سـلام بر تو ای عَلَم و پرچم نصب شده. سـلام بر تو ای علم سرشار

ص:۹۴

---

۱ – ۴۲. در روایـات متعـددی تصـریح شـده اسـت کـه یس نـام پیـامبر اسـلام صـلی الله علیـه وآلـه وسـلم و خانـدانش نیز ائمه اطهارعلیهم السـلام هسـتند. مانند روایت ذیل: بِإِسْنَادِهِ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ قَیْسٍ الْعَامِرِیِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِیّاًعلیه السلام یَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله یس وَ نَحْنُ آلُه. بحـار الانوار، ج ۴۶، ص ۸۶ – باب ۶، أسـمائه صلی الله علیه وآله وسلم و معنی کونه صلی اللَّه علیه و آله... .

وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَهُ الْوَاسِعَهُ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ. و یاری کننده و رحمت واسعه الهی و وعده ای که دروغ نخواهد بود. اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقُومُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ سلام بر تو، زمانی که بلند می شوی و می نشینی. سلام بر تو، زمانی که می خوانی تَقْرَأُ وَتُبَیِّنُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تُصَلِّی وَتَقْنُتُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ و یا سخن می گویی. سلام بر تو، زمانی که نماز می خوانی و قنوت می گیری. سلام بر تو، تَرْکَعُ وَتَسْجُدُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَسْتَغْفِرُ وَتَحْمَدُ السَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ زمانی که رکوع می کنی و به سجده می روی. سلام بر تو زمانی که استغفار می کنی. تُکَبِّرُ وَتُهَلِّلُ السَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تُصْبِحُ وَتُمْسِی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ فِی سلام بر تو زمانی که اللّه اکبر و لا اِلهَ اِلاَّ اللّه می گویی. سلام بر تو، زمانی که صبح و یا شب اللَّیْلِ إِذا یَغْشی وَالنَّهارِ إِذا تَجَلَّی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ می کنی. سلام بر تو، در شب تاریک. سلام بر تو، در روز روشن. سلام بر تو ای امام اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ بِجَوَامِعِ السَّلَام حفاظت شده. سلام بر تو ای امام پیشرو و آرزو شده. سلام بر تو با کاملترین سلام ها. أُشْهِدُکَ یَا مَوْلَایَ أَنِّی أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ مولای من، تو را شاهد می گیرم که من شهادت می دهم خدایی جز اللّه نیست. او که یگانه

وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِیبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَشْهِدُکَ أَنَّ و بدون شریک است و محمّد بنده و رسول او است و دوستی غیر از او و خاندانش وجود ندارد. عَلِیّاً أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَالْحُسَیْنَ حُجَّتُهُ وَعَلِیَّ تو را شاهد می گیرم که علی امیر مؤمنان و حجّت خداست. و حسن حجّت خداست. حسین نیز حجّت بْنَ الْحُسَیْنِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ اوست. علی بن حسین نیز حجّت اوست. محمّد بن علی نیز حجّت اوست. جعفر بن محمّد نیز وَمُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَعَلِیَّ بْنَ مُوسَی حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ حجّت اوست. موسی بن جعفر نیز حجّت اوست. علی بن موسی نیز حجّت اوست. محمّد بن علی حُجَّتُهُ وَعَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّکَ نیز حجّت اوست. علی بن محمّد نیز حجّت اوست. حسن بن علی نیز حجّت اوست. شهادت حُجَّهُ اللَّهِ أَنْتُمُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنَّ رَجْعَتَکُمْ حَقّ لَا رَیْبَ فِیهَا یَوْمَ می دهم که تو نیز حجّت خدا هستی. شما آغاز و پایان عبودیّت و امامت هستید و رجعت لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمانِها شما بی شک حقیقت دارد و آن، روزی است که اگر کسی قبلاً ایمان نیاورده باشد، ایمان خَیْراً وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاکِراً وَنَکِیراً حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ آوردن در آن، فایده ای ندارد.(۱) مرگ حقّ است. ناکر و نکیر حقّ است. شهادت می دهم که

ص:۹۶

---

۱ – ۴۳. زیرا رجعت ائمه، بزرگترین عذاب الهی برای سرکشان است و سنّت خدا بر آن است که تا حدّ امکان به بندگان سرکش خود مهلت می دهد. اما اگر باز نگشتند، آنها را به بدترین شکل ممکن عذاب می کند و بعد از نزول عذاب، توبه آنها را نمی پذیرد. همان طور که وقتی فرعون غرق شد، خداوند توبه او را نپذیرفت. البته نکته قابل تامل آن است که این نوع توبه ها فقط برای فرار از عذاب دنیوی است. به همین جهت اگر این افراد دوباره فرصت پیدا کنند، عهد و پیمان خود را می شکنند. همان طور که خداوند در قرآن می فرماید که فرعون و خاندان او به نُه بلا گرفتار شدند و هر بار با وعده توبه... بلا از آنها برداشته شد. اما دوباره توبه را شکستند.

حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّهَ وَالنَّارَ حَقٌّ رستاخيز حقّ است. صراط حقّ است. ترازوى اعمال و محاسبه آنها حقّ است. بهشت و دوزخ وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَاىَ شَقِىَ مَنْ خَالَفَكُمْ وَسَعِدَ حقّ است. وعده و وعيدهاى خدا حقّ است. مولاى من بدبخت كسى است كه از شما سرپيچى نمود مَنْ أَطَاعَكُمْ. فَاشْهَدْ عَلَىَّ مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِىٌّ لَكَ بَرِىءٌ و سعادتمند كسى است كه از شما اطاعت كرد. بر آنچه كه شهادت دادم، شاهد باش. من دوست شما هستم مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ و از دشمنانتان بيزارم. حقّ همان چيزى است كه از آن رضايت داريد. باطل آن چيزى است كه از آن مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِى مُؤْمِنَهٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ غضبناكيد. خوبى همان است كه شما امر كرده ايد و منكر همان است كه از آن نهى كرده ايد. روح و جانم لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَاىَ أَوَّلِكُمْ به وحدانيّت خداى يگانه بدون شريك و فرستاده او و اميرالمؤمنين و به همه شما از اوّل تا آخرتان،

ص:٩٧

وَآخِرِكُمْ وَنُصْرَتِی مُعَدَّهٌ لَكَمْ وَمَوَدَّتِی خَالِصَهٌ لَكَمْ آمِینَ آمِینَ ایمان دارد. یاری من برای شما آماده شده است ودوستیم در شما خالص گردیده است. آمین آمین

ص:۹۸

دعای دوم

دعای بعد از زیارت آل یاسین(۱)

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِکَ وَکَلِمَهِ خدایا، با پافشاری درخواست می کنم که بر محمّد پیامبر رحمت و مجموعه نورت درود نُورِکَ وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِی نُورَ الْیَقِینِ وَصَدْرِی نُورَ الْإِیمَانِ وَفِکْرِی نُورَ فرست و قلبم را از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور نیّت های خیر و اراده ام النِّیَّاتِ وَعَزْمِی نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِی نُورَ الصِّدْقِ را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور راستی و دینم را از نور شناخت هایی وَدِینِی نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِکَ وَبَصَرِی نُورَ الضِّیَاءِ وَسَمْعِی نُورَ که از توست و چشمانم را از نور بینایی و گوشهایم را از نور حکمت و دوستی و علاقیم را از الْحِکْمَهِ وَمَوَدَّتِی نُورَ الْمُوَالاهِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ علیهم السلام حَتَّی أَلْقَاکَ نور محبّت محمّد و خاندانش علیهم السلام لبریز و مالامال گردانی. مرا به گونه ای کن که وقتی تو را ملاقات وَقَدْ وَفَیْتُ بِعَهْدِکَ وَمِیثَاقِکَ فَتَسَعَنِی رَحْمَتُکَ یَا وَلِیُّ یَا حَمِیدُ. می کنم، به عهد خود وفا کرده باشم و در رحمت گسترده ات وارد شوم. ای سرپرست و ای ستوده. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ حُجَّتِکَ فِی أَرْضِکَ وَخَلِیفَتِکَ فِی بِلَادِکَ خدایا، بر محمّد(۲) که حجّت تو بر روی زمین و جانشین تو در مناطق توست؛ او که مردم را

ص:۹۹

۱- ۴۴. مدرک پیشین.

۲- ۴۵. مقصود از محمّد در این بخش از دعا، خود حضرت صاحب الزمان می باشد.

وَالدَّاعِی إِلَی سَبِیلِکَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِکَ وَالثَّائِرِ بِأَمْرِکَ وَلِیِّ الْمُؤْمِنِینَ به راه تو دعوت کرده و عدل تو را برپا می کند و به اوامرت عمل می نماید، دوست مؤمنین وَبَوَارِ الْکَافِرِینَ وَمُجَلِّی الظُّلْمَهِ وَمُنِیرِ الْحَقِّ وَالنَّاطِقِ بِالْحِکْمَهِ و درهم کوبنده کافرین و روشنی بخش ظلمت ها و حقایق، و بیانگر صادقانه حکمت وَالصِّدْقِ وَکَلِمَتِکَ التَّامَّهِ فِی أَرْضِکَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِیِّ و مخلوق کامل و برتر در زمین تو، مراقب ترسان و ولیّ دلسوز و کشتی نجات النَّاصِحِ سَفِینَهِ النَّجَاهِ وَعَلَمِ الْهُدَی وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَی وَخَیْرِ و پرچم هدایت و نور چشمان دیگران و بهترین کسی که لباس و پیراهن پوشید مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَی وَمُجَلِّی الْغَمَاءِ الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً و روشنی بخش تاریکی ها که زمین را پر از عدل و دادکند. همان طور که قبل از آن وَقِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ. از ظلم و جور پر شده است. سلام بفرست زیرا تو بر هر چیزی توانایی داری. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی وَلِیِّکَ وَابْنِ أَوْلِیَائِکَ الَّذِینَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ خدایا، بر جانشین و فرزندان جانشینت، کسانی که اطاعتشان را واجب کردی و حقشان را لازم حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیراً: اَللَّهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ دانستی و پلیدی را از آنها دور کردی و آنها را پاک گرداندی، درود فرست. خدایا، او را یاری کن

بِهِ لِدِينِکَ وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ. و به واسطه او از دین خود حمایت کن و به یاری اولیا و شیعیانش، بفرست و ما را از آنها قرار بده. اَللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ خدایا او را از شر ظالمان و سرکشان و تمام مخلوقاتت، پناه بده و از تمام جوانب او را بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ حفظ کن. مراقبت کن تا هیچ نوع بدی به او نرسد و در وجود او فرستاده خود و خاندانش يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ را حفظ کن و عدل را با او آشکار کن و با امدادهای خود یاریش کن و یارانش را پیروز وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ گردان و دشمنانش را خوار ساز. خدایا به دست او طغیانگران کفر را در هم بکوب و كفّار الْكُفْرِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ و منافقین و تمام منکرین را هلاک کن. چه در بخش های شرقی زمین باشند و چه در بخش های مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً وَأَظْهِرْ غربی آن، چه در خشکی و چه در دریا باشند و زمین را از برکت او و از عدل و داد پر کن بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِی اَللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ و دین پیامبرت را غالب گردان. خدایا مرا از یاران و شیعیان و پیروی کنندگان او قرار

ص:۱۰۱

وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرِنِی فِی آلِ مُحَمَّدٍعلیهم السلام مَا يَأْمَلُونَ وَفِی عَدُوِّهِمْ بده و خاندان محمّد را به تمام آرزوهایشان برسان و دشمنانشان را به آنچه از آن می ترسند، مبتلا. مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ. آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. کن، ای معبود حقّ دعایم را بپذیر، ای صاحب جلالت و بزرگواری، ای مهربان ترین مهربانان.

ص:۱۰۲

دعای سوم

زیارت آل یاسین با نقلی دیگر(۱)

بسم اللّه الرحمن الرحیم

نه در اراده خـدا انـدیشه می کنیـد و نه از اولیا و جانشـینانش اطاعت می نمایید. «آیات الهی حکمت هایی است که ابلاغ شده است. اما آیات و ترسانـدن ها برای کسانی که اهل ایمان نیسـتند، سودی نـدارد.» و سـلام خدا بر ما و بندگان صالحش. زمانی که خواستید با توسل به من به خدا و ما اهل بیت، توجّه پیدا کنید، همان طور که خدا فرموده است، شما نیز بگویید:(۲)

سَلَامٌ عَلَی آلِ یَاسِینَ

سلام بر خاندان یاسین

ذَلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِینُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیم مَنْ یَهْدِیهِ صِرَاطَهُ نبوّت و امامت همان عنایت روشن است و خدا صاحب احسان عظیم است برای کسی که او را به راه الْمُسْتَقِیمَ التَّوَجُّهَ..

راست هدایت کند. امّا توجّه:

ص:۱۰۳

۱- ۴۶. بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۶ / باب ۲۸ - الاستشفاع بمحمّد و آل محمّدعلیهم السلام.

۲- ۴۷. اگر چه این زیارت نیز مانند قبلی زیارت آل یاسین نام دارد و این زیارت تنها یکبار از آن حضرت صادر شده است اما به صورت متفاوت از حمیری رحمه الله نقل شده است. که ما به جهت ارائه زیارت، هر دو را می آوریم.

قَدْ آتَاكُمُ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ وَعَلَّمَ مَجَارِيَ أَمْرِهِ فِيما قَضَاهُ ای آل یاسین خداوند خلافتش را به شما داد و کیفیت جریان اراده خودش را در مورد وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ فَكَشَفَ لَكُمُ الْغِطَاءَ وَأَنْتُمْ قضا و قدر و اراده ای که در ملکوت آسمان ها دارد، به شما نشان داده است. پرده از شما خَزَنَتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ وَعُلَمَاؤُهُ وَأُمَنَاؤُهُ سَاسَةُ الْعِبَادِ وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ برداشته شده و شما خزانه داران و شاهدان و عالمان و امینان و رهبران و پایه های مناطق وَقُضَاةُ الْأَحْكَامِ وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَائِحُ الْعَطَاءِ بِكُمْ و قاضیان احکام و درهای ایمان هستید. از جمله تقدیرات الهی در عنایت به شما، این بود که إِنْفَاذُهُ مَحْتُوماً مَقْرُوناً فَمَا شَيْ ءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَإِلَيْهِ به صورت حتمی و قطعی حکم کرد در نتیجه هیچ چیزی از خدا نیست، مگر اینکه شما واسطه السَّبِيلُ خِيَارُهُ لِوَلِيِّكُمْ نِعْمَةٌ وَانْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخْطَةٌ فَلَا نَجَاةَ و راه وصول به آن هستید. خداوند برای دوستانتان نعمت و برای دشمنانتان غضب را برگزیده است. وَلَا مَفْزَعَ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاظِرَةَ وَحَمَلَةَ بنابراین نجات و پناهی غیر از شما وجود ندارد و جای فراری از آن نیست. ای چشمان ناظر خدا مَعْرِفَتِهِ وَمَسَاكِنَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ وَأَنْتَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ و حامل معرفت و محل استقرا توحید در زمین و آسمان و تو ای حجّت و باقی مانده اولیای الهی،

کَمَالُ نِعْمَتِهِ وَوَارِثُ أَنْبِیَائِهِ وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَاهُ مِنْ دَهْرِنَا وَصَاحِبُ کمال نعمت او و وارث انبیا و جانشینان او تا به امروز، ای آن که طبق وعده خدا، صاحب رجعتی، الرَّجْعَهِ لِوَعْدِ رَبِّنَا الَّتِی فِیهَا دَوْلَهُ الْحَقِّ وَفَرَجُنَا وَنَصْرُ اللَّهِ لَنَا وَعِزُّنَا. که دولت حقّ و شادی و نصرت خدا و عزّت او در آن روز، بر ما تجلّی خواهد یافت، سلام بر تو. اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغَوْثُ سلام بر تو ای پرچم برافراشته و یاریگر و رحمت واسعه. ای وعده راستین خدا. سلام بر تو وَالرَّحْمَهُ الْوَاسِعَهُ وَعْداً غَیْرَ مَکْذُوبٍ السَّلَامُ عَلَیْکَ صَاحِبَ الْمَرْأَی ای بینا و شنوایی که پیمانهایت در برابر دیدگان خدا و عهدهایت در دستان خداست وَالْمَسْمَعِ الَّذِی بِعَیْنِ اللَّهِ مَوَاثِیقُهُ وَبِیَدِ اللَّهِ عُهُودُهُ وَبِقُدْرَهِ اللَّهِ و سلطنتت با قدرت خدا محقق می شود. تو آن بردباری هستی که تعصّبات او را به عجله سُلْطَانُهُ أَنْتَ الْحَلِیمُ الَّذِی لَا تُعَجِّلُهُ الْعَصَبِیَّهُ وَالْکَرِیمُ الَّذِی لَا تُبَخِّلُهُ نمی اندازد و تو بزرگواری هستی که ثبت و ضبط مسائل او را به بخل وا نمی دارد تو آن الْحَفِیظَهُ وَالْعَالِمُ الَّذِی لَا تُجَهِّلُهُ الْحَمِیَّهُ مُجَاهَدَتُکَ فِی اللَّهِ ذَاتُ مَشِیَّهِ اللَّهِ عالمی هستی که تعصّبات کور او را به کارهای نادرست مبتلا نمی کند. تلاش تو در راه وَمُقَارَعَتُکَ فِی اللَّهِ ذَاتُ انْتِقَامِ اللَّهِ وَصَبْرُکَ فِی اللَّهِ ذُو أَنَاهِ اللَّهِ وَشُکْرُکَ لِلَّهِ خدا همان خواسته خداست. کشتن تو در راه خدا، عین انتقام خداست و صبر تو در راه

ص:۱۰۵

ذُو مَزِیدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَحْفُوظاً بِاللَّهِ نُورُ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ خدا عین فرصت دادن خداست. شکر تو همان زیاد کردن خداست. سلام بر تو ای آنکه وَیَمِینِهِ وَشِمَالِهِ وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ یَا مَحْرُوزاً فِی قُدْرَهِ اللَّهِ نُورُ سَمْعِهِ نور مقابل، پشت و راست و چپ و پایین و بالایش با اراده خدا، محفوظ است. ای کسی وَبَصَرِهِ وَیَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِی ضَمِنَهُ وَیَا مِیثَاقَ اللَّهِ الَّذِی أَخَذَهُ وَوَکَّدَهُ که نور گوش و چشمش در قلعه قدرت خدا، مصون است. ای وعده ای که خدا ضمانت اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا دَاعِیَ اللَّهِ وَرَبَّانِیَّ آیَاتِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَابَ اللَّهِ کرده است. ای پیمانی که خدا آن را محکم کرده است. سلام بر تو ای فرستاده خدا و مفسر وَدَیَّانَ دِینِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خَلِیفَهَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ آیات الهی. سلام بر تو ای در رحمت خدا و نگهبان دین او. سلام بر تو ای جانشین خدا یَا حُجَّهَ اللَّهِ وَدَلِیلَ إِرَادَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا تَالِیَ کِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ اَلسَّلَامُ و یاریگر حقّ او. سلام بر تو ای حجّت خدا و راهنمای مقاصد او. سلام بر تو ای امتداد بخش قرآن عَلَیْکَ فِی آنَاءِ لَیْلِکَ وَأَطْرَافِ نَهَارِکَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّهَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ. و مفسر آن. سلام بر تو در ساعات شب و روز. سلام بر تو ای باقی مانده اولیای الهی بر روی زمین. اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقُومُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقْعُدُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ سلام بر تو هنگامی که بلند می شوی. سلام بر تو آنگاه که می نشینی. سلام بر تو آنگاه که

حِینَ تَقْرَأُ وَتُبَیِّنُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تُصَلِّی وَتَقْنُتُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ می خوانی و توضیح می دهی. سلام بر تو، زمانی که نماز و قنوت می خوانی. سلام بر تو، حِینَ تَرْکَعُ وَتَسْجُدُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَعَوَّذُ وَتُسَبِّحُ السَّلَامُ زمانی که رکوع می کنی و به سجده می افتی. سلام بر تو هنگامی که به خدا پناه می بری و خدا را عَلَیْکَ حِینَ تُهَلِّلُ وَتُکَبِّرُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ تسبیح می گویی. سلام بر تو، زمانی که اقرار به یگانگی می کنی و تکبیر می گویی. سلام بر تو، زمانی عَلَیْکَ حِینَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ السَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تُمْسِی وَتُصْبِحُ السَّلَامُ که حمد و استغفار می کنی. سلام بر تو هنگامی که خدا را تمجید و حمد می کنی. سلام بر تو، زمانی عَلَیْکَ فِی اللَّیْلِ إِذا یَغْشی وَالنَّهارِ إِذا تَجَلَّی وَالْآخِرَهِ وَالْأُولَی السَّلَامُ که شب و یا صبح می کنی. سلام بر تو در تاریکی شب و روشنایی روز. سلام بر تو در دنیا و آخرت. عَلَیْکُمْ یَا حُجَجَ اللَّهِ وَرُعَاتَنَا وَهُدَاتَنَا وَدُعَاتَنَا وَقَادَتَنَا وَأَئِمَّتَنَا وَسَادَتَنَا سلام بر همه شما ای حجّت های خدا. ای مراقبان و هادیان و دعوت کنندگان و رهبران و امامان وَمَوَالِیَنَا اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا وَأَنْتُمْ جَاهُنَا أَوْقَاتِ صَلَاتِنَا و سروران و مولاهای ما. سلام بر شما که نور ما در ظلمتید. شما که عظمت ما در هنگام نماز هستید. وَعِصْمَتُنَا بِکُمْ لِدُعَائِنَا وَصَلَاتِنَا وَصِیَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا. شما که باعث مصونیت ما در هنگام دعا، نماز، روزه و استغفار و سایر اعمالمان هستید.

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا سلام بر تو ای امام امان داده شده، سلام بر تو ای امام الْإِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ. پیشرو و آرزو شده، سلام بر تو با کامل ترین سلام ها. أُشْهِدُکَ یَا مَوْلَایَ أَنِّی أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ مولایم تو را شاهد می گیرم که من شهادت می دهم، خدایی جز اللّه نیست. او یگانه، لَا شَرِیکَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِیبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَنَّ یکتا و تنهاست و شریکی ندارد و محمّد بنده و فرستاده او است و حبیبی جز او أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ حُجَّتُهُ وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَأَنَّ الْحُسَیْنَ حُجَّتُهُ وَأَنَّ و خاندانش نیست و امیرالمؤمنین، حسن، حسین، عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ حُجَّتُهُ وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهُ وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ علی بن حسین، محمّد بن علی، جعفر بن محمّد، مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَأَنَّ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَأَنَّ عَلِیَّ بْنَ مُوسَی حُجَّتُهُ موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمّد بن علی، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهُ وَأَنَّ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَأَنَّ الْحَسَنَ علی بن محمّد، حسن بن علی همه و همه حجّت های خدا هستند

ص:۱۰۸

بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهُ وَأَنْتَ حُجَّتُهُ وَأَنَّ الْأَنْبِیَاءَ دُعَاهُ وَهُدَاهُ رُشْدِکُمْ أَنْتُمُ و تو نیز حجّت خدا هستی و انبیاء به هدایت شما، دعوت و راهنمایی می کردند. الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ وَأَنَّ رَجْعَتَکُمْ حَقٌّ لَا شَکَّ فِیهَا یَوْمَ لَا یَنْفَعُ شما اوّل و آخر و خاتمه بخش هدایت هستید. همین طور شهادت می دهم که رجعت شما حقّ است نَفْساً إِیمَانُهَا لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمَانِهَا خَیْراً وَأَنَّ و شکی در آن نیست. روزی که ایمان آوردن در آن، سودی ندارد. اگر قبلًا ایمان نیاورده باشد الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ نَاکِراً وَنَکِیراً حَقٌّ وَأَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ حَقٌّ و عمل صالحی مطابق ایمانش انجام ندهد. شهادت می دهم که مرگ و ناکر و نکیر و رستاخیز حقّ هستند. وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَأَنَّ الْمِیزَانَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ صراط و مرصاد(1) حقّ است. ترازوی اعمال و محاسبه آنها حقّ هستند. بهشت و دوزخ و جزای به آن دو الْجَنَّهَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَالْوَعِیدِ حَقٌّ وَأَنَّکُمْ لِلشَّفَاعَهِ براساس وعده ها و وعیدها حقّ است. شهادت می دهم که شما حقّ شفاعت دارید و شفاعتتان رد نمی شود.

۱- ۴۸. مرصاد در لغت به معنای کمینگاه است. که در قرآن از آن یاد شده است. «اِنَّ رَبَّکَ لَبِالمِرصادِ»؛ همانا پروردگارت در کمینگاه، منتظر ظالمان است. (فجر / ۱۴.. در روایتی از امام صادق علیه السلام ، مرصاد، به بخشی از پل صراط تفسیر شده است که خداوند در کمین ظالمان است و به آنها اجازه عبور نمی دهد و آنها از آن نقطه به جهنم پرت می شوند. عَنْهُ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ غَالِبِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام اِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصادِ قَالَ قَنْطَرَهٌ عَلَی الصراط لا یجوزها عبد بمظلمه... الکافی، ج ۲ / ص ۳۳۱ - باب الظلم.

حقّ لَا تُرَدُّونَ وَلَا تَسْبِقُونَ مَشِيَّهَ اللَّهِ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَلِلَّهِ الرَّحْمَهُ البته شما نیز از خواسته خدا سبقت نمی گیرید و بر طبق آن عمل می کنید. شهادت می دهم که رحمت وَالْكَلِمَهُ الْعُلْيَا وَبِيَدِهِ الْحُسْنَى وَحُجَّهُ اللَّهِ الْعُظْمَى خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ و بالاترین توصیفات برای خداست و خوبی ها و حجّت های عظیم الهی، در دست اوست. او که جنّ و انس را لِعِبَادَتِهِ أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ قَدْ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكُمْ برای عبادتش آفرید و از بندگانش چیزی غیر از عبادت نخواسته است. پس عدّه ای بدبخت و برخی سعادتمند شدند. وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ بِمَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ تَخْزُنُهُ مخالفتان، بدبخت و مطیعتان، سعادتمند است. مولای من، به آنچه که تو را بر آن شاهد گرفتم. وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ أَمُوتُ عَلَيْهِ وَأَنْشُرُ عَلَيْهِ وَأَقِفُ بِهِ وَلِيّاً لَكَ بَرِيئاً شهادت بده و آن را نزد خود نگهدار تا بر آن عقاید بمیرم و با آنها بپاخیزم و با آن بایستم. من شما را دوست دارم مِنْ عَدُوِّكَ مَاقِتاً لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ وَادّاً لِمَنْ أَحَبَّكُمْ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ و از دشمنانتان بیزارم. دشمن کسی که شما را دشمن دارد و دوست کسی که شما را دوست داشته باشد، هستم. حقّ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ آن است که از آن راضی باشید و باطل آن است که بر آن غضب کنید. خوب آن است که به آن امر کنید. وَالْقَضَاءُ الْمُثْبَتُ مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ مَشِيَّتُكُمْ وَالْمَمْحُوُّ مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ بد آن است که از آن نهی کنید. قضای حتمی آن است که طبق خواسته شما باشد و قضای تغییر یافته

سُنَّتُكَمْ فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آن است که خواسته شما نباشد. پس خدایی غیر از اللّه نیست او یگانه و یکتاست و شریکی ندارد. عَلِیٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ الْحَسَنُ حُجَّتُهُ الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ عَلِيٌّ حُجَّتُهُ محمّد بنده و فرستاده او، علی امیرالمؤمنین، حسن، حسین، علی، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ مُوسَى حُجَّتُهُ عَلِيٌّ حُجَّتُهُ مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ عَلِيٌّ محمّد، جعفر، موسی، علی، محمّد، علی، حسن و تو همگی حُجَّتُهُ الْحَسَنُ حُجَّتُهُ أَنْتَ حُجَّتُهُ أَنْتُمْ حُجَجُهُ وَبَرَاهِينُهُ أَنَا يَا مَوْلَايَ حجّت های خدا هستید. مولایم! من از معامله ای که خدا با مجاهدان مُسْتَبْشِرٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَى شَرْطِهِ قِتَالاً فِي سَبِيلِهِ اشْتَرَى بِهِ راه خود انجام داده و در آن جان های مؤمنین را خریداری کرده است. أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ خوشحالم؛ زیرا جان من به خدای واحدی که شریکی ندارد، به فرستاده او وَبِأَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ و امیرالمؤمنین و به همه شما ایمان دارد. مولایم! من به همه شما، از اول تا آخرتان وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ وَبَرَاءَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَهْلِ الْحَرَدَةِ وَالْجِدَالِ ایمان دارم و یاری ام را برایتان مهیا و دوستیم را خالص و بیزاری از دشمنانتان را برای قیامتان، آماده کرده ام

ص:۱۱۱

ثَابِتَهٌ لِثَأْرِكُمْ أَنَا وَلِيٌّ وَحِيدٌ وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِی كَذَلِكَ آمِينَ و دوست يگانه شما هستم و اللّه معبود حقّ است. خداوند مرا همان طور كه گفتم قرار دهد. آمين آمين. آمِينَ مَنْ لِی إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دَنَتْ وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ تَحْرُسُنِی فِيمَا مولايم! من دراتفاقى كه نزديك شده است، كسى غير از تو را ندارم و از تو مى خواهم كه مرا در آن، مصونيت بخشى. تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ يَا وِقَايَةَ اللَّهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ أَغِثْنِی أَدْنِنِی أَعِنِّی مرادركارهايى كه به تو نزديك مى كند،نگهدارى،اى محافظ خدا و پوشش و بركت او.به فريادم برس و به من نزديك أَدْرِكْنِی صِلْنِی بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِی. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسُّلِی وَتَقَرُّبِی شو و مرا درياب. مرا با خود متصل كن و جدا نكن. خدايا، به واسطه آنها به تو متوسل مى شوم و تقرّب مى جويم. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصِلْنِی بِهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِی بِحُجَّتِكَ خدايا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و به خاطر آنها با من مرتبط باش و از من جدا نشو، وَاعْصِمْنِی وَسَلَامُكَ عَلَی آلِ يس مَوْلَایَ أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ به حرمت حجتت مرا مصونيت بخش و سلام و درودت بر خاندان ياسين. مولايم تو سربلندى من نزد رَبِّكَ وَرَبِّی إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

خدايى هستى كه پروردگار من و تو است، تو ستوده و شريف هستى.

ص:۱۱۲

دعای چهارم

دعای بعد از زیارت آل یاسین(۱)

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی خَلَقْتَهُ مِنْ کُلِّکَ فَاسْتَقَرَّ فِیکَ فَلَا یَخْرُجُ خدایا از تو می خواهم با آن نامی که آن را از همه وجود خودت آفریدی و از این رو در وجود خودت مِنْکَ إِلَی شَیْ ءٍ أَبَداً یَا کَیْنُونُ أَیَا مَکْنُونُ أَیَا مُتَعَالُ أَیَا مُتَقَدِّسُ أَیَا مستقر شده است و از وجودت به چیز دیگری خارج نمی شود. ای وجود محض و تام، ای پنهان، مُتَرَاحِمُ أَیَا مُتَرَئِّفُ أَیَا مُتَحَنِّنُ أَسْأَلُکَ کَمَا خَلَقْتَهُ غَضّاً أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی ای متعالی، ای مقدّس و پاک، ای رحم کننده، ای دلسوز، ای مهربان، از تو می خواهم همان طور که مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِکَ وَکَلِمَهِ نُورِکَ وَوَالِدِ هُدَاهِ رَحْمَتِکَ وَامْلَأْ قَلْبِی نُورَ نامت را در یک چشم بهم زدن آفریدی، بر محمّد پیامبر رحمت و وجود نورانی و پدر هادیان رحمتت الْیَقِینِ وَصَدْرِی نُورَ الْإِیمَانِ وَفِکْرِی نُورَ الثَّبَاتِ وَعَزْمِی نُورَ التَّوْفِیقِ درود فرستی و قلبم را از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور ثبات قدم و اراده ام وَذَکَائِی نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِی نُورَ الصِّدْقِ وَدِینِی را از نور توفیق و هوشم را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور صداقت و دینم را نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِکَ وَبَصَرِی نُورَ الضِّیَاءِ وَسَمْعِی نُورَ وَعْیِ الْحِکْمَهِ از نور بصیرت و معرفت و چشمم را از نور بینایی و گوشم را از نور حکمت و محبّتم را از نور

ص:۱۱۳

۱- ۴۹. بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۶ / باب ۲۸- الاستشفاع بمحمد و آل محمّد.

وَمَوَدَّتِی نُورَ الْمُوَالاهِ لِمحَمَّدٍ وَآلِهِ علیهم السلام وَیَقِینِی قُوَّهَ الْبَرَاءَهِ مِنْ أَعْدَاءِ دوستی محمّد و خاندانش، سرشار کنی. یقینم را از نیروی بیزاری از دشـمنان محمّـد و خاندانش پر نما، مُحَمَّدٍ وَأَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّی أَلْقَاکَ وَقَدْ وَفَیْتُ بِعَهْدِکَ وَمِیثَاقِکَ تا تو را در حالی ملاقات کنم که به عهـد تو و پیمانم عمل و به فیض رحمتت رسـیده ام. ای ولیّ و سـتوده، فَیَسَعَنِی رَحْمَتُکَ یَا وَلِیُّ یَا حَمِیدُ بِمَرْآکَ وَمَسْمَعِکَ یَا حُجَّهَ اللَّهِ ای حجّت های الهی، دعای من در برابر دیدگانتان است و شما آن را می شنوید. بنابراین مرا به عوامل دُعَائِی فَوَفِّنِی مُنَجِّزَاتِ إِجَابَتِی أَعْتَصِمُ بِکَ مَعَکَ مَعَکَ مَعَکَ سَمْعِی وَرِضَایَ. اجابت آنها موفق کنید. به شما پناه می آورم. گوش اطاعت و رضایتم با شماست، باشماست، باشماست.

ص:۱۱۴

دعای پنجم

حجاب حضرت بقیه اللّه(۱)

اَللَّهُمَّ احْجُبْنِی عَنْ عُیُونِ أَعْـدَائِی وَاجْمَعْ بَیْنِی وَبَیْنَ أَوْلِیَائِی خـدایا مرا از چشم دشـمنانم مخفی کن و مرا با دوسـتانم جمع کن و وعـده ای را که به من وَأَنْجِزْ لِی مَا وَعَـدْتَنِی وَاحْفَظْنِی فِی غَیْبَتِی إِلَی أَنْ تَأْذَنَ لِی فِی داده ای، عملی نما و مرا در دوره غیبت تا زمـانی کـه اجـازه ظهـور بـدهی، حفـظ کن. ظُهُـورِی وَأَحْیِ بِی مَـا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِـکَ وَسُـنَنِکَ وَعَجِّلْ فَرَجِی فرائض و سـنت های(۲) پایمال شـده ات را به دست من زنـده کن. ظهورم را سـریع و خروجم را وَسَـهِّلْ مَخْرَجِی وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُـلْطَاناً نَصِـیراً وَافْتَـحْ لِی فَتْحـاً آسـان نما و با سـلطنت و نصـرت خود مرا یاری کن و مرا به پیروزی قطعی برسان و به راه مُبِیناً وَاهْـدِنِی صِرَاطـاً مُسْـتَقِیماً وَقِنِی جَمِیعَ مَـا أُحَـاذِرُهُ مِنَ الظَّالِمِینَ راسـتت هـدایت فرمـا و از تمـام خطرات ظالمـان حفظم کن و از چشـمان دشمنانی که پایه های

ص:۱۱۵

۱- ۵۰. المصـباح للکفعمی / ص ۲۱۹ / الفصـل السـادس و العشـرون فی الحجب؛ بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۷۸ / بـاب ۵۲ - الاحتجابات المرویه؛ مهج الدعوات / ص ۳۰۲ / حجاب مولانا صاحب الزمان علیه السلام.

۲- ۵۱. در اصطلاح روایات، فرائض به احکام قرآنی و سنّت به آنچه پیامبر اسلام و یا حضرات معصومین علیهم السلام فرموده اند، اطلاق می شود.

وَاحْجُبْنِی عَنْ أَعْیُنِ الْبَاغِضِینَ النَّاصِبِینَ الْعِدَاوَهَ لِأَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ عداوت با خاندان رسولت را محکم کرده اند، مخفی نما تا از هیچ یک از آنها، بدی به من وَلَا یَصِلْ مِنْهُمْ إِلَیَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ فَإِذَا أَذِنْتَ فِی ظُهُورِی فَأَیِّدْنِی نرسد. زمانی که اجازه ظهور دادی، مرا با سربازان خود یاری کن و کسانی را که مرا در بِجُنُودِکَ وَاجْعَلْ مَنْ یَتْبَعُنِی لِنُصْرَهِ دِینِکَ مُؤَیَّدِینَ وَفِی سَبِیلِکَ یاری دینت کمک خواهند کرد، تقویت نما و از مجاهدین در راه خودت قرار بده. مُجَاهِدِینَ وَعَلَی مَنْ أَرَادَنِی وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِینَ وَوَفِّقْنِی همه ما را بر کسانی که قصد جنگ با ما را دارند، پیروز کن و مرا در برپاداشتن احکام لِإِقَامَهِ حُدُودِکَ وَانْصُرْنِی عَلَی مَنْ تَعَدَّی مَحْدُودَکَ وَانْصُرِ الْحَقَّ و حدودت، موفق نما و مرا در غلبه بر کسی که به حدود و احکامت تعدی کند، یاری کن. و أَزْهِقِ الْبَاطِلَ إِنَّ الْبَاطِلَ کانَ زَهُوقاً وَأَوْرِدْ عَلَیَّ مِنْ شِیعَتِی خدایا حقّ را یاری و باطل را از بین ببر؛ چرا که باطل از بین رفتنی است. شیعیان و یاران وَأَنْصَارِی وَمَنْ تَقَرُّ بِهِمُ الْعَیْنُ وَیُشَدُّ بِهِمُ الْأُزُرُ وَاجْعَلْهُمْ فِی و کسانی را که دیدارشان مرا شاد و مستحکم می کند، به من برسان و آنها را در قلعه حمایت حِرْزِکَ وَأَمْنِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

خود وارد کن. با رحمت و کرمت ای مهربان ترین مهربانان.

ص:۱۱۶

دعای ششم

دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان(۱)

إِلَهِی بِحَقِّ مَنْ نَاجَاکَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاکَ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَی الهی به احترام کسانی که در خشکی و دریا، با تو فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَی وَالثَّرْوَهِ وَعَلَی مَرْضَی الْمُؤْمِنِینَ مناجات کردند و دعا خواندند، با ثروت بر فقرای مؤمنین، با شفا وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّهِ وَعَلَی أَحْیَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بر بیماران، با لطف و بزرگواری بر زنده ها و مرده های ایشان، بِاللُّطْفِ وَالْکَرَمِ وَعَلَی أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَهِ وَالرَّحْمَهِ با مغفرت و رحمت بر مرده هایشان، با برگشتن همراه با وَعَلَی غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَی أَوْطَانِهِمْ سَالِمِینَ غَانِمِینَ سلامتی و موفقیت بر غریب هایشان، تفضّل کن به حقّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِینَ

محمّد و آل ایشان اجمعین.

۱- ۵۲. مهج الدعوات / ص ۲۹۴؛ بحارالأنوار / ج ۹۲ / ص ۴۵۰ / باب ۱۳۰ - فی ذکر بعض الأدعیه.

دعای هفتم

حرز(۱) امام زمان علیه السلام(۲)

یَا مَالِکَ الرِّقَابِ وَیَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ یَا مُفَتِّحَ الْأَبْوَابِ یَا ای خـدای مسـلط بر انسان ها و ای در هم کوبنـده حزب ها، ای گشاینـده درها، مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ سَبِّبْ لَنَا سَبَباً لَا نَسْتَطِیعُ لَهُ طَلَباً بِحَقِ لَا إِلَهَ ای سبب ساز عالم، سببی را برایمان درست کن که ما قادر بر آن نبـودیم. بـه حـقّ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَعَلَی آلِهِ أَجْمَعِینَ لا اِلهَ اِلَّا اللّه مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّه که سـلام و درودت بر او و خاندانش باد.

۱- ۵۳. حرز در لغت به معنـای قلعه ای است که جهت ایجاد فضای امن ساخته می شود. از این رو به ادعیه ای که جهت ایجاد مصونیّت در برابر مسائلی چون، بلایا، بیماری ها، حیوانات درنده، ساحران و اجنّه و امثال آنها، صادر شده است، حرز گفته می شود.

۲- ۵۴. بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۶۵ / باب ۵۰ - بعض أدعیه القـائم علیه السـلام و أحرازه؛ مهـج الـدعوات / ص ۴۵ / حرز لمولانا القائم علیه السلام.

دعای هشتم

دعا در زمان غیبت امام علیه السلام(۱)

ابوعلی بن همام این دعا را نقل کرد و گفت که شیخ رحمه الله آن را برایم خواند و من آن را نوشتم و دستور داد تا در زمان غیبت قائم علیه السلام بخوانم:

اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَکَ خدایا، خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را نشناسانی، فرستاده ات را نخواهم شناخت. اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ. خدایا، فرستاده ات را بشناسان؛ زیرا اگر او را نشناسانی، حجّت بعد از او را نخواهم شناخت. اَللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی. خدایا، حجتت را بشناسان؛ زیرا اگر او را نشناسانی، در دین خود گمراه خواهم شد. اَللَّهُمّ لَا تُمِتْنِی مِیتَةً جَاهِلِیَّةً وَلَا تُزِغْ قَلْبِی بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنِی اَللَّهُمَّ خدایا، مرا به مرگ جاهلیت مبتلا نکن.(۲) دلم را بعد از توفیق هدایت، گمراه نکن.

---

۱ – ۵۵. کمال الدین / ج ۲ / ص ۵۱۲ /الدعاء فی غیبهالقائم {عج}؛ بحارالأنوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۷ / باب ۳۱ – ما خرج من توقیعاته علیه السلام.

۲ – ۵۶. روایات زیادی از رسول گرامی اسلام و سایر معصومین علیهم السلام صادر شده است که اگر کسی امام خود را نشناسد و بمیرد، با کفر دوران جاهلیت از دنیا رفته است. احمد بن ادریس عن محمّد بن عبد الجبار عن صفوان عن الفضیل عن الحارث بن المغیره قال قلت لابی عبد اللّه علیه السلام قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله وسلم من مات لا یعرف امامه مات میته جاهلیه قال نعم قلت جاهلیه جهلاء او جاهلیه لا یعرف امامه قال جاهلیه کفر و نفاق و ضلال الکافی /۱ /۳۷۷ باب من مات و لیس له امام من ائمه.

فَکَمَا هَدَیْتَنِی بِوَلَایَهِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَیَّ مِنْ وُلَاهِ أَمْرِکَ بَعْدَ خدایا، همان طور که مرا به ولایت کسانی که اطاعتشان بر من واجب بود، رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ حَتَّی وَالَیْتُ وُلَاهَ أَمْرِکَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ هدایت کردی، آنان که بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله والیان تو بودند تا اینکه ولایت وَالْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ وَعَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسَی وَعَلِیّاً وَمُحَمَّداً امیرالمؤمنین و حسن و حسین و علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد وَعَلِیّاً وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّهَ الْقَائِمَ الْمَهْدِیَّ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ. و علی و حسن و حجّت قائم مهدی که درود و سلامت بر همه آنان باد، پذیرفتم. اَللَّهُمَّ فَثَبِّتْنِی عَلَی دِینِکَ وَاسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ وَلَیِّنْ قَلْبِی لِوَلِیِّ أَمْرِکَ خدایا، همان طور مرا در دینت ثابت قدم کن و مرا به اطاعت خود مشغول کن و دلم را وَعَافِنِی مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَکَ وَثَبِّتْنِی عَلَی طَاعَهِ وَلِیِّ أَمْرِکَ الَّذِی برای ولایت والیان امرت، نرم کن و مرا از امتحانات خلقت، عافیت بخش و در اطاعت سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِکَ فَبِإِذْنِکَ غَابَ عَنْ بَرِیَّتِکَ وَأَمْرَکَ یَنْتَظِرُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ ولی امری که او را پوشانده ای، ثابت قدم کن. او که با اراده تو از مخلوقاتت، غایب شده غَیْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِی فِیهِ صَلَاحُ أَمْرِ وَلِیِّکَ فِی الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ و منتظر امر توست و تو بهتر از همه می دانی که مناسب ترین وقت برای ظهور ولیّ ات چه زمانی است.

أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ وَصَبِّرْنِی عَلَی ذَلِکَ حَتَّی لَا أَحِبَّ تَعْجِیلَ مَا أَخَّرْتَ تا امامتش را آشکار و سرّش را روشن کنی. در این انتظار به من صبر بده تا مقدم شدن آنچه به تأخیر وَلَا تَأْخِیرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ انداختی و تأخیر آنچه را که مقدّم داشتی، نخواهم. آنچه را که پوشاندی باز نکنم و درباره آنچه که وَلَا أُنَازِعَکَ فِی تَدْبِیرِکَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ أَمْرِ اللَّهِ کتمان کردی، جستجو نکنم و در تدبیرت مخالفت نکنم و از چرا و چگونگی آنها و اینکه چرا ولیّ ات لَا يَظْهَرُ وَقَدِ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَأُفَوِّضُ أُمُورِی كُلَّهَا إِلَيْكَ. ظهور نمی کند با اینکه زمین پر از ظلم شده است، سؤال نکنم و تدبیر تمام امورم را به تو بسپارم. اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُرِيَنِی وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِراً نَافِذاً لِأَمْرِكَ مَعَ خدایا، درخواست می کنم که ولیّ خود را در زمان ظهور و اجرا شدن احکامش، عِلْمِی بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيَّةَ نشانم بدهی. البته با اعتقاد به اینکه سلطنت و قدرت و دلیل و حجّت و اراده و ممانعت وَالْإِرَادَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِی وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّی و قوت، همه و همه از توست. این لطف را در حقّ من و همه مؤمنین بکن، تا ولیّ ات را نَنْظُرَ إِلَی وَلِيِّكَ ظَاهِرَ الْمَقَالَهِ وَاضِحَ الدَّلَالَهِ هَادِياً مِنَ الضَّلَالَهِ شَافِياً در حالی که سخنرانی آشکار، راهنمایی واضح، هدایتگر از تاریکی و شفا دهنده از جهالت

مِنَ الْجَهَالَهِ أَبْرِزْ یَا رَبِّ مَشَاهِـدَهُ وَثَبِّتْ قَوَاعِدَهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ است ببینیم. دیدنی هایش را آشکار و پایه هایش را محکم کن و ما را از کسانی که توفیق عَیْنُنَا بِرُؤْیَتِهِ وَأَقِمْنَا بِخِـدْمَتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَی مِلَّتِهِ وَاحْشُـرْنَا فِی زُمْرَتِهِ. دیـدار و خدمت او را می یابند، قرار بده و ما را بر مکتب او بمیران و در محضـر و همراه او محشور کن. اَللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَـرِّ جَمِیعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ خـدایا، او را از شـر تمـام مخلوقـات پناه بـده و او را از تمام جوانب، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَـدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ یَمِینِهِ وَعَنْ شِمَـالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ جلو و عقب، راست و چپ، پـایین و بالاـ حفـظ کن. بـا آن حفظی که در آن چیزی تَحْتِهِ بِحِفْظِکَ الَّذِی لَایَضِـیعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَاحْفَـظْ فِیهِ رَسُولَـکَ وَوَصِـیَ رَسُولِـکَ. از بین نمی رود. بـا حفظ او در واقع رسول و جانشـینی رسول را حفـظ کن. اللَّهُمَّ وَمُـدَّ فِی عُمُرِهِ وَزِدْ فِی أَجَلِهِ وَأَعِنْهُ عَلَی مَا أَوْلَیْتَهُ خـدایا، عمرش را طولانی کن و او را در جنگ کسانی که بر آنها برتری و سروری دادی، وَاسْتَرْعَیْتَهُ وَزِدْ فِی کَرَامَتِکَ لَهُ فَإِنَّهُ الْهَادِی الْمَهْدِیُّ الْقَائِمُ الْمُهْتَدِی کمک کن و لطف و کرمی که بر او داری، زیادتر کن؛ زیرا او هـدایتگر هـدایت شـده، قیام کننـده الطَّاهِرُ التَّقِیُّ النَّقِیُّ الزَّکِیُّ الرَّضِـیُّ الْمَرْضِـیُّ الصَّابِرُ الْمُجْتَهِدُ الشَّکُورُ. هدایت شده، پاک با تقوای خالص و زلال، پسندیده راضی شده و صابر تلاشگر شاکر است.

ص:۱۲۲

اَللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ خدایا! یقین ما را به خاطر طولانی شدن مدّت غیبت و بریده شدن عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي اخبار او از ما، سلب نکن. یاد و انتظار و ایمان و شدّت یقین ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُقَنِّطَنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ در ظهور و دعا و صلوات بر او را از یاد ما نبر. تا طولانی شدن ظُهُورِهِ وَقِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيَقِينِنَا فِي قِيَامِ غیبتش ما را از ظهورش مأیوس نکند و یقین ما در قیام او مانند رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ قَوِّ یقین ما در قیام رسول خدا و نزول قرآن باشد. دلهایمان را در ایمان قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى به او قوی کن تا ما را به دست او در راه روشن هدایت و راه وسط وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى وَقَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَثَبِّتْنَا عَلَى و اعتدال صراط مستقیم، به حرکت بیاوری و ما را در اطاعتش تقویت مُشَايَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ و در همراهی اش ثابت قدم کن و ما را از گروه و یاران و راضیان به

وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِکَ فِی حَیَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّی تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ کارهایش قرار بده. این توفیق را در زمان حیات و هنگام وفات از ما نگیر. عَلَی ذَلِکَ غَیْرُ شَاکِّینَ وَلَا نَاکِثِینَ وَلَا مُرْتَابِینَ وَلَا مُکَذِّبِینَ. تا در نتیجه ما در هنگامه مرگ، در آن تردید و تکذیب نکنیم و عهد نشکنیم. اَللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَیِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ نَاصِرِیهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِیهِ وَدَمْدِمْ خدایا، در فرجش تعجیل کن. او را با یاریت تقویت و یارانش را یاری و دشمنانش عَلَی مَنْ نَصَبَ لَهُ وَکَذَّبَ بِهِ وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَاسْتَنْقِذْ را خوار گردان. بر کسانی که دشمنی و تکذیب او را بکنند، غضب کن. حقّ را با او بِهِ عِبَادَکَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ الذُّلِّ وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَاقْتُلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ آشکار و ستم را بمیران و بندگان صالح را از ذلت و آوارگی در شهرها، نجات بده الْکَفَرَةَ وَاقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِینَ وَالْکَافِرِینَ و ستمکاران کافر را به دست او قتل عام و بزرگان سیاهی را قلع و قمع و متکبران وَأَبِرْ بِهِ الْمُنَافِقِینَ وَالنَّاکِثِینَ وَجَمِیعَ الْمُخَالِفِینَ وَالْمُلْحِدِینَ فِی مَشَارِقِ و کافران را ذلیل کن و به واسطه او در مناطق شرقی و غربی، آبی و خشکی الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَحْرِهَا وَبَرِّهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَتَّی لَا تَدَعَ مِنْهُمْ و صحرایی و کوهستانی، منافقین و پیمان شکنان و مخالفین و ملحدین را نابود کن تا

ص:۱۲۴

دَیّاراً وَلَا تُبْقِیَ لَهُمْ آثَاراً وَتُطَهِّرَ مِنْهُمْ بِلَادَکَ وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ جایی که هیچ مکان و اثری از آنها باقی نماند. شهرهایت را از لوس وجودشان پاک عِبَادِکَ وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَی مِنْ دِینِکَ وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُکْمِکَ و دل های بندگانت را شفا بده. به وسیله او بخش هایی از دین که محو شده اند، تجدید وَغُیِّرَ مِنْ سُنَّتِکَ حَتَّی یَعُودَ دِینُکَ بِهِ وَعَلَی یَدِهِ غَضّاً جَدِیداً صَحِیحاً و احکام و سننی را که تغییر کرده اند، اصلاح کن. تا اینکه دین به او برگردد و در یک لَا عِوَجَ فِیهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتَّی تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِیرَانَ الْکَافِرِینَ فَإِنَّهُ چشم به هم زدن، در دست او قرار گیرد و تازه و سالم و بدون انحراف باشد. در نتیجه عَبْدُکَ الَّذِی اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِکَ وَارْتَضَیْتَهُ لِنُصْرَهِ دِینِکَ وَاصْطَفَیْتَهُ آتش کفار را با عدل او خاموش کنی؛ زیرا او همان بنده ای است که او را برای خودت بِعِلْمِکَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُیُوبِ وَأَطْلَعْتَهُ عَلَی خالص کرده ای و برای یاری دین و علمت انتخاب کرده ای و از تمام گناهان و عیب ها معصوم الْغُیُوبِ وَأَنْعَمْتَ عَلَیْهِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَنَقَّیْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ. و بر غیب آگاه نمودی و بر او نعمت دادی و از پلیدی ها و آلودگی ها پاک و پیراسته کردی. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَیْهِ وَعَلَی آبَائِهِ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرِینَ وَعَلَی شِیعَتِهِمُ الْمُنْتَجَبِینَ خدایا، بر او و پدرانش ائمه معصومین علیهم السلام و شیعیان بزرگوارشان سلام و درود

ص:۱۲۵

وَبَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ وَاجْعَلْ ذَلِکَ مِنَّا خَالِصاً مِنْ کُلِّ شَکَّ فرست و آنها را به بهترین آروزهایشان برسان و این ارادت را از هر نوع شک وَشُبْهَهٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَهٍ حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَکَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَکَ. و شبهه و ریا خالص کن تا جایی که تنها مقصودمان از آن جلب رضایت تو باشد. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْکَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَهَ وَلِيِّنَا وَشِدَّهَ الزَّمَانِ خدایا، ما در پیشگاه تو از نبودن پیامبرمان از یک سو و غیبت ولیّ خودمان از سوی دیگر و سخت گیری عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الْأَعْدَاءِ وَكَثْرَهَ عَدُوِّنَا زمانه با ما و بروز و ظهور فتنه های گوناگون و تسلط و فراوانی دشمنان و کمی تعداد خود، وَقِلَّهَ عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِکَ بِفَتْحٍ مِنْکَ تُعَجِّلُهُ وَبِصَبْرٍ شکایت می کنیم. خدایا، همه این گرفتاری ها را با پیروزی سریعی از جانب خودت و صبری از تو که مِنْکَ تُيَسِّرُهُ وَإِمَامِ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ. آن را برایمان آسان کنی و امام عادلی که آشکار کنی، برطرف کن. معبود حق، پروردگار جهانیان. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُکَ أَنْ تَأْذَنَ لِوَلِيِّکَ فِی إِظْهَارِ عَدْلِکَ فِی عِبَادِکَ وَقَتْلِ خدایا، از تو می خواهیم تا اجازه دهی جانشینت، عدل خود را برای بندگان و قتل عمومی اش را برای أَعْدَائِکَ فِی بِلَادِکَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ دِعَامَهً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَلَا بَنِيَّهً دشمنانت آشکار کند، تا برای ستم پایگاهی نماند، مگر آنکه در هم بکوبی و ساختمانی نماند، مگر اینکه

إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْناً إِلَّا هَدَدْتَهُ وَلَا حَدّاً إِلَّا خراب كنی و نیرویی نماند، الّا اینکه سست کرده باشی و ستونی نماند الّا اینکه قطع کرده باشی فَلَلْتَهُ وَلَا سِلَاحاً إِلَّا كَلَلْتَهُ وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَلَا شُجَاعاً إِلَّا قَتَلْتَهُ و بُرشی نماند الّا اینکه کُند کرده باشی و سلاحی نماند، مگر اینکه از کار انداخته باشی و پرچمی وَلَا حَيّاً إِلَّا خَذَلْتَهُ اِرْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ نماند الّا اینکه انداخته باشی و شجاعی باقی نماند، مگر اینکه کشته باشی و زنده ای نماند، الّا اینکه خوار الْقَاطِعِ وَبِبَأْسِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَعَذِّبْ أَعْدَاءَكَ و ذلیل کرده باشی. پروردگار با سنگ شکننده و شمشیر برنده و سختگیریت که مجرمین را جا نمی اندازد، وَأَعْدَاءَ دِينِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ. آنها را بزن و دشمنان خود و دینت و دشمنان رسولت را به دست ولیّ ات و به دست مؤمنین عذاب کن. اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيَّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَكِدْ مَنْ كَادَهُ خدایا، ولی خودت را از خطرات دشمنانش حفظ کن و با مکر کننده اش، مکر کن وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السَّوْءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءاً و کسی که قصد توطئه دارد، مبتلاـ به بدی نما. آنها را ریشه کَن کُن و دلهایشان وَاقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ وَأَرْعِبْ بِهِ قُلُوبَهُمْ وَزَلْزِلْ لَهُ أَقْدَامَهُمْ را مالامال از ترس کن و با این ترس قدمهایشان را به لرزش بیانداز. آنها را

وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً شَدِّدْ عَلَيْهِمْ عِقَابَکَ وَأَخْزِهِمْ فِی عِبَادِکَ آشکارا و ناگهانی بگیر. در عذاب خود بر آنها سخت بگیر و در میان بندگانت ذلیل وَالْعَنْهُمْ فِی بِلَادِکَ وَأَسْکِنْهُمْ أَسْفَلَ نَارِکَ وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ و از شهرها دور کن و در پایین ترین درکات دوزخ ساکن و با بدترین عذابت آنها را عَذَابِکَ وَأَصْلِهِمْ نَاراً وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً وَأَصْلِهِمْ حَرَّ احاطه کن و در دوزخ بینداز و قبرهای مرده هایشان را پر از آتش کرده و حرارتش را نَارِکَ فَإِنَّهُمْ أَضاعُوا الصَّلاهَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَواتِ وَأَذَلُّوا عِبَادَکَ. به آنها بچشان؛ زیرا آنها نماز را ضایع و شهوات را تبعیّت و بندگانت را ذلیل کردند. اَللَّهُمَّ وَأَحْیِ بِوَلِیِّکَ الْقُرْآنَ وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَداً لَا ظُلْمَهَ فِیهِ وَأَحْیِ خدایا، قرآن را به دست ولیّ ات زنده کن و نور آن را همیشگی نما، که در آن تاریکی نباشد، بِهِ الْقُلُوبَ الْمَیِّتَهَ وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَغِرَهَ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ به ما نشان بده و دل های مرده را با آن زنده و سینه های داغ دیده را شفا بخش. الْمُخْتَلِفَهَ عَلَی الْحَقِّ وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعَطَّلَهَ وَالْأَحْکَامَ الْمُهْمَلَهَ حَتَّی به دست او افکار پراکنده را بر راه حقّ جمع کن و حدود و احکام معطّل مانده را اجرا کن. لَا یَبْقَی حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَاجْعَلْنَا یَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ تا اینکه هیچ حقّی مخفی نماند و تمام عدل ها شکفته گردد. پروردگارا، ما را از یاران

ص:۱۲۸

وَمِمَّنْ یُقَوِّی سُلْطَانَهُ وَالْمُؤْتَمِرِینَ لِأَمْرِهِ وَالرَّاضِینَ بِفِعْلِهِ وَالْمُسَلِّمِینَ و تقویت کنندگان سلطنتش و اطاعت کنندگان اوامرش و راضیان به اعمال و قبول کنندگان احکامش لِأَحْکَامِهِ وَمِمَّنْ لَا حَاجَهَ بِهِ إِلَی التَّقِیَّهِ مِنْ خَلْقِکَ أَنْتَ یَا رَبِّ الَّذِی و از کسانی که مجبور به تقیه نسیتند، قرار بده. پروردگارا تو کسی هستی که بدی ها را بر می داری تَکْشِفُ السُّوءَ وَتُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاکَ وَتُنَجِّی مِنَ الْکَرْبِ الْعَظِیمِ و افراد مضطر را جواب می دهی و از گرفتاری های بزرگ نجات می دهی. بنابراین همان طور که فَاکْشِفِ الضُّرَّ عَنْ وَلِیِّکَ وَاجْعَلْهُ خَلِیفَتَکَ فِی أَرْضِکَ کَمَا ضَمِنْتَ لَهُ. ضمانت کرده بودی، گرفتاری را از ولی خودت بردار و او را جانشین خودت در روی زمین قرار بده. اَللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ أَعْدَاءِ خدایا، ما را از دشمنان خانـدان محمّد قرار نده. آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِ الْحَنَقِ وَالْغَیْظِ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ مرا از کسانی که از خاندان محمّد خشمگین فَإِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَلِکَ فَأَعِذْنِی وَأَسْتَجِیرُ بِکَ فَأَجِرْنِی. هستند نکن و مرا از این بدبختی پناه بده. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِی بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَکَ خدایا، بر محمّد و خاندانش درود و سلام فرست و مرا در دنیا و آخرت به برکت فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ.

آنها از نجات یافتگان و مقربان قرار بده.

ص:۱۲۹

دعای نهم

دعای امام زمان علیه السلام برای فرج خودشان(۱)

حمیری نقل می کند که از محمّد بن عثمان عمری پرسیدم که آیا آن حضرت را دیده ای؟ گفت: بله آخرین بار ایشان را در کنار خانه خدا دیدم که می گفت:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی

خدایا! وعده ای را که داده ای، عملی کن.

محمّد بن عثمان در جای دیگری نقل می کند که ایشان را دیدم که در بخش مستجار پرده کعبه را گرفته و می گوید:

اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِی مِنْ أَعْدَائِکَ

خدایا! به دست من از دشمنانت انتقام بگیر.

۱- ۵۷. من لایحضره الفقیه/ج ۲/ص ۵۲۰ /باب نوادر الحج

دعای دهم

نماز توجّه به حضرت حجّت در زمان غیبت(۱)

احمد بن ابراهیم نقل می کند که:

خدمت محمّد بن عثمان رحمه الله گلایه کردم و گفتم از شوق دیدار حضرت لبریز شده ام.

با شوق خاصی گفت: خیلی دوست داری او را ببینی؟

گفتم: بله

گفت: خداونـد به خاطر این همه شوق، جزای خیر بدهد و توفیق دیدار ایشان را در آسودگی و عافیت عنایت کند. اما تو نباید در این شـرایط خفقان به دنبال دیدار ایشان باشـی؛ زیرا در ایام غیبت اگر چه شوق دیدار لبریز است، اما نباید تلاش کنی که با ایشان باشی؛ زیرا این از گناهان کبیره است.(۲) به همین جهت تسلیم امر خدا بودن بهتر است.

با این حال هر وقت که خواستی با ایشان درد و دلی کنی، با این زیارت انجام بده.

ص:۱۳۱

---

۱ – ۵۸. بحارالأنوار / ج ۵۳ / ص ۱۷۴ / باب ۳۱ – ما خرج من توقیعاته علیه السلام؛ مستدرک الوسائل / ج ۱۰ / ص ۷۰ / ۳۶۵ – باب استحباب زیاره الهادی.

۲ – ۵۹. زیرا در دوره غیبت صـغری آن حضـرت تحت تعقیب دشـمنان بود. به همین خاطر کسانی که به دنبال حضـرت بودند، زمینه را برای شـناسایی مکـان زنـدگی آن حضـرت که غالبـاً در حوالی سامرا بوده است، فراهم می کردنـد. این مطلب در نامه حضرت بقیه اللّه به خجندی که تلاش فراوانی برای دیدار با ایشان انجام داد، آمده است. در آن دوره، خفقان به اندازه ای بود که حتّی اسم بردن از حضـرت تحریم شده بود. البته در شـرایط کنونی هیچ کدام از اینها حرام نیست. نه نام بردن از ایشان و نه تلاش برای دیدار ایشان.

این زیارت بعد از دوازده رکعت نماز یا شش نماز دو رکعتی می باشد. که در هر رکعت یک حمد و یک توحید خوانده می شود. بعد از اتمام نمازها، صلوات می فرستی و می گویی:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ

سلام بر خاندان یاسین

ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيم إِمَامُهُ نبوّت و امامت همان عنایت روشن است و خدا صاحب احسان عظیم است برای کسی که مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ قَدْ آتَاكُمُ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ يَاسِينَ او را به راه راست هدایت کند. اما توجّه: ای آل یاسین، خداوند خلافتش را به شما داده ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيم مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ و کیفیت جریان اراده خودش را در مورد قضا و قدر و اراده ای که در ملکوت آسمان ها الْمُسْتَقِيمَ التَّوَجُّهَ قَدْ آتَاكُمُ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ وَعَلَّمَ مَجَارِيَ دارد، به شما نشان داده است. پرده از شما برداشته شده و شما خزانه داران و شاهدان أَمْرِهِ فِيما قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ فَكَشَفَ لَكُمُ و عالمان و امینان و رهبران و پایه های مناطق و قاضیان احکام و درهای ایمان، الْغِطَاءَ وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ وَعُلَمَاؤُهُ وَأُمَنَاؤُهُ سَاسَةُ الْعِبَادِ هستید. از جمله تقدیرات الهی در عنایت به شما، این بود که به صورت حتمی

ص:۱۳۲

وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ وَقُضَاهُ الْأَحْكَام وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَائِحُ و قطعی حکم کرد در نتیجه هیچ چیزی از خدا نیست. مگر اینکه شما واسطه الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَاذُهُ مَحْتُوماً مَقْرُوناً فَمَا شَيْ ءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ و راه وصول به آن هستید. خداوند برای دوستانتان نعمت و برای دشمنانتان غضب را السَّبَبُ وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ خِيَارُهُ لِوَلِيِّكُمْ نِعْمَهٌ وَانْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ برگزیده است. بنابراین نجات و پناهی غیر از شما وجود ندارد و جای فراری سَخْطَهُ فَلَا نَجَاهَ وَلَا مَفْزَعَ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ يَا أَعْيُنَ اللَّهِ از آن نیست. ای چشمان ناظر خدا و حامل معرفت و محل استقرار توحید در زمین النَّاظِرَهَ وَحَمَلَهَ مَعْرِفَتِهِ وَمَسَاكِنَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ وَأَنْتَ و آسمان و تو ای حجّت و باقی مانده اولیای الهی، کمال نعمت او و وارث انبیا يَا حُجَّهَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ كَمَالُ نِعْمَتِهِ وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَاهُ و جانشینان او تا به امروز هستی. ای آن که طبق وعده خدا، صاحب رجعتی مِنْ دَهْرِنَا وَصَاحِبُ الرَّجْعَهِ لِوَعْدِ رَبِّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَهُ الْحَقِّ وَفَرَجُنَا. که دولت حقّ و شادی و نصرت خدا و عزّت او در آن روز، بر ما تجلّی خواهد یافت. این دعا همان زیارت آل یاسین با نقل دیگر آن است که بعد از آن نیز دعای پشت سر آن خوانده می شود.

ص:۱۳۳

دعای یازدهم

دعای امام علیه السلام برای ترس از دشمنان، مشهور به دعای فرج(۱)

شیخ جلیل القدر امین الاسلام فضل بن حسن طبری(۲) صاحب تفسیر، در کتاب کنوز النجاح آورده است که ابوالحسن محمّد بن ابی اللیث رحمه الله در شهر بغداد، از ترس دشمنان به مقابر قریش(۳) پناه برده بود. آن حضرت در آنجا دعایی را به او یاد داد تا از دشمنان نجات یابد. او نیز خواند و نجات یافت.

اما متن دعا عبارت است از:

۱- ۶۰. بحارالأنوار / ج ۵۳ / ص ۲۷۵ / الحکایه الأربعون.

۲- ۶۱. ولادت ابو علی، فضل بن حسن بن فضل طبرسی، معروف به امین الاسلام طبرسی در حدود سال های ۴۶۰ تا ۴۷۰ هجری در مشهد مقدّس به دنیا آمد. نسب طبرسی را بسیاری از بزرگان، منسوب به طبرستان دانسته اند که در این صورت طَبَرسی خوانده می شود. مؤلفان بزرگی چون بیهقی وقتی سخن از تألیفات طبرسی به میان آورده اند تألیفات او را «کثیر» دانسته اند، که طبرسی دارای تألیفات زیادی است. اما آنچه به دست ما رسیده به ۲۰ عنوان نمی رسد و قطعاً تألیفات او بیشتر از این مقدار بوده است. وفات: مفسّر بزرگ قرآن و عالم ربّانی، امین الاسلام طبرسی پس از حدود ۹۰ سال زندگی سراسر تلاش و مجاهده در سال ۵۴۸ هجری در بیهق از دنیا رفت. بنابر نقل بزرگانی چون علامه سیّد محسن امین، طبرسی به مرگ طبیعی از دنیا نرفت؛ بلکه به دست دشمنان به شهادت رسید. اما از جزئیات شهادت او اطلاعی در دست نیست. بدن مطهّر او را از بیهق به مشهد مقدّس انتقال داده و در جوار مرقد امام هشتم شیعیان علیه السلام به خاک سپردند. به نقل از نرم افزار جامع الاحادیث نور ۲

۳- ۶۲. مقصود از مقابر قریش، کاظمین و حرم مطهر امام موسی کاظم علیه السلام و امام محمّد تقی علیه السلام است.

اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَانْكَشَفَ خـدايا، بلا شدّت يافته و مخفيگاه ها از دست رفته و اميدها به يأس مبدّل و پوشـش از الْغِطَاءُ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ وَإِلَيْكَ يَا ميان برداشـته و زمين با همه وسـعتش برايم تنگ و آسـمان از باريدن منع گرديده است. رَبِّ الْمُشْتَكَى وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ پروردگارا، به تو شكايت مى كنم و در گرفتارى ها و راحتى ها به تو تكيه مى نمايم. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ خدايا بر محمّد و خاندانش، آنان كه ولىّ امر ما هسـتند و اطاعتشان را بر ما واجب كردى عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً و با اين كار جايگاهشان را برايمان بيان نمودى. به حقّ ايشان، برايمان گشايشى ايجاد كن، عَاجِلًا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ اكْفِيَانِي گشايش سـريعى ماننـد چشم بر هم زدن يا حتى سـريعتر از آن. اى محمّـد اى على شـما مرا فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَانْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مَوْلَايَ كفايت كنيد؛ زيرا شما كافى هستيد و مرا يارى كنيد؛ زيرا شما ياران من هستيد. اى مولايم، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي اى صاحب عصر به دادم برس، به دادم برس، به دادم برس، مرا درياب، مرا دريـاب، مرا دريـاب. راوى نقـل مى كنـد وقتى كه ايشـان اين دعا را به من ياد مى داد، زمانى كه به كلمه يا صاحب الزمان رسيد، به سينه خودش اشاره كرد.

دعای دوازدهم

خبردادن حضرت علی علیه السلام از دعای حضرت حجّت در هنگام عبور از وادی السلام(۱)

حضرت علی علیه السلام فرمود: گویا قائم آل محمّدصلی الله علیه وآله را می بینم که از وادی السلام به سوی سهله حرکت می کند و بر اسبی پیشانی سفید سوار است و این دعا را می خواند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيمَاناً وَصِدْقاً نیست خدایی غیر از اللّه، قطعاً قطعاً نیست خدایی غیر از اللّه، من ایمان می آورم و تصدیق می کنم. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّداً وَرِقّاً.

نیست خدایی غیر از اللّه، من بندگی و اطاعت او را می کنم.

اَللَّهُمَّ مُعِزَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحِيدٍ وَمُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ أَنْتَ ای خدایی که عزّت بخش هر مؤمن تنها مانده هستی و ذلیل کننده هر متکبّر سرسخت هستی. زمانی كَنَفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ که تمام راه ها بر رویم بسته می شود و زمین با تمام وسعتش بر من تنگ می گردد، تو همراه من هستی. اَللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَنِيّاً عَنْ خَلْقِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّایَ لَكُنْتُ خدایا، مرا آفریدی در حالی که از آن بی نیاز بودی. اگر یاری تو نبود، شکست می خوردم.

ص:۱۳۶

---

۱ – ۶۳. بحارالأنوار / ص ۳۶۵ / ج ۹۱ / باب ۵۰ – بعض أدعیه القائم علیه السلام و أحرازه، العددالقویه / ص ۷۴ / نبذه من أحوال الإمام الحجهعلیه السلام.

مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَهِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ ای منتشر کننده رحمت از مواضع آن و خارج کننده برکات از معادن آن و ای کسی که مَعَادِنِهَا وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوخِ الرِّفْعَهِ وَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ اوج رفعت را به خود اختصاص داده و دوستانش با عزّت او احساس عزّت می کنند. يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّهِ عَلَى أَعْنَاقِهَا فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ ای کسی که تمام سلاطین در برابر او غبار مذلّت به گردن دارند و از سیطره قدرت او خوفناکند. خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِی فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلٌّ لَهُ مُذْعِنُونَ درخواست می کنم به حرمت اسمی که موجودات را آفریدی و همه به آن اقرار می کنند. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي درخواست می کنم که به محمّد و خاندان او درود و سلام فرستی و کار مرا محقق کنی و در أَمْرِی وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَتَكْفِيَنِي وَتُعَافِيَنِی وَتَقْضِيَ فرجم تعجیل نمایی و مرا کفایت کنی و از شر دشمنان عافیت بخشی و نیازهایم را برآورده سازی. حَوَائِجِي السَّاعَهَ السَّاعَهَ اللَّيْلَهَ اللَّيْلَهَ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. همین الآن، همین الآن، همین امشب، همین امشب زیرا تو بر هر کاری را توانایی.

ص:۱۳۷

دعای سیزدهم

صلوات مخصوصه ای که از امام زمان علیه السلام صادر شده است(۱)

یعقوب بن یوسف ضراب غسانی در بازگشت از اصفهان نقل می کرد که در سال دویست و هشتاد و یک با عدّه ای از اهل سنّت از مردمان شهرمان، به زیارت خانه خدا خارج شدیم. وقتی که به مکه رسیدیم. عدّه ای از آنها رفتند و خانه ای را که بر سر راه و در میان بازار مشهور به سوق اللیل بود، کرایه کردند. آنجا مشهور به خانه حضرت خدیجه بود. به آن دارالرضا هم می گفتند. پیرزنی گندمگون در آنجا زندگی می کرد. درباره خانه سؤال کردم که چرا به آنجا خانه امام رضا می گویند و چه مدتی است که در آنجا ساکن است؟

جواب داد: «من از دوستداران ایشان هستم و این خانه متعلق به امام رضاعلیه السلام بود. امام حسن عسکری علیه السلام مرا در این خانه جای داد؛ زیرا من از خدمتکاران آن حضرت بودم.»

وقتی که اینها را شنیدم، با او مأنوس شدم و سرّ آن را از دوستان سنّی خود، پنهان کردم. شب ها که از طواف برمی گشتم، با آنها در ایوان خانه می خوابیدیم. ما شب ها در را می بستیم و سنگ بزرگی را پشت آن می گذاشتیم.

تا اینکه شبی از شب ها متوجّه روشنایی چراغی شدم که درون رواق ما روشن شده است. روشنایی شبیه مشعل بود. متوجّه شدم

۱- ۶۴. الغیبه للطوسی/ ص ۲۷۳، بحارالأنوار/ ج ۵۲ / ص ۱۷.

که در، باز است. اما کسی از اهل خانه را ندیدم که در را باز کند. مردی گندمگون و لاغر را دیدم که بر پیشانی خود آثار سجده داشت. دو پیراهن به تن داشت که از روی آنها هم عبای نازکی را بر سرش انداخته بود. در پایش کفشی داشت. از پله ها بالا رفت و وارد اتاقی که پیرزن در آنجا بود، شد. او قبلاً به ما گفته بود که دخترش در آنجا زندگی می کند و اجازه نمی دهد که کسی به آنجا برود.

روشنایی در هنگام بالا رفتن او، در پله ها بود. اما وقتی که وارد اتاق شد، روشنایی را در اتاق دیدم. اما خبری از مشعل و امثال آن نبود. دوستان سنی من، شاهد ماجرا بودند. آنها گمان می کردند که این مرد دختر آن زن را صیغه کرده است؛ زیرا شیعیان متعه را جایز می دانند. در حالی که اهل سنت آن را حرام می دانند. ما شاهد آمدن و رفتن او بودیم. وقتی که بیرون می رفت، ما دنبالش کردیم. دیدیم که در بسته است و سنگ در پشت آن قرار دارد! همان طور که ما گذاشته بودیم و بسته بودیم؛ زیرا از دارایی های خودمان می ترسیدیم. احدی را ندیدیم که در را برای او باز کند و یا ببندد. مادامی که ما در آنجا بودیم، آن مرد جوان رفت و آمد می کرد و سنگ هم سر جای خودش بود. وقتی که همه اینها را دیدم، کنجکاوی عجیبی در جانم ریشه دواند. از این رو سعی کردم که ارتباطم را با پیر زن صمیمی تر کنم؛ زیرا خیلی دوست داشتم که از سرّ آن مرد باخبر شوم.

ص:۱۳۹

باشـند. هر وقت که مرا تنهـا دیـدی، پـایین بیـا تـا سؤالا۔تم را بپرسم. بـا عجله گفت: اتفاقاً من هم می خواسـتم مطالبی را به تو بگویم. اما وقت مناسبی را پیدا نمی کردم؛ زیرا همیشه آنها با تو هستند. گفتم: چه می خواستی بگویی؟

گفت: می گویـد - البته او اسم کسـی را نیـاورد - با نزدیکانت جنگ و جـدل نکن؛ زیرا آنها دشـمنان تو هسـتند، بایـد با آنها مـدارا کنی. گفتم: چه کسـی این حرف ها را گفته است؟ گفت: من می گویم! خیلی دوست داشـتم که دوباره سؤال را تکرار کنم. اما هیبت آن زن اجازه نـداد. عرض کردم: کـدام اصـحاب و نزدیکان مورد نظرت هست؟ گفت: همان ها که در شـهرت هستند و الآن در خانه با تو می باشند.

گفتم: بله میان من و آنها در شـهرمان بر سـر دین و عقاید مذهبی درگیری پیش آمد. آنها پشت سر من توطئه کردند. تا جایی که من مدت ها مجبور به اختفا شدم. در ادامه از او سؤال کردم چه نسـبتی با امام رضاعلیه السلام داری؟ گفت: من خادمه امام عسکری علیه السلام بودم. وقتی که از او مطمئن شدم، تصمیم گرفتم که درباره امام زمان علیه السلام سؤال کنم. قسم دادم که آیـا او را بـا چشم خودت دیـده ای؟ گفت: ای برادر من او را ندیـده ام. وقـتی که من از خـانه امـام علیه السـلام خـارج شـدم، خواهرم(1) به او حامله بود. البته امام عسکری علیه السلام به من بشارت داد که در آخر

۱- ۶۵. تعبیر به خواهر از جهت محبّت و نزدیکی است نه نسبت خونی و فامیلی.

عمرم او را خواهم دید و نسبت تو به او مانند من خواهد بود. تا اینکه من در فلان تاریخ در مصر بودم. امام زمان علیه السلام نامه ای را به همراه مخارج سفر توسط مردی خراسانی که عربی را خوب نمی دانست، برایم فرستاد. مبلغی که فرستاده بود، سی دینار بود. از من خواسته بود تا به حج مشرّف شوم. دینارها را گرفتم و با امید دیدار ایشان عازم سفر حج شدم.

بعد از شنیدن این ماجرا، به دلم افتاد همان مردی که هر شب می آید و می رود، امام زمان علیه السلام است. نذر کرده بودم که ده درهم در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم. ده دینار که شش تای آنها سکه امام رضاعلیه السلام بود، به آن زن دادم و گفتم که اینها را به اولاد فاطمه علیها السلام بده. با خودم گفتم: اگر آنها را به فرزندان فاطمه بدهم، ثوابش بیشتر است. از طرفی امیدوار بودم که آنها را به حضرت بقیه اللّه خواهد داد.

پیرزن درهم ها را از من گرفت و به اتاق خودش رفت و بعد از لحظاتی برگشت و گفت: می گوید ما در این پول ها سهمی نداریم. آنها را به همان جایی که نذر کردی بینداز. اما سکه های رضوی را به ما بده و به جای آنها پول معمولی بگیر. من نیز همان طور کردم. پیش من یکی از نامه های امام زمان علیه السلام بود که حضرت به قاسم بن علاـ از وکلای خود در آذربایجان نوشته بود. آن را به پیر زن نشان دادم و گفتم: این را به کسی نشان بده که توقیعات را دیده باشد. گفت: آن

را بـده به من. من توقیعات ایشان را می شـناسم. گمان کردم که او می توانـد توقیع را بخواند. اما گفت: اینجا ممکن نیست که آن را بخوانم. باید بالا ببرم. بالا رفت و بعد از لحظاتی برگشت و گفت: می گوید این توقیع صـحّت دارد و در آن نوشته است که شما را به چیزی بشارت می دهم که کسی را به آن بشارت نداده ام...

بعـد گفت: می گویـد تو چگونه صـلوات می فرستی؟ گفتم: خـدایا بر محمّـد و خانـدان محمّـد صـلوات بفرست و بر محمّد و خانـدانش برکتت را نـازل کن. ماننـد بهترین صـلوات و برکـات و ترحّمـاتی که بر ابراهیم و خانـدان ابراهیم نـازل فرمودی. تو ستوده و جواد هستی.

گفت: نه وقتی که صلوات فرستادی نام تک تک ائمه را ببر و بر همه آنها صلوات بفرست. گفتم: چشم.

فردای آن روز وقتی که از اتاقش پایین می آمد، دفتری کوچک به همراه داشت. به من گفت: هر وقت که خواستی به پیامبر و جانشـینانش صـلوات بفرسـتی ماننـد آنچه که در این دفـتر نوشـته شـده است، بفرست. دفـتر را گرفتم و از آن به بعـد طبـق آن صلوات فرستادم.

چنـد شب پی در پی آن مرد از اتاق پایین می آمـد و نور چراغ به همراه او بود. من در را باز می کردم و دنبال چراغ می رفتم. امـا کسـی را نمی دیـدم. تا اینکه آن شـخص با چراغ وارد مسـجد الحرام می شـد. همین طور مردان زیادی را می دیـدم که از شهرهای مختلفی

می آمدندو نامه هایی را به پیر زن می دادند و او نیز نامه هایی را به آنها می داد و با همدیگر سخن می گفتند. البته من متوجّه حرفهایشان نمی شدم. عدّه ای از آنها را در بازگشت از حج و در مسیر بغداد، دیدم.

متن صلوات خاصّه

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَخَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَحُجَّهِ رَبِّ خدایا، بر محمّد سرور رسولان و پایان بخش انبیاء و حجّت پروردگار عالمیان درود الْعَالَمِینَ الْمُنْتَجَبِ فِی الْمِیثَاقِ الْمُصْطَفَی فِی الظِّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ و سلام فرست. او که در میثاق فطرت، نجابت یافته و در میان ظلمت ها او را برگزید.(۱) کُلِّ آفَهٍ الْبَرِیءِ مِنْ کُلِّ عَیْبٍ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاهِ الْمُرْتَجَی لِلشَّفَاعَهِ او که از هر آفتی پاک و از هر عیبی دور است. امید نجات و شفاعت، کسی که دین الْمُفَوَّضِ إِلَیْهِ دِینُ اللَّهِ. اَللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْیَانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ به او سپرده شده است. خدایا، ارکانش را شرافت و برهانش را عظمت و حجّتش را وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَضِیْ نُورَهُ وَبَیِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِیلَهَ راست و درجه اش را ترفیع و نورش را روشنی بخش و صورتش را روسفید کرده

۱- ۶۶. مقصود عالم قبل از تولد و ذریه است که در پشت حضرت آدم علیه السلام وجود داشته اند.

وَالْوَسِيلَهَ وَالدَّرَجَهَ الرَّفِيعَهَ وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ و از فضل و فضيلت و درجه و وسيله بلند به او عطا كن و او را به مقام ستوده شده اى وَالْآخِرُونَ. وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَقَائِدِ الْغُرِّ كه اوّلين و آخرين به آن غبطه بخوردند، برسان. خدايا، بر امير مؤمنان و وارث مرسلان الْمحَجَّلِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ و رهبر روسفيدان عالم و سرور جانشينان و حجّت پروردگار عالميان درود فرست. بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. خدايا، بر حسن بن على امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجّت پروردگار عالميان، درود فرست. وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ خدايا، بر حسين بن على امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجّت پروردگار وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ عالميان، درود فرست. خدايا، بر على بن حسين امام مؤمنان و وارث مرسلان وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ و حجّت پروردگار عالميان، درود فرست. خدايا، بر محمّد بن على امام مؤمنان إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى و وارث مرسلان و حجّت پروردگار عالميان، درود فرست. خدايا، بر جعفر بن محمّد

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجّت پروردگار عالمیان، درود فرست. وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ خدایا، بر موسی بن جعفر امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجّت پروردگار رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ عالمیان، درود فرست. خدایا، بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث مرسلان الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ و حجّت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر محمّد بن علی امام مؤمنان الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ و وارث مرسلان و حجّت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر علی بن محمّد بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجّت پروردگار عالمیان، درود فرست. وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ خدایا، بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجّت پروردگار وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْخَلَفِ الصَّالِحِ الْهَادِی عالمیان، درود فرست. خدایا، بر جانشین صالح، هدایتگر هدایت شده،

الْمَهْدِیِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِینَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِینَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ. امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجّت پروردگار عالمیان، درود فرست. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ الْأَئِمَّهِ الْهَادِینَ الْمَهْدِیِّینَ خدایا، بر محمّد و خاندانش، امامان هدایتگر هدایت شده، عالمان راستگوی الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِینَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِینَ دَعَائِمِ دِینِکَ وَأَرْکَانِ خوش کردار با تقوایی که پایه های دین و توحید و مفسران وحی و حجّت های تَوْحِیدِکَ وَتَرَاجِمَهِ وَحْیِکَ وَحُجَجِکَ عَلَی خَلْقِکَ وَخُلَفَائِکَ فِی أَرْضِکَ در میان خلق و جانشینان بر روی زمین هستند. کسانی که آنها را برای خودت الَّذِینَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِکَ وَاصْطَفَیْتَهُمْ عَلَی عِبَادِکَ وَارْتَضَیْتَهُمْ انتخاب کردی و بر سایر بندگانت برگزیدی و از دینت خوشنود و به معرفت مخصوص لِدِینِکَ وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِکَ وَجَلَّلْتَهُمْ بِکَرَامَتِکَ وَغَشَّیْتَهُمْ بِرَحْمَتِکَ نمودی و با کرامت خود به آنها جلالت دادی و با رحمتت پوشاندی و با نعمت خود وَرَبَّیْتَهُمْ بِنِعْمَتِکَ وَغَذَّیْتَهُمْ بِحِکْمَتِکَ وَأَلْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِکَ تربیت کردی و با حکمت خود تغذیه نمودی و با نور خود پوشاندی و در ملکوتت وَرَفَعْتَهُمْ فِی مَلَکُوتِکَ وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِکَتِکَ وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِیِّکَ. رفعت دادی و با ملائکه احاطه نمودی و با پیامبرت آنها را شرافت بخشیدی.

ص:۱۴۶

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ خداىا، بر محمّد و آنان صلوات فراوان و دائمی و گوارایی نثار کن. به اندازه ای که تنها بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. خود بر آن احاطه داشته باشی و غیر از تو کسی قدرت شمارش و احاطه نداشته باشد. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمحْيِي سُنَّتَكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ خدایا، بر ولیی که سنّت ت را با امرت، زنده می کند و راهنما و دلیل به سوی تو، حجّت عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ. بر خلق و جانشین در زمین و شاهد بر اعمال بندگانت می باشد، سلام و درود فرست. اَللّٰهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ وَمُدَّ فِي عُمُرِهِ وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطُولِ بَقَائِهِ. خدایا، با قدرت خود، او را یاری کرده و بر طول عمرش بیفزا و زمین را با طول بقای او مزین کن. اَللّٰهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ وَازْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ خدایا، او را از تجاوز حسودان حفظ و از شر حیله گران پناه بده و اراده ظالمان را الظَّالِمِينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ. اَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ از او دفع و از دست متکبران رها کن. خدایا، در خود و نسل و شیعیان و خاصان وَشِيعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعَدُوِّهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقِرُّ بِهِ و عامان و دشمنان و همه اهل دنیا برای او چشم روشنی و خیری قرار بده تا شاد شود

عَیْنَهُ وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِی الدُّنْیَا وَالآخِرَهِ إِنَّکَ عَلی و او را به اوج آروزهایش در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر کاری توانا هستی. کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ. اَللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مُحِیَ مِنْ دِینِکَ وَأَحْیِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ خدایا، به وسیله او بخش های از بین رفته دین را تجدید و آنچه از قرآن تفسیر به رأی شده، کِتَابِکَ وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غُیِّرَ مِنْ حُکْمِکَ حَتَّی یَعُودَ دِینُکَ بِهِ وَعَلَی یَدَیْهِ زنده و بخش های تغییر یافته احکامت را آشکار کن تا دینت به سبب او و به دست او غَضّاً جَدِیداً خَالِصاً مُخْلَصاً لَاشَکَّ فِیهِ وَلَا شُبْهَهَ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ به صفا و پاکی و طراوت اولیه خود باز گردد و شک و شبهه ای در آن و همراه آن نباشد. وَلَا بِدْعَهَ لَدَیْهِ. اَللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ کُلَّ ظُلْمَهٍ وَهُدَّ بِرُکْنِهِ کُلَّ بِدْعَهٍ وَاهْدِمْ خدایا، تمام ظلمت ها را با نور او روشن و تمام بدعت ها و گمراهی ها را از برکت او متلاشی بِعِزَّتِهِ کُلَّ ضَلَالَهٍ وَاقْصِمْ بِهِ کُلَّ جَبَّارٍ وَأَخْمِدْ بِسَیْفِهِ کُلَّ نَارٍ وَأَهْلِکْ کن و تمام متکبران را در هم بکوب و آتش فتنه ها را با شمشیر او خاموش و با عدلش همه بِعَدْلِهِ کُلَّ جَائِرٍ وَأَجْرِ حُکْمَهُ عَلَی کُلِّ حُکْمٍ وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ کُلَّ سُلْطَانٍ. ظالمان را هلاک و حکم او را بر تمام احکام جاری و سلطنتش را بر همه سلاطین مسلط گردان. اَللَّهُمَّ أَذِلَّ کُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَأَهْلِکْ کُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَامْکُرْ بِمَنْ کَادَهُ خدایا، هر کسی که نسبت به او قصد بد کند، خوار و دشمنانش را هلاک

وَاسْتَأْصِلْ بِمَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَسَعَى فِی إِطْفَاءِ نُورِهِ و مکارانش را مکر و منکرین و تحقیر کنندگان و تلاشگران برای خاموش کردن وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِکْرِهِ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلِیٍّ الْمُرْتَضَى نور و یادش را خاموش و آواره کن. خدایا، بر محمّد مصطفی و علی مرتضی وَفَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ الرِّضَا وَالْحُسَیْنِ الْمُصْطَفَى وَجَمِیعِ و فاطمه تابان و حسن راضی و حسین برگزیده و همه جانشینان و چراغ های الْأَوْصِیاءِ وَمَصَابِیحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ التُّقَى وَالْعُرْوَهِ تابان هدایت و پرچم های هدایت و مناره های تقوا و دستاویزهای مستحکم الْوُثْقَى وَالْحَبْلِ الْمَتِینِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِیمِ. وَصَلِّ عَلَى وَلِیِّکَ وَوُلَاهِ و ریسمان های هدایت و راه مستقیمت درود و سلام فرست. خدایا، بر ولیّ ات و والیان عَهْدِهِ وَالْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ وَمُدَّ فِی أَعْمَارِهِمْ وَزِدْ فِی آجَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ عهد و امامان از فرزندانش درود فرست و بر عمرهایشان بیفزا و به بزرگترین أَقْصَى آمَالِهِمْ دِیناً وَدُنْیَا وَآخِرَهً إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ. آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی.

ص:۱۴۹

دو قنوت از امام زمان علیه السلام

دعای چهاردهم

قنوت مولانا صاحب الزمان علیه السلام(۱)

قزوینی و بغدادی نقل می کنند که روزی در خدمت استادمان بودیم. که سخن از امام حسن بن علی علیه السلام پیش آمد. یکی از شاگردها گفت: مردم از او ناراحت و عصبانی هستند؛ زیرا حکومت را به آل ابوسفیان واگذار کرد! استادمان فرمود: من مولایمان حسن بن علی را بالاتر از آن می دانم که کاری از او سربزند که برای اندیشمندان و خرده گیران و شکّاکان جای اشکال کردن باقی بماند.(۲) ایشان ادامه دادند زمانی که شیخ ابوجعفر محمّد بن عثمان رحمه الله وفات کرد، شیخ

ص:۱۵۰

۱- ۶۷. بحارالأنوار / ج ۸۲ / ص ۲۱۱ / باب ۳۳ - فی القنوتات الطویله المرویه؛ مهج الدعوات / ص ۴۵ / ذکر قنوتات الأئمه الطاهرین علیهم السلام.

۲- ۶۸. امام حسن علیه السلام از شجاعتی بی نظیر برخوردار بود. او کسی بود که در جنگ جمل، از میان باران تیرها عبور کرد و شتر عایشه را پی کرد و ضربه ای کاری بر آنها وارد ساخت. او کسی بود که در جنگ صفین بیشترین و خطرناکترین حمله ها ??انجام داد. در برخی از تاریخ های معتبر آمده است که حضرت امیرعلیه السلام می فرمود: جلوی حسن را بگیرید و نگذارید تا این حد بی پروا حمله کند. ممکن است که به او آسیبی برسد. در یک ارزیابی منصفانه از صلح امام علیه السلام باید گفت: صلح امام در شرایط خاص زمانی و مکانی خود، بهترین کاری بود که ممکن بود انجام بگیرد. جفا و خیانت دوستان و عموزادگان، بی وفایی مردم در جنگ ها، نفوذ فراوان امویان، عدم حمایت بزرگان، خطر حمله روم در اثر تضعیف حکومت مرکزی همه و همه از دلایلی بودند که در تصمیم امام علیه السلام موثر بودند. گذشته از این که صلح گزینه ای نبود که امام انتخاب کند. بلکه مردم از جنگ خسته شده بودند و خود خواستار صلح شدند. برای مطالعه بیشتر به کتب مربوطه مراجعه شود.

ابوالقاسم حسین بن روح در جای او نشست و بقیه آن روز را در خانه محمّد بن عثمان به امورات رسیدگی کرد. ذکاء خادم، سه چیز را که عبارتند از: کاغذی نوشته شده، عصا و ظرف چوبی تراشیده و روغن مالی شده، خارج کرد. ایشان آنها را گرفتند و عصا را در میان ران های خود گذاشتند و کاغذ را در دست راست و ظرف چوبی را در دست چپشان گرفتند و به ورثه محمّد بن عثمان رحمه الله گفتند: در این نامه امانت هایی آمده است. بعد آن را باز کرد. دیدند که در آن دعاها و قنوت هایی از حضرات معصومین آمده است. از آن دست برداشتند و گفتند: حتماً در این ظرف چوبی اشیائی گرانبها وجود دارد. حسین بن روح گفت: آیا آن را می فروشید؟ گفتند: به چه قمیتی؟ حسین بن روح رحمه الله گفت: ای ابوالحسن کوثاری ده دینار به آنها بده. اما آنها نپذیرفتند. تا اینکه قیمت به صد دینار رسید. خطاب به آنها گفت: اگر این صد دینار را قبول نکنید، پشیمان می شوید. آنها هم قبول کردند و صد دینار را گرفتند. حسین بن روح نامه و عصا را از اول استثناء کرده بود که در قبال این معامله، این دو نیز مال او باشند.

وقتی که معامله تمام شد، گفت: این عصای مولایمان امام عسکری علیه السلام است. ایشان در روزی که سرورم محمّد بن عثمان را به وکالتشان نصب می کردند، این عصا را به دست داشتند. این ظرف چوبی هم که می بینید، حاوی انگشترهای ائمه است. درش را باز کرد و آنها را درآورد. همان طور که می گفت از جواهر و نقش ها

و تعدادشان روشن بود که آنها متعلق به ائمه است. در کاغذ نیز قنوت های ائمه نوشته شده بود... .

و اما قنوت:

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْرِمْ أَوْلِيَاءَكَ بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ خدایا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و اولیایت را با محقق کردن وعده خودت، گرامی دار و به نصرت وَبَلِّغْهُمْ دَرْكَ مَا يَأْمُلُونَ مِنْ نَصْرِكَ وَاكْفُفْ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ و غلبه ای که آرزو می کنند، برسان و گرفتاری کسانی را که بنای تخلف از تو را گذاشتند و از نواهی تو تمرد الْخِلَافَ عَلَيْكَ وَتَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ وَاسْتَعَانَ بِرِفْدِكَ کردند و به مخالفتت پرداختند، از ایشان بردار. کسانی که از نعمت های تو برای شکستن حدودت کمک گرفتند عَلَى فَلِّ حَدِّكَ وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ وَوَسِعْتَهُ حِلْماً لِتَأْخُذَهُ عَلَى و با دست تو قصد مکر کردن با تو را کردند. تو نیز با وسعت حلمت با آنها برخورد کردی تا اینکه یا آشکارا جَهْرَةٍ أَوْ تَسْتَأْصِلَهُ عَلَى عِزَّةٍ فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ حَتَّى او را بگیری و عذاب کنی، یا اینکه به او مهلت دهی و به تدریج او را نابود کنی. خدایا، تو خود إِذا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَها وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ گفتی و سخن تو نیز حقّ است: «تا جایی که زمین زیبا شد و خود را زینت کرد و اهل دنیا گمان کردند عَلَيْها أَتاها أَمْرُنا لَيْلاً أَوْ نَهاراً فَجَعَلْناها حَصِيداً كَأَنْ لَمْ تَغْنَ که آنها قادر بر نگه داشتن آن هستند. عذاب ما شب یا روز آمد و همه آنها را درو کرد. گویا همان ها نبودند

ص:۱۵۲

بِالْأَمْسِ كَذلِکَ نُفَصِّلُ الآْیاتِ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ وَقُلْتَ فَلَمَّا آسَفُونا که تا دیشب مدّعی بی نیازی از خدا بودند. ما نشانه های خود را به این صورت برای اهل فکر و اندیشه انْتَقَمْنا مِنْهُمْ وَإِنَّ الْغَایَهَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَإِنَّا لِغَضَبِکَ غَاضِبُونَ بیان می کنیم»(۱) همین طور گفتی: «زمانی که ما را به غضب آوردند، از آنها انتقام گرفتیم.»(۲) پایان کار نزد وَإِنَّا عَلَی نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ وَإِلَی وُرُودِ أَمْرِکَ مُشْتَاقُونَ ماست و ما با غضب تو، به غضب می آییم. ما بر یاری حقّ پافشاری می کنیم و به ورود امر تو در جنگ با آنان، وَلِإِنْجَازِ وَعْدِکَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحَوْلِ وَعِیدِکَ بِأَعْدَائِکَ مُتَوَقِّعُونَ. مشتاقیم و منتظر تحقّق وعده تو هستیم و توقّع آن را داریم تا دشمنانت را در احاطه وعیدت قرار دهی.(۳) اَللَّهُمَّ فَأْذَنْ بِذَلِکَ وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ وَوَطِّئْ مَسَالِکَهُ خدایا، آن را اراده کن و راه هایش را بگشا و خروجش را آسان کن و راه هایش را بگشا و هموار وَاشْرَعْ شَرَائِعَهُ وَأَیِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ وَبَادِرْ بَأْسَکَ الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ گردان و او و یارانش را با سربازانت یاری کن و غضبت را به سرعت بر ظالمان نازل کن و شمشیر وَابْسُطْ سَیْفَ نَقِمَتِکَ عَلَی أَعْدَائِکَ الْمُعَانِدِینَ وَخُذْ بِالثَّارِ إِنَّکَ جَوَادٌ مَکَّارٌ انتقامت را بر دشمنان لجوجت بکش و انتقام خون های مظلومان را بگیر. تو اهل جود و مکر هستی.

۱- ۶۹. یونس /۲۴.

۲- ۷۰. زخرف / ۵۵.

۳- ۷۱. وعده زمانی به کار برده می شود که چیز خوبی در انتظار باشد. امّا اگر اتفاق بدی در انتظار باشد، به آن وعید گفته می شود.

دعای پانزدهم

دعای دیگری از امام علیه السلام در قنوت نماز(۱)

اَللَّهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ خدایا، تو مالک عالم هستی و ملک خود را به هر که بخواهی واگذار می کنی و از هر که بخواهی می گیری. وَتُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِکَ الْخَيْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ هرکه را بخواهی عزّت می بخشی و هر که را بخواهی ذلیل می کنی. تمام خیرها به دست توست. تو بر هر يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ يَا بَطَّاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ چیزی توانا هستی. ای باشکوه، ای بخشنده، ای صاحب جلالت و بزرگواری، ای حمله کننده، ای قادر يَا فَعَّالاً لِمَا يُرِيدُ يَا ذَا الْقُوَّهِ الْمَتِينِ يَا رَءُوفُ يَا رَحِيمُ يَا لَطِيفُ يَا حَيُّ بر حمله های شدید، ای انجام دهنده هر کاری که بخواهد، ای صاحب نیروی خلل ناپذیر، ای دلسوز حِينَ لَا حَيَّ. اَللَّهُمَّ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمخْزُونِ الْمَکْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّوم و مهربان، ای بخشنده، ای زنده، زمانی که زنده ای نبود. خدایا، از تو می خواهم با نام های پنهان و زنده الَّذِی اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِی عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَکَ وَلَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِکَ. و قوام بخشت، که تنها تو در علم غیبت بر آنها آگاهی یافتی و کسی غیر از خودت بر آنها واقف نیست. وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَکَ فِی الْأَرْحَامِ کَيْفَ تَشَاءُ وَبِهِ و از تو می خواهم با نامی که مخلوقاتت را در ارحام مادران، آن طور که بخواهی، صورت می بندی

۱- ۷۲. بحارالأنوار / ج ۸۲ / ص ۲۳۳ / باب ۳۳ - فی القنوتات الطویله المرویه؛ مهج الدعوات / ص ۶۸ / و دعا فی قنوته بهذا الدعاء.

تَسُوقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِی أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَیْنِ الْعُرُوقِ وَالْعِظَامِ. و با آن نام روزی هایشان را در طبقات تاریکی ها و از میان رگ ها و استخوان ها می رسانی. وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی أَلَّفْتَ بِهِ بَیْنَ قُلُوبِ أَوْلِیَائِکَ وَأَلَّفْتَ بَیْنَ الثَّلْجِ و از تو می خواهم با اسمی که با آن، دل های دوستانت را به هم پیوند زدی و برف وَالنَّارِ لَا هَذَا یُذِیبُ هَذَا وَلَا هَذَا یُطْفِئُ هَذَا وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی و آتش را مأنوس گرداندی. که هیچ کدام مانع از دیگری نمی شوند. و از تو می خواهم کَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الْمِیَاهِ. وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی أَجْرَیْتَ بِهِ الْمَاءَ فِی با نامی که با آن، طعم آب ها را به وجود آوردی. و از تو می خواهم با نامی که با آن، عُرُوقِ النَّبَاتِ بَیْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَی وَسُقْتَ الْمَاءَ إِلَی عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَیْنَ آب را در رگ های ریشه درختان در زیر زمین به حرکت در آوردی و آب را به ریشه های درختانی الصَّخْرَهِ الصَّمَّاءِ. وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی کَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الثِّمَارِ وَأَلْوَانَهَا. که میان صخره های سخت هستند، سوق دادی. و از تو می خواهم با نامی که با آن، طعم و رنگ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی بِهِ تُبْدِئُ وَتُعِیدُ. وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ میوه ها را پدید آوردی. و از تو می خواهم با نامی که با آن، خلق می کنی و بعد از مرگ، باز می گردانی. الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِیَّهِ الْمُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِیَّهِ. وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ و از تو می خواهم با نامی که فرد و واحد و متفرد به یگانگی است. و از تو می خواهم با نامی که با

الَّذِی فَجَّرْتَ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَهِ الصَّمَّاءِ وَسُقْتَهُ مِنْ حَیْثُ شِئْتَ. آن، آب را از میان صخره های سخت منفجر کردی و آن را از هر جا که خواستی تأمین کردی. وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَکَ وَرَزَقْتَهُمْ کَیْفَ شِئْتَ وَکَیْفَ و از تو می خواهم با آن نامی که با آن، موجودات را آفریدی و هر طور که خواستی و خواستند، روزیشان را داد، شَاءُوا یَا مَنْ لَا تُغَیِّرُهُ الْأَیَّامُ وَاللَّیَالِی أَدْعُوکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ نُوحٌ حِینَ ای کسی که روزگار در او تغییری ایجاد نمی کند. تو را با آن نامی می خوانم که نوح خواند. آنگاه که ندا کرد نَادَاکَ فَأَنْجَیْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ وَأَهْلَکْتَ قَوْمَهُ وَأَدْعُوکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ إِبْرَاهِیمُ و تو نیز او را به همراه دوستانش نجات دادی و قومش را هلاک کردی. تو را با نامی می خوانم که ابراهیم خلیل خَلِیلُکَ حِینَ نَادَاکَ فَأَنْجَیْتَهُ وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَیْهِ بَرْداً وَسَلَاماً وَأَدْعُوکَ تو را با آن خواند و تو نیز او را نجات دادی و آتش را سرد و خنک کردی. تو را با نامی می خوانم که موسای بِمَا دَعَاکَ بِهِ مُوسَی کَلِیمُکَ حِینَ نَادَاکَ فَفَرَّقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَیْتَهُ وَبَنِی کلیم تو را با آن خواند. تو نیز دریا را از هم باز کردی و او را به همراه بنی اسرائیل نجات دادی و فرعون و قومش إِسْرَائِیلَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِی الْیَمِّ وَأَدْعُوکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ عِیسَی را غرق نمودی. تو را با نامی می خوانم که عیسی روحت تو را با آن خواند و تو او را از دست دشمنانش رُوحُکَ حِینَ نَادَاکَ فَنَجَّیْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَیْکَ رَفَعْتَهُ وَأَدْعُوکَ بِمَا دَعَاکَ نجات دادی و به سوی خود بالا بردی. تو را با آن نامی می خوانم که دوست و برگزیده و پیامبرت

ص:۱۵۶

بِهِ حَبِيبُکَ وَصَفِيُّکَ وَنَبِيُّکَ مُحَمَّدٌ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ محمّدصلی الله علیه وآله، تو را با آن خواند. تو نیز دعایش را مستجاب کردی و از چنگ قبایل مختلف نجات دادی و بر وَعَلَى أَعْدَائِکَ نَصَرْتَهُ. وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ دشمنانت غلبه دادی. و از تو می خواهم با آن نامی که اگر با آن نام خوانده شوی، اجابت می کنی. ای کسی يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ يَا مَنْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً وَأَحْصى کُلَّ که خلق و اراده امور به دست اوست. ای کسی که علمش بر هر چیزی احاطه پیدا کرده است و تعداد شَیْ ءٍ عَدَداً يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِی وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ همه چیز را شمارش کرده است. ای کسی که تغییر شب و روز تغییری در او ایجاد نمی کند و صداها بر او الْأَصْوَاتُ وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ وَلَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ. مشتبه نمی شود و زبان های مختلف برایش مجهول نمی ماند و اصرار اصرار کنندگان او را خسته نمی کند. أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خِيَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ فَصَلِّ می خواهم که بر محمّد و آل او درود فرستی؛ آنان که بهترین خلق تو هستند. بنابراین عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ بهترین صلوات هایت را برایشان فرست و بر تمام پیامبران و مرسلین که به هدایت رسیدند بَلَّغُوا عَنْکَ الْهُدَى وَعَقَدُوا لَکَ الْمَوَاثِيقَ بِالطَّاعَهِ وَصَلِّ عَلَى عِبَادِکَ و عهد و پیمان هایی برای اطاعتت بستند و بر بندگان صالحت درود فرست. ای کسی که

الصَّالِحِینَ یَا مَنْ لا یُخْلِفُ الْمِیعَادَ أَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی وَاجْمَعْ لِی در وعده هایت تخلّف نمی کنی وعدّه ای را که به من داده ای محقق کن، اصحابم را أَصْحَابِی وَصَبِّرْهُمْ وَانْصُرْنِی عَلَی أَعْدَائِکَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِکَ وَلَا تُخَیِّبْ جمع کن و صبرشان را بیشتر نما و مرا بر دشمنانم و دشمنان پیامبرت یاری کن و دعایم دَعْوَتِی فَإِنِّی عَبْدُکَ ابْنُ عَبْدِکَ ابْنُ أَمَتِکَ أَسِیرٌ بَیْنَ یَدَیْکَ سَیِّدِی أَنْتَ را برنگردان؛ زیرا من بنده و فرزند بنده و کنیز تو، در برابر اراده ات اسیر هستم. الَّذِی مَنَنْتَ عَلَیَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَیَّ دُونَ کَثِیرٍ مِنْ خَلْقِکَ. سرورم تو بودی که مرا به این مقام مخصوص کردی و بر اکثر مخلوقاتت فضیلت دادی. أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِی مَا وَعَدْتَنِی از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و وعده ام را محقق گردانی؛ إِنَّکَ أَنْتَ الصَّادِقُ وَلَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ وَأَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ. زیرا تو در گفتارت صادق و در وعده ات استواری و تو بر هر چیزی توانایی داری.

ص:۱۵۸

امام زمان و زیارت شهدای کربلا

دعای شانزدهم

قسمت اول

زیارت ناحیه مقدسه یا زیارت امام زمان علیه السلام از امام حسین علیه السلام(۱)

هرگاه خواستی که در روز عاشورا آن حضرت را زیارت کنی، کنار قبر شریفشان بایست و بگو:

اَلسَّلَامُ عَلَی آدَمَ صِفْوَهِ اللَّهِ مِنْ خَلِیقَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَی شَیْثٍ وَلِیِّ اللَّهِ سلام بر آدم، برگزیده خدا از میان مخلوقاتش. سلام بر شیث، ولیّ و متخب خدا. خِیَرَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَی إِدْرِیسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَی نُوحٍ سلام بر ادریس که برای خدا اقامه دلیل کرده است. سلام بر نوحی که مستجاب الدعوت الْمُجَابِ فِی دَعْوَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَی هُودٍ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ است. سلام بر هودی که از سوی خدا یاری شد. سلام بر صالح که از لطف خدا، اَلسَّلَامُ عَلَی صَالِحٍ الَّذِی تَوَجَّهَ لِلَّهِ بِکَرَامَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَی إِبْرَاهِیمَ الَّذِی متوجّه او شد. سلام بر ابراهیمی که خداوند لباس دوستی خود را به تنش کرد. حَبَاهُ اللَّهُ بِخَلَّتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَی إِسْمَاعِیلَ الَّذِی فَدَاهُ اللَّهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ مِنْ سلام بر اسماعیل که خداوند او را با قربانی بهشتی، از قربانی شدن، نجات داد. جَنَّتِهِ السَّلَامُ عَلَی إِسْحَاقَ الَّذِی جَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّهَ فِی ذُرِّیَّتِهِ السَّلَامُ سلام بر اسحاق که خداوند نبوّت را در نسل او قرار داد. سلام بر یعقوبی که خداوند

۱- ۷۳. بحارالأنوار / ج ۹۸ / ص ۳۱۷ / باب ۲۴ - کیفیه زیارته صلوات اللَّه علیه.

عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِى رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ از سر رحمت، بینایی چشمانش را به او برگرداند. سلام بر یوسفی که خداوند الَّذِى نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ اَلسَّلَام عَلَى مُوسَى الَّذِى فَلَقَ اللَّهُ با عظمت خود او را از چاه بیرون آورد. سلام بر موسی که خدا با قدرتش دریا را الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ اَلسَّلَام عَلَى هَارُونَ الَّذِى خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ اَلسَّلَام برایش شکافت. سلام بر هارون که او را به نبوّتش مخصوص کرد. سلام بر شعیب عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِى نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ اَلسَّلَام عَلَى دَاوُدَ الَّذِى که خدا او را در برابر قومش یاری کرد. سلام بر داود که خداوند خطایش را تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ اَلسَّلَام عَلَى سُلَيمانَ الَّذِى ذَلَّتْ لَهُ بخشید. سلام بر سلیمان که با عزّت خدا، اجنّه در برابرش خوار شدند. سلام بر الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ اَلسَّلَام عَلَى أَيُّوبَ الَّذِى شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ اَلسَّلَام ایوبی که خداوند او را شفا داد. سلام بر یونس که خدا وعده تضمینی خود عَلَى يُونُسَ الَّذِى أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَتِهِ اَلسَّلَام عَلَى عُزَيْرٍ را در مورد او عملی کرد. سلام بر عُزَیر که خدا او را بعد از مرگش زنده کرد. الَّذِى أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَيْتَتِهِ اَلسَّلَام عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِى مِحْنَتِهِ سلام بر زکریایی که در سختی ها صبور بود. سلام بر یحیی که خدا او را با

اَلسَّلَام عَلَی یَحْیَی الَّذِی أَزْلَفَهُ اللَّهُ بِشَـهَادَتِهِ اَلسَّلَام عَلَی عِیسَـی شهادتش زینت داد. سلام بر عیسی روح خدا و مخلوق او سلام بر محمّد، رُوحِ اللَّهِ وَکَلِمَتِهِ اَلسَّلَام عَلَی مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللَّهِ وَصَـفْوَتِهِ اَلسَّلَام عَلَی دوست خدا و منتخب او سـلام بر امیر المؤمنین، علی بن ابیطالب که برای أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبِ الْمخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ اَلسَّلَام عَلَی برادری پیامبر انتخاب شـد. سـلام بر فاطمه زهرا دخترش سـلام بر ابی محمّـد حسن فَـاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ اَلسَّلَام عَلَی أَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِـیِّ أَبِیهِ وصـی و جانشـین پـدرش سلام بر حسـین که سـخاوتمندانه خونش را وَخَلِیفَتِهِ اَلسَّلَام عَلَی الْحُسَـیْنِ الَّذِی سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ اَلسَّلَام تقدیم کرد. سلام بر کسی که در پنهان و پیدا، از خدا اطاعت کرد. عَلَی مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِی سِرِّهِ وَعَلَانِیَتِهِ اَلسَّلَام عَلَی مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ سلام بر کسی که شـفا در تربتش قرار داده شد. سـلام بر کسـی که اجابت فِی تُرْبَتِهِ اَلسَّلَام عَلَی مَنِ الْإِجَابَهُ تَحْتَ قُبَّتِهِ اَلسَّلَام عَلَی مَنِ الْأَئِمَّهُ دعا در زیر قبه او قرار داده شـد. سـلام بر امامـانی که از نسـل او هسـتند. مِنْ ذُرِّیَّتِهِ اَلسَّلَام عَلَی ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِیَاءِ اَلسَّلَام عَلَی ابْنِ سَـیِّدِ سلام بر فرزند خاتم الانبیاء، سلام بر فرزند سرور اوصیاء الهی(۱)

ص:۱۶۱

۱- ۷۴. مقصود از سرور اوصیای الهی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

الْأَوْصِیاءِ اَلسَّلَام عَلَی ابْنِ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ اَلسَّلَام عَلَی ابْنِ خَدِیجَهَ سلام بر فرزند فاطمه زهراء، سلام بر فرزند خدیجه کبری. الْکُبْرَی اَلسَّلَام عَلَی ابْنِ سِدْرَهِ الْمُنْتَهَی اَلسَّلَام عَلَی ابْنِ جَنَّهِ الْمَأْوَی سلام بر فرزند سدرهالمنتهی.(۱) سلام بر فرزند جنّت المأوی، اَلسَّلَام عَلَی ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفَا اَلسَّلَام عَلَی الْمُرَمَّلِ بِالدِّمَاءِ اَلسَّلَام سلام بر فرزند زمزم و صفا، سلام بر آغشته به خون، سلام بر کسی عَلَی الْمَهْتُوکِ الْخِبَاءِ اَلسَّلَام عَلَی خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْکِسَاءِ که خیمه هایش هتک حرمت شدند. سلام بر پنجمین از اهل کساء.(۲) اَلسَّلَام عَلَی غَرِیبِ الْغُرَبَاءِ اَلسَّلَام عَلَی شَهِیدِ الشُّهَدَاءِ اَلسَّلَام عَلَی سلام بر غریب ترین، سلام بر مظلوم ترین شهید، سلام بر کشته شده توسط قَتِیلِ الْأَدْعِیَاءِ اَلسَّلَام عَلَی سَاکِنِ کَرْبَلَاءَ اَلسَّلَام عَلَی مَنْ بَکَتْهُ دعوت کنندکان، سلام بر ساکن کربلا، سلام بر کسی که ملائکه آسمان برایش

۱- ۷۵. سدره المنتهی نام محلی است که در آسمان چهارم قرار دارد. آنجا همان محلی است که جبرئیل از همراهی پیامبر در شب معراج عاجز ماند و نتوانست داخل آن شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام دلیل این نام گذاری چنین بیان شده است که نامه های اعمال بندگان در منطقه ای پایین تر از آن توسط ملائکه الهی ثبت و ضبط می شود. از این رو به آن سدرهالمنتهی گفته می شود؛ زیرا اعمال انسان به آن منتهی می گردد.

۲- ۷۶. پنج تن آل کساء یا آل عبا رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت صدیقه کبری و حسنین می باشند.

مَلَائِکَهُ السَّمَاءِ اَلسَّلَام عَلَی مَنْ ذُرِّیَّتُهُ الْأَزْکِیَاءُ اَلسَّلَام عَلَی یَعْسُوبِ گریستند، سلام بر کسی که نسل او انسان های طاهر هستند، سلام بر پناه دین، الدِّینِ اَلسَّلَام عَلَی مَنَازِلِ الْبَرَاهِینِ اَلسَّلَام عَلَی الْأَئِمَّهِ السَّادَاتِ سلام بر محل نزول برهان و دلیل، سلام بر ائمه بزرگوار، اَلسَّلَام عَلَی الْجُیُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ اَلسَّلَام عَلَی الشِّفَاهِ الذَّابِلَاتِ سلام بر گریبان های چاک خورده و غرق در خون، سلام بر لب های خشک، اَلسَّلَام عَلَی النُّفُوسِ الْمُصْطَلَمَاتِ اَلسَّلَام عَلَی الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ سلام بر اشخاص تکه تکه شده، سلام بر ارواح ربوده شده، اَلسَّلَام عَلَی الْأَجْسَادِ الْعَارِیَاتِ اَلسَّلَام عَلَی الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ سلام بر اجساد عریان، سلام بر اجسام متغیر و رنگ پریده، اَلسَّلَام عَلَی الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ اَلسَّلَام عَلَی الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ سلام بر خون های جاری، سلام بر اعضای قطعه قطعه شده، اَلسَّلَام عَلَی الرُّءُوسِ الْمُشَالَاتِ اَلسَّلَام عَلَی النِّسْوَهِ الْبَارِزَاتِ سلام بر سرهای بریده شده، سلام بر زن های بدون حرم و پوشش، اَلسَّلَام عَلَی حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَلسَّلَام عَلَیْکَ وَعَلَی آبَائِکَ سلام بر حجّت پروردگار عالمیان، سلام بر تو و بر پدران پاکت،

ص:۱۶۳

الطَّاهِرِينَ اَلسَّلَام عَلَيْکَ وَعَلَی أَبْنَائِکَ الْمُسْتَشْهَدِینَ اَلسَّلَام عَلَيْکَ سلام بر تو و بر پسران شهیدت، سلام بر تو بر نسل یاریگرت، وَعَلَی ذُرِّيَّتِکَ النَّاصِرِینَ اَلسَّلَام عَلَيْکَ وَعَلَی الْمَلَائِکَهِ الْمُضَاجِعِینَ سلام بر تو و ملائکه ای که در حرم تو مستقر شده اند. اَلسَّلَام عَلَی الْقَتِيلِ الْمَظْلُوم اَلسَّلَام عَلَی أَخِيهِ الْمَسْمُوم اَلسَّلَام سلام بر تو ای کشته مظلوم، سلام بر کسی که برادرش مسموم شد، عَلَی عَلِيٍّ الْکَبِیرِ اَلسَّلَام عَلَی الرَّضِیعِ الصَّغِیرِ اَلسَّلَام عَلَی الْأَبْدَانِ سلام بر تو ای بزرگ من، سلام بر طفل شیرخوار، سلام بر بدن های ربوده شده، السَّلِیبَهِ اَلسَّلَام عَلَی الْعِتْرَهِ الْقَرِیبَهِ اَلسَّلَام عَلَی الْمُجَدَّلِین فِی سلام بر خاندان نزدیک، سلام بر به خاک افتادگان در صحرا، الْفَلَوَاتِ اَلسَّلَام عَلَی النَّازِحِینَ عَنِ الْأَوْطَانِ اَلسَّلَام عَلَی الْمَدْفُونِینَ سلام بر آواره شدگان از وطن ها، سلام بر دفن شدگان بدون کفن، بِلَا أَکْفَانِ اَلسَّلَام عَلَی الرُّءُوسِ الْمُفَرَّقَهِ عَنِ الْأَبْدَانِ اَلسَّلَام عَلَی سلام بر سرهای جدا از تن، سلام بر امیدوار به رحمت و صابر در بلا، الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ اَلسَّلَام عَلَی الْمَظْلُوم بِلَا نَاصِرٍ اَلسَّلَام عَلَی سَاکِنِ سلام بر مظلوم بدون یاور، سلام بر ساکن در خاک پاک،

ص:۱۶۴

التُّرْبَهِ الزَّاكِیهِ اَلسَّلَام عَلَی صَاحِبِ الْقُبَّهِ السَّامِیهِ اَلسَّلَام عَلَی مَنْ سلام بر کسی که صاحب گنبد نامدار است، سلام بر کسی که خدا او را طهارت داد، طَهَّرَهُ الْجَلِیلُ اَلسَّلَام عَلَی مَنِ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَئِیلُ اَلسَّلَام عَلَی مَنْ سلام بر کسی که جبرئیل به او افتخار کرد، سلام بر کسی که میکائیل نَاغَاهُ فِی الْمَهْدِ مِیکَائِیلُ اَلسَّلَام عَلَی مَنْ نُکِثَتْ ذِمَّتُهُ اَلسَّلَام عَلَی در گهواره برایش لالایی خواند، سلام بر کسی که پیمانش شکسته شد، مَنْ هُتِکَتْ حُرْمَتُهُ اَلسَّلَام عَلَی مَنْ أُرِیقَ بِالظُّلْم دَمُهُ اَلسَّلَام عَلَی سلام بر کسی که حرمتش شکسته شد، سلام بر کسی که مظلومانه خونش ریخته شد، الْمُغَسَّلِ بِدَم الْجِرَاحِ اَلسَّلَام عَلَی الْمُجَرَّعِ بِکَاسَاتِ الرِّمَاحِ اَلسَّلَام سلام بر کسی که با خون جراحاتش غسل داده شد، سلام بر کسی که با کاسه های عَلَی الْمُضَام الْمُسْتَبَاحِ اَلسَّلَام عَلَی الْمَنْحُورِ فِی الْوَرَی اَلسَّلَام جراحاتش آبیاری شد، سلام بر کسی که خونش مباح شد، سلام بر کسی که از عَلَی مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَی اَلسَّلَام عَلَی الْمَقْطُوعِ الْوَتِینِ اَلسَّلَام عَلَی پشت سر بریده شد، سلام بر کسی که او را اهل روستا دفن کردند، سلام بر کسی الْمُحَامِی بِلَا مُعِینٍ اَلسَّلَام عَلَی الشَّیْبِ الْخَضِیبِ اَلسَّلَام عَلَی الْخَدِّ که رگ قلبش بریده شد، سلام بر حامی بدون یاور دین، سلام بر محاسن آغشته به خون،

ص:۱۶۵

التَّرِيبِ اَلسَّلَام عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ اَلسَّلَام عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ سلام بر گونه های خاک آلود، سلام بر بدن بریده بریده، سلام بر زیر دندان های کوبیده بِالْقَضِيبِ اَلسَّلَام عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ اَلسَّلَام عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَهِ شده با چوب، سلام بر سر بلند شده بر فراز نیزه ها، سلام بر اجسام عریان در صحراها فِي الْفَلَوَاتِ تَنْهَشُهَا الذِّئَابُ الْعَادِيَاتُ وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السِّبَاعُ که گرگ های درنده(۱) آن را به دندان گرفتند و درندگان خونخوار در میان آنها رفت الضَّارِيَاتُ اَلسَّلَام عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَى الْمَلَائِكَهِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ و آمد کردند، سلام بر تو ای مولا و سرور من و بر ملائکه، که بال ها را گشوده و در قُبَّتِكَ الْحَافِّينَ بِتُرْبَتِكَ الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ اطراف گنبدت حرکت می کنند و حریم تو را طواف می نمایند و برای زیارتت وارد می شوند. اَلسَّلَام عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ سلام بر تو، من به پیشگاه تو آمدم و امیدوارم که در نزد تو به موفقیّت برسم. اَلسَّلَام عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ الْمخْلِصِ فِي وَلَايَتِكَ الْمُتَقَرِّبِ سلام بر تو، سلام کسی که حرمت تو را می شناسد و در ولایتت خالص شده است و با محبّت تو به خدا

ص:۱۶۶

۱- ۷۷. مقصود از آن لشکریان دشمن است، نه گرگ های واقعی؛ زیرا اجسام انبیاء و اولیا بر آنان حرام است.

إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ الْبَرِی ءِ مِنْ أَعْدَائِکَ سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِکَ مَقْرُوحٌ تقرّب می جوید و از دشمنانت بیزار است. سلام کسی که قلبش در مصیبت تو مجروح و اشکش به هنگام وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِکْرِکَ مَسْفُوحٌ سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِینِ الْوَالِهِ الْمُسْتَکِینِ یاد تو جاری است. سلام داغداری که محزون و دلداده و برجای مانده است. سلام کسی که اگر در سَلَامَ مَنْ لَوْ کَانَ مَعَکَ بِالطُّفُوفِ لَوَقَاکَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّیُوفِ وَبَذَلَ میدان جنگ با تو بود، تو را با سپر کردن خود در برابر شمشیرها محافظت می کرد و جانش را برای حُشَاشَتَهُ دُونَکَ لِلْحُتُوفِ وَجَاهَدَ بَیْنَ یَدَیْکَ وَنَصَرَکَ عَلَی مَنْ بَغَی تو فدا می کرد و در مقابلت مجاهدت می نمود و در برابر متجاوزان، تو را یاری می کرد و جان عَلَیْکَ وَفَدَاکَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَرُوحُهُ لِرُوحِکَ فِدَاءٌ و جسم و مال و فرزند را فدای تو می کرد. آری روحش را فدای روحت، خانواده اش را فدای خانواده ات وَأَهْلُهُ لِأَهْلِکَ وِقَاءٌ فَلَئِنْ أَخَّرَتْنِی الدُّهُورُ وَعَاقَنِی عَنْ نَصْرِکَ الْمَقْدُورُ می نمود. اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مرا از یاری در حدّ مقدور، محروم کرد. در نتیجه نتوانستم وَلَمْ أَکُنْ لِمَنْ حَارَبَکَ مُحَارِباً وَلِمَنْ نَصَبَ لَکَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِباً با دشمنانت، دشمنی و با کسانی که پایه گذاران خصومت با تو بودند، خصومت نمایم، در مقابل صبح فَلَأَنْدُبَنَّکَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَلَأَبْکِیَنَّ لَکَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَماً حَسْرَةً عَلَیْکَ و شام برایت ندبه و مرثیه می خوانم و به جای اشک، خون حسرت می گریم. حسرت و تاسف بر

وَتَأَسُّفـاً عَلَی مَا دَهَاکَ وَتَلَهُّفاً حَتَّی أَمُوتَ بِلَوْعَهِ الْمُصَابِ وَغُصَّهِ الِاکْتِیَابِ فاجعه ای که برایت رخ داد و غم و غصه تا زمانی که از شدّت مصیبت تو بسوزم و بمیرم. أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاهَ وَآتَیْتَ الزَّکَاهَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ شهادت می دهم که: تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کردی و امر به معروف عَنِ الْمُنْکَرِ وَالْعُدْوَانِ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَیْتَهُ وَتَمَسَّکْتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ و نهی از منکر نمودی و مطیع خدا بودی و معصـیتش را نکردی و به او و دسـتاویزش فَأَرْضَـیْتَهُ وَخَشِـیتَهُ وَرَاقَبْتَهُ وَاسْـتَجَبْتَهُ وَسَنَنْتَ السُّنَنَ وَأَطْفَأْتَ الْفِتَنَ چسبیـدی. در نـتیجه او را از خود راضـی کردی و ترسـیدی و مراقب اطـاعتش بودی وَدَعَوْتَ إِلَی الرَّشَـادِ وَأَوْضَـحْتَ سُـبُلَ السَّدَادِ وَجَاهَـدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ و اوامرش را اجـابت کردی و سـنّت هایش را سـنّت کردی و فتنه ها را خاموش نمودی الْجِهَـادِ وَکُنْتَ لِلَّهِ طَائِعاً وَلِجَـدِّکَ مُحَمَّدٍصَـلَّی اللَّه عَلَیْهِ وَآلِهِ تَابِعاً و به سوی رشـد و بالنـدگی هـدایت کرده و راه های پایـداری را روشن و در مسـیر او وَلِقَوْلِ أَبِیکَ سَامِعاً وَإِلَی وَصِـیَّهِ أَخِیکَ مُسَارِعاً وَلِعِمَادِ الـدِّینِ رَافِعاً جهاد نمودی. مطیع خدا و پیرو جـدّت و تـابع پـدرت و عمل کننـده به وصیت برادرت وَلِلطُّغْیَانِ قَامِعاً وَلِلطُّغَاهِ مُقَارِعاً وَلِلْأُمَّهِ نَاصِـحاً وَفِی غَمَرَاتِ الْمَوْتِ و بلند کننده ستون های دین و قلع و قمع کننده طغیان کنندگان و درهم کوبنده

سَابِحاً وَلِلْفُسَّاقِ مُكَافِحاً وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِماً وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ سرکشان و خیرخواه امت و شناور در تنگنای مرگ و مجازات کننده فاسقان رَاحِماً وَلِلْحَقِّ نَاصِراً وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِراً وَلِلدِّينِ كَالِئاً وَعَنْ حَوْزَتِهِ و قیام کننده با ادلّه الهی و دلسوز برای اسلام و مسلمانان و یاریگر حقّ و صبور در بلا مُرَامِياً تَحُوطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ وَتَنْصُرُ الدِّينَ و یاور دین و محافظت کننده از محدوده آن و یاریگر هدایت و گسترش دهنده وَتُظْهِرُهُ وَتَكُفُّ الْعَابِثَ وَتَزْجُرُهُ وَتَأْخُذُ لِلدَّنِيِّ مِنَ الشَّرِيفِ وَتُسَاوِی عدالت و پشتیبان دین و نهی کننده از بیهودگی ها و جلوگیر از پستی ها در فِی الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِیِّ وَالضَّعِيفِ كُنْتَ رَبِيعَ الْأَيْتَامِ وَعِصْمَةَ الْأَنَامِ تعرّض به شریف ها و عادل در حکم میان قوی و ضعیف. تو پناه یتیم ها و نگهدار وَعِزَّ الْإِسْلَامِ و مَعْدِنَ الْأَحْكَامِ وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ سَالِكاً طَرَائِقَ جَدِّكَ انسان ها و عزّت اسلام و معدن احکام و مهمان نواز، ادامه دهنده راه جدّ و پدرت، وَأَبِيكَ مُشْبِهاً فِی الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ وَفِیَّ الذِّمَمِ رَضِیَّ الشِّيَمِ ظَاهِرَ عمل کننده به وصیت برادر، خوش عهد، خوش رفتار، بزرگوار، شب زنده دار، الْكَرَمِ مُتَهَجِّداً فِی الظُّلَمِ قَوِيمَ الطَّرَائِقِ كَرِيمَ الْخَلَائِقِ عَظِيمَ السَّوَابِقِ سالک راه های مطمئن، بخشنده به بندگان خدا، سابقه دار بزرگ، با نسب شریف،

شَرِیفَ النَّسَبِ مُنِیفَ الْحَسَبِ رَفِیعَ الرُّتَبِ کَثِیرَ الْمَنَاقِبِ مَحْمُودَ بلند مرتبه، صاحب فضائل فراوان، نیک سرشت، بسیار بخشنده، بردبار، جوانمرد، الضَّرَائِبِ جَزِیلَ الْمَوَاهِبِ حَلِیمٌ رَشِیدٌ مُنِیبٌ جَوَادٌ عَلِیمٌ شَدِیدٌ إِمَامٌ نیک رفتار، بخشنده دانای مستحکم، امام شهید متضرّع، انابه کننده و دوست شَهِیدٌ أَوَّاهٌ مُنِیبٌ حَبِیبٌ مَهِیبٌ کُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّی اللَّه عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلَداً با هیبت. تو برای رسول خدا، فرزند و برای قرآن، تابع و برای امت، بازو بودی. وَلِلْقُرْآنِ مُنْقِداً وَلِلْأُمَّهِ

قسمت دوم

عَضُداً وَفِی الطَّاعَهِ مُجْتَهِداً حَافِظاً لِلْعَهْدِ در اطاعت خدا تلاشگری مراقب و در وعده و پیمان عمل کننده. تو اهل رکوع وَالْمِیثَاقِ نَاکِباً عَنِ سُبُلِ الْفُسَّاقِ وَبَاذِلاً لِلْمَجْهُودِ طَوِیلَ الرُّکُوعِ و سجده های طولانی بودی، در دنیا مانند کسی که به زودی عبور می کند، وَالسُّجُودِ زَاهِداً فِی الدُّنْیَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاظِراً إِلَیْهَا بِعَیْنِ زهد می ورزیدی، از آن وحشت داشتی، برای آن آرزویی نداشتی و برای تزئین الْمُسْتَوْحِشِینَ مِنْهَا آمَالُکَ عَنْهَا مَکْفُوفَهٌ وَهِمَّتُکَ عَنْ زِینَتِهَا مَصْرُوفَهٌ آن تلاش نمی کردی و چشمانت از خوشی های آن بسته شده و علاقه ات برای وَإِلْحَاظُکَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَهٌ وَرَغْبَتُکَ فِی الْآخِرَهِ مَعْرُوفَهٌ حَتَّی إِذَا آخرت معروف است. حتی زمانی که ظلم دستش را گشود و نیزه اش را برهنه کرد

ص:۱۷۰

الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ وَدَعَا الْغَيُّ أَتْبَاعَهُ وَأَنْتَ فِي حَرَمِ و یارانش را جمع کرد، تو در حرم جدّت نشسته بودی و از آنها فاصله گرفته جَدِّکَ قَاطِنٌ وَلِلظَّالِمِینَ مُبَایِنٌ جَلِیسُ الْبَیْتِ وَالْمِحْرَابِ مُعْتَزِلٌ عَنِ بودی. در محراب از لذت ها و شهوات دنیا کناره گرفته بودی. منکر را با قلب اللَّذَّاتِ وَالشَّهَوَاتِ تُنْکِرُ الْمُنْکَرَ بِقَلْبِکَ وَلِسَانِکَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِکَ و زبانت، در حد توانت، نهی می کردی. بعد از آن علم، باعث انکار شد و واجب شد وَإِمْکَانِکَ ثُمَّ اقْتَضَاکَ الْعِلْمُ لِلْإِنْکَارِ وَلَزِمَکَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ فَسِرْتَ که با ظالمان جهاد کنی. در نزد خانواده و شیعیان و دوستانت رفتی و ظالمان را فِي أَوْلَادِکَ وَأَهَالِیکَ وَشِیعَتِکَ وَمَوَالِیکَ وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَیِّنَهِ با حکمت و موعظه نیکو، به سوی خدا دعوت کردی و از آنها خواستی تا وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَأَمَرْتَ بِإِقَامَهِ الْحُدُودِ احکامت را عملی کنند و از معبودشان تبعیت نمایند و از بدی ها وَالطَّاعَهِ لِلْمَعْبُودِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْیَانِ وَوَاجَهُوکَ بِالظُّلْمِ و طغیانگری نهی کردی. آنها در مقابل با ظلم و دشمنی با تو روبرو شدند. وَالْعُدْوَانِ فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِیعَازِ لَهُمْ وَتَأْکِیدِ الْحُجَّهِ عَلَیْهِمْ. در نهایت نیز بعد از موعظه و اتمام حجّت با آنها جنگیدی.

فَنَکَثُوا ذِمَامَکَ وَبَیْعَتَکَ وَأَسْخَطُوا رَبَّکَ وَجَدَّکَ وَبَدَءُوکَ بِالْحَرْبِ آنان پیمان و بیعت خود را شکسته و خدا و جدّت را به غضب آورده فَثَبَتَّ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ وَطَحَنْتَ جُنُودَ الْفُجَّارِ وَاقْتَحَمْتَ قَسْطَلَ الْغُبَارِ و جنگ را شروع کردند. تو نیز ضربات خود را آغاز کردی و سربازان دشمن را مُجَالِداً بِذِی الْفَقَارِ کَأَنَّکَ عَلِیٌّ الْمخْتَارُ فَلَمَّا رَأَوْکَ ثَابِتَ الْجَأْشِ غَیْرَ در هم کوبیدی و با ذوالفقار در گرد و غبار فرو رفتی گویا تو علیّ برگزیده هستی! خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ نَصَبُوا لَکَ غَوَائِلَ مَکْرِهِمْ وَقَاتَلُوکَ بِکَیْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ زمانی که ثبات قدم و بی باکی تو را دیدند، از در مکر و خدعه وارد شدند وَأَمَرَ اللَّعِینُ جُنُودَهُ فَمَنَعُوکَ الْمَاءَ وَوُرُودَهُ وَنَاجَزُوکَ الْقِتَالَ وَعَاجَلُوکَ و با مکر جنگیدند. آن ملعون دستور داد تا راه فرات را ببندند و برای زمین گیر کردن النِّزَالَ وَرَشَقُوکَ بِالسِّهَامِ وَالنِّبَالِ وَبَسَطُوا إِلَیْکَ أَکُفَّ الِاصْطِلَامِ تو از هیچ اقدامی کوتاهی نکردند و تیرها را به سویت روانه ساخته و دست تعرّض وَلَمْ یَرْعَوْا لَکَ ذِمَاماً وَلَا رَاقَبُوا فِیکَ أَثَاماً فِی قَتْلِهِمْ أَوْلِیَاءَکَ وَنَهْبِهِمْ به حریمت گشودند و هیچ حرمت و حریمی را محترم ندانستند چه در کشتن نزدیکان رِحَالَکَ وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِی الْهَبَوَاتِ وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذِیَّاتِ قَدْ عَجِبَتْ مِنْ و به غارت بردن دار و ندارت. آری تو در گرد و غبار فرو رفتی و اذیّت ها را

صَبْرِکَ مَلَائِکَهُ السَّمَاوَاتِ فَأَحْدَقُوا بِکَ مِنْ کُلِّ الْجِهَاتِ وَأَثْخَنُوکَ تحمّل نمودی تا جایی که ملائکه آسمان ها از صبر تو به شگفت آمدند. تا این که بِالْجِرَاحِ وَحَالُوا بَیْنَکَ وَبَیْنَ الرَّوَاحِ وَلَمْ یَبْقَ لَکَ نَاصِرٌ وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ آنها از هر سو متوجّه تو شدند و جراحت های زیادی وارد کردند و تمام راه های رهایی را صَابِرٌ تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِکَ وَأَوْلَادِکَ حَتَّی نَکَسُوکَ عَنْ جَوَادِکَ فَهَوَیْتَ بر تو بستند و یاوری برایت نگذاشتند. تو بر همه اینها صبر کردی. تو آنها را از خانواده إِلَی الْأَرْضِ جَرِیحاً تَطَئُوکَ الْخُیُولُ بِحَوَافِرِهَا أَوْ تَعْلُوکَ الطُّغَاهُ خود می راندی تا این که تو را با تن زخمی از اسبت به زمین انداختند و اسب ها با سم هایشان بِبَوَاتِرِهَا قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِینُکَ وَاخْتَلَفَتْ بِالْانْقِبَاضِ وَالْانْبِسَاطِ تو را زیر پای خود کوبیدند و فاسقان بی مقدار بر بالای سرت ایستادند. پیشانیت برای شِمَالُکَ وَیَمِینُکَ تُدِیرُ طَرْفاً خَفِیّاً إِلَی رَحْلِکَ وَبَیْتِکَ وَقَدْ شُغِلْتَ مرگ عرق کرده بود و راست و چپ تنت از شدّت درد منقبض و منبسط می شد. به آرامی چشمانت بِنَفْسِکَ عَنْ وُلْدِکَ وَأَهَالِیکَ وَأَسْرَعَ فَرَسُکَ شَارِداً إِلَی خِیَامِکَ قَاصِداً را به سمت خیمه گاه و خاندانت چرخاندی؛ زیرا نگرانشان بودی. اسبت با سرعت به مُحَمْحِماً بَاکِیاً فَلَمَّا رَأَیْنَ النِّسَاءُ جَوَادَکَ مَخْزِیاً وَنَظَرْنَ سَرْجَکَ عَلَیْهِ سوی خیمه گاه برگشت. شیهه می کشید و گریه می کرد! زمانی که زنان حرم اسبت

مَلْوِيّاً بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لَاطِمَاتٍ را پریشان و زین آن را خالی از تو دیدند، از خیمه ها بیرون ریختند. موهایشان را لِلْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتٍ وَإِلَى مَصْرَعِكَ پریشان کرده و بر صورتشان زدند. نقاب از چهره هایشان انداخته و فریاد واویلا مِبَادِرَاتٍ وَالشِّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ وَمُولِغٌ سَيْفَهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ سر دادند. آری بعد از عزّت به ذلت افتادند و به سمت گودال قتلگاه می دویدند. عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنَّدِهِ قَدْ سَكَنَتْ حَوَاسُّكَ وَخَفِيَتْ أَنْفَاسُكَ شمر بر روی سینه ات نشسته بود و شمشیرش را به گلوی مبارکت می کشید و با دستی وَرُفِعَ عَلَى الْقَنَاءِ رَأْسُكَ وَسُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ وَصُفِّدُوا فِي الْحَدِيدِ محاسنّت را گرفته بود و سرت را می برید. تمام حواسّت از کار افتاد و نفس هایت آرام شد فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ يُسَاقُونَ فِي و سرت بر بالای نیزه ها رفته و خاندانت مانند بردگان به اسیری برده شدند. آنها را بر روی الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ يُطَافُ بِهِمْ فِي جهاز شتران به زنجیرهای آهنین بستند. گرمای سوزان صورتشان را می سوزاند و در بیابان ها الْأَسْوَاقِ فَالْوَيْلُ لِلْعُصَاةِ الْفُسَّاقِ. لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ وَعَطَّلُوا حرکت داده می شدند. دستانشان را به گردن بسته بودند و در کوچه و بازار حرکت می دادند.

الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ وای بر عصيان گران فاسق. آنها با قتل تو اسلام را كشتند و نماز و روزه را تعطيل كرده وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَهَمْلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ لَقَدْ أَصْبَحَ و سنّت ها و احكام الهى را پايمال و پايه هاى ايمان را منهدم و محتواى آيات قرآن را رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُوراً وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تحريف و در ستم و دشمنى شما تاختند. تا اين كه كار به جايى رسيد كه رسول خدا تنها مَهْجُوراً وَغُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرْتَ مَقْهُوراً وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ ماند و كتاب خدا فراموش شد و حقّ و حقيقت با مكر و فريب منزوى گرديد. با فقدان تو، وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيل وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ وَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ اللّه اكبر و لا اله الا اللّه و حلال و حرام و تفسير و تأويل قرآن، از يادها رفت و بعد از تو تغيير وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ وَالْفِتَنُ وَالْأَبَاطِيلُ فَقَامَ نَاعِيكَ و تبدّل و شرك و تعطيلى احكام و هواها و گمراهى ها و فتنه ها و باطل ها آشكار شدند. عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّه عَلَيْهِ وَآلِهِ فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ پيك مرگ در كنار قبر رسول خداصلى الله عليه وآله ايستاد و با اشك ريزان گفت: اى رسول خدا قَائِلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ وَاسْتُبِيحَ أَهْلُكَ وَحَمَاكَ وَسُبِيَتْ

ص:۱۷۵

بَعْدَکَ ذَرَارِیکَ وَوَقَعَ الْمحْذُورُ بِعِتْرَتِکَ وَذَوِیکَ فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ وَبَکَی به اسیری گرفته شدند و اتفاقات ناگوار بر خاندانت واقع شد. رسول خداصلی الله علیه وآله قَلْبُهُ الْمَهُولُ وَعَزَّاهُ بِکَ الْمَلَائِکَهُ وَالْأَنْبِیَاءُ وَفُجِعَتْ بِکَ أُمُّکَ الزَّهْرَاءُ با شنیدن این خبر پریشان شده و دل شکسته اش، گریه کرد و ملائکه و انبیاء به او وَاخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ تُعَزِّی أَبَاکَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَأُقِیمَتْ لَکَ تسلیت گفتند و مادرت زهرا به سوگ نشست. دسته های ملائکه مقرّب خدا به تعزیت پدرت الْمَأْتَمُ فِی أَعْلَی عِلِّیِّینَ وَلَطَمَتْ عَلَیْکَ الْحُورُ الْعِینُ وَبَکَتِ السَّمَاءُ امیرالمؤمنین رفتند و ماتم و عزا در اَعلی عِلّیین برایت گرفته شد. حورالعین بر صورتشان وَسُکَّانُهَا وَالْجِنَانُ وَخُزَّانُهَا وَالْهِضَابُ وَأَقْطَارُهَا وَالْبِحَارُ وَحِیتَانُهَا زدند و آسمان و بهشت و مأموران آن و کوه ها و کوهپایه ها و دریاها و ماهی آنها و بهشت وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا وَالْبَیْتُ وَالْمَقَامُ وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ وَالْحِلُّ وَالْإِحْرَامُ. و جوانان آن و کعبه و مقام ابراهیم و مشعر الحرام و حِلّ و حرم همه و همه برایت گریه کردند. اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَهِ هَذَا الْمَکَانِ الْمُنِیفِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خدایا، به حرمت این مکان رفیع بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در وَاحْشُرْنِی فِی زُمْرَتِهِمْ وَأَدْخِلْنِی الْجَنَّهَ بِشَفَاعَتِهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّی زمره ایشان محشور کرده و با شفاعتشان وارد بهشت کن. خدایا، ای سریع ترین

أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ یَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ وَیَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ وَیَا أَحْکَمَ حسابرس و ای بزرگوارترین بزرگواران و ای حکم کننده ترین حکم کنندگان، الْحَاکِمِینَ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ رَسُولِکَ إِلَی الْعَالَمِینَ أَجْمَعِینَ به واسطه محمّد که پایان بخش انبیاء و فرستاده تو به سوی تمام عالمیان وَبِأَخِیهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِینِ الْعَالِمِ الْمَکِینِ عَلِیٍّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ است و برادر و پسرعمویش، آن پیشانی بلند خوش اندام، آن عالم مقتدر وَبِفَاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَبِالْحَسَنِ الزَّکِیِّ عِصْمَهِ الْمُتَّقِینَ وَبِأَبِی علی امیر مؤمنان و فاطمه سرور زنان عالم و حسن پاک و پناهگاه متّقین عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ أَکْرَمِ الْمُسْتَشْهَدِینَ وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِینَ وَبِعِتْرَتِهِ و اباعبداللّه الحسین، گرامی ترین شهدا و فرزندان شهید و به خاندان مظلومش الْمَظْلُومِینَ وَبِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ قِبْلَهِ و علی بن الحسین زیور عابدان و محمّد بن علی، محل توجّه توبه کنندگان الْأَوَّابِینَ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِینَ وَمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ و جعفر بن محمّد راستگوترین راستگویان و موسی بن جعفر، آشکار کننده الْبَرَاهِینِ وَعَلِیِّ بْنِ مُوسَی نَاصِرِ الدِّینِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ قُدْوَهِ ادله و علی بن موسی، یاری گر دین و محمّد بن علی، مقتدای هدایت یافتگان

الْمُهْتَدِینَ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِینَ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ و علی بن محمّد، زاهدترین زاهدان و حسن بن علی، وارث جانشینان قبلی وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِینَ وَالْحُجَّهِ عَلَی الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی و محمّد بن حسن، حجّت خدا بر تمام مخلوقات، به تو متوسل می شوم تا بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِینَ الْأَبَرِّینَ آلِ طَهَ وَ یس وَأَنْ تَجْعَلَنِی محمّد و خاندان راستگو و نیکش، آل طاها و یاسین درود فرستی و مرا فِی الْقِیَامَهِ مِنَ الْآمِنِینَ الْمُطْمَئِنِّینَ الْفَائِزِینَ الْفَرِحِینَ الْمُسْتَبْشِرِینَ در قیامت از امان یافتگان آسوده خاطر و نجات یافتگان شادمان قرار دهی. اَللَّهُمَّ اکْتُبْنِی فِی الْمُسْلِمِینَ وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ وَاجْعَلْ لِی لِسانَ خدایا، مرا از مسلمانان بنویس و به صالحین ملحق کرده و برایم زبانی صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ وَانْصُرْنِی عَلَی الْبَاغِینَ وَاکْفِنِی کَیْدَ الْحَاسِدِینَ راستگو در امّت آخرین قرار بده و مرا در مقابل ظالمان یاری و از مکر وَاصْرِفْ عَنِّی مَکْرَ الْمَاکِرِینَ وَاقْبِضْ عَنِّی أَیْدِیَ الظَّالِمِینَ وَاجْمَعْ حسودان امان بده و دستان ظلم را از من بازدار و مرا با سروران بزرگوارم بَیْنِی وَبَیْنَ السَّادَهِ الْمَیَامِینِ فِی أَعْلَی عِلِّیِّینَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ در اَعلی عِلّیین همراه با کسانی که نعمت بخشیدی اعم از انبیاء و صدیقین

مِنَ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَداءِ وَالصَّالِحِینَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. و شهدا و صالحین، قرار بده به واسطه رحمتت ای مهربان ترین مهربانان. اَللَّهُمَّ إِنِّی أُقْسِمُ عَلَیْکَ بِنَبِیِّکَ الْمَعْصُوم وَبِحُکْمِکَ الْمحْتُوم وَنَهْیِکَ خدایا، تو را به پیامبر معصوم از گناه و حکم حتمی و نهی پنهانت و به الْمَکْتُوم وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُوم الْمُوَسَّدِ فِی کَنَفِهِ الْإِمَامُ الْمَعْصُومُ این قبر پر از دردی که امام معصوم و شهید مظلوم در آن خفته است، قسم الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ أَنْ تَکْشِفَ مَا بِی مِنَ الْغُمُوم وَتَصْرِفَ عَنِّی شَرَّ می دهم که تمام گرفتاری هایم را برطرف کرده و شرّ تقدیرات حتمی را از الْقَدَرِ الْمحْتُوم وَتُجِیرَنِی مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُوم اَللَّهُمَّ جَلِّلْنِی بِنِعْمَتِکَ من بازداری و از آتش سوزان امان دهی. خدایا، مرا با نعمت هایت تجلیل وَرَضِّنِی بِقِسْمِکَ وَتَغَمَّدْنِی بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ وَبَاعِدْنِی مِنْ مَکْرِکَ وَنَقِمَتِکَ. و به قسمتت راضی و در احسانت غوطه ور و از مکر و انتقامت دور کن. اَللَّهُمَّ اعْصِمْنِی مِنَ الزَّلَلِ وَسَدِّدْنِی فِی الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ وَافْسَحْ لِی فِی خدایا، از لغزش نگه دار و در سخن و رفتار محکم و زمان مرگم را به تأخیر مُدَّهِ الْأَجَلِ وَأَعْفِنِی مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ وَبَلِّغْنِی بِمَوَالِیَّ وَبِفَضْلِکَ بینداز و از بیماری ها عافیت داده و به واسطه فضل و کرمت مرا به سروران

أَفْضَلَ الْأَمَلِ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَارْحَمْ برسان. خـدايا، بر محمّـد و خانـدانش درود فرست و توبه ام را بپـذير و بر عَبْرَتِي وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَنَفِّسْ كُرْبَتِي وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَأَصْلِحْ لِي اشـک ديـدگانم ترحّم کرده و از لغزش حفظم کن و از سـر خطاهايم بگذر فِي ذُرِّيَّتِي. اَللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكَرَّمِ و نسلم را اصلاح کن. خدايا، مبـادا در اين قتلگاه با عظمت و محل محترم گناهی را ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا عَيْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا غَمّاً إِلَّا كَشَفْتَهُ وَلَا رِزْقاً إِلَّا نبخشـيده و عيبی را نپوشيده و غمی را از بين نرفته و رزقی را گسترش نيافته بَسَطْتَهُ وَلَا جَاهاً إِلَّا عَمَرْتَهُ وَلَا فَسَاداً إِلَّا أَصْلَحْتَهُ وَلَا أَمَلاً إِلَّا بَلَّغْتَهُ و جاهی را آباد نشده و فسادی را اصلاح نشده و آرزويی را نرسيده و دعايی را وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ وَلَا مُضَيَّقاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا شَمْلاً إِلَّا جَمَعْتَهُ وَلَا أَمْراً اجابت نشـده و تنگنايی را باز نکرده و پراکنـدگی را جمع نکرده و کاری را تمام نشده إِلَّا أَتْمَمْتَهُ وَلَا مَالاً إِلَّا كَثَّرْتَهُ وَلَا خُلُقاً إِلَّا حَسَّنْتَهُ وَلَا إِنْفَاقاً إِلَّا أَخْلَفْتَهُ و مالی را افزايش نيافته و خلقی را نيکو نشـده و انفاقی را جايگزين نشـده وَلَا حَالاً إِلَّا عَمَّرْتَهُ وَلَا حَسُوداً إِلَّا قَمَعْتَهُ وَلَا عَدُوّاً إِلَّا أَرْدَيْتَهُ و حـالی را نيکو نکرده و حسود و دشـمنی را هلاک نکرده و شـرّی را مانع نشده

وَلَا شَرّاً إِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا مَرَضاً إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا بَعِيداً إِلَّا أَدْنَيْتَهُ وَلَا شَعِثاً إِلَّا و مرضی را شفا نیافته و دوری را نزدیک نکرده و خواسته ای را عطا نکرده، لَمَمْتَهُ وَلَا سُؤَالاً إِلَّا أَعْطَيْتَهُ. اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ خَيْرَ الْعَاجِلَهِ وَثَوَابَ الْآجِلَهِ رها کنی. خدایا، بهترین خیرات دنیا و ثواب آخرت را درخواست می کنم. اَللَّهُمَّ أَغْنِنِی بِحَلَالِکَ عَنِ الْحَرَامِ وَبِفَضْلِکَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ عِلْماً نَافِعاً وَقَلْباً خَاشِعاً وَيَقِيناً شَافِياً وَعَمَلاً زَاکِياً وَصَبْراً جَمِيلاً وَأَجْراً جَزِيلاً.

و اجر فراوان درخواست می کنم.

اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِی شُکْرَ نِعْمَتِکَ عَلَيَّ وَزِدْ فِی إِحْسَانِکَ وَكَرَمِکَ خدایا، شکر نعمت هایت را روزیم گردان و بر احسان و کرمت اضافه کن إِلَيَّ وَاجْعَلِ قَوْلِی فِی النَّاسِ مَسْمُوعاً وَعَمَلِی عِنْدَکَ مَرْفُوعاً و سخنم را در میان مردم اطاعت شده و عملم را نزد خودت مقبول وَأَثَرِی فِی الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعاً وَعَدُوِّی مَقْمُوعاً. اَللَّهُمَّ صَلِّ و روشم را در خیرات مورد تبعیت و دشمنم را هلاک کن. خدایا،

عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْیَارِ فِی آنَاءِ اللَّیْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ بر محمّـد و خاندان برگزیده اش در تمام لحظات شب و روز درود وَاکْفِنِی شَرَّ الْأَشْرَارِ وَطَهِّرْنِی مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ وَأَجِرْنِی فرست و از شرّ اشرار حفظ کرده و از گناهان پاک و از آتش مِنَ النَّارِ وَأَحِلَّنِی دَارَ الْقَرَارِ وَاغْفِرْ لِی وَلِجَمِیعِ إِخْوَانِی فِیکَ امانم بده و در وادی آرامش واردم کن و مرا و تمام برادران و خواهران وَأَخَوَاتِیَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. مؤمن و مؤمنه ام را با رحمت واسعه خود ببخش. ای مهربان ترین. سپس به سوی قبله بایست و دو رکعت نماز بخوان. به این ترتیب که در رکعت اول بعد از حمد سوره انبیاء و در رکعت دوم بعد از حمد سوره حشر را بخوان و در رکعت دوم قنوت گرفته و این دعا را بخوان:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هیچ خدایی جز معبود بردبار و بزرگوار نیست. هیچ معبودی جز معبود والا و با عظمت نیست. رَبُّ السَّمَاوَاتِ

قسمت سوم

السَّبْعِ وَالْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ خِلَافاً هیچ معبودی جز پروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه که در آنها و میان لِأَعْدَائِهِ وَتَکْذِیباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ وَإِقْرَاراً لِرُبُوبِیَّتِهِ وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ الْأَوَّلُ آنهاست، نیست. این اعتقادم بر خلاف دشمنان و تکذیب کسانی است که از او عدول کردند و به

بِغَيْرِ أَوَّلٍ وَالآْخِرُ إِلَى غَيْرِ آخِرٍ الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَیْ ءٍ بِقُدْرَتِهِ الْبَاطِنُ خاطر اقرار به ربوبیّت و خضوع در برابر عزتش می باشد. کسی که اوّلین و آخرین است. با قدرتش دُونَ کُلِّ شَیْ ءٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ لَا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلَی کُنْهِ عَظَمَتِهِ وَلَا تُدْرِکُ بر همه چیز ظهور و غلبه یافته و با علمش در باطن هر چیزی نفوذ کرده است. عقل ها از درک کنه الْأَوْهَامُ حَقِیقَهَ مَاهِیَّتِهِ وَلَا تَتَصَوَّرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِیَ کَیْفِیَّتِهِ مُطَّلِعاً عظمتش بازمانده و اوهام از درک حقیقت چیستی اش عاجزند. او که جان ها از درک چگونگی اش عَلَی الضَّمَائِرِ عَارِفاً بِالسَّرَائِرِ یَعْلَمُ خَائِنَهَ الْأَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ وامانده و بر نیت ها آگاه است و از نگاه های مخفیانه و تمام آنچه در سینه ها است خبر دارد. اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ عَلَی تَصْدِیقِی رَسُولَکَ صَلَّی اللَّه عَلَیْهِ وَآلِهِ وَإِیمَانِی خدایا، تو را شاهد می گیرم که من رسولت را تصدیق کرده و به او ایمان دارم بِهِ وَعِلْمِی بِمَنْزِلَتِهِ وَإِنِّی أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِیُّ الَّذِی نَطَقَتِ الْحِکْمَهُ بِفَضْلِهِ و از جایگاه ایشان آگاهم و شاهد می گیرم که او پیامبری است که حکمت از فضل او وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِیَاءُ بِهِ وَدَعَتْ إِلَی الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ وَحَثَّتْ عَلَی تَصْدِیقِهِ سخن گفت و تمام انبیاء به او بشارت داده شدند و مردم را به آنچه که او آورده است، بِقَوْلِهِ تَعَالَی الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوْرَاهِ وَالْإِنْجِیلِ فرا خواندند تا او را تصدیق کنند. به دلیل فرمایش خداوند که می فرماید: «کسی که

يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّباتِ وَيُحَرِّمُ رسالت او را در تورات و انجیل نوشته دیده اند او که امر به معروف کرده و نهی از منکر عَلَيْهِمُ الْخَبائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلالَ الَّتِي كانَتْ عَلَيْهِمْ. می کند. طیّبات را حلال و خبائث را حرام و غل و زنجیرهای طاغوت را از آنها باز می کند.» فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنَ وَعَلَى پس بر محمّد فرستاده تو به جن و انس و سرور انبیای برگزیده و بر علی برادر أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَعَلَى فَاطِمَةَ و پسر عمویش، کسانی که حتی یک چشم بر هم زدنی مشرک نشدند و بر فاطمه الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ تابان، سرور زنان عالم و سروران جوانان اهل بهشت حسن و حسین، وَالْحُسَيْنِ صَلَاةً خَالِدَةَ الدَّوَام عَدَدَ قَطْرِ الرِّهَام وَزِنَةَ الْجِبَالِ وَالْآكَام درودی پایدار به تعداد قطره های باران و هموزن کوه ها و تپه ها و مادامی که وَمَا أَوْرَقَ اَلسَّلَام وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءُ وَالظَّلَامُ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ درخت ها برگ می دهند و شب و روز در رفت و آمدند و بر خاندان پاکش ائمه الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ الذَّائِدِينَ عَنِ الدِّينِ عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى هدایت یافته و مدافع از دین علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی و حسن

وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّهِ الْقُوَّام بِالْقِسْطِ وَسُلَالَهِ السِّبْطِ. و حجّت که برپا دارندگان عدالت و نسل نوه پیامبرند سلام و درود فرست. اَللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَام فَرَجاً قَرِیباً وَصَبْراً جَمِیلاً خدایا، از تو درخواست می کنم به حقّ این امام، گشایش نزدیک و صبر نیکو و یاری وَنَصْراً عَزِیزاً وَغِنًی عَنِ الْخَلْقِ وَثَبَاتاً فِی الْهُدَی وَالتَّوْفِیقِ لِمَا شکست ناپذیر و بی نیاز از خلق و ثبات در هدایت و موفقیّت به آنچه که تُحِبُّ وَتَرْضَی وَرِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً طَیِّباً مَرِیئاً دَاراً سَائِغاً فَاضِلاً دوست داری و راضی هستی و رزق وسیع حلال پاک و گوارا و پایدار و لذّت بخش مُفْضِلاً صَبّاً صَبّاً مِنْ غَیْرِ کَدٍّ وَلَا نَکَدٍ وَلَا مِنَّهٍ مِنْ أَحَدٍ و زیاد و مفصّل بدون زحمت و مشقّت و خالی از منّت و همراه با عافیت از هر بلا کُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ وَالشُّکْرَ وَعَافِیَهً مِنْ عَلَی الْعَافِیَهِ وَالنَّعْمَاءِ وَإِذَا جَاءَ و بیماری و شکر بر عافیت و نعمت را بر ما عطا فرمایی. زمانی که مرگ برسد، الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَی أَحْسَنِ مَا یَکُونُ لَکَ طَاعَهً عَلَی مَا أَمَرْتَنَا روح ما را در بهترین حالات بندگی بگیر در حالی که به اطاعت اوامرت مشغولیم مُحَافِظِینَ حَتَّی تُؤَدِّیَنَا إِلَی جَنَّاتِ النَّعِیمِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. و بر آنها محافظت می کنیم. تا این که ما را وارد بهشت کنی با رحمتت ای مهربان ترین.

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْحِشْنِی مِنَ الدُّنْیَا وَآنِسْنِی بِالْآخِرَهِ خدایا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از دنیا دور و با آخرت مأنوس گردان. تنها فَإِنَّهُ لَا یُوحِشُ مِنَ الدُّنْیَا إِلَّا خَوْفُکَ وَلَا یُؤْنِسُ بِالْآخِرَهِ إِلَّا رَجَاؤُکَ. خوف تو انسان را از دنیا دور می کند و تنها امید ثوابت انسان را با آخرت مأنوس می نماید. اَللَّهُمَّ لَکَ الْحُجَّهُ لَا عَلَیْکَ وَإِلَیْکَ الْمُشْتَکَی لَا مِنْکَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خدایا، تمام حجّت ها به نفع توست، نه بر علیه تو. شکایت ها به سوی توست، نه از خود تو. پس بر محمّد و خاندانش وَأَعِنِّی عَلَى نَفْسِیَ الظَّالِمَهِ الْعَاصِیَهِ وَشَهْوَتِیَ الْغَالِبَهِ وَاخْتِمْ بِالْعَافِیَهِ. درود فرست و مرا در مبارزه با نفس معصیت کار متجاوز و غلبه کننده در شهوت، یاری کن و عاقبت به خیرم گردان. اَللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِی إِیَّاکَ وَأَنَا مُصِرٌّ عَلَى مَا نُهِیتُ قِلَّهُ حَیَاءٍ خدایا، همانا نزد تو استغفار می کنم در حالی که از سر بی حیایی دست از معصیت وَتَرْکِیَ الْاِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِی بِسَعَهِ حِلْمِکَ تَضْیِیعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ. نمی کشم و ترک استغفار با وجود علم به بردباری تو تضییع حقّ امیدواری است. اَللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِی تُؤْیِسُنِی أَنْ أَرْجُوَکَ وَإِنَّ عِلْمِی بِسَعَهِ رَحْمَتِکَ خدایا، گناهانم مرا از امیدواری مأیوس می کنند و علم به وسعت بردباریت از ترسیدن یَمْنَعُنِی أَنْ أَخْشَاکَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَدِّقْ رَجَائِی لَکَ مانع می گرداند. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و امیدم را برآورده ساز

ص:۱۸۶

وَکَذِّبْ خَوْفِی مِنْکَ وَکُنْ لِی عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّی بِکَ یَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ. و خوفم را محقق نکن و با من مطابق بهترین گمان هایم رفتار کن ای بزرگوارترین بزرگواران. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَیِّدْنِی بِالْعِصْمَهِ وَأَنْطِقْ خدایا، بر محمّد و خاندانش ود فرست و مرا با پاکدامنی یاری و زبانم را به حکمت گویا لِسَانِی بِالْحِکْمَهِ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یَنْدَمُ عَلَی مَا ضَیَّعَهُ فِی أَمْسِهِ گردان و مرا از کسانی قرار بده که برای کارهای زشت گذشته پشیمانند و امروزشان را از دست وَلَا یَغْبَنُ حَظَّهُ فِی یَوْمِهِ وَلَا یَهُمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ. اَللَّهُمَّ إِنَّ الْغَنِیَّ مَنِ نمی دهند و برای روزیِ فردا، تلاش نمی کنند. خدایا، غنی کسی است که با تو مستغنی شود اسْتَغْنَی بِکَ وَافْتَقَرَ إِلَیْکَ وَالْفَقِیرُ مَنِ اسْتَغْنَی بِخَلْقِکَ عَنْکَ فَصَلِّ عَلَی و نیازمند تو باشد و فقیر کسی است که با مخلوقت از تو بی نیازی جوید. پس بر محمّد و خاندانش مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِی عَنْ خَلْقِکَ بِکَ وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ یَبْسُطُ کَفّاً إِلَّا إِلَیْکَ. درود فرست و از خلقت بی نیازم گردان و از کسانی قرار بده که جز به درگاهت دست دراز نمی کنند. اَللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِیَّ مَنْ قَنِطَ وَأَمَامَهُ التَّوْبَهُ وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَهُ وَإِنْ کُنْتُ ضَعِیفَ خدایا، بدبخت کسی است که مأیوس شود درحالی که توبه از پیش و رحمتت از پس، او را احاطه کرده است. اگرچه الْعَمَلِ فَإِنِّی فِی رَحْمَتِکَ قَوِیُّ الْأَمَلِ فَهَبْ لِی ضَعْفَ عَمَلِی لِقُوَّهِ أَمَلِی. در عمل ضعیف هستم، اما در امیدواری به رحمتت قوی هستم. پس ضعف عملم را با قوت امیدواریم جبران کن.

اَللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِی عِبَادِکَ مَنْ هُوَ أَقْسَی قَلْباً مِنِّی وَأَعْظَمُ خدایا، اگر می دانی که در میان بندگانت قسیُّ القلب تر و گناه کارتر از من نیست. مِنِّی ذَنْباً فَإِنِّی أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَوْلَی أَعْظَمُ مِنْکَ طَوْلاً وَأَوْسَعُ رَحْمَهً من هم می دانم که مولایی که به اندازه تو بخشنده و رحیم و غفّار باشد، وجود ندارد. وَعَفْواً فَیَا مَنْ هُوَ أَوْحَدُ فِی رَحْمَتِهِ اغْفِرْ لِمَنْ لَیْسَ بِأَوْحَدَ فِی خَطِیئَتِهِ. ای کسی که در رحمتش یگانه است، بر کسی که در خطاکاری اش یگانه نیست، ببخش. اَللَّهُمَّ إِنَّکَ أَمَرْتَنَا فَعَصَیْنَا وَنَهَیْتَ فَمَا انْتَهَیْنَا وَذَکَرْتَ فَتَنَاسَیْنَا خدایا، تو امرمان کردی، ولی ما معصیت نمودیم و نهی کردی، دست نکشیدیم و یادآوری کردی وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَیْنَا وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّیْنَا وَمَا کَانَ ذَلِکَ جَزَاءَ إِحْسَانِکَ و فراموش نمودیم و نشانمان دادی و چشمانمان را بستیم و برحذر داشتی و تعدّی کردیم. در حالی که این رفتار إِلَیْنَا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَنَّا وَأَخْفَیْنَا وَأَخْبَرُ بِمَا نَأْتِی وَمَا أَتَیْنَا ما، جزای احسان تو نبود. تو از همه آنچه آشکار و پنهان کرده ایم، آگاهی و از آن چه انجام می دهیم، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا أَخْطَأْنَا وَنَسِینَا باخبری. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به خاطر خطاها و فراموش کاریمان مؤاخذه نکن وَهَبْ لَنَا حُقُوقَکَ لَدَیْنَا وَأَتِمَّ إِحْسَانَکَ إِلَیْنَا وَأَسْبِلْ رَحْمَتَکَ عَلَیْنَا و حقوقی را که نزد ما داری ببخش و احسانی را که کرده ای، تمام کن و رحمتت را سرازیر ساز.

اَللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِهَذَا الصِّدِّیقِ الْإِمَامِ وَنَسْأَلُکَ بِالْحَقِّ الَّذِی خدایا، ما به واسطه این امام صدّیق، به تو متوسل می شویم و به حرمت حقی که برایش جَعَلْتَهُ لَهُ وَلِجَدِّهِ رَسُولِکَ وَلِأَبَوَیْهِ عَلِیٍّ وَفَاطِمَهَ أَهْلِ بَیْتِ الرَّحْمَهِ قرار دادی و به حرمت رسول خدا و پدر و مادرش علی و فاطمه و اهل بیت رحمت، إِدْرَارَ الرِّزْقِ الَّذِی بِهِ قِوَامُ حَیَاتِنَا وَصَلَاحُ أَحْوَالِ عِیَالِنَا فَأَنْتَ الْکَرِیمُ از تو می خواهیم تا روزیمان را که قوام زندگیمان و صلاح احوال خانواده مان به آن است، الَّذِی تُعْطِی مِنْ سَعَهٍ وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَهٍ وَنَحْنُ نَسْأَلُکَ مِنَ الرِّزْقِ ادامه دهی. تو آن کریمی که از وسعت خود می بخشی و با قدرتت منع می کنی مَا یَکُونُ صَلَاحاً لِلدُّنْیَا وَبَلَاغاً لِلْآخِرَهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ و ما از روزی، آنچه که برای صلاح دنیا و رسیدن به آخرت لازم است، می خواهیم. وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَیْنَا وَلِجَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ خدایا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما و والدین و تمام مؤمنین و مؤمنات وَالْمُسْلِمِینَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَآتِنا فِی الدُّنْیا و مسلمین و مسلمات چه زنده باشند و چه مرده، همه را ببخش و بیامرز حَسَنَهً وَفِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَقِنا عَذابَ النَّارِ.

و حسنات دنیا و آخرت را عنایت کرده و از آتش دوزخ نگه دار.

ص:۱۸۹

بعـد از قنوت نماز را تمام کرده و سـبحان اللّه می گویی. بعد از آن، هر یک از گونه راست و چپ خود را به زمین گذاشـته و چهل بار می گویی:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ ِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

بعد از آن سر از خاک برداشـته و از خداوند متعال نجات و توفیق طلب می کنی. در پایان بالای سـر امام علیه السلام ایستاده و دو رکعت دیگر مانند دو رکعت قبلی خوانده و قبر شریف را در آغوش می گیری و می گویی:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ وَالسَّلَام عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

و در نهایت برای خود، والدین و نزدیکان و تمام کسانی که می خواهی دعا می کنی که انشاء اللّه مستجاب است.

ص:۱۹۰

دعای هفدهم

زیارت حضرت علی اکبرعلیه السلام(۱)

بغدادی نقل می کند که در سال دویست و پنجاه و دو(۲) توسط شیخ محمّد بن غالب اصفهانی توقیعی از امام علیه السلام دستم رسید. در آن زمان جوان بودم و پدرم را تازه از دست داده بودم. از ایشان خواستم تا اذن دخول برای زیارت حضرت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا را برایم بیان نمایند. نامه ای از ایشان به دستم رسید:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

زمانی که قصد زیارت شهدای کربلا را کردی، در طرف پای قبر امام حسین علیه السلام که محل قبر علی بن حسین صلوات اللّه علیهما است، رو به قبله بایست. آنجا محل استقرار عمده شهدای کربلا است. خطاب به علی بن الحسین بگو:

اَلسَّلَام عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ مِنْ سُلَالَهِ إِبْرَاهِيمَ سلام بر تو ای اوّلین شهید از نسل بهترین سلاله ابراهیم خلیل، صلوات خدا بر تو

۱- ۷۸. بحارالأنوار / ج ۱۰۱ / ص ۲۷۰ / باب ۲ - کراهه تولی الخصومه؛ إقبال الأعمال / ص ۵۷۳ / فصل فیما نذکره من زیاره الشهداء.

۲- ۷۹. از آنجا که تاریخ تولد حضرت بقیه اللّه دویست و پنجاه و پنج می باشد. این توقیع یا از آن حضرت نیست و منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است و یا اینکه در تاریخ توقیع اشتباهی پیش آمده است.

الْخَلِيلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْکَ وَعَلَی أَبِيکَ إِذْ قَالَ فِيکَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْماً قَتَلُوکَ و پدرت باد. زمانی که در مورد تو گفت: خداوند قومی را که تو را کشتند، هلاک کند. يَا بُنَيَّ مَا أَجْرَأَهُمْ عَلَی الرَّحْمَنِ وَعَلَی انْتِهَاکِ حُرْمَهِ الرَّسُولِ عَلَی آنها چقدر نسبت به حریم خدا و رسول او جسور شده اند. اف بر دنیای بعد از تو. الدُّنْيَا بَعْدَکَ الْعَفَا کَأَنِّی بِکَ بَيْنَ يَدَيْهِ مَاثِلًا وَلِلْکَافِرِينَ قَائِلًا: گویا می بینم که در پیش پدرت ایستاده ای و خطاب به کفّار می گویی: أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍ

نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَی بِالنَّبِی

من علی بن الحسین بن علی هستم. ما و خانه خدا از همه به رسول خدا نزدیک تریم. أَطْعَنُکُمْ بِالرُّمْحِ حَتَّی يَنْثَنِیَ

أَضْرِبُکُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمِی عَنْ أَبِی

با نیزه شما را پاره پاره می کنم و با شمشیر بر شما می کوبم و از پدرم حمایت می کنم. ضَرْبَ غُلَامٍ هَاشِمِیٍ عَرَبِیٍ

وَاللَّهِ لَا يَحْکُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِیِ

مانند جوان هاشمی عربی می جنگم و اجازه نمی دهم که فرزند پسر خوانده(۱) در میان ما قضاوت کند.

۱- ۸۰. مقصود از پسر خوانده زیاد است. زیرا مادر زیاد مرجانه، زنی فاحشه بود و طبق نقل تواریخ از زنای با ابوسفیان زاده شد. به همین جهت معاویه او را برادر خود می خواند. از این جهت آن حضرت زیاد را فرزند خوانده می نامند که کنایه از ولد الزنا بودن آن است. به یقین فرزند این فرزند خوانده کسی غیر از ابن زیاد نخواهد بود که کاروان کربلا را به خاک و خون کشید.

حَتَّی قَضَیْتَ نَحْبَکَ وَلَقِیتَ رَبَّکَ. أَشْهَدُ أَنَّکَ أَوْلَی بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَأَنَّکَ تا اینکه جانت را فدا کردی و به دیدار خدایت شتافتی. شهادت می دهم که تو نزدیک ترین افراد به خدا ابْنُ رَسُولِهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَمِینِهِ حَکَمَ اللَّهُ لَکَ عَلَی قَاتِلِکَ مُرَّهَ بْنِ مُنْقِذِ بْنِ و رسول او هستی و تو فرزند رسول خدا و فرزند حجّت خدا و امین او هستی. خداوند خود، درباره تو بر النُّعْمَانِ الْعَبْدِیِّ لَعَنَهُ اللَّهُ وَأَخْزَاهُ وَمَنْ شَرِکَهُ فِی قَتْلِکَ وَکَانُوا عَلَیْکَ قاتلت مره بن منقذ بن النعمان العبدی و تمام کسانی که او را در قتل تو کمک کردند، قضاوت کند و او را از ظَهِیراً وَأَصْلَاهُمُ اللَّهُ جَهَنَّمَ.

رحمتش دور و ذلیل کند و در دوزخ وارد کند.

ص:۱۹۳

دعای هجدهم

دعای امام علیه السلام برای شفا گرفتن از تربت امام حسین علیه السلام(۱)

شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب بلد الامین از امام مهدی علیه السلام نقل می کند:

هر کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در کاسه نو، بنویسد و آن را بشوید و بخورد، بیماریش بهبود می یابد.

بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءٌ هُوَ الشَّافِي شِفَاءً «بسم اللّه دوای درد و الحمدللّه شفای آن است و لااله الا اللّه کفایت کننده است.» آری آن ذکر کفایت کننده وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءً أُذْهِبُ الْبَأْسَ بِرَبِّ النَّاسِ شِفَاءًلَا يُغَادِرُهُ سُقْمٌ عجیبی است. گرفتاری را با پروردگار مردم، از بین می برم. شفایی که هیچ بیماری در آن نماند. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النُّجَبَاءِ.

درود خدا بر محمّد و خاندان برگزیده اش.»

سیّد زین الدّین علی بن الحسین الحسینی رحمه الله با خط خود نوشته است که مردی از اهل کربلا که نزدیک حرم زندگی می کرد، گرفتار بیماری خاصی شده بود. در خواب حضرت قائم علیه السلام را دید و از بیماری خود خدمت حضرت گلایه کرد. ایشان این دعا را به او آموخت. او نیز به آن عمل کرد و بلافاصله بعد از نوشیدن آب، شفا پیدا کرد.

ص:۱۹۴

۱- ۸۱. بحارالأنوار / ج ۵۳ / ص ۲۲۶ – الحکایه السادسه.

مناجات سایر ائمه از زبان امام زمان علیه السلام

دعای نوزدهم

دعاهای امیرالمؤمنین، امام سجاد و امام صادق علیهم السلام

از زبان امام زمان علیه السلام(۱)

محمّد بن احمد انصاری نقل می کند که نزدیک مستجار در اطراف کعبه نشسته بودم. جماعتی از مردان که حدود سی نفر می شدند، در آنجا حاضر بودند. در میان آنها تنها محمّد بن قاسم علوی آدم مخلصی بود. روز ششم ذی الحجّه سال دویست و نود و سه، در آنجا نشسته بودیم که جوانی از طواف خارج شد و به طرف ما آمد. دو پیراهن احرام به تن کرده و نعلین هایش را به دست گرفته بود. زمانی که او را دیدیم، هیبتش ما را گرفت و بدون استثناء همگی به پایش بلند شدیم. به ما سلام کرد و در وسط جمعیت نشست. بعد به راست و چپش که ما قرار داشتیم، نگاه کرد و گفت: آیا می دانید که امام صادق علیه السلام دعای الحاح را چگونه می خواند؟ گفتیم: چگونه می خواندند: گفت این طور:

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَبِهِ «خدایا، از تو درخواست می کنم با آن اسمی که آسمان و زمین با آن پابرجا است و با آن

۱- ۸۲. الغیبه للطوسی / ص ۲۶۰؛ دلائل الإمامه / ص ۲۹۸ / معرفه من شاهد صاحب الزمان علیه السلام؛ بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۱۸۷ / باب ۳۵ - الأدعیه المختصره المختصه؛ کمال الدین / ج ۲ / ص ۴۷۰ / ۴۳ - باب ذکر من شاهد القائم علیه السلام و رآه.

تُفَرِّقُ بَیْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَبِهِ تَجْمَعُ بَیْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ تُفَرِّقُ بَیْنَ حقّ و باطل از هم جدا می شوند و با آن پراکنده ها را جمع و جمع ها را پراکنده می کنی الْمجْتَمِعِ وَبِهِ أَحْصَیْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَزِنَةَ الْجِبَالِ وَکَیْلَ الْبِحَارِ أَنْ و با آن تعداد رمل ها و وزن کوه ها و اندازه دریاها را محاسبه می کنی، بر محمّد و خاندانش تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَمَخْرَجاً. درود فرست و در این گرفتاری برایم گشایش و محلی برای بیرون آمدن از آن قرار بده.» سپس بلند شد و مشغول طواف شد. با بلند شدنش، ما نیز به احترام ایشان بلند شدیم تا اینکه حضرت از ما برگشتند. همگی از یاد بردیم که در مورد او سؤال کنیم که مثلاً ـ او کیست و چه کسی است؟ تا اینکه فردا رسید و در همان وقت، باز هم ایشان از طواف خارج شدند و به طرف ما آمدند. مانند دیروز بلند شدیم و ایشان در میان ما نشستند و به راست و چپ نگاه کردند و فرمودند: آیا می دانید که امیرالمؤمنین بعد از نمازهای واجب کدام دعا را می خواندند؟ گفتیم: کدام دعا را می خواندند؟ فرمود: این دعا را:

إِلَیْکَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ وَدُعِیَتِ الدَّعَوَاتُ وَلَکَ عَنَتِ الْوُجُوهُ وَلَکَ خدایا، صداها و دعاها، به سوی تو بلند می شوند و برای تو چهره ها خاضع می گردد و در برابر تو گردن ها خَضَعَتِ الرِّقَابُ وَإِلَیْکَ التَّحَاکُمُ فِی الْأَعْمَالِ یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَیَا خَیْرَ می افتند و تو در مورد اعمال قضاوت می کنی. ای بهترین کسی که از او سؤال می شود و ای بهترین

مَنْ أَعْطَی یَا صَادِقُ یَا بَارِئُ یَا مَنْ لا یُخْلِفُ الْمِیعادَ یَا مَنْ أَمَرَ کسی که عطا می کند. ای راستگو و ای خالق، ای کسی که در وعده خود تخلف نمی کند. ای کسی که به بِالـدُّعَاءِ وَوَعَـدَ بِالْإِجَابَهِ یَا مَنْ قَالَ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ یَا مَنْ قَالَ دعا کردن امر کرده و وعده اجابت داده است، ای کسی که گفته است: «دعا کنید تا مستجاب کنم.»(۱) وَإِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَهَ الـدَّاعِ إِذا دَعـانِ ای کسی که گفته است: «زمانی که بندگانم درباره من سؤال کنند، بگو که من به شما خیلی نزدیک هستم فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَلْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ وَیَا مَنْ قَالَ یَا عِبَادِیَ و دعای مناجات کنندگان را اجابت می کنم. بنابراین شما نیز دعوت مرا اجابت کنید و به من ایمان بیاورید الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ تا هدایت شوید و رشد کنید.»(۲) و ای کسی که گفته است: «ای بندگانی که به خودتان ظلم کرده اید، الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ لَبَّیْکَ وَسَعْدَیْکَ هَا أَنَا از رحمت من ناامید نباشید؛ زیرا اگر خدا اراده کند، همه گناهان را یکجا می بخشد. همانا او بخشنده ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ الْمُسْرِفُ وَأَنْتَ الْقَائِلُ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ و مهربان است.»(۳) خدایا، دعوتت را اجابت می کنم و به سویت می شتابم. آری این منم. بنده ای که به إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً.

خودش ظلم کرده است و تو گفته ای از رحمتم ناامید نشوید؛ زیرا همه گناهان را یکجا می بخشی.

ص:۱۹۷

۱- ۸۳. غافر / ۶۰.

۲- ۸۴. بقره / ۱۸۶.

۳- ۸۵. زمر / ۵۳.

دوباره به راست و چپ نگاهی کرد و گفت: آیا می دانید که حضرت امیرعلیه السلام در سجده شکر کدام دعا را می خواندند؟ گفتیم: کدام دعا را می خواندند؟ گفت: این دعا را:

یَا مَنْ لَا یَزِیدُهُ کَثْرَهُ الْعَطَاءِ إِلَّا سَعَهً وَعَطَاءً یَا مَنْ لَا یَنْفَدُ خَزَائِنُهُ ای کسی که بخشش های فراوان تنها بخشایشش را بیشتر می کند و ای کسی که خزائنش تمام نمی شود. یَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَجَلّ ای کسی که خزائن آسمان ها و زمین متعلق به اوست. ای کسی که خزائن کوچک و بزرگ لَا یَمْنَعُکَ إِسَاءَتِی مِنْ إِحْسَانِکَ أَنْتَ تَفْعَلُ بِیَ الَّذِی أَنْتَ أَهْلُهُ مخصوص اوست. ای کسی که بدی من مانع از احسانش نمی شود. و تو با من آن طور رفتار می کنی فَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْکَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ یَا رَبِّ یَا اللَّهُ لَا تَفْعَلْ که شایسته آن هستی؛ زیرا تو اهل جود کردن و بزرگواری و عفو و گذشت هستی. پروردگارا، بِیَ الَّذِی أَنَا أَهْلُهُ فَإِنِّی أَهْلُ الْعُقُوبَهِ وَقَدِ اسْتَحْقَقْتُهَا لَا حُجَّهَ لِی خدایا، با من آن طور نباش که من شایسته آن هستم؛ زیرا من شایسته عقوبتم. آری من مستحق وَلَا عُذْرَ لِی عِنْدَکَ أَبُوءُ لَکَ بِذُنُوبِی کُلِّهَا وَأَعْتَرِفُ بِهَا کَیْ تَعْفُوَ آن هستم و هیچ عذری ندارم. با همه گناهانم به سوی تو می آیم و به همه آنها اعتراف می کنم، عَنِّی وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّی أَبُوءُ لَکَ بِکُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَکُلِّ خَطِیئَهٍ تا شاید عفوم کنی و تو از همه به اعمال من آگاهی. برمی گردم با همه گناهانی که انجام داده ام

احْتَمَلْتُهَا وَكُلِّ سَيِّئَةٍ عَلِمْتُهَا [عَمِلْتُهَا] رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ و تمام اشتباهاتی که مرتکب شده و تمام معصیت هایی که می دانم. پروردگارا، مرا ببخش و رحم کن عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّکَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَکْرَمُ.

و از همه گناهانی که می دانی، بگذر؛ زیرا تو شکست ناپذیرترین و بزرگوارترینی. بلند شد و مشغول طواف شد. ما نیز به احترامشان بلند شدیم. فردا در همان موقع دوباره آمد و ما برای آمدنش بلند شدیم. در میان ما نشست و به راست و چپ خود نگاه کرد و گفت: علی بن حسین علیه السلام در محل سجده خود در این مکان – با دستشان به سنگ زیر ناودان اشاره کرد – می گفت:

عُبَیْدُکَ بِفِنَائِکَ مِسْکِینُکَ بِفِنَائِکَ فَقِیرُکَ بِفِنَائِکَ سَائِلُکَ بِفِنَائِکَ خدایا، بنده خوارت در جوارت قرار گرفته. مسکین و بیچاره ات در کنار توست. فقیر و نیازمندت یَسْأَلُکَ مَالَا یَقْدِرُ عَلَیْهِ غَیْرُکَ.

در جوار توست. گدای در خانه ات از تو چیزهایی را می خواهد که غیر تو از انجام آنها عاجز هستند. سپس به راست و چپ نگاهی کرد و در میان همه به محمّد بن قاسم نگاه کرد و فرمود: محمّد بن قاسم تو در مسیر خیر قرار داری ان شاء اللّه. محمّد بن قاسم کسی بود که معتقد به امامت ایشان بود. بعد بلند شد و داخل طواف شد. کسی در میان ما نبود که دعاهای ایشان به او الهام نشود. اما با این حال از یاد می بردیم درباره او حرف بزنیم. تا این که در روز آخر سر صحبت باز شد.

ص:۱۹۹

ابوعلی محمودی گفت: دوستان می دانید که این آقا کی بود؟ به خدا قسم که او امام زمانمان بود! گفتیم: از کجا متوجّه شدی؟ ذکر کرد که هفت سال بود از خدا می خواستم تا امام زمانم را مشاهده کنم. روزی از روزها که غروب را در عرفه بودیم. مردی را با همین شکل و شمایل مشاهده کردم که دعا می خواند. پیشش رفتم و گفتم که کیستی؟ گفت: از همین مردم. گفتم: از کدام مردم؟ گفت: از عرب ها. گفتم: از کدام عرب ها؟ گفت: از اشرف اعراب. گفتم: آنها کدام طایفه هستند؟ گفت: بنی هاشم. گفتم: از کدام بنی هاشم؟ گفت: از بالاترین طبقه آن. گفت: کسی که سختی ها را شکافت، غذا را خوراند و نماز را در حالی که هم در خواب بودند، خواند. فهمیدم که او علوی است. به همین خاطر نیز به او علاقه مند شدم. اما ناگهان ایشان را گم کردم. متوجّه نشدم که چطور رفت. از افرادی که در اطرفش بودند، سؤال کردم او را می شناسید؟ گفتند: بله او هر سال با پای پیاده، با ما به حج می آید. گفتم: سبحان اللّٰه به خدا قسم که رد پایی برای او نمی بینم!

با دنیایی از اندوه و غصه، به منزلگاهم برگشتم و خوابیدم. ناگهان رسول خداصلی الله علیه وآله را دیدم. فرمود: ای احمد آیا کسی را که به دنبالش بودی، دیدی؟ عرض کردم: او که بود سرورم؟ فرمود: کسی که دیدی امام زمانت بود.

راوی می گوید: وقتی که این حرف را شنیدیم. او را سرزنش کردیم که چرا قبلاً به ما نگفتی. گفت که این اتفاق را از یاد برده بود. همین الآن به یادش آمده است.

زیارت امیرالمؤمنین در روز یکشنبه

زیارت امیرالمؤمنین در روز یکشنبه(۱)

این زیارت به نقل از کسی است که آن شخص حضرت حجّت علیه السلام را در بیداری دیده است. آن حضرت در روز یکشنبه که روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد ایشان را چنین زیارت می کردند.

اَلسَّلَام عَلَی الشَّجَرَهِ النَّبَوِیَّهِ وَالدَّوْحَهِ الْهَاشِمِیَّهِ الْمُضِیئَهِ سلام بر درخت نبوّت و عظمت، هاشمی تابان، که ثمره اش الْمُثْمِرَهِ بِالنُّبُوَّهِ الْمُونِعَهِ بِالْإِمَامَهِ اَلسَّلَام عَلَیْکَ وَعَلَی ضَجِیعَیْکَ از نبوّت و رسیدگی آن از امامت است.(۲) سلام بر تو و بر دو پیامبری آدَمَ وَنُوحٍ اَلسَّلَام عَلَیْکَ وَعَلَی أَهْلِ بَیْتِکَ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ که در کنارت خوابیده اند. یعنی آدم و نوح علیهما السلام سلام بر تو اَلسَّلَام عَلَیْکَ وَعَلَی الْمَلَائِکَهِ الْمحْدِقِینَ بِکَ وَالْحَافِّینَ بِقَبْرِکَ و اهل بیت پاکت. سلام بر تو و بر ملائکه گرداگرد و زائر تو. یَا مَوْلَایَ یَا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ هَذَا یَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ یَوْمُکَ وَبِاسْمِکَ ای مولای من، ای امیرمؤمنان، این روز، روز یکشنبه است و آن روز تو و به نام تو است. من نیز در این روز مهمان

ص:۲۰۱

۱- ۸۶. بحارالأنوار / ج ۹۹ / ص ۲۱۲ / زیاره أمیرالمؤمنین علیه السلام؛ جمال الأسبوع / ص ۳۱/ زیاره أمیرالمؤمنین علیه السلام

۲- ۸۷. به این معنا که میوه درخت ریشه می گیرد و کمال و رسیدگی آن میوه از امامت است و بدون امامت نارس خواهد بود.

وَأَنَا ضَیْفُکَ فِیهِ وَجَارُکَ فَأَضِفْنِی یَا مَوْلَایَ وَأَجِرْنِی فَإِنَّکَ کَرِیمٌ و پناه آورده به شما هستم.بنابراین ازمن مهمان نوازی کنید. ای مولای من، اجر و پاداش بده. شما بزرگوار و بخشنده تُحِبُّ الضِّیَافَهَ وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَهِ فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَیْکَ فِیهِ هستی و مهمان دوست هستی. از سویی هم مأمور به پناه دادن ما شده ای. بنابراین کاری را که به شوق آن خدمتت وَرَجَوْتُهُ مِنْکَ بِمَنْزِلَتِکَ وَآلِ بَیْتِکَ عِنْدَ اللَّهِ وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَکُمْ وَبِحَقِّ رسیده ام انجام بده. کاری که امید آن را از تو داشته ام. به حرمت ارزش و جایگاهی که نزد خدا دارید و به حرمت ابْنِ عَمِّکَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّه عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَیْکُمْ أَجْمَعِینَ. جایگاهی که خدا پیش شما دارد. همین طور به حرمت پسرعمویت، فرستاده خدا،که سلام ودرود خدا براو وخاندانش باد.

دعای بیستم

دعای امام زمان علیه السلام برای شیعیان در سامرا(۱)

سیّد بن طاوس رحمه الله

ولادت:

سیّد رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، از نوادگان امام حسن مجتبی و امام سجادعلیهما السلام در روز ۱۵ محرم سال ۵۸۹ هجری در شهر حله به دنیا آمد.

تحصیلات:

ابتدای تحصیلات سیّد ابن طاووس در شهر حلّه بود که از محضر پدر و جدّ خود، ورام بن ابی فراس علوم مقدماتی را آموخت.

سیّد با درکی قوی و هوشی سرشار قدم در راه علم نهاد و در اندک زمانی از تمام هم شاگردی های خود سبقت گرفت. وی در کشف المحجه می گوید:

«وقتی من وارد کلاس شدم آنچه را دیگران در طول چند سال آموخته بودند، در یک سال آموختم و از آنان پیشی گرفتم».

او مدت دو سال و نیم به تحصیل فقه پرداخت و پس از آن خود را از استاد بی نیاز دید و بقیه کتب فقهی عصر خویش را به تنهایی مطالعه نمود.

شخصیت اجتماعی:

سیّد بن طاووس در بین علما و مردم زمان خویش از احترام خاصی برخوردار بود. او علاوه بر این که فقیهی نام آور بود ادیبی گرانقدر و شاعری توانا شمرده می شد، گر چه شهرت اصلی او در زهد و تقوی و عرفان است و اکثر تألیفات او در موضوع ادعیه و زیارات می باشد.

سیّد کتابخانه بزرگ و بی نظیری داشت که از جدّش به ارث برده بود و به گفته خودش تمام آن کتاب ها را مطالعه کرده یا درس گرفته بود.

۱ – ۸۸. بحارالأنوار/ج ۵۲/ص ۶۱/باب ۱۸ – ذكر من رآه صلوات اللّٰه عليه؛ مهج الدعوات/ص ۲۹۶.

نقابت سادات:

در دوران اقامت ابن طاووس در بغداد از سوی خلیفه عباسی، المستنصر، پیشنهادهایی مانند وزارت، سفارت و... به او شد؛ اما سیّد هیچیک را نپذیرفت و استدلالش برای خلیفه چنین بود که: «اگر من طبق مصلحت شما عمل کنم، رابطه خویش را با خداوند قطع می نمایم و اگر طبق اوامر الهی و عدل وانصاف حرکت کنم، خاندان تو و بقیه وزرا و سفرا و فرماندهان تو آن را تحمّل نخواهند کرد و چنین خواهند گفت که علی بن طاووس با این رویه می خواهد بگوید، اگر حکومت به ما برسد اینچنین عمل می کنیم و این روشی است بر خلاف سیره حکمرانان قبل از تو و مردود دانستن حکومت های آنهاست».

سیّد در سال ۶۶۱ هجری نقابت علویان را پذیرفت. نقیب بزرگترین شخصیت علمی و دینی سادات بود که کلیه امور مربوط به سادات را عهده دار می شد. این وظایف شامل قضاوت مشاجرات، رسیدگی به مساکین و مستمندان، سرپرستی ایتام و... می شد.

البته ایشان تأکید دارد که تنها به خاطر حفظ جان دوستان و شیعیانی که در معرض قتل و غارت مغول قرار داشتند این منصب را پذیرفته است.

وفات:

سیّد علی بن طاووس در سال ۶۶۴ هجری در سن ۷۵ سالگی و در شهر بغداد وفات نمود. بدن شریفش را به نجف اشرف منتقل نموده و در حرم امیر المؤمنین علیه السلام به خاک سپردند.(۱) نقل می کند که در سامرا بودم. به هنگام سحر دعای امام علیه السلام را شنیدم. بخشی از دعا که برای زنده ها و مرده هایشان می کرد، این جملات بودند:

«وَأَبْقِهِمْ أَوْ قَالَ وَأَحْيِهِمْ فِي عِزِّنَا وَمُلْكِنَا أَوْ سُلْطَانِنَا وَدَوْلَتِنَا» «خدایا، آنها را در دوران عزّت و حکومت ما، نگهدار یا فرمودند: زنده کن.» این اتفاق در تاریخ شب چهارشنبه، سیزدهم ذی القعده سال ششصد و سی و هشت رخ داد.

۱- ۸۹. سیّد ابن طاووس

دعای بیست و یکم

دعای امام زمان علیه السلام برای شیعیان آلوده(۱)

از سیّد بن طاووس نقل شده است که در سحرگاه و در سرداب سامرا مناجات حضرت را شنیده است که ایشان چنین دعا می کردند:

اَللَّهُمَّ إِنَّ شِیعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِیَّهِ طِینَتِنَا وَقَدْ فَعَلُوا ذُنُوباً خدایا، شیعیان از شعاع نور ما و باقی مانده طینت ما آفریده شده اند. از طرفی با تکیه کَثِیرَهً اتِّکَالاً عَلَی حُبِّنَا وَوَلَایَتِنَا فَإِنْ کَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَیْنَکَ وَبَیْنَهُمْ فَاصْفَحْ بر محبّت و ولایت ما، مرتکب گناهان زیادی شده اند.(۲) اگر این گناهان میان آنها

ص:۲۰۵

۱- ۹۰. بحارالأنوار / ج ۵۳ / ص ۳۰۲ / الحکایه الخامسه و الخمسون.

۲- ۹۱. البته مقصود برداشته شدن تکلیف از شیعیان نیست؛ زیرا در روایات متعددی آمده است که ما خدا را با ورع عبادت می کنیم. شما نیز با ورع عبادت کنید و به امید شفاعت به دنبال ما نیفتید. به قطع اعتقاد به اینکه ولایت اهل بیت انسان را از عمل بی نیاز می کند، مطابق با عقاید غلات است. ایشان در موارد بی شماری تأکید کرده اند، کسی که عمل صالح انجام ندهد، به عذاب الهی مبتلا خواهد شد. نکته عقلی که دلیل قطعی بر این مطلب می باشد، آن است که اگر ولایت اهل بیت علیهم السلام انسان را از عمل بی نیاز می کند، در این صورت خود ائمه برای چه از سوی خدا انتخاب شده اند؟! آیا غیر از این است که آنها برای هدایت سایر انسان ها قرار داده شده اند؟ آیا غیر از این است که امام حسین علیه السلام برای بر پایی دین به شهادت رسید؟ راستی اگر حبّ صوری ایشان کافی بود، نیازی به دین باقی می ماند؟ آیا کسی با اهل بیت علیهم السلام دشمنی می کرد؟ بنابراین مقصود از این ادعیه کسانی هستند که اهل عبادت و تلاش در دین هستند، اما با این حال گاه و بی گاه لغزش هایی نیز برایشان رخ می دهد، که در این صورت با شفاعت و دعای اهل بیت علیهم السلام وارد بهشت خواهند شد. مؤید مطلب آن است که امام از این گناهکاران با عنوان شیعه یاد می کند. در حالی که در روایتی امام باقر به جابر جعفی می فرمایند: کسانی که اهل معاصی هستند و مدّعیند که ما را دوست دارند، دروغگویانی بیش نیستند. نکته پایانی آن است که این مسأله غیر از مقامات والایی است که انسان تنها باید با تلاش خود به آن دست یابد؛ زیرا این نوع از دعاها که از اهل بیت علیهم السلام صادر شده است، برای نجات دادن از آتش است، نه برای مقام قرب؛ زیرا مقامات مقرّبین و ابرار بر اهل معصیت حرام است.

عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَمَا كَانَ مِنْهَا فِيما بَيْنَهُمْ فَأَصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَقَاصَّ بِهَا و خود شماست، آنها را به خاطر رضایت ما، ببخش. اگر میان خودشان است، ببخش و از عَنْ خُمُسِنَا وَأَدْخِلْهُمُ الْجَنَّةَ وَزَحْزِحْهُمْ عَنِ النَّارِ وَلَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ خمس ما حساب کن و در بهشت وارد کن و از آتش دوزخ نجات بده و آنها را با أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ.

دشمنان ما در آتش غضبت نسوزان.

این دعا در بسیاری از کتاب های متأخرین و علمایی که به زمان ما نزدیک هستند و یا معاصر ما می باشند، به صورت دیگری نقل شده است که عبارت است از:

اَللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتِنَا مِنَّا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا وَعُجِنُوا بِمَاءِ وَلَايَتِنَا خدایا، شیعیان ما از ما خلق شده اند، از باقی مانده طینت و گل ما با آب ولایت ما عجین و مخلوط شده اند.

ص:۲۰۶

اَللَّهُمَّ اِغْفِرْ لَهُمْ مِنَ الـذُّنُوبِ مَـا فَعَلُوهُ اِتِّكالاً ـ عَلى حُبُّنَـا وَ وِلَائِنَـا یَوْمَ خـدایا، آن عـده از گناهانی را که به خاطر تکیه بر محبّت و ولایت ما انجام داده اند، در روز قیامت الْقِیَامَهِ وَلَا تُؤَاخِذْهُمْ بِمَا اقْتَرَفُوه مِنَ السَّیِئَاتِ إِکْرَاماً لَنَا وَلَا تُقَاصِّهِمْ ببخش و به احترام ما، آنهـا را برای گناهـانی که انجام داده انـد، نگیر و عـذاب نکن و در مقابل یَوْمَ الْقِیَامَهِ مُقَابِلَ أَعْـدائِنا فَإِن خَفَّفَتْ مَوَازِینَهُمْ فَثَقِّلْهَا بِفَاضِلِ حَسَنَاتِنَا. دشمنانمان، آنها را قصاص نکن. اگر هم ترازوی اعمالشان سبک شد، از حسنات ما جبران کن.

ص:۲۰۷

دعاهای امام زمان علیه السلام در ماه مبارک رجب

دعای بیست و دوم

دعای امام زمان علیه السلام در هر روز از ماه رجب(۱)

خیر بن عبداللّه نقل می کند که از جمله نامه های امام زمان علیه السلام که به دست محمّد بن عثمان عمری رحمه الله رسید دعایی است که در هر روز از ماه رجب خوانده می شود. من آن توقیع را نوشته ام.

متن توقیع:

در هر روز از رجب این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِمَعَانِی جَمِیعِ مَا یَدْعُوکَ بِهِ وُلَاهُ أَمْرِکَ الْمَأْمُونُونَ خدایا، به جدّ از تو درخواست می کنم با تمام نام ها و معناهایی که والیان امورت که مورد اعتماد عَلَی سِرِّکَ الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِکَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِکَ الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِکَ تو در حفظ اسرارت می باشند، تو را می خوانند، آنان که قدرت تو را توصیف و آشکار می کنند. أَسْأَلُکَ بِمَا نَطَقَ فِیهِمْ مِنْ مَشِیَّتِکَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِکَلِمَاتِکَ وَأَرْکَاناً خدایا، درخواست می کنم با آن اراده ای که در میان ایشان جاری شد و تو آنها را معادن علم و پایه های

ص:۲۰۸

۱- ۹۲. إقبال الأعمال / ص ۶۴۶ / فصل فیما نذکره من الدعوات؛ البلد الأمین/ ص ۱۷۹ / شهر رجب؛ المصباح للکفعمی / ص ۵۲۹ / الفصل الثالث و الأربعون؛ بحارالأنوار / ج ۹۵ / ص ۳۹۲ /باب ۲۳ - أعمال مطلق أیام شهر رجب.

لِتَوْحِيدِکَ وَآيَاتِکَ وَمَقَامَاتِکَ الَّتِی لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِی کُلِّ مَکَانٍ يَعْرِفُکَ توحيد و نشانه ها و مقامات خود قرار دادی، مقاماتی که در هيچ جايی، اگر کسی بخواهد تو را با آن بِهَا مَنْ عَرَفَکَ لَا فَرْقَ بَيْنَکَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُکَ وَخَلْقُکَ فَتْقُهَا مقامات بشناسد، معطل نخواهد ماند. ميان تو و آنها هيچ فرقی نيست. مگر اينکه آنها بنده وَرَتْقُهَا بِيَدِکَ بَدْؤُهَا مِنْکَ وَعَوْدُهَا إِلَيْکَ أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمُنَاةٌ وَأَزْوَادٌ و مخلوق تو هستند. امور زندگی و آغاز و بازگشت آنها به سوی توست.آنها ياوران و شاهدان وَحَفَظَةٌ وَرُوَّادٌ فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمَاءَکَ وَأَرْضَکَ حَتَّی ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا و هاديان و ذخاير و حافظان و رهبران هستند. تو زمين و آسمانت را از آنها پر کردی تا روشن شود أَنْتَ فَبِذَلِکَ أَسْأَلُکَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِکَ وَبِمَقَامَاتِکَ وَعَلَامَاتِکَ. که خدايی جز تو نيست.(۱) درخواست می کنم به موقعيت غير قابل شکست تو و به مقامات و نشانه هايت، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَزِيدَنِی إِيمَاناً وَتَثْبِيتاً يَا بَاطِناً فِی که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و ايمان و ثبات قدم مرا افزايش دهی.

ص:۲۰۹

۱- ۹۳. مقصود آن است که اهل بيت عليهم السلام در اثر عبادت و استعدادهای ذاتی، تجسم صفات خدا شده اند. از اين رو توحيد مجسّم هستند؛ يعنی توحيد خدا با وجود آنها آشکار شده است. معنای اين سخن که ميان شما و خدا تفاوتی غير از اين نيست که شما بندگان او و مخلوق او هستيد؛ آن است که شما هيچ چيزتان از خودتان نيست. همه چيزتان از خداست. اما به جهت عبادت و بندگی، تبلور صفات او شده ايد. خدا با چشمان شما می بيندو با دستانتان کار می کند و با پاهايتان قدم بر می دارد. همان جمله معروف که عمر درباره علی عليه السلام به آن جوان گناهکار گفته بود: چشم خدا تو را ديد و دست خدا تو را زد!

ظُهُورِهِ وَيَا ظَاهِراً فِي بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ يَا مُفَرِّقاً بَيْنَ النُّورِ وَالـدَّيْجُورِ ای باطن در ظهورش و ای ظاهر در باطنش، ای جدا کننده نور از تاریکی، يَا مَوْصُوفاً بِغَيْرِ كُنْهٍ وَمَعْرُوفاً بِغَيْرِ شِبْهٍ حَادَّ كُلِّ مَحْدُودٍ وَشَاهِدَ كُلِّ ای توصیف شده به غیر باطن و شناخته شده بدون شبیه، ای محدود کننده مَشْهُودٍ وَمُوجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ وَمُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ هر محدود و شاهد هر دیدنی و ایجاد کننده هر موجود و شـمارنده هر شمردنی و معدوم کننده هر معدوم، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ يَا مَنْ لَا يُكَيَّفُ بِكَيْفٍ معبودی غیر از تو که شایسته برتری و جود باشـد، وجود نـدارد. وَلَا يُؤَيَّنُ بِأَيْنٍ يَا مُحْتَجِباً عَنْ كُلِّ عَيْنٍ يَا دَيْمُومُ يَا قَيُّومُ وَعَالِمَ كُلِّ ای کسی که با چگونگی و کجایی سؤال نمی شود. ای پنهان از چشمان، ای دائمی و پایدار مَعْلُومٍ صَلِّ عَلَى عِبَادِكَ الْمُنْتَجَبِينَ وَبَشَرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ وَمَلَائِكَتِكَ و عالم از هر چیزی، بر بنـدگان برگزیده و انسان های پنهان و ملائکه مقرب و حیوانات الْمُقَرَّبِينَ وَبُهْمِ (بُهَمِ) الصَّافِّينَ الْحَافِّينَ وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا بالدار و پیاده و در این ماه گرامی داشـته شده و ماه های حرام بعد از آن، برکتت را الرَّجَبِ الْمُكَرَّمِ وَمَا بَعْدَهُ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرُمِ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ نازل کن و نعمتت را بر ما کامل نما و قسمت ما را از آن زیاد و قسم ما را خوب گردان.

وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسَمَ وَأَبْرِرْ لَنَا فِيهِ الْقَسَمَ بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ قسم به اسم اعظم جلیل و اکرمی که بر روز قرار دادی، روشن شد، بر شب قرار دادی، الْأَکْرَمِ الَّذِی وَضَعْتَهُ عَلَی النَّهَارِ فَأَضَاءَ وَعَلَی اللَّیْلِ فَأَظْلَمَ وَاغْفِرْ لَنَا تاریک شد. هر گناهی را که از ما می دانی و خود ما از آن خبر نداریم، ببخش و ما مَا تَعْلَمُ مِنَّا وَلَا نَعْلَمُ وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَیْرَ الْعِصَمِ وَاکْفِنَا کَوَافِیَ را از گناهان و معاصی حفظ کن. ما را با قدرت خود کفایت کن و به خاطر حسن توجّهات، قَدَرِکَ وَامْنُنْ عَلَیْنَا بِحُسْنِ نَظَرِکَ وَلَا تَکِلْنَا إِلَی غَیْرِکَ وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ ما را مورد عنایت قرار بده و ما را به دیگری وانگذار و از خیراتت، محروم نگردان خَیْرِکَ وَبَارِکْ لَنَا فِیمَا کَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا وَأَصْلِحْ لَنَا خَبِیئَهَ أَسْرَارِنَا و در بقیه عمری که برای ما در نظر گرفته ای، زندگی ما را پر برکت و اسرار پنهانی ما را وَأَعْطِنَا مِنْکَ الْأَمَانَ وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِیمَانِ وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّیَامِ وَمَا حفظ و امنیت عطا کن و ما را در راستای بهترین ایمان ها به کار بگیر و به ماه روزه داری بَعْدَهُ مِنَ الْأَیَّامِ وَالْأَعْوَامِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ.

و ماه های بعد از آن، برسان. ای صاحب جلالت و اکرام.

ص:۲۱۱

دعای بیست و سوم

دعای دیگری از حضرت در ایام ماه رجب(۱)

ازجمله دعاهایی که بنابه نقل عیاشی از حضرت بقیه اللّه صادر شده است و به دست حسین بن روح رحمه الله رسیده است، دعایی است که در روزهای ماه رجب خوانده می شود.

متن دعا:

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِالْمَوْلُودَیْنِ فِی رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الثَّانِی وَابْنِهِ خدایا از تو می خواهم به احترام دو مولود این ماه؛ محمّد تقی علیه السلام و فرزندش علی النقی علیه السلام، عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَیْکَ خَیْرَ الْقُرَبِ یَا مَنْ إِلَیْهِ الْمَعْرُوفُ برگزیده ترین و بهترین قرب ها را بواسطه آنها بر من عطا کنی. ای کسی که خوبی ها به خاطر او درخواست طُلِبَ وَفِیمَا لَدَیْهِ رُغِبَ الْمُنْتَجَبِ أَسْأَلُکَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ و به پاداشی که در نزد اوست، رغبت می شود. درخواست می کنم، مانند درخواست کسی که آلوده به أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَأَوْثَقَتْهُ عُیُوبُهُ فَطَالَ عَلَی الْخَطَایَا دُءُوبُهُ وَمِنَ الرَّزَایَا گناهان است و گناهانش او را هلاک و عیوبش او را به زنجیر بسته است. در خطاها ماندگار و در خُطُوبُهُ یَسْأَلُکَ التَّوْبَهَ وَحُسْنَ الْأَوْبَهِ وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَهِ وَمِنَ النَّارِ آلودگی ها زمین گیر شده است. او از تو درخواست بازگشت و رجوع و فاصله گرفتن از معصیت و آزادی

۱- ۹۴. إقبال الأعمال / ص ۶۴۷ / فصل فیما نذکره من الدعوات؛ البلد الأمین / ص ۱۸۰ / شهر رجب؛ بحارالأنوار / ج ۹۵ / ص ۳۹۳ /باب ۲۳ - أعمال مطلق أیام شهر رجب.

فَکَاکَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمَّا فِی رِبْقَتِهِ فَأَنْتَ یَا مَوْلَایَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ از آتش و گـذشت از همه گناهانش را دارد. از طرفی هم تو ای مولا-یم، بزرگ ترین آرزو و تکیه گـاهش هستی. اَللَّهُمَّ وَأَسْأَلُکَ بِمَسَائِلِکَ الشَّرِیفَهِ وَ(وَسَائِلِکَ) رَسَائِلِکَ الْمُنِیفَهِ أَنْ خـدایا همین طور درخواست می کنم به درخواست های شـریف و دسـتاویزهای محکمت تَتَغَمَّدَنِی فِی هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَهٍ مِنْکَ وَاسِعَهٍ وَنِعْمَهٍ وَازِعَهٍ وَنَفْسٍ بِمَـا که در این مـاه مرا بـا رحمت وسـیع و نعمت بی پایان و نفسـی که تا زمان ورود رَزَقْتَهَا قَانِعَهٍ إِلَی نُزُولِ الْحَافِرَهِ وَمَحَلِّ الْآخِرَهِ وَمَا هِیَ إِلَیْهَا صَائِرَهٌ. به قبر و سرای آخرت، به هر چه روزی اش کنی، قانع باشد، فرا بگیری.

ص:۲۱۳

دعای بیست و چهارم

دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه رجب(۱)

از محمّد بن ابی رواد رواسی نقل شده است که محمّد بن جعفر دهان به من گفت: بیا به مسجد صعصعه برویم؛ زیرا حضرت امیرعلیه السلام در آن نماز خوانده و ائمه هدایت به آنجا تشریف آورده اند. به همین جهت مکان مبارکی است. راه افتادیم و به مسجد رفتیم.

در همان موقعی که ما نماز می خواندیم، مردی از شترش پیاده شد، آن را در سایه بست، و وارد مسجد شد. دو رکعت نماز خواند و با حوصله تمام، آن را طول داد. بعد دست هایش را بلند کرد و دعایی را که در ادامه خواهد آمد، خواند. بعد از دعا، بلند شد و سوار مرکبش شد تا برود. ابو جعفر دهّان به من گفت: نمی خواهی برویم و بپرسیم که او کیست؟ بلند شدیم و پیش او رفتیم.

گفتیم. تو را به خدا قسم می دهیم تو کیستی؟ گفت: به نظر شما ممکن است که من کی باشم؟ دهّان گفت: من فکر می کنم شما حضرت خضر هستید. به من نگاه کرد و گفت: نظر تو چیست؟ گفتم: نظر من هم، همان است که دهّان گفت!

فرمود: به خدا قسم، من کسی هستم که خضر مشتاق دیدار اوست. برگردید من امام زمانتان هستم.

۱- ۹۵. بحارالأنوار / ج ۹۵ / ص ۳۹۱ / باب ۲۳ - أعمال مطلق أيام شهر رجب.

اما متن دعا:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنَنِ السَّابِغَهِ وَالْآلَاءِ الْوَازِعَهِ وَالرَّحْمَهِ الْوَاسِعَهِ وَالْقُدْرَهِ خدایا، ای صاحب عنایت های فراوان و گسترده و قدرت جامع و نعمت های بزرگ الْجَامِعَهِ وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَهِ وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَهِ وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَهِ و عطایای عظیم و هدایای زیبا و با ارزش، ای کسی که با تشبیه به دیگران ستوده نمی شود وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَهِ يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يُغْلَبُ و با یاری دشمنان به همدیگر، شکست نمی خورد. ای کسی که خلق کرد و روزی داد، بِظَهِيرٍ يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَأَلْهَمَ فَأَنْطَقَ وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَعَلَا فَارْتَفَعَ معانی را الهام کرد و سخن گفتن را آموخت، خلقت را آغاز کرد و علوّ یافت و به وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ وَصَوَّرَ فَأَتْقَنَ وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ وَأَعْطَى نیکویی، تقدیرات عالم را تنظیم نمود و کودکان را در شکم مادران به زیبایی ترسیم فَأَجْزَلَ وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ خَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا کرد. حجّتش را ابلاغ و نعمتش را کامل و عطایش را فراوان نمود. ای کسی که در عزّت خود فِي اللُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِي علوّ یافت و از افق دیدها، بالاتر رفت. در لطافت و ظرافت به اندازه ای رسید که افکار به آن راه مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْكِبْرِيَاءِ وَالْآلَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ نیافتند. ای کسی که درملک خود یگانه است و در اوج سلطنتش شریکی برای خود ندارد. در کبریایی

شَأْنِهِ يَا مَنْ حارَتْ فِی کِبْرِیَاءِ هَیْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَانْحَسَرَتْ و بزرگی و نعمت، یکتا شد در نتیجه ضدّی برایش متصور نیست. ای کسی که در عظمت وجودش، دُونَ إِدْرَاکِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَام یَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ دقیق ترین عقل ها و فکرها، سرگردان و متحیّرند و دقیق ترین چشم ها در رؤیت عظمتش، خسته لِهَیْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ وَوَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِیفَتِهِ می شوند و می افتند. ای آنکه چهره ها در برابر هیبتش، خاضع و گردن ها خاشع و دل ها هراسانند. أَسْأَلُکَ بِهَذِهِ الْمِدْحَهِ الَّتِی لَا تَنْبَغِی إِلَّا لَکَ وَبِمَا وَأَیْتَ بِهِ عَلَی در خواست می کنم به خاطر این مدح و ثنایی که شایسته کسی جز تو نیست نَفْسِکَ لِدَاعِیکَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَهَ فِیهِ عَلَی نَفْسِکَ و به خاطر عهدی که بر خود بستی تا دعای مؤمنین را اجابت کنی و به خاطر لِلدَّاعِینَ یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ وَیَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِینَ وَیَا أَنْظَرَ النَّاظِرِینَ ضمانتی که درباره اجابت دعای دعا کنندگان نموده ای، ای شنواترین و بیناترین وَیَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ وَیَا أَحْکَمَ الْحَاکِمِینَ وَیَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. و مراقب ترین و سریع الحساب ترین و حاکم ترین و مهربان ترین مهربانان. صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَعَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ الْأَخْیَارِ بر محمّد که خاتم پیامبران است و خاندانش دورد فرست و در این ماه، از

وَأَنْ تَقْسِمَ لِی فِی شَهْرِنَا هَذَا خَیْرَ مَا قَسَمْتَ وَأَنْ تَحْتِمَ لِی فِی بهترین چیزی که تقسیم کردی، به من نیز عنایت کن و بهترین قضای حتمی خود قَضَائِکَ خَیْرَ مَا حَتَمْتَ وَتَخْتِمَ لِی بِالسَّعَادَهِ فِیمَنْ خَتَمْتَ وَأَحْیِنِی را در مورد عاقبت من قرار بده و عاقبت به خیرم کن. زندگیم را پر برکت و مرگم مَا أَحْیَیْتَنِی مَوْفُوراً وَأَمِتْنِی مَسْرُوراً وَمَغْفُوراً وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِی را با شادی و بخشش همراه ساز. خود متولّی نجات من از سؤالات قبر و برزخ باش مِنْ مُسَاءَلَهِ الْبَرْزَخِ وَادْرَأْ عَنِّی مُنْکَراً وَنَکِیراً وَأَرِ عَیْنِی مُبَشِّراً و نکیر و منکر را از من برگردان و بشیر و مبشّر را به من نشان بده. بازگشت مرا وَبَشِیراً وَاجْعَلْ لِی إِلَی رِضْوَانِکَ وَجِنَانِکَ مَصِیراً وَعَیْشاً قَرِیراً وَمُلْکاً به بهشت رضوان قرار ده و عیش و ملک بزرگی را عنایت فرما و صبحگاهان کَبِیراً وَصَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بُکْرَهً وَأَصِیلًا یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. و شبانگاهان، بر محمّد و خاندانش سلام و درود فرست. ای مهربان ترین مهربانان. سپس می گویی:

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِعَقْدِ عِزِّکَ عَلَی أَرْکَانِ عَرْشِکَ وَمُنْتَهَی رَحْمَتِکَ مِنْ خدایا، تو را به گره های عزتت که بر پایه های عرش خورده اند و نهایت رحتمی که در قرآن کِتَابِکَ وَاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَذِکْرِکَ الْأَعْلَی الْأَعْلَی وَکَلِمَاتِکَ وعده داده ای و اسم اعظم عظیم و ذکر بلند و اعلی و همه مخلوقات کاملت، قسم می دهم که بر

التَّامَّاتِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَسْأَلُکَ مَا کَانَ أَوْفَی محمّد و خانـدانش درود فرستی. همین طور هر چیزی را که به عهـد تو وفا کننـده تر و حقّت را بِعَهْدِکَ وَأَقْضَی لِحَقِّکَ وَأَرْضَی لِنَفْسِکَ وَخَیْراً لِی فِی الْمَعَادِ عِنْدَکَ ادا کننده تر و راضـی کننـده خـودت و خیر من برای حضـور و بـازگشت به سـوی تـو باشـد، درخـواست وَالْمَعَادِ إِلَیْکَ أَنْ تُعْطِیَنِی جَمِیعَ مَا أُحِبُّ وَتَصْرِفَ عَنِّی جَمِیعَ مَا می کنم. خـدایا هر چیزی را که دوست دارم به من عطا کن و هر چه را که از آن بـدم می آیـد، أَکْرَهُ إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. از من دور ساز؛ چرا که تو بر هر چیزی توانایی داری. با رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

ص:۲۱۸

دعای بیست و پنجم

زیارت قبور ائمه علیهم السلام در ماه رجب(۱)

خیر بن عبداللَّه از ابوالقاسم بن روح رحمه الله نقل می کند که فرمود: اگر در ماه رجب به زیارت حضرات معصومین علیهم السلام رفتی، این طور زیارت کن:

الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِیَائِهِ فِی رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَیْنَا مِنْ خدا را ثنا می گویم که توفیق زیارت اولیای خودش را در ماه رجب نصیبیم کرد و آنچه را که از حقّ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَصَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَعَلَی أَوْصِیَائِهِ الْحُجُبِ ایشان بر من واجب بود، واجب ساخت و صلوات خدا بر محمّد برگزیده و جانشینان و حافظان دینش. اللَّهُمَّ فَکَمَا أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ خدایا، همان طور که توفیق زیارتشان را روزیم کردی، وعده شان غَیْرَ مُحَلَّئِینَ عَنْ وِرْدٍ فِی دَارِ الْمُقَامَهِ وَالْخُلْدِ. وَ اَلسَّلَام عَلَیْکُمْ را محقق کن و ما را در محل آنان در بهشت وارد کن. و سلام بر شما، إِنِّی قَدْ قَصَدْتُکُمْ وَاعْتَمَدْتُکُمْ بِمَسْأَلَتِی وَحَاجَتِی وَ هِیَ فَکَاکُ که شما را قصد کردم و در درخواست ها و نیازهایم به شما تکیه کردم.

ص:۲۱۹

۱- ۹۶. إقبال الأعمال / ص ۶۳۱ / فصل فیما نذکره من زیاره مختصه بشهر رجب؛ مصباح المتهجّد / ص ۸۲۱ / زیاره رواها ابن عیاش؛ بحارالأنوار / ج ۹۹ / ص ۱۹۵ / باب ۸ - الزیاره الجامعه.

رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَکَمْ فِی دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شِیعَتِکَمُ الْأَبْرَارِ. نیازهایم عبارتند از: آزادیم از آتش و همراهی شما و شیعیانتان در بهشت. وَاَلسَّلَام عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ أَنَا سَائِلُکُمْ وَآمِلُکُمْ سلام بر شما به خاطر صبرتان، که عاقبت نیکو برای صابران است. از شما در آنچه که به شما فِیما إِلَیْکُمْ فِیهِ التَّفْوِیضُ وَعَلَیْکُمُ التَّعْوِیضُ فَبِکُمْ یُجْبَرُ الْمَهِیضُ سپرده شده و یا قدرت تعویض دارید، آروزمندم. شکسته با شما بهبود می یابد و مریض وَیُشْفَی الْمَرِیضُ وَعِنْدَکُمْ مَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِیضُ إِنِّی بِسِرِّکُمْ از شما شفا می گیرد. شما می توانید محبّت میان ارحام را افزایش و یا کاهش دهید. من به مُؤْمِنٌ وَلِقَوْلِکُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَی اللَّهِ بِکُمْ مُقْسِمٌ فِی رَجْعَتِی بِحَوَائِجِی سرّ شما ایمان دارم و سخنتان را می پذیرم و با شما خدا را قسم می دهم که در بازگشت از خانه شما، وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا وَبِشُئُونِی لَدَیْکُمْ وَصَلَاحِهَا. حوائجم برآورده شده و حتمیت یافته و از مشکلات نجات یابم و در تمام شئون زندگیم به صلاح برسم. وَ اَلسَّلَام عَلَیْکُمْ سَلَامَ مُوَدِّعٍ وَلَکُمْ حَوَائِجَهُ مُودِعٌ یَسْأَلُ اللَّهَ إِلَیْکُمُ سلام بر شما، سلام کسی که وداع می کند و حوائجش را نزد شما به امانت می سپارد. الْمَرْجِعَ وَسَعْیُهُ إِلَیْکُمْ غَیْرَ مُنْقَطِعٍ وَأَنْ یُرْجِعَنِی مِنْ حَضْرَتِکُمْ خَیْرَ از خدا توفیق مراجعت به نزدتان را می خواهم. همین طور مرا از خدمتتان به

مَرْجِعٍ إِلَى جِنَابٍ مُمْرِعٍ وَخَفْضٍ مُوَسَّعٍ وَدَعَةٍ وَ مَهَلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ بهترین محلی که سرشار از نعمت و وسیع است تا روز مرگم، ببرد وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ فِی النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَدَوَامِ الْأُكُلِ و بهترین بازگشتگاه و محل نعمت و ابدیّت و زندگی مورد قبول و خوردن وَ شُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ وَعَلٍّ وَنَهَلٍ لَا سَأَمَ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ دائمی و نوشیدن از رحیق و سلسبیل و علّ و نهل را عنایت فرمایـد، که وَ بَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ حَتَّى الْعَوْدِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِی كَرَّتِكُمْ. هیچ ناراحتی در آنها نیست. تا اینکه به خدمت شما برسم و در زمره شما وَالْحَشْرِ فِی زُمْرَتِكُمْ وَ اَلسَّلَام عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ محشور شوم. سلام و رحمت خدا و برکاتش و صلوات و تحیّاتش بر شما باد. وَتَحِيَّاتُهُ. وَ هُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

او ما را کفایت می کند و بهترین وکیل است.

ص:۲۲۱

دعای بیست و ششم

دعای افتتاح در شب های ماه مبارک رمضان(۱)

محمّد بن محمّد بن نصر سکونی رحمه الله نقل می کند که از ابوبکر احمد بن محمّد بن عثمان بغدادی خواستم تا دعاهایی را که عمویش محمّد بن عثمان عمری رحمه الله در ماه رمضان با آنها دعا می کرد، به من بدهد. او نیز دفتری با جلد سرخ را به من داد. من از روی آن دعاهای زیادی را نوشتم. از جمله آن دعاها که در همه شب های ماه رمضان خوانده می شود، دعای افتتاح است. آن را ملائکه می شنوند و برای خواننده اش، استغفار می کنند.

متن دعا:

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَفْتَتِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِکَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّکَ وَأَیْقَنْتُ خدایا، ثنایت را با ستایشت آغاز می کنم. تو با عنایت خود، خوبی ها را تثبیت می کنی. أَنَّکَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ فِی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَهِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِینَ فِی مَوْضِعِ یقین دارم که در موقع عفو، مهربان ترین مهربانانی. همان طور که در موقع عذاب

۱- ۹۷. إقبال الأعمال / ص ۵۸ / فصل فیما نذکره من دعاء الافتتاح؛ تهذیب الأحکام / ج ۳ / ص ۱۰۸ / دعاء أوّل یوم من شهر رمضان.

النَّکَالِ وَالنَّقِمَهِ وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِینَ فِی مَوْضِعِ الْکِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَهِ. شدیـدترین عقاب کننـدگانی و در موقع عظمت و بزرگی، عظیم ترین متکبران هستی. اَللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِی فِی دُعَائِکَ وَمَسْأَلَتِکَ فَاسْـمَعْ یَا سَـمِیعُ مِدْحَتِی وَأَجِبْ خدایا خود، اجازه دعا و درخواست داده ای، پس ای شـنوا به مـدح و ثنـایم گوش بـده، ای مهربـان، یَا رَحِیمُ دَعْوَتِی وَأَقِلْ یَا غَفُورُ عَثْرَتِی فَکَمْ یَا إِلَهِی مِنْ کُرْبَهٍ قَدْ دعایم را مستجاب کن. ای بخشـنده، جلوی لغزش هایم را بگیر. ای خـدای من، تا کنون چقـدر گرفتاری ها فَرَّجْتَهَا وَهُمُوم قَدْ کَشَفْتَهَا وَعَثْرَهٍ قَدْ أَقَلْتَهَا وَرَحْمَهٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلْقَهِ که برایم گشودی و چقدر ناراحتی ها که برطرف کردی و لغزش ها که حفظ کردی و رحمت ها که منتشر بَلَاءٍ قَدْ فَکَکْتَهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَهً وَلَا وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ کردی و حلقه های بلا که دفع کردی. حمد و ثنا خدایی را سزاست که همراه و فرزندی ندارد لَهُ شَـرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیراً. و شـریکی در ملک و سـرپرستی در ذلت ها نـدارد. او را بزرگ تر از آنکه سـتایش شود، می دانم. الْحَمْـدُ لِلَّهِ بِجَمِیعِ مَحَامِدِهِ کُلِّهَا عَلَی جَمِیعِ نِعَمِهِ کُلِّهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی حمد و سپاس خدا را، با همه اوصافش و بر همه نعمتهایش. حمد خدایی را که در لَا مُضَادَّ لَهُ فِی مُلْکِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِی أَمْرِهِ الْحَمْـدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا شَـرِیکَ ملک خود ضـدی نـدارد و در اراده اش، مخالفی نیست. حمد خدایی را که شریکی در خلقت

لَهُ فِی خَلْقِهِ وَلَا شَبِیهَ لَهُ فِی عَظَمَتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِی فِی الْخَلْقِ أَمْرُهُ و شبیهی در عظمت ندارد. حمد خدایی را که اراده اش را در خلقت فاش کرده وَحَمْدُهُ الظَّاهِرِ بِالْکَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ یَدَهُ الَّذِی لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ و شکوهش در کرامتش ظاهر شده و دستش در جود باز گشته است. کسی که خزائنش کم وَلَا یَبِیدُ مُلْکُهُ وَلَا تَزِیدُهُ کَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُوداً وَکَرَماً إِنَّهُ هُوَ الْعَزِیزُ الْوَهَّابُ. و ملکش از بین نمی رود و کثرت عطایا، سخاوتش را بیشتر می کند. آری او عزیز و بخشنده است. اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ قَلِیلاً مِنْ کَثِیرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِی إِلَیْهِ عَظِیمَةٍ وَغِنَاکَ عَنْهُ خدایا، من از جود فراوان تو ،تنها کمی را درخواست می کنم. آنهم با همه نیاز من و بی نیازی تو قَدِیمٌ وَهُوَ عِنْدِی کَثِیرٌ وَهُوَ عَلَیْکَ سَهْلٌ یَسِیرٌ.اَللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَکَ عَنْ ذَنْبِی از آن. آن حاجت برای من بسیار و برای تو آسان است و کوچک است. خدایا، عفوت وَتَجَاوُزَکَ عَنْ خَطِیئَتِی وَصَفْحَکَ عَنْ ظُلْمِی وَسَتْرَکَ عَلَی قَبِیحِ عَمَلِی از گناهانم و گذشتت از خطاها و ظلم هایم و پوشانیدن اعمال بدم و بردباریت وَحِلْمَکَ عَنْ کَثِیرِ جُرْمِی عِنْدَ مَا کَانَ مِنْ خَطَئِی وَعَمْدِی أَطْمَعَنِی فِی در برابر جرم های فراوانم، مرا به طمع انداخته تا از تو چیزهایی را بخواهم أَنْ أَسْأَلَکَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْکَ الَّذِی رَزَقْتَنِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَأَرَیْتَنِی مِنْ که شایسته آنها نیستم. تویی که از رحمت خود روزی ام دادی و قدرتت را نشانم دادی

ص:۲۲۴

قُدْرَتِکَ وَعَرَّفْتَنِی مِنْ إِجَابَتِکَ فَصِرْتُ أَدْعُوکَ آمِناً وَأَسْأَلُکَ مُسْتَأْنِساً و اجابتت را برایم روشن ساختی. با امنیت خاطر و انس دعا می کنم. نه با ترس و وحشت. لَاخَائِفاً وَلَا وَجِلًا مُدِلًّا عَلَیْکَ فِیما قَصَدْتُ فِیهِ إِلَیْکَ فَإِنْ أَبْطَأَ نیّت خود را به آسانی بیان می کنم. اگر دیر اجابت کنی، از سر نادانی، سرزنش می کنم. عَنِّی عَتَبْتُ بِجَهْلِی عَلَیْکَ وَلَعَلَّ الَّذِی أَبْطَأَ عَنِّی هُوَ خَیْرٌ لِی لِعِلْمِکَ در حالی که شاید دیر شدن اجابت به صلاح من باشد؛ زیرا تو از عاقبت امور آگاهی. بِعَاقِبَهِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرَ مَوْلًی کَرِیماً أَصْبَرَ عَلَی عَبْدٍ لَئِیم مِنْکَ عَلَیَّ. مولایی به بزرگواری تو که بر بنده پستی مانند من تا این حد صبر کند، نمی شناسم. یَا رَبِّ إِنَّکَ تَدْعُونِی فَأُوَلِّی عَنْکَ وَتَتَحَبَّبُ إِلَیَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَیْکَ پروردگارا، تو مرا می خوانی و من از تو روی می گردانم. تو اظهار محبّت می کنی و من رفتار وَتَتَوَدَّدُ إِلَیَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْکَ کَأَنَّ لِیَ التَّطَوُّلَ عَلَیْکَ فَلَمْ یَمْنَعْکَ ذَلِکَ دشمنانه پیش می گیرم. تو با من دوستی می کنی و من قبول نمی کنم. گویا این منم که در حقّ مِنَ الرَّحْمَهِ بِی وَالْإِحْسَانِ إِلَیَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَیَّ بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ تو لطف می کنم. اما تو را بنگر، که همه این بی ادبی ها مانع از احسان و آقایی تو فَارْحَمْ عَبْدَکَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَیْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِکَ إِنَّکَ جَوَادٌ کَرِیمٌ. نمی شود. خدایا، بر بنده جاهلت رحم کن و با احسانت با او رفتار کن. تو جواد و بزرگواری.

ص:۲۲۵

الْحَمْدُ للَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِی الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّیَاحِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ حمد برای خدایی است که مالک مُلک، حرکت دهنده کشتی ها، تسخیر کننده بادها، دَیَّانِ الدِّینِ رَبِّ الْعَالَمِینَ الْحَمْدُ للَّهِ عَلَی حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ طلوع دهنده فجر، قانونگذار دین و پروردگار عالمیان. حمد خدا را، به خاطر حلم بعد از عَلَی عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ عَلَی طُولِ أَنَاتِهِ فِی غَضَبِهِ وَهُوَ آگاهی، عفو بعد از قدرت، مهلت دادن بعد از غضب، او که بر هر کاری که بخواهد تواناست. الْقَادِرُ عَلَی مَا یُرِیدُ الْحَمْدُ للَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ وَبَاسِطِ الرِّزْقِ ذِی الْجَلَالِ حمد خدایی را که خالق مخلوقات و گسترنده سفره، روزی و صاحب جلالت و کرامت است. وَالْإِکْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ الَّذِی بَعُدَ فَلَا یُرَی وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوَی کسی که دور می شود و دیده نمی شود. نزدیک می شود و زمزمه ها را می شنود. او که تَبَارَکَ وَتَعَالَی الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی لَیْسَ لَهُ مُنَازِعٌ یُعَادِلُهُ وَلَا شَبِیهٌ یُشَاکِلُهُ واسع و متعالی است. حمد خدایی را که منازعی ندارد تا همترازی کند. شبیهی ندارد وَلَا ظَهِیرٌ یُعَاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعِزَّاءَ وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءُ فَبَلَغَ تا همشکلی کند. یاوری ندارد تا کمک کند. با عزّت خود، بر عزیزان عالم غالب شده بِقُدْرَتِهِ مَا یَشَاءُ الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی یُجِیبُنِی حِینَ أُنَادِیهِ وَیَسْتُرُ عَلَیَّ کُلَّ و در برابر عظمتش، بزرگان عالم تواضع کرده اند. او که با قدرتش به خواسته هایش

ص:۲۲۶

عَوْرَهٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ وَيُعَظِّمُ النِّعْمَهَ عَلَیَّ فَلَا أَجَازِیهِ فَکَمْ مِنْ مَوْهِبَهٍ رسیده است. حمد خدایی را که هر وقت بخوانم، اجابتم می کند و با اینکه معصیت کارم، هَنِیئَهٍ قَدْ أَعْطَانِی وَعَظِیمَهٍ مَخُوفَهٍ قَدْ کَفَانِی وَبَهْجَهٍ مُونِقَهٍ قَدْ أَرَانِی بدیهایم را می پوشاند. نعمت های فراوانی می دهد، در حالی که من چیزی در مقابلشان فَأُثْنِی عَلَیْهِ حَامِداً وَأَذْکُرُهُ مُسَبِّحاً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یُهْتَکُ حِجَابُهُ به او نمی دهم. چقدر مواهب گوارایی که عطا کرده و ترس های بزرگی که وَلَا یُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا یُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا یُخَیَّبُ آمِلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی یُؤْمِنُ برطرف کرده و شادی و سروری که نشانم داده، پس او را ستایش و تسبیح الْخَائِفِینَ وَیُنَجِّی الصَّادِقِینَ وَیَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِینَ وَیَضَعُ الْمُسْتَکْبِرِینَ می گویم. حمد خدایی را که کوبنده متکبرین و ظالمان، گیرنده فرار کنندگان، وَیُهْلِکُ مُلُوکاً وَیَسْتَخْلِفُ آخَرِینَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِینَ مُبِیرِ عذاب دهنده ظالمان و فریادرس مظلومان، برآورنده حاجات طالبان، مورد الظَّلَمَهِ مُدْرِکِ الْهَارِبِینَ نَکَالِ الظَّالِمِینَ صَرِیخِ الْمُسْتَصْرِخِینَ مَوْضِعِ اعتماد مؤمنان است. حمد خدایی را که از ترسش، آسمان و سکان آن دچار رعد حَاجَاتِ الطَّالِبِینَ مُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنِینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مِنْ خَشْیَتِهِ و برق می شود و زمین و عمارت های آن، می لرزد و دریاها و تمام آنچه که

تَرْعُدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ وَعُمَّارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارُ در اعماق آن خدا را تسبیح می گویند، دچار موج می شوند. حمد خدایی را که وَمَنْ يَسْبَحُ فِي غَمَرَاتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ وَيَرْزُقُ خلق می کند ولی خلق نمی شود. روزی می دهد و داده نمی شود. می خوراند ولی وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى خورانده نمی شود. زنده ها را می میراند و مرده ها را زنده می کند. در حالی که خود، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ. زنده ای است که نمی میرد و همه خیرات عالم به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ خدایا، بر محمّد، بنده و فرستاده و امین و برگزیده و دوست و منتخب وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ و حافظ اسرار و رساننده پیغامها، بهترین و کامل ترین و زیباترین وَأَكْمَلَ وَأَجْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا و پاکترین و رشد کننده ترین و بیشتر از آنچه که صلوات و برکات صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ و ترحمات و مهربانی ها و سلام ها را بر احدی از بندگان و انبیاء

وَأَنْبِیائِکَ وَرُسُلِکَ وَصَفْوَتِکَ وَأَهْلِ الْکَرَامَهِ عَلَیْکَ مِنْ خَلْقِکَ و پیامبران و منتخبان و محترمین خلقت، فرستاده ای بر او فرست. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیٍّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَوَصِیِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِینَ خدایا، بر علی امیر مؤمنان و جانشین رسول خدا و بر صدّیقه طاهره وَعَلَی الصِّدِّیقَهِ الطَّاهِرَهِ فَاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَصَلِّ فاطمه سرور زنان عالم، درود فرست. خدایا، بر دو نوه پیامبر عَلَی سِبْطَیِ الرَّحْمَهِ وَإِمَامَیِ الْهُدَی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ و دو امام هدایت، حسن و حسین، سرور جوانان اهل بهشت درود شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ وَصَلِّ عَلَی أَئِمَّهِ الْمُسْلِمِینَ و سلام فرست. خدایا، بر امامان مسلمانان، حجّت های تو در میان بندگان حُجَجِکَ عَلَی عِبَادِکَ وَأُمَنَائِکَ فِی بِلَادِکَ صَلَاهً کَثِیرَهً دَائِمَهً. و امینان تو در شهرهایت، سلام و درود فراوان و دائمی بفرست. اَللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَی وَلِیِّ أَمْرِکَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ خدایا، همین طور بر ولیّ امرت، قائم آرزو شده و عدل مورد انتظار درود فرست و او را احْفُفْهُ بِمَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ وَأَیِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ. با ملائکه مقرب خود احاطه کن و با روح القدس تقویتش کن. ای پروردگار عالمیان.

ص:۲۲۹

اَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الـدَّاعِیَ إِلَی کِتَابِکَ وَالْقَائِمَ بِدِینِکَ اسْتَخْلِفْهُ فِی الْأَرْضِ خـدایا، او را خواننـده به سوی کتابت و برپا کننده دینت، قرار بده و او را در زمین جانشـین خودت بکن. کَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِ مَکِّنْ لَهُ دِینَهُ الَّذِی ارْتَضَیْتَهُ لَهُ أَبْدِلْهُ همان طور که ائمه قبل از او را جانشـین کردی. خـدایا در اجرای دینش قدرت بده و خوفش را با امنیت مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْناً یَعْبُدُکَ لَا یُشْرِکُ بِکَ شَیْئاً. اَللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعْزِزْ بِهِ جایگزین کن تا تو را با اخلاص بندگی کند. خدایا، او را عزیز گردان و با او دینت را عزیز کن. وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزِیزاً وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً عَظِیماً. او را یاری کن و با او دینت را یاری گردان. او را عزیزانه یاری کن و فتـح عظیمی را برایش رقم بزن. اَللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِینَکَ وَمِلَّهَ نَبِیِّکَ حَتَّی لَا یَسْتَخْفِیَ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْحَقِّ خدایا، دین خود و مکتب نبیّت را بـا او ظـاهر کن، تا از اظهار هیـچ حقی تقیه نکنـد. مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اَللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ تُعِزُّ بِهَا خدایا، دولت کریمه ای را می خواهیم که اسـلام و مسـلمین را با آن عزّت بخشـی و نفاق الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِیهَا مِنَ الـدُّعَاهِ و اهلش را ذلیل کنی و ما را در آن دولت، از داعیان به اطاعت و سـرسپردگی إِلَی طَاعَتِکَ وَالْقَادَهِ إِلَی سَبِیلِکَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا کَرَامَهَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ. در راحت قرار دهی و با آن دولت، بزرگواری دنیا و آخرت را روزیمان کنی.

ص:۲۳۰

اَللَّهُمَّ مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ. خدایا، آنچه که از حقّ به ما نشان دادی، عامل به آن کن و اگر قصور کردیم، توفیق بده. اَللَّهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعْثَنَا وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا خدایا، با ظهور او پراکندگیمان را وحدت و شکافهایمان را پر و بریدگی هایمان را پیوند و کمی ما را زیاد وَأَعِزَّ بِهِ ذِلَّتَنَا وَأَغْنِ بِهِ عَائِلَنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا و ذلتمان را عزّت و نیازمندانمان را بی نیاز و بدهکارانمان را بی قرض و فقرمان را جبران و شکافهایمان را وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَفُكَّ بِهِ أَسْرَنَا محکم و سختی هایمان را آسان و رو سیاهیمان را رو سفیدی و اسیرانمان را آزاد و آرزوهایمان را وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ برآورده و وعده هایمان را محقق و دعاهایمان را مستجاب و بیش از خواسته هایمان عطا کن. ای بهترین فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا درخواست شده و وسیع ترین عطاکنندگان، با ظهورش سینه های ما را شفا و عصبانیّت جان هایمان را وَأَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي آرام کن و ما را در مواردی از حقّ که مورد اختلاف است، هدایت کن؛ زیرا تو هر کسی را که بخواهی به راه مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. راست هدایت می کنی. ما را در برابر دشمن خودت و ما، یاری کن. معبود حق، دعایمان را مستجاب کن.

ص:۲۳۱

اَللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَهَ إِمَامِنَا وَكَثْرَهَ عَدُوِّنَا وَشِدَّهَ الْفِتَنِ خدایا، ما از نبودن پیامبر و غیبت امام و زیادی دشمنان و شدّت گرفتاری ها و فتنه های بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ دشمنان و غلبه زمان، شکایت می کنیم. بر محمّد و خاندانش درود فرست و بر این گرفتاری ها بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ فائق آور با یک پیروزی از جانب تو که سریع باشد و سلطنت حقی که آشکارش کنی و رحمتی وَرَحْمَهٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَهٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. که به ما نشان دهی و عافیتی که بر تنمان بپوشانی. با رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

ص:۲۳۲

دعای بیست و هفتم

دعای دیگری در هر شب از ماه مبارک رمضان(۱)

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِکَ فِی الصَّالِحِینَ فَأَدْخِلْنَا وَفِی عِلِّیِّینَ فَارْفَعْنَا وَبِكَأْسٍ خدایا، بواسطه رحمتت ما را در زمرمه صالحان وارد کن و به مقام علّیین بالا ـ ببر مِنْ مَعِینٍ مِنْ عَیْنٍ سَلْسَبِیلٍ فَأَسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِینِ بِرَحْمَتِکَ فَزَوِّجْنَا و با کاسه ای، از آب زلال چشمه سلسبیل سیراب کن و از حورالعین تزویج نما وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِینَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ و از پسران ماندگار بهشتی که مانند لولو می درخشند، برایمان خادم و از میوه های بهشت وَلُحُومِ الطَّیْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِیَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِیرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ و گوشت های پرندگان آن، غدا و از لباس های زخیم و نازک حریر برایمان لباس قرار بده. فَأَلْبِسْنَا. وَلَیْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَیْتِکَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِی سَبِیلِکَ مَعَ وَلِیِّکَ توفیق درک شب قدر و حج بیت اللّه الحرام و شهادت در راه خودت را به همراه ولیّت عنایت فرما. فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَهَ فَاسْتَجِبْ لَنَا یَا خَالِقَنَا اسْمَعْ دعاهای صالح و درخواست های خوبمان را اجابت کن. ای خالق ما، دعاهایمان را بشنو وَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَارْحَمْنَا و مستجاب کن. زمانی که اوّلین و آخرین را در روز رستاخیز جمع کردی، به ما رحم کن.

۱- ۹۸. الاقبال / ص ۶۱ - دعاء آخر فی کل لیله منه.

وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَأَمَاناً مِنَ الْعَذَابِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِی جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا نجات از آتش و امان از آن را برایمان ثبت کن. در جهنم واردم منما وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تُقْرِنَّا وَفِی هَوَانِکَ وَعَذَابِکَ فَلَا تَقْلِبْنَا و با شیاطین همنشین ننما. در خواری و عذابت، ما را نگردان. وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَفِی النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا. از زقّوم و چرک های دوزخ نخوران. با صورت ما را در دوزخ نینداز. وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ از لباس های آتشین و مس های گداخته نپوشان. ای کسی که جز تو خدایی نیست، إِلَّا أَنْتَ بِحَقّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا.

به حقّ خودت ما را نجات بده.

ص:۲۳۴

دعای بیست و هشتم

دعای امام زمان علیه السلام بعد از نماز صبح روز عید فطر(۱)

سکری رحمه الله نقل می کند که از احمد بن محمّد بن عثمان بغدادی خواستم تا از دعاهای ماه رمضان در اختیارم قرار دهد. از آن دعاهایی که عمویش محمّد بن عثمان عمری می خواند. او نیز دفتری که جلد سرخی داشت، بیرون آورد. در آن دعاهای ماه مبارک رمضان وجود داشت که از جمله آنها دعای بعد از نماز صبح روز عید فطر بود.

متن دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّی تَوَجَّهْتُ إِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ أَمَامِی وَعَلِیٍّ وَجَعْفَرٍ مِنْ خَلْفِی وَعَنْ خدایا، متوجّه تو شدم با محمّدصلی الله علیه وآله از جلو و علی و جعفرعلیهما السلام از پشت سر و از راستم و سایر امامانم علیهم السلام یَمِینِی وَأَئِمَّتِی عَنْ یَسَارِی أَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِکَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ زُلْفَی از سمت چپم. به وسیله آنها خودم را از عذابت استتار می کنم و تقربی را می خواهم که احدی لَا أَجِدُ أَحَداً أَقْرَبَ إِلَیْکَ مِنْهُمْ فَهُمْ أَئِمَّتِی فَآمِنْ بِهِمْ خَوْفِی مِنْ نزدیک تر از آن نیست. آنها امامان من هستند، به آنها مرا از خوف عذابت ایمن کن و با

ص:۲۳۵

۱- ۹۹. إقبال الأعمال / ص ۲۷۵ / فصل فیما نذکره من صلاه الفجر یوم الفطر؛ بحارالأنوار / ج ۸۸ / ص ۱ / باب ۲؛ أدعیه عید الفطر؛ مصباح المتهجّد / ص ۶۵۵ / الدعاء بعد صلاه العید.

عِقَابِکَ وَسَخَطِکَ وَأَدْخِلْنِی بِرَحْمَتِکَ فِی عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ أَصْبَحْتُ رحمت خود در میان بندگان صالحت داخل گردان. در حالی صبح کردم که به خدا مؤمن و مخلص بِاللَّهِ مُؤْمِناً مُخْلِصاً عَلَی دِینِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلَی دِینِ عَلِیٍّ وَسُنَّتِهِ هستم و بر دین محمّد و سنّت او و بر دین علی و سنّت او و بر دین جانشینان او و سنّت های وَعَلَی دِینِ الْأَوْصِیَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِیَتِهِمْ وَأَرْغَبُ إِلَی ایشان می باشم. من به نهان و آشکار ایشان ایمان دارم و به همان چیزی که محمّد و علی اللَّهِ فِیمَا رَغِبَ فِیهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَالْأَوْصِیَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ و جانشینانشان در آنها رغبت نشان دادند، رغبت نشان می دهم. مانع و قدرتی غیر از خدا نیست. وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِیزِ الْجَبَّارِ هیچ عزّت و ممانعت و سلطنتی برای غیر خدای یکتای قهّار عزیز و متکبر نیست. بر او تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ توکّل می کنم؛ زیرا هر کسی که بر او توکّل کند، خدا کفایتش می کند و به خواسته اش می رساند. اَللَّهُمَّ إِنِّی أُرِیدُکَ فَأَرِدْنِی وَأَطْلُبُ مَا عِنْدَکَ فَیَسِّرْهُ لِی وَاقْضِ لِی خدایا، من تو را می خواهم، تو هم مرا بخواه. ثوابت را می خواهم، آن را برایم آسان حَوَائِجِی فَإِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِی أُنْزِلَ گردان و نیازهایم را برآورده ساز. تو خود در قرآن فرمودی: «ماه رمضان ماهی

ص:۲۳۶

فِيهِ الْقُرْآنُ هُـدىً لِلنَّاسِ وَبَيِّنـاتٍ مِنَ الْهُـدى وَ الْفُرْقـانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ است که قرآن در آن برای هـدایت انسان ها و روشـنگری نازل شده است.»(۱) آری شَـهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَصْـتَهُ وَعَظَّمْتَهُ بِتَصْيِيرِكَ حرمت ماه مبارک رمضان را به خاطر نزول قرآن و اختصاص آن به شب قـدر فِيهِ لَيْلَةَ الْقَـدْرِ فَقُلْتَ لَيْلَةُ الْقَـدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَـهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ بزرگ داشتی و فرمودی: «شب قـدر بهتر از هزار مـاه است و ملائکه و روح بـا وَالرُّوحُ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَـلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ. اجازه خـدا در آن شب تا طلوع فجر برای تقدیر همه کارها نازل می شوند.»(۲) اَللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ خدایا، این ماه رمضان هم تمام شد و از آن خارج شدم به آنچه که صِرْتُ مِنْهُ يَا إِلَهِي إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَأَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنْ تو بهتر می دانی پس درخواست می کنم خدایا، با آن نام هایی درخواست می کنم عَدَدِي فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَـا سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَـلِّيَ که بنـدگان صالحت با آنها تو را صـدا زدنـد تا بر محمّـد خانـدان عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَتَقَبَّلَ مِنِّي مَا تَقَرَّبْتُ و اهل بیت او صلوات بفرستی و همه اعمالی که قصد تقرّب داشتم، بپذیری

۱- ۱۰۰. بقره / ۱۸۵.

۲- ۱۰۱. سوره قدر.

بِهِ إِلَيْكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ عَمَلِي وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرُبَاتِي و با مضاعف كردن اعمال و قبول تقرّب و اعمالم و استجابت دعاهايم، وَاسْتِجَابَهِ دُعَائِي وَهَبْ لِي مِنْكَ عِتْقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَمُنَّ عَلَيَّ بر من تفضّل و عنايت كنى و آزادى از آتش را بر من ببخشى و رسيدن بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّهِ وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فَزَعٍ وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعْدَدْتَهُ به بهشت را روزى گردانى و در روز رستاخيز از هر ترس و صحنه لِيَوْمِ الْقِيَامَهِ أَعُوذُ بِحُرْمَهِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَحُرْمَهِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَهِ هولناكى كه براى قيامت در نظر گرفته اى، امان دهى. خدايا، به جمال الصَّالِحِينَ أَنْ يَنْصَرِمَ هَذَا الْيَوْمُ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَهٌ تُرِيدُ أَنْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا كرامتت پناه مى برم. از اينكه اين روز هم بگذرد اما لغزش و گناهى أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهِ وَتُشْقِيَنِي وَتَفْضَحَنِي بِهِ أَوْ خَطِيئَهٌ تُرِيدُ نبخشيده بماند و فرداى قيامت مرا با آن مؤاخذه و عذاب كنى و آبرويم أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَهِ وَجْهِكَ را ببرى. از تو به حرمت جمال كريمانه ات كه هر چه را اراده كند، الْكَرِيمِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الَّذِي يَقُولُ لِلشَّيْ ءِ كُنْ فَيَكُونُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. انجام مى دهد و كن فيكون مى كند، درخواست بخشش دارم.

ص:۲۳۸

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنْ کُنْتَ رَضِیتَ عَنِّی فِی هَذَا الشَّهْرِ خدایا، به حرمت لا اِله اِلّا اللّه درخواست می کنم که اگر در این ماه أَنْ تَزِیدَنِی فِیمَا بَقِیَ مِنْ عُمُرِی رِضًا وَإِنْ کُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّی فِی هَذَا از من راضی بودی، رضایتت را در مابقی عمرم، بیشتر کن. اما اگر الشَّهْرِ فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّی السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَاجْعَلْنِی فِی راضی نبودی، همین الآن همین الآن، همین الآن، راضی شو. و همین الآن هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِی هَذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عُتَقَائِکَ مِنَ النَّارِ وَطُلَقَائِکَ مِنْ و همین جایی که نشسته ام مرا از آزاد شدگان دوزخ قرار بده. از آنان جَهَنَّمَ وَسُعَدَاءِ خَلْقِکَ بِمَغْفِرَتِکَ وَرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. که به سعادت مغفرت و بخشایش نایل شدند. ای مهربان ترین مهربانان. اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحُرْمَةِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ أَنْ تَجْعَلَ شَهْرِی هَذَا خدایا، به حرمت جمال کریمانه ات، درخواست می کنم که این ماه را از آغاز آفرینشم، خَیْرَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَبَدْتُکَ فِیهِ وَصُمْتُهُ لَکَ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَیْکَ مُنْذُ بهترین رمضانی قرار بده که تو را پرستیده ام و روزه گرفته و تقرّب جسته ام. آن را أَسْکَنْتَنِی الْأَرْضَ أَعْظَمَهُ أَجْراً وَأَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعَمَّهُ عَافِیَةً مأجورترین و سرشارترین از نعمت و شامل ترین از عافیت و واسع ترین از روزی

وَأَوْسَعَهُ رِزْقاً وَأَفْضَلَهُ عِتْقاً مِنَ النَّارِ وَأَوْجَبَهُ رَحْمَةً وَأَعْظَمَهُ و با فضیلت ترین از جهت رهایی از آتش و لازم ترین از نظر رحمت و بزرگ ترین از نظر مَغْفِرَةً وَ أَكْمَلَهُ رِضْوَاناً وَأَقْرَبَهُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. مغفرت و کامل ترین از نظر بهشت و نزدیک ترین از نظر آنچه که دوست داری، قرار بده. اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ خدایا، آن را آخرین رمضانی قرار نده که روزه گرفتم و مکرّر توفیق رمضان را نصیبم کن حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً وَأَنْتَ عَنِّي تا پیوسته از من راضی شوی و مرا با سلامت کامل از دنیا خارج کنی درحالی که تو رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ. اَللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ از من راضی هستی و مرا راضی کرده ای. خدایا، در قضا و قدر حتمی و غیر قابل تغییر الْمحْتُومِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي خود، مرا در این سال و هر سال دیگری از حجاج بیت اللّه الحرام بنویس. حاجیانی هَذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ که حجشان خوب و پسندیده و سعیشان مأجور و گناهانشان بخشیده و اعمال حجشان الْمُتَقَبَّلِ عَنْهُمْ مَنَاسِكُهُمُ الْمُعَافَيْنَ عَلَى أَسْفَارِهِمُ الْمُقْبِلِينَ عَلَى نُسُكِهِمْ قبول و سفرشان در عافیت باشد و با اقبال قلبی مناسکشان را انجام داده اند و جان و مال

الْمحْفُوظِینَ فِی أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ وَذَرَارِیِّهِمْ وَکُلِّ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیْهِمْ و نسلشان حفظ شده است. مرا در هر آنچه که به آنها روزی کردی سهیم گردان. اَللَّهُمَّ اقْبَلْنِی مِنْ مَجْلِسِی هَذَا فِی شَهْرِی هَذَا فِی یَوْمِی هَذَا فِی خدایا، مرا در همین مجلس و همین ماه و همین روز و همین سَاعَتِی هَذِهِ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِی مَغْفُوراً ذَنْبِی مُعَافًی مِنَ النَّارِ لحظه رستگار و نجات یافته و مستجاب و بخشیده شده وَمُعْتَقاً مِنْهَا عِتْقاً لَا رِقَّ بَعْدَهُ أَبَداً وَلَا رَهْبَةً یَا رَبَّ الْأَرْبَابِ. و رها شده از آتش قرار بده. ای پروردگار مربّیان. اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تَجْعَلَ فِیما شِئْتَ وَأَرَدْتَ وَقَضَیْتَ وَقَدَّرْتَ خدایا، از تو می خواهم که در آنچه که خواستی و اراده کردی و قضا کردی وَحَتَمْتَ وَأَنْفَذْتَ أَنْ تُطِیلَ عُمُرِی وَتُنْسِئَ فِی أَجَلِی وَأَنْ تُقَوِّیَ و تقدیر نمودی و حتمیّت دادی و حکم نمودی، عمرم را دراز کنی و اجلم را از ضَعْفِی وَأَنْ تُغْنِیَ فَقْرِی وَأَنْ تَجْبُرَ فَاقَتِی وَأَنْ تَرْحَمَ مَسْکَنَتِی وَأَنْ یاد ببری و ضعفم را تقویت و فقرم را جبران و نیازهایم را برطرف سازی و بر تُعِزَّ ذُلِّی وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعَتِی وَأَنْ تُغْنِیَ عَائِلَتِی وَأَنْ تُونِسَ وَحْشَتِی بیچارگی ام رحم نمایی و ذلتم را عزّت و زمینگیری ام را رفعت بخشی و مخارجم را

وَأَنْ تُكْثِرَ قِلَّتِی وَأَنْ تُدِرَّ رِزْقِی فِی عَافِیَهٍ وَیُسْرٍ وَخَفْضٍ وَأَنْ تَکْفِیَنِی تأمین و تنهایی ام را أنس و کمیم را زیاد کنی و روزی ام را در عافیت و آسانی مَا أَهَمَّنِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی وَلَا تَکِلَنِی إِلَی نَفْسِی فَأَعْجِزَ قرار دهی و امورات مشکل دنیا و آخرتم را کفایت کنی و مرا به خودم وانگذاری؛ عَنْهَا وَلَا إِلَی النَّاسِ فَیَرْفُضُونِی وَ أَنْ تُعَافِیَنِی فِی دِینِی وَ بَدَنِی زیرا در این صورت از آنها عاجز خواهم ماند. همین طور مرا به مردم وانگذار که وَجَسَدِی و رُوحِی وَوُلْدِی وَأَهْلِی وَأَهْلِ مَوَدَّتِی وَإِخْوَانِی وَجِیرَانِی مرا خواهند راند. مرا در دین و بدن و جسم و روح و فرزندان و خانواده و دوستان مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِینَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْیَاءِ مِنْهُمْ و برادران و همسایگان اعم از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات، زنده و مرده وَالْأَمْوَاتِ وَأَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِالْأَمْنِ وَالْإِیمَانِ مَا أَبْقَیْتَنِی فَإِنَّکَ وَلِیِّی ایشان، عافیت بخش و امنیّت و ایمان تا روزی که زنده ام، عنایت کن؛ زیرا تو ولیّ وَمَوْلَایَ وَثِقَتِی وَرَجَائِی وَمَعْدِنُ مَسْأَلَتِی وَمَوْضِعُ شَکْوَایَ وَمُنْتَهَی و سرور و مورد اعتماد و امید و معدن نیازها و محل گلایه ها و نهایت علاقه های من هستی. رَغْبَتِی فَلَا تُخَیِّبْنِی فِی رَجَائِی یَا سَیِّدِی وَمَوْلَایَ وَلَا تُبْطِلْ طَمَعِی وَرَجَائِی. بنابراین ای سرور و مولایم مرا در امیدم، دست خالی نکن و طمع و امیدم را باطل نگردان.

ص:۲۴۲

فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْکَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْکَ أَمَامِی وَأَمَامَ خدایا با محمّد و خاندانش به تو متوجّه شده ام. آنها را در مقابل خود و نیازها و درخواست ها حَاجَتِی وَ طَلِبَتِی وَتَضَرُّعِی وَمَسْأَلَتِی فَاجْعَلْنِی بِهِمْ وَجِیهاً فِی الدُّنْیا و تضرعم قرار داده ام. بنابراین مرا به واسطه آنها از آبرومندان و مقربان در دنیا و آخرت وَالْآخِرَهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ فَإِنَّکَ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لِی بِهِمُ قرار بده. تو با شناساندن آنها بر من لطف کردی، بنابراین به واسطه آنها نیز مرا سعادتمند السَّعَادَهَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ زِیَادَهٌ فِیهِ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِهِمْ فَاخْتِمْ لِی گردان؛ زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی. در نقلی دیگر فقراتی اضافه می باشد: تو با آنها بر من بِالسَّعَادَهِ وَالسَّلَامهِ وَالْأَمْنِ وَالْإِیمَانِ وَالْمَغْفِرَهِ وَالرِّضْوَانِ وَ السَّعَادَهِ لطف کردی، بنابراین به واسطه خودشان نیز مرا سعادتمند و سالم و ایمن و با ایمان و بخشیده وَالْحِفْظِ یَا اللَّهُ أَنْتَ لِکُلِّ حَاجهٍ لَنَا. فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنَا و اهل بهشت و سعادت و حفظ گردان. ای خدا، من برای همه نیازهایم، تنها تو را دارم. بنابراین وَلَا تُسَلِّطْ عَلَیْنَا أَحَداً مِنْ خَلْقِکَ لَا طَاقَهَ لَنَا بِهِ وَاکْفِنَا کُلَّ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ بر محمّد و خاندانش درود فرست و به ما عافیت بده و احدی از خلقت را که ما تحمّل او را نداشته الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ باشیم، بر ما مسلط نکن و تمام امورات دنیا و آخرت مان را کفایت کن. ای صاحب جلالت و بزرگواری.

ص:۲۴۳

کَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ بر محمّد و خانـدانش درود فرست مانند آنچه از درود و بر کات و ترحمات و مهربانی ها بر ابراهیم وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

و خاندان او فرستادی. همانا تو ستوده و جواد هستی.

متفرّقات

دعای بیست و نهم

دعای طلب روزی حلال و دفع حوادث ناگوار بعد از نماز صبح(۱)

این دعا از حضرت بقیه اللّه به دست محمّد بن صلت قمی رسیده است.

متن دعا:

اَللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ خدایا، ای پروردگار نور عظیم و عرش بلند و دریای متلاطم و ای نازل کننده وَمُنْزِلَ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الزَّبُورِ تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و حرارت و نازل کننده زبور و فرقان وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ أَنْتَ و پروردگار ملائکه مقرّبین و انبیاء و مرسلین. تو خدای همه موجودات آسمانی إِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ إِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَ أَنْتَ و زمینی هستی. غیر از تو معبودی در آنها نیست. تو الزام کننده تمام

ص:۲۴۵

۱- ۱۰۲. إقبال الأعمال / ص ۶۳۱ / فصل فيما نذكره من زياره مختصه؛ مصباح المتهجّد / ص ۸۲۱ / زياره رواها ابن عياش؛ بحارالأنوار / ج ۸۳ / ص ۱۷۱ / باب ۴۳ – التعقيب المختص بصلاه الفجر.

جَبَّارُ مَنْ فِی السَّمَاءِ وَ جَبَّارُ مَنْ فِی الْأَرْضِ وَ لَا جَبَّارَ فِیهِمَا غَیْرُک موجودات آسمانی و زمینی هستی و غیر از تو الزام آوری نیست. تو خالق وَأَنْتَ خَالِقُ مَنْ فِی السَّمَاءِ وَخَالِقُ مَنْ فِی الْأَرْضِ لَا خَالِقَ فِیهِمَا غَیْرُکَ تمام آسمان ها و زمین ها هستی و آن دو غیر از تو خالقی ندارند. تو وَ أَنْتَ حَکَمُ مَنْ فِی السَّمَاءِ وَ حَکَمُ مَنْ فِی الْأَرْضِ لَا حَکَمَ فِیهَا غَیْرُکَ. حکمران در آسمان و زمین هستی و غیر از تو کسی حکمران آن دو نیست. اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْمُشْرِقِ الْمُنِیرِ خدایا، از تو می خواهم به جمال بزرگوارانه و به نور سیمایت که روشنی بخش است وَ مُلْکِکَ الْقَدِیمِ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ و مُلک ازلیّت، ای زنده و برپا کننده از تو می خواهم با آن نامی که آسمان و زمین السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ وَ بِاسْمِکَ الَّذِی یَصْلُحُ عَلَیْهِ الْأَوَّلُونَ با آن روشن است و با آن نامی که اوّلین و آخرین با آن اصلاح می شوند. ای زنده قبل از وَ الْآخِرُونَ یَا حَیّاً قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَیَا حَیّاً بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ وَ یَا حَیّاً حِینَ هر زنده ای. ای زنده بعد از هر زنده ای و ای زنده در زمانی که زنده ای نبود لَا حَیَّ یَا مُحْیِیَ الْمَوْتَی وَیَا حَیُّ یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ. و ای زنده کننده مردگان و ای زنده، ای لااله الا اللّه، ای زنده و پابرجا.

ص:۲۴۶

أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ درخواست می کنم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و از آنجا که گمان می کنم و نمی کنم، أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَاأَحْتَسِبُ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً طَیِّباً وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّی به من روزی دهی، روزی وسیع و حلال و گوارا. همین طور در همه گرفتاری هایم گشایشی کُلَّ غَمٍّ وَکُلَّ هَمٍّ وَأَنْ تُعْطِیَنِی مَا أَرْجُوهُ وَ آمُلُهُ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ. ایجاد کنی و آنچه را که امید و آروزیش را دارم، عنایت کنی. همانا تو بر هر چیزی توانا هستی.

ص:۲۴۷

دعای سی ام

تسبیح صاحب الزمان علیه السلام(۱)

تسبیح صاحب الزمان علیه السلام از روز هجدهم تا آخر ماه:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ.

خداوند به تعداد مخلوقاتش پاک و منزّه است.

سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ.

خداوند به اندازه دلخواه خودش پاك و منزّه است.

سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ.

خداوند به تعداد کشش مخلوقاتش پاک و منزّه است.

سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَهَ عَرْشِهِ.

خداوند به اندازه وزن عرششِ پاك و منزّه است.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذٰلِكَ.

خدا را به اندازه های قبلی حمد و ثنا می گویم.

---

۱ - ۱۰۳. الدعوات / ص ۹۴ / تسبیح الحسن بن علی الزکی علیه السلام؛ بحارالأنوار / ج ۹۱ / ص ۲۰۷ / باب ۳۷ - عوذات الأيام.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹